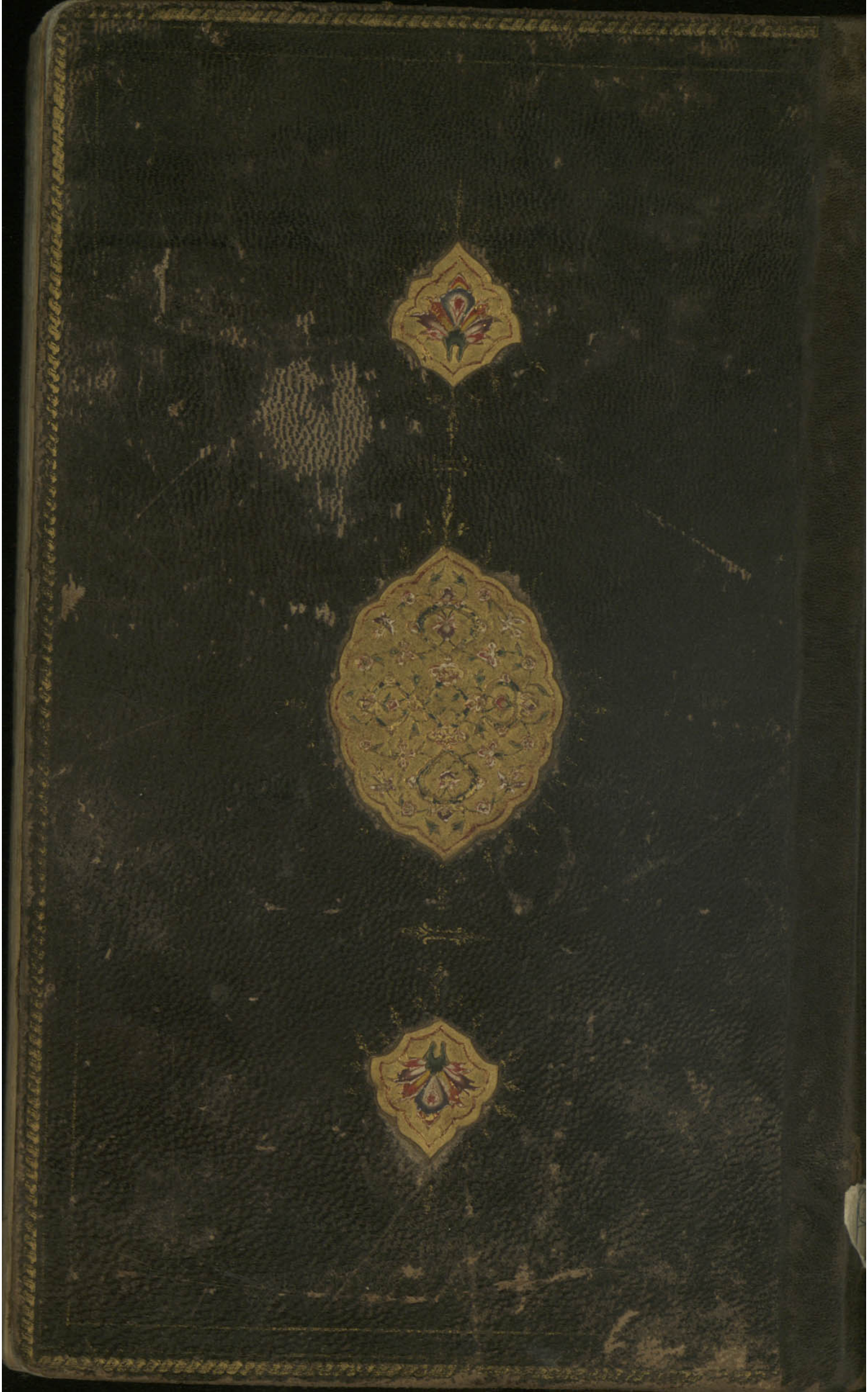

۵۹۵۵

۶۰۶۴
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
اسم کتاب خلاصة الاقوال
مؤلف
موضوع تألیف
۵۹۵۵ ۱۲۶۲
مؤسسهٔ ۱۳۰۲
شمارهٔ دفتر
۱۶۱۴۷
۶۸۹۷

بازدید شده
۱۳۸۲

ترجمهٔ کتاب

خلاصة الاقوال

لمحمد باقر بن محمد حسین التبریزی

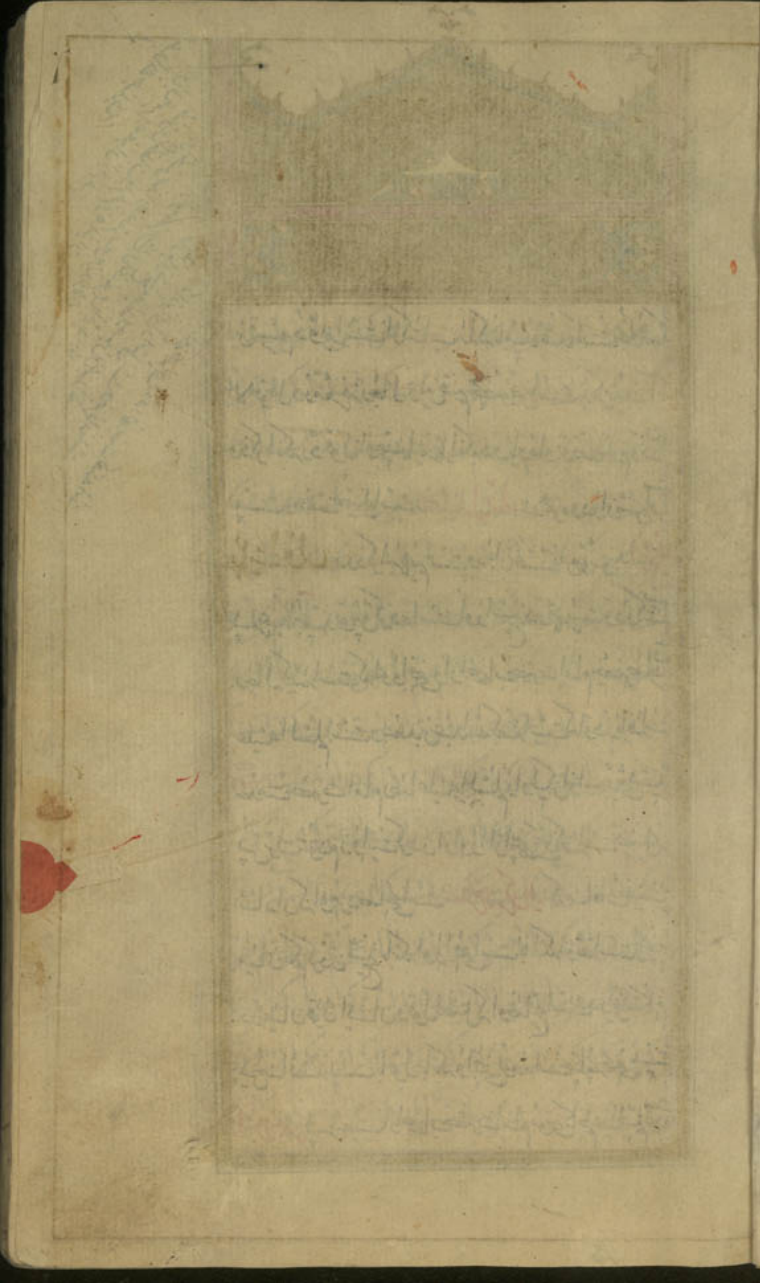

المجلد الثاني من ترجمة كتاب خلاصة الرجال

این قسم دوّیم است از کتاب ما که نامیده شده است بخلاصة
الاقوال در معرفة رجال و این قسم مخصوص است بذکر ضعفاء
و ذکر انکه ردّ قول او مینمایم یا انکه در باره او توقف دارم و در آن
بیست و هفت فصل است **فصل اوّل** در همزه و در آن شش باب
باب اوّل در ذکر ابرهیم است و بیان آنکه هشت نفر موسومند **ابرهیم**
پسر عبد الحمید توثیق کرده است او را شیخ در فهرست و در کتاب
رجال گفته است که او واقفی و از اصحاب حضرت امام جعفر صادق
علیه السّلام است و سعد بن عبد الله گفته است که او در یافته است
خدمت حضرت امام رضا علیه السّلام را و لیکن از او حدیثی نشنیده
پس ترک نمودم روایت کردن از او را از انجهت و گفته است فضل بن
شاذان که او مرد صالحی است **مترجم گوید** که منافاتی نیست در
میان حکم کردن شیخ بانکه او واقفی است با انکه او ثقه است و همچنین
در میان قول ایشان و قول فضل که او صالح است و در این هنگام
پس منافضه نیست با قول بانکه واقفی بوده است چنانچه مخفی نیست
ابرهیم پسر شعیب از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام بوده است

واقفی است و اعتماد بر روایت او ندارم **ابرهیم** پسر ابو سمال اسدی غیر
منقوطه و لام و واقفی است و اعتماد بر روایت او ندارم و شیخ نجاشی
گفته است که او ثقه است **ابرهیم** پسر اسحق کنیتش ابو اسحق و از طایفه
بنی احمر بوده و از مردم نهاوند است بکسر نون اوّل که نام شهریست
در عجم و حالش در حدیث ضعیف است و تهمت زده است در دینش
و در مذهب اثنا عشری و در کارش اختلاطی بوده است اعتماد نمیکنم
بر چیزی از روایات او و ضعیف شمرده است او را شیخ طوسی در
کتاب فهرست و در کتاب رجال در ذکر اصحاب امام علی النقی
علیه السّلام گفته است که ابرهیم بن اسحق ثقه است پس اگر این همان
ابرهیم باشد پس اعتمادی بر روایت او نیست و برقی گفته است که
ابرهیم بن اسحق بن آزور بزرگوار است و باکی در او نیست **مترجم**
گوید که شیخ طوسی نهاوندیرا در باب جماعتی که هیچ روایتی
نکرده اند ذکر کرده است و گفته است که او ضعیف است پس بنا بر این
ظاهر آنست که ان ابرهیمی که از اصحاب امام علی النقی علیه السّلام شمرده
شده است نهاوندی نباشد و محتمل است که او همان کس باشد
که برقی ذکر کرده است چنانچه گفته است که او بزرگوار است و باکی
باو نیست **ابرهیم** پسر رجاء شیبانی کنیتش ابو اسحق و معروف

بابن ابی هراسه است بکسر هاء و سین بی نقطه و راء و هراسه نام
مادرش بوده غامی بود و اعتمادی ندارم بر انچه او روایت میکند
ابرهیم پسر صالح انماطی که کنیتش ابو اسحق است شیخ ابو جعفر
طوسی رحمه الله گفته است که او معتمد علیه است و همچنین گفته
است نجاشی لیکن نجاشی گفته است که او ثقه است و باکی در او
نیست و در باب ابرهیم نیز گفته است که ابرهیم بن صالح انماطی
اسدی ثقه است روایت کرده است از ابو الحسن امام موسی کاظم
علیه السلام و واقفی بوده و ظاهر انست که هر دو یکی فرزند باشند
احتمال تعدد نیز دارند پس من توقف دارم در انچه او روایت کند
ابرهیم پسر یزید مکفوف ضعیف است میگویند که در مذهبش
غلو بوده است پس عمل بر روایت او نمیکنم **ابرهیم** پسر عبد الله پسر
علا که از مردم مدینه بوده است ابن غضایری گفته است که نمی
شناسیم او را مگر بانچه نسبت میدهد بسوی او عبد الله بن محمد
بلوی و نسبت میدهد بسوی پدرش که عبد الله بن علا باشد عمادة
بن یزید و استاد داده است بسوی او مکرم فاسد دروغ ضایع را
گفته است ابن غضایری که من نمیدانم که نام او را وضع کرده اند بر غیر
واحد و من میگویم که از همین جهت است که اعتماد بر روایت او نمی نمایم از جهت انکه

ابن غضایری در او طعن زده است با وجود انکه واقف نکرد بدین ام
بر تعدیل او از غیرش **باب دویم** در بیان احوال اسمعیلان
و بان نامشت نفر موسوم اند **اسمعیل** پسر سماک بسین بی نقطه و کاف
بعد از الف و بعضی بجای کاف لام گفته اند و بعضی اسمعیل بن ابی
سماک گفته اند و او برادر ابرهیم است و بوده است واقفی و نجاشی گفته
است که او واقفی و ثقه بوده است پس اعتماد بر روایت او نمیتوان نمود
مترجم گوید که ظاهر انست که ابرهیم برادر اسمعیل همان ابرهیم
است که پیش مذکور شد و در انجا بلام ضبط کرده و در اینجا بکاف و
خلافی که در اینجا نقل کرده میبایست که در ذکر ابرهیم نیز نقل کند و ظاهر
انست که اکتفا کرده است بذکر در اینجا باعتبار اینکه اسمعیل برادر ابرهیم
است و بقرینه ذکر در اخر احوال اول نیز معلوم میشد **اسمعیل** پسر
قتیبه بضم قاف و فتح تاء نقطه دار بدو نقطه در فوق پس یاء ساکن
نقطه دار بدو نقطه از تحت پس باء مفتوح منقطه پلت نقطه مجهول
است و از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام بوده است **اسمعیل**
پسر ابو زیاد سکونی شعیری عامی بوده است **اسمعیل** پسر علی کثیر عزی او
پسر رزین بتقدیم راء بر زای و رزین پسر عثمان بن عبد الرحمن بن عبد الله
بن بدیل بن ورقاء خزاعی بوده و کنیتش ابو القسم است و پسر برادر

دغبل است جایش درواسط بوده ودرانجا متولی حسبه بوده وامرش
درحدیث مختلط بوده گاهی معروف بوده حدیثش وگاهی معروف نبوده
وابن غضایری گفته است که او کذاب بوده ووضع الحادیث پسار نکرده
النفاتی نباید کرد باانچه اوروایت کرده است ازپدرش ازحضرت امام
رضا علیه السلام ونه بغیران ونه بانچه تصنیف کرده است ومن بتوفیق
همچنین کسی اعتماد ندارم بجهت انکه بزرگان شهادت داده اند بانکه او
ضعیف الحال وروایتش مختل است اسمعیل پسر عمر کیرانی کلینی واقفی
است روایت کرده است پدرش ازابوعبدالله امام جعفر صادق و
ابوالحسن امام موسی کاظم وروایت کرده است اوازپدرش اسمعیل
پسر سهل دهقان نجاشی گفته است که اصحاب ما تضعیف او کرده اند
اسمعیل پسر یسار هاشمی اورا ذکر کرده اسمعیل بن علی بن عبدالله بن عباس
بوده ذکر کرده اند اصحاب ما اورا که ضعیف است اسمعیل پسر عمار برادر
اسحق روایت کرده است کتبی حدیثی که درطریقش ضعفی هست انکه چون
حضرت صادق علیه السلام چون اسمعیل واسحق را میدیدند میفرمودند
این لفظ را که وقد یجمعهما لاقوام یعنی گاهی هست که حق تعالی دنیا
واخرت را ازبرای اقوامی جمع میکند ومراد انحضرت انست که ازبرای
اسمعیل واسحق دنیا واخرت هردو جمع شده وما ذکر کرده ایم سند

فخررازی

ایحدیث را درکتاب بزرگ خود وقوی تر نزد من توقف درروایت او تا
تا انکه ثابت شود عدالتش **باب سیم** درشناختن احوال اسحق
وبان نام هفت نفر موسومند **اسحق** پسر عمار پسر حیان ازاد کرده بنی
تغلب که کنیتش ابویعقوب بوده وعملش صرافی بوده بزرگی ازاصحاب
ما بوده ومعتمد علیه نیز بوده وروایت کرده است ازحضرت
امام جعفر صادق وامام موسی کاظم علیهما السلام وفطحی مذهب
بوده وشیخ طوسی گفته است که ولیکن ثقه وراست گو بوده و
براصلش اعتماد هست وهمچنین گفته است نجاشی پس بهتر نزد من
توقف است درانچه او به تنهائی روایت کند **اسحق** پسر جریر بجیم
وراء وباء منقوطه بدو نقطه درتحت وبعد ازان راء پسر زید
پسر جریر پسر عبدالله بجلی که کنیتش ابویعقوب است وراست گو ومعتمد
علیه بوده وروایت میکند ازابی عبدالله حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام وواقفی بوده است پس قوی تر نزد من توقف نمودنست
دررواییکه به تنهائی روایت کرده باشد **اسحق** پسر محمد که ازمردم
بصره بوده است اورا انسب بغلو داده اند واز اصحاب امام محمد تقی
علیه السلام است **اسحق** پسر بشر که کنیتش ابوحذیفه ومنسوب
بقبیله کاهل بن اسد بن خزیمة واز مردم خراسان بوده روایت

کرده است از حضرت صادق علیه السلام و او از سیّان بود و او از کو
بود و او از جمله اصحاب الخضرت شمرده اند اسحق پسر محمد پسر احمد
پسر ابان و پسر هزار براء تشدید دار و بعد از الف نیز راء که پسر عبد الله
بوده و معروف بوده است عبد الله بعقبه بعین مضموم غیر منقوطه
وقاف و باء موحده و به عقاب نیز معروف بوده بعین غیر منقوطه و تشدید
قاف و عبد الله پسر حارث نخعی بود و برادر اشتر و کنیتش ابو یعقوب
و از قبیله بنی احمر بوده و معدن تخلیط بوده و از برای او کتابهای
بسیار است در تخلیط قبول نمیکنم روایت او را و ابن غضایری
گفته است که مذهب او فاسد بوده و بسیار دروغگو بوده است
در روایت و وضع حدیث بسیار مسموده است الثقات نباید
کرد بسوی آنچه او روایت کرده است و اعتماد بر حدیثش نیست و از برای
عیاشی برای مشهور با او خبری مشهور هست در باب اینکه وضع حدیث
منکر داشته است و اسحاقیه منسوبند باو اسحق پسر حسن پسر بکران
پسر حسین عقرانی بعین مفتوح غیر منقوطه و قاف ساکن و بعد از
راء خرما فروش بوده و احادیث بسیار شنیده است و در نقد حدیث
ضعیفی هست نجاشی چنین نقل کرده است و گفته است که دیدم
او را در کوفه در حالتی که در انجا مجاور بود اسحق پسر عبد العزیز

بزاز از مردم کوفه بوده است و کنیتش ابو یعقوب بوده و لقبش ابو
الشفائج است روایت کرده است از ابی عبد الله حضرت صادق
علیه السلام و ابن غضایری گفته است که حدیث او یکمرتبه معروف
و یکمرتبه غیر معروف است و جایز است که کلام ابن غضایری شاهد
احوال او باشد **باب چهارم** در بیان حال احمد
و بیان نام پنجاه و پنج نفر موسومند **احمد** پسر زیاد خرّوش از اصحاب
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است و واقفی است **احمد**
پسر فضل خزاعی از اصحاب حضرت کاظم علیه السلام است و واقفی است
احمد پسر حسن پسر اسمعیل پسر شعیب پسر میثم خرما فروش که از اذ
کرده قبیله بنی اسد بوده و ان احمد از جهت نسبت بجدش میثمی میگفته
اند از اصحاب حضرت کاظم علیه السلام است و واقفی است نجاشی
گفته است که او بهر حالت راستگو و صحیح الحدیث و معتمد علیه است
و نزد من در باب او توقفی نیست **احمد** پسر حارث نماطی از اصحاب
حضرت کاظم علیه السلام است و واقفی است و بود از اصحاب مفضل
بن عمر و روایت کرده است پدرش از حضرت صادق علیه السلام **احمد**
پسر هلال عبرتائی بعین غیر منقوطه و باء منقوطه بنکته در تحت
و بعد از ان تاء منقطه بدو نقطه در فوق منسوبست بعبرتا کران

دهی است در ناحیهٔ اسکاف بنی جنید که از دههای نهروانست
واو غالی بوده است و وارد شده است در بیان او مذمت بسیاری
از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ابو علی بن همام گفته است
که متولد شد احمد بن هلال در سال صد و هشتاد از هجرت
و وفات یافت در سال دویست و شصت و نه و نجاشی گفته است
که روایت او صالح است و بعضی از روایاتش معروف و بعضی غیر
معروف است و توقف کرده است ابن غضایری در حدیث او و مکرد
انچه روایت میکند از حسین بن محبوب از کتاب مشیخه و از محمد بن ابی عمیر
از نوادرش و شنیده اند و کتاب را اکثر اصحاب حدیث و او را
معتمد دانسته اند در روایت انها و من چنان میدانم که روایت او
مقبول نیست **احمد** پسر ابی بشر سراج که از مردم کوفه و عزیز غیر بعضا
بوده است و کنیتش ابو جعفر بوده است راستگو بوده است و در حدیث
و مذهبش مذهب واقفیه بوده روایت کرده است از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام **احمد** پسر حسین بن پسر سعید بن پسر حماد بن پسر
سعد بن پسر مهران از اد کرده حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بوده است و کنیتش ابو جعفر و از مردم اهواز بوده و ملقب بوده است
به دندان بدال غیر منقطه پیش از نون و بعدش روایت کرده است

از جمیع مشایخ پدرش مگر از حماد بن عیسی در انچه گمان کرده اند قمیون
و ذکر کرده اند که او غالی است و حدیث او یکمرتبه معروف و مرتبهٔ
دیگر غیر معروف است و ابن غضایری گفته است که حدیث او در انچه
من دیدم ام سالم است و معتمد علیه نزد من توقف است در انچه
او روایت میکند **احمد** پسر محمد بن پسر سیار بسین غیر منقوطه و یا
مشدده منقوطه بدو نقطه تحتانی و راء بعد از الف که کنیتش
ابو عبد الله و عملش کتابت و شهرش بصره بوده و گویا از نویسندگان
الطاهر در زمان ابو محمد عسکری علیه السلام بوده و معروف است
بسیاری باعتبار نسبتش بجدش حدیثش ضعیف و مذهبش فاسد
و روایتش مترلزل و مراسیل در روایتش بسیار است حکایت کرده است
از او محمد بن محبوب در کتاب نوادری که تصنیف کرده است که او قابل
بوده است بتناسخ **احمد** پسر حسن بن پسر علی بن پسر محمد بن پسر علی بن پسر
فضال بن پسر عمر بن پسر ایمن از اد کرده عکرمة بن ربعی که لقبش فیاض و کنیتش
ابو عبد الله است و بعضی گفته اند که ابو الحسین بوده است فطحی
مذهب بوده و لیکن در حدیث راستگو بوده و وفات یافت در سال
دویست و شصت از هجرت و من در روایت او توقف دارم **احمد**
پسر ابو اهر و اسم او ابو زاهر موسی بوده است که کنیتش ابو جعفر اشعری

واز مردم قم بوده است عزی غیر خالص بوده و در وشناس بوده است
در قم و حدیثش پر پاک از غش نیست و محمد بن یحیی عطار مخصوص ترین
اصحاب او بوده است با او احمد پسر محمد پسر علی پسر عمر پسر رباح پسر
قیس پسر سالم قلاء سواق کنیتش ابو الحسن بوده و از او کرده سعد بن
ابی وقاص بوده و ایشان سه برادر ند یکی همین ابو الحسن است و دیگری
برادر وسط که ابو الحسین محمد باشد و او از اهل علم نبوده و دیگری
که کوچکتر بوده ابو القسم علی و او محدث تر از همه بوده است و جد ایشان
عمر بن رباح علا بوده است روایت کرده است از ابی عبد الله حضرت
صادق و ابی الحسن حضرت امام موسی کاظم و واقفی شده و همه در زندان
واقفی اند و اخر کسی که باقی ماند از ایشان ابو عبد الله محمد بن علی بن
عمر بن رباح بوده است و او بنیاد دشمنی میکرده است با اهل حق
و ابو الحسن احمد بن محمد راست گو در حدیث بوده است و من قول نمیکنم
روایت او را هر گاه که تنها روایت کرده باشد احمد پسر محمد پسر سعید
پسر عبد الرحمن پسر زیاد پسر عبد الله پسر عجلان پسر سعید پسر قیس
که منسوب بقبیله سبیع است که در همدان بوده اند و مردم کوفه
و معروف باین عقده بوده که کنیتش ابو العباس بوده قدرش نزد
و منزلتش جلیل بوده و زیدی و جارودی مذهب بوده و بر ان مذهب

فاسد بوده تا وفات یافت و ما او را از جمله اصحاب خود شمرده ایم از انجهت
که از اصحاب ما روایت بسیار کرده است و با ایشان مخالط بوده
و از برای ایشان تصنیف کرده است و روایت کرده است جمیع کتابهای
اصحاب ما را و تصنیف کرده است برای ایشان و ذکر کرده است
اصول ایشان را و بوده در نهایت حفظ در روایت و شیخ طوسی رحمه الله
گفته است که شنیدم از جماعتی که حکایت میکردند از او که میگفت
که من در خاطر دارم صد و بیست هزار حدیث را با سندهایش و بیست
هزار حدیث را بر سبیل مذاکره میدانم و از برای او کتابهای بسیار
است که انها را در کتاب برزخ خود ذکر کرده ایم از انجمله کتاب
اسماء الرجال است که روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام
چهار هزار نفر و اخراج کرده است در ان کتاب از برای هر نفری
همان حدیثی را که روایت کرده است و وفات یافت در کوفه در سال
سیصد و سی و سه از هجرت احمد پسر علی که کنیتش ابو العباس
بوده است و بعضی گفته اند که کنیتش ابو علی بوده و از مردم ری بوده
و از اهالی نبوده که طایفه اند از مقدوا و را خضیب میگفته اند
بخاء منقوطه و ضاد منقوطه بحدا عتماد نزدیک بوده در حدیث
و تهمت زده شده بوده بانکه غالی است و تصنیف کرده است کتاب

الشفاء والجلاء را در تحقیق غیبت حضرت صاحب الامر علیه السلام
و شیخ طوسی کتاب او را پسندیده است و ابن غضایری گفته است
که حکایت کردم مرا پدرم که در مذهب او غلوی بوده و حدیث او
یکمرتبه معروف ما بود و یکمرتبه غیر معروف بوده **احمد**
پسر محمد پسر عبد الله پسر حسن پسر عیاش بشین منقوطه پسر ابراهیم
پسر ایوب جوالیقی فروش که کنیتش ابو عبد الله بوده بسیار حدیث
شنیده و عقلش در اخر عمرش مختل و مضطرب گردید و تصنیف چند
کتاب کرده است از انجمله کتاب مقتضب الاثر است در امامت
ائمه اثنی عشر و شیخ نجاشی گفته است که ان شیخ را املاقات کرده
بودم و دوست من و بجای پدرم بود و از او حدیث بسیار شنیدم
و مشایخ خود را دیدم که تضعیف او میکردند از انجهت از او
روایت نکردم و اجتناب از روایت او کردم و وفات یافت در سال
چهار صد و یازده از هجرت **احمد** پسر ادریس با تو روایت کرده است شیخ
کشی بطریقی که معلوم نیست صحت ان که حضرت امام رضا علیه السلام
او را لعنت کرده و بهتر نزد من توقف نمودن است در انچه او روایت میکند
احمد پسر حماد که منسوب بمرو بوده روایت کرده است شیخ کشی که حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام نوشت بسوی او که پدرت فوت شد

حق تعالی از او واز تو خوشنود باد و او نزد ما پسندیده بوده و هر گز
ناپسندیده نبوده و باز روایت کرده است از او چیزهای بدکه دلالت
میکند بر عمل ننمودن بروایتش و من از او ذکر کرده ام در کتاب بزرگ
خود و بهتر نزد من توقف نمودن است در انچه او روایت میکند **احمد**
پسر علی پسر علی پسر کلثوم از اهل سرخس و متهم بوده است بغلو شیخ
کشی گفته است که از جمله قوم ما بوده و بر حدیثش خاطر جمع و
بهتر نزد من ذکر کردن روایت او ست **احمد** پسر بشیر و احمد پسر
حسین پسر سعید که روایت کرده است از ایشان احمد بن محمد بن
یحیی و هر دو ضعیفند و شیخ طوسی ذکر کرده است که تضعیف ایشان را
ابن بابویه ذکر کرده است **احمد** پسر محمد که کنیتش ابو عبد الله خلیلی بوده
که او را غلام خلیل نیز میگفته اند و از مردم امل و طبرستان بوده
بغایت ضعیف و دروغگو و وضع کننده حدیث و فاسد المذهب
بوده التفات بحدیث او نمیتوان کرد **احمد** پسر رشید پسر خیثم که از
طایفه بنی عامر و بنی هلال بوده ابن غضایری گفته است که او زیدی
مذهب است داخل منکرده است حدیث خود را در میان حدیث
اصحاب ما و ضعیف و فاسد الاعتقاد بوده **احمد** پسر مهران
روایت کرده است از او کلینی در کتاب کافی و ابن غضایری گفته

است که او ضعیف است **احمد** پسر قاسم پسر طرخان ابن غضایری
گفته است که او ضعیف است **احمد** پسر عبد الله اصفهانی که او را
حافظ ابو نعیم میگفته اند بنون مضموم و شیخ ما محمد بن علی بن
شهر آشوب گفته است که او عامی بوده **احمد** پسر عبد الملک
مؤذن که کنیتش ابو صالح بوده محمد بن شهر آشوب گفته که او عامی بود

باب پنجم در بیان احوال امیه و ابان نام دو نفر موسوم
امیه پسر عمرو که از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
است واقفی بوده **امیه** پسر علی که از بنی قیس و ساکن در شام بوده
ضعیف شمرده اند او را اصحاب ما و گفته اند که روایت کرده است
از حضرت ابو جعفر ثانی امام محمد تقی علیه السلام و گفته است ابن
غضایری که کنیت او ابو محمد و در جمله قمیون بود و روایتش ضعیف
و در مذهبش غلوی بوده **باب ششم** در بیان احوال جماعتی
که نامهای ایشان متفرق است و ایشان نه نفرند **اشعث** پسر
قیس که از قبیله کِنده بود کنیتش ابو محمد است مرتد گشت بعد از پیغمبر
صلی الله علیه و آله و در همه کام مرتد شدن اهل بیت یاسر و ابو بکر
خواهر خود ام فروه را باو تزویج کرد و بیت چشم ام فروه کور بود پس از
برای او محمد را زاید و بود از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام و

بعد از آن خارجی و ملعون گردید **ابان** بضم همزه پسر ضعیف بد
اعتقاد بود در بان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام **ابان**
پسر ابو عیاش بعین غیر منقطه و شین منقوطه و اسم ابو عیاش
فیروز بود بفتح فاء و سکون یاء منقوطه بدو نقطه در تحت و بعد
از آن راء و بعد از واو زای تا بعی ضعیف بود روایت کرده است
از انس بن مالک و روایت کرده است از علی بن الحسین علیه السلام
و التفات باو نباید کرد و نسبت میدهند اصحاب ما بسوی
او وضع نمودن کتاب سلیم بن قیس را که چنین گفته است ابن غضایری
و گفته است سید علی بن احمد عقیقی و فروش در کتاب رجال که سبب
تشیع ابان بن ابی عیاش سلیم بن قیس هلالی بوده است از انجهت
که چون سلیم را حجاج طلبید که بقتلش آورد بجهت آنکه او از اصحاب
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گریخت بسوی ناحیه از زمین
فارس و پناه او رد بسوی ابان بن ابی عیاش و چون سلیم را امر رد در
رسید گفت با بن ابی عیاش که از برای تو بر من حقی هست و مرا امر رد
در رسیده است ای پسر برادر بدانکه بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله
چنین حکایتها شده و سلیم با بان کتابی داد پس روایت نکرده است
از سلیم بن قیس کسی غیر از ابان و ذکر کرده است ابان در حدیثش که بود

سلیم بن قیس شیخ عبادت کنندهٔ که در صورتش نور ظاهری بود و
قوی تر نزد من توقف نمود لست در انچه او روایت کند از جهت انکه
بر ضعف او ابن غضایری شهادت داده است و شیخ طوسی نیز در کتاب رجال
او را ضعیف شمرده است **افلح** بفاء و حاء غیر معجمه از اصحاب حضرت
امام رضا علیه السلام و مجهول است **اذکر** پسر محمد فلانی از اهل بلخ
بود و روایت نکرده است از ائمه علیهم السلام و بعضی گفته اند که علتش
ان بوده که قابل بتفویض بوده **اسد** پسر ابو العلا شیخ کشی رحمه الله
گفته است که او روایت از مجاهیل میکند **اسلم** که از مردم مکه بود
ازاد کردهٔ محمد بن الحنفیه است و روایت کرده اند که او فاش کرد سر
حضرت امام محمد باقر را و اینکه انحضرت فرموده که اگر همه مردم شیعهٔ
ما کردند خواهند بود ثلث ایشان شک کنندگان در امر ما و
ربع دیگر احمق و روایت کرده است از شیخ کشی از حمدویه از ایوب
پسر نوح از صفوان پسر یحیی از غاصم پسر حمید از سلار پسر سعید حبحبی
که منسوبست ببنی حبحب و نزد من الحال معلوم نیست کیفیت حالات
و سلار پس اگر ثقه باشد سند حدیث صحیح خواهد بود و اگر نه توقف
نمودن در روایتش متعین است **اخمر** پسر ثبار غالی است و چنین
نبوده است **اصرم** پسر حوشب که از مردم بجیله بوده است غالی

و راستگو بوده است روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام **فصل دویم** در ذکر اسامی است که در اول انها باء
است و در ان سه باب است **باب اول** در بیان احوال
بکر و بان نام چهار نفر موسومند **بکر** پسر محمد پسر جناح از اصحاب
حضرت کاظم علیه السلام است و واقفی است **بکر** پسر صالح که
از مردم ری بوده است ازاد کردهٔ بنی ضبه است و روایت کرده
است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و بغایت ضعیف
بوده و بسیار بوده است که متفرد میکرد بین است باموری غریبه
بکر پسر عبد الله پسر حبیب که از مزینه بوده است کاهی معروف
و کاهی غیر معروف و ساکن ری بوده است **بکر** پسر احمد
پسر ابرهیم پسر زیاد پسر موسی پسر مالک پسر زید آتش کنیتش
ابو عبد الله و اسمش محمد است و میکویند که او اشیخ بن عصری بود
است که وارد کردید بر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله
در میان جماعت عبد القیس روایت میکند از حضرت امام محمد
تقی علیه السلام و کنیتش ابو محمد عصری است و کمان نمیکنند که
او از فرزندان اشیخ بن عصری است امور غریبه روایت میکند
و اعتماد بر مجاهیل داشته و او ضعیف است و امرش نا مشخص است

باب دویم در بیان احوال بشار و بان نام دو نفر موسومند **بشار** پسر زید پسر نعمان که از اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلام است و مجهول است **بشار** اشعری لعنت کرده است او را حضرت امام جعفر صادق علیه السلام **باب سیم** در ذکر اسماء منفرده است و آن پنج نفر است **بُسر** بباء مضمومه و سین ساکنه غیر منقوطه پسر ارطاة بوده لعنت کند خدا او را او از ملعونین بود که کشت در یمن دو فرزند عبد الله بن عباس را که اسم یکی قثم و دیگری عبد الرحمن بود **بشیر** که کنیتش ابو محمد و لقبش مستنیر و ازدی و نسبتش جعفی و عملش طعام فروشی بود مجهول است **بشر** پسر ربیع بتری مذهب بوده **بُنان** بضم باء که بعد از آن نون است و بعد از نون الف و بعد از الف نون روایت کرده است شیخ کشی از سعد بن عبد الله که گفت حدیث کرد مرا محمد بن خالد طیالسی از عبد الرحمن بن ابی نجران از ابن سنان که حضرت صادق علیه السلام او را لعنت کرده است **بَنِیع** بباء مفتوحه و نون و یاء منقوطه بدو نقطه در تحت روایت کرده است شیخ کشی بهمان طریق که مذکور شد که حضرت صادق علیه السلام او را و بنان را لعنت کرده است **فصل سیم** در ذکر اسامی است که در اول آنها تاء است

وان دو نفر است **تمیم** پسر عبد الله پسر تمیم قرشی که روایت کرده است از او ابو جعفر محمد بن بابویه ضعیف است **تلید** پسر سلیمان که کنیتش ابو ادریس و محارفی بود روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام و معلوم نکردیده است که کسی از علما ما متوجه جرح یا تعدیل او کردیده باشند لیکن گفته است ابن عقده که حدیث کرد ما را احمد و او گفت حدیث کرد ما را محمد بن عبد الله بن سلیمان که گفت شنیدم از ابن نمیر که میگفت ابو الجحاف ثقه است و اعتماد ندارم بانچه روایت کرده است تلید از او **فصل چهارم** در ذکر اسمی است که در اولش ثاء است و آن یک نفر است **ثابت** الهنکری کنیتش ابو المقدام و در مذهب زیدی و بتری بوده **فصل پنجم** در ذکر اسامی که در اول آنها جیم است و در آن دو باب است **باب اول** در بیان احوال جعفر است و بان نام هشت نفر موسومند **جعفر** پسر محمد پسر سماعه راستگو است در حدیث و واقفی بود **جعفر** پسر مشی خطیب او را در کرده ثقیف بود کوفی و واقفی مذهب است **جعفر** پسر محمد پسر مالک پسر عیسی پسر سابور که او را در کرده مالک بن اسماء بن خارجه فزاری بوده و کنیتش ابو عبد الله و از مردم کوفه بود شیخ نجاشی گفته

است که او در حدیث ضعیف بوده پس گفته است که احمد بن الحسین
گفته است که او وضع حدیث بسیار منکر کرده است و در روایت
منکر دست از مجهولان و شنیدم از کسی که منکفت روایت و
مذهبش نیز فاسد است و نپسندام که چون او روایت کرده استاذ
او شیخ ما که جلیل القدر و استوار بوده است ابو علی بن همام و
شیخ جلیل القدر و استوار ابو غالب زراری رحمهما الله
و تصنیف کرده است کتاب غرر الاخبار و کتابی در اخبار ائمه
و تاریخ ولادت ایشان و کتاب فتن و ملاحم را و ابن غضایری گفته
است که او کذاب بوده است و احادیث او همگی منکر و کسی و در
مذهبش غلو بوده و روایت منکر کرده است از ضعیفان و مجهولان
و هم عیبهای ضعیفان در او جمع است و شیخ طوسی رحمه الله گفته
است که جعفر بن محمد بن مالک کوفی و ثقه است و تضعیف میکنند
او را قومی روایت کرده است در کیفیت ولادت حضرت صاحب الامر
علیه السلام چیزهای غریب و ظاهر آنست که این همان شخص است
پس نزد من در حدیث او توقف است و عمل بر روایت او نمیکنم

جعفر پسر معروف ابن غضایری گفته است که لقب او ابو الفضل
و از مردم سمرقند است روایت منکند از او عیاشی بسیار و در مذهبش

غلوی بوده و حدیث او یکسر تبه معروف و بارد یگر غیر معروف است
و بهتر نزد من توقف است در روایت او آن جهت گفته ابن غضایری

جعفر پسر واقد بقاف روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن
قولویه و از حسین بن حسن بن بندار که گفت حدیث کرد ما را اسعد بن
عبد الله و او گفت حدیث کرد ما را ابراهیم بن مهزیار و محمد بن عیسی
از علی بن مهزیار که گفت شنیدم از امام محمد باقر علیه السلام که لعنت
میفرمودند جعفر بن واقد را

جعفر پسر میمون روایت کرده است
شیخ کشی از حمدویه بن نصیر و او گفت که حدیث کرد مرا ایوب بن
نوح از حنان بن سدیر از حضرت صادق علیه السلام آنچه دلالت میکند
بر آنکه جعفر بن میمون از اصحاب ابو الخطاب بوده و اینکه او از
اهل اثر است

جعفر پسر محمد پسر مفضل ساکن دزکوفر بوده و روایت
میکنند از او غالیان و پسر و ابن غضایری گفته است که ندیده ام
از او روایت صحیحی و او در همه احوالش تهمت زده شده است

جعفی
پسر اسمعیل مؤذن کوفی بوده روایت کرده است از او حمید بن زیاد
و ابن رباح ابن غضایری گفته است که او غالی و کذاب بوده

باب دوم در ذکر جماعت متفرقه که در اول اسم ایشان جیم است و ایشان پنج نفرند

جهیم بضم جیم پسر جعفر پسر حیان

واقفی بود **جندب** پسر ایوب واقفی بود **جویریه** بضم جیم پسر اسماء روایت کرده شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود جویریه زندیق است و هرگز رجوع نخواهد کرد و حمران مؤمنی است و هرگز از دین خود برنگشت و در طریق روایت است نحن محمد بصری است **جحدر** پسر مغیره طائی ساکن کوفه بوده است و روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام و از برای او از حضرت کتابی هست و ابن غضایری گفته است که او از اصحاب ابو الخطاب بوده و در کتاب او حدیثش ضعفی هست روایت نکرده است مگر از یک طریق **جماعة** پسر سعد جعفی که علش نزد کری بوده روایت میکند از حضرت صادق علیه السلام پیرون رفت با ابو الخطاب و بعضی گفته اند که حدیثش ضعیف است و مذهبش آنست که مذکور شد **فصل** **ششم** در ذکر اسامی کسانی که در اول انها حاء است و در آن شش باب است **باب اول** در بیان احوال الحسن و بان نام هفده نفر موسومند **حسن** پسر عمار از اصحاب امام محمد باقر علیه السلام و عامی بوده **حسن** پسر محمد پسر سماعه کنیتش ابو محمد و از قبیله کنده و علش مرادی و ساکن کوفه و در مذهب واقفی بوده لکن تصانیفش نیکو و در فقه دانی پاکیزه و حدیثش نیبار فقیه و ثقه بوده و

از شیوخ واقفیه بوده و در دین واقفیت معاند و متعصب بوده و در بیست محمد بن سماعه از فرزندان سماعه بن مهران وفات یافت **حسن** بن محمد بن سماعه در شب پنجشنبه پنجم شهر جمادی الاولی از سال دویست و شصت و سه در کوفه رحلت نمود و ابراهیم بن محمد علوی در قبرستان بنی جعفی بر او نماز کرد **حسن** پسر بشیر از اصحاب کاظم علیه السلام و مجهول بوده **حسن** پسر علی پسر ابو عثمان لقبش سجاده و کنیتش ابو محمد بوده از اصحاب ابو جعفر امام محمد تقی علیه السلام بوده غالی و ضعیف و از جمله قمیون بوده شیخ کشی گفته است که بر سجاده لعنت خدا و لعنت لعنت کنندگان و لعنت ملائکه و مردمان همگی باد و بخدا قسم که بوده است از جمله جماعتی که علی را خدا میدانند و سب میکند حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله را و نیست از برای او در دین اسلام بهره **حسن** پسر عبد الله که قمی بوده او را منسب بغلو میدانند **حسن** پسر محمد پسر بابا از مردم قم بوده و غالی بوده ذکر کرده است ابو محمد فضل بن شاذان در بعضی از کتابهای خود که از جمله کذابان که مشهورند ابن بابای قمی است **حسن** پسر علی پسر ابو حمزه ثمالی نام ابو حمزه ثابت بوده و از قبیله بطاین و آزاد کرده شده انصار بوده است و کنیتش ابو محمد و در مذهب واقفی بوده شیخ کشی گفته است که حدیث

کرد مرا محمد بن مسعود و گفت کسی سؤال کرد از علی بن حسن بن فضال از احوال
حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی گفت که او کذاب و ملعون است أخذ
کرده ام از او احادیث بسیار و نوشته ام از او تفسیر قرآن همه را از اول
تا باخر الا آنکه من حلال نمیدانم که روایت کنم از او حتی یک حدیث را
و حکایت کرده است ابو الحسین حمدویه بن نصیر از بعض مشایخش
که گفته است که حسن بن علی بن ابی حمزه مرد بدی بوده است و ابن
غضایری گفته است که او واقفی و پسر واقفی و ضعیف در خود بوده
است و پدرش بهتر از او بوده و علی بن حسن بن فضال گفته است که
من شرم میکنم از خدا تعالی که روایت کنم از حسن بن علی و حدیث حضرت
امام رضا علیه السلام در بیان او مشهور است حسن پسر محمد
پسر سهل نوفلی ضعیف است حسن پسر راشد طفاوی و طفاویون
جماعتی اند که منسوبند بحبال بن منبه و منبه اعصر بن سعد بن
قیس بن غیلان بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان و مسکن ایشان در
بصره است و نام مادر ایشان طفاوه دختر حرم بن زبان بوده
زاییده بود برای جال سه فرزند کجری و سری و سنان باشد و
حسن در روایت ضعیف است و ابن غضایری گفته است که حسن بن
اسد طفاوی بصری کنیتش ابو محمد بوده است روایت میکند از ضعفا

و ایشان نیز از او روایت میکنند و مذهب او فاسد است و نمی شناسم
از برای او چیزی که صالح باشد در آن مگر روایتش کتاب علی بن اسمعیل
بن شعیب بن میثم را و روایت کرده است آن کتاب را از او غیر او و
ظاهر اینست که این شخص آنکسی است که ما ذکر کرده ایم و ناسخ انداخته
است راء را از اول اسم پدرش و ابن غضایری گفته است که حسن بن
راشد از اد کرده منصور بوده کنیتش ابو محمد است روایت کرده است
از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و ضعیف
است در روایتش و در آنجا ذکر کرده است راء را در اول و ظاهر اینست
که این شخص آنکس نیست که او ذکر کرده است و نه آنکه ما ذکر کرده ایم در
قسم اول از کتاب خود از شیخ طوسی رحمه الله زیرا که او گفته است
که حسن بن راشد کنیتش ابو علی است و آزاد کرده المهلب و بغدادی
است و از اصحاب امام محمد تقی علیه السلام و ثقه است حسن
پسر ابو سعید هاشم پسر حیان بیاء منقطه تحتانی و چهار پا دار
بوده و کنیتش ابو عبد الله بوده او و پدرش هر دو روشناس بوده اند
در جماعت واقفه و حسن را استکو بوده در حدیثش ذکر کرده است
او را ابو عمرو کشی از جمله واقفه و ذکر کرده است در باره او مدحتها
که اینجا موضع ذکر آنها نیست حسن پسر خرزاد بخاء معجمه مضمومه

از اینجا تا آخر بیاض است در نسخه که ذکر کرده است دیگر

وراء مشدّده وزای وذال منقطه بعد از الف ازمردم قم بوده است
وحدیثش بسیار است وبعضی گفته اند که در اخر عمرش غالی شد
حسن پسر طیّب پسر حمزه شجاعی خصوصیتی باصحاب ما نداشته
حسن پسر عبّاس پسر حریش بحاء غیر منقطه وراء مهمله وباء منقطه
تحتانی وشین منقوطه کنیتش ابو علی بوده روایت کرده است از حضرت
امام محمّد تقی علیه السّلام بغایت ضعیف است وابن غضایری گفته
است که حسن بن عبّاس بن حریش رازی ابو محمّد ضعیف است ودر روایت
کرده است از حضرت امام محمّد تقی علیه السّلام فضل سورهٔ مبارکهٔ
انّا انزلناه فی لیلة القدر ودر ان باب کتابی تصنیف کرده است
که الفاظش فاسد ومطاوی کلماتش شهادت میدهد بر انکه
موضوع است والتفاتی باین مرد نیست وحدیثش را نباید نوشت
حسن پسر محمّد پسر یحیی پسر حسن پسر جعفر پسر عبید الله پسر حسین
بن علی بن ابی طالب کنیتش ابو محمّد ومعروف بابن اخی طاهر بوده
روایت کرده است از جدّش یحیی بن الحسن وغیر ش ودر روایت کرده است
از مجهولان احادیثی غریب شناخته شده ونجاشی گفته است که دیدم
اصحاب خود را که تضعیف او میکردند وابن غضایری گفته است که او
کذّاب بوده وباشکارا وضع حدیث مینموده ومدّعی بوده است رجال

چندرا که معروف نبوده اند واعتماد میکرد بر مجهولان چندانکه مذکور
نیستند وکسی را خوش نمی آید که از او روایت نماید مگر انچه را که روایت
کرده است از کتابهای جدّش یا که انها را غیر او هم از جدّش روایت
کرده اند وانچه را که روایت کرده است از کتابهائی که احمد بن علی
عقیقی تصنیف کرده ومشهور است واقوی نزد من توقّف است در
روایت او مطلقا ووفات یافت در ماه ربیع الاوّل از سال
سیصد وپنجاه وهشت ومدفون گردید در منزلش که در سوق العطش
بوده حسن پسر حذیفه بحاء غیر منقطه مضمومه وذال منقطه
پسر منصور که او پسر کثیر بن سلمه خزاعی بوده ابن غضایری گفته است
که او بغایت ضعیف است حدیث او را قبول نباید کرد واقوی
نزد من رد نمودن قول اوست از جهت انکه ابن غضایری مذمّت
او کرده با انکه از غیر ابن غضایری در باره او مدحی ندیده ام حسن
پسر علی پسر زکریّا که در ده بزوفرسا کن بوده واز قبیله عدیّ بن رباب
بوده بغایت ضعیف است چنانچه ابن غضایری گفته است ودر روایت
کرده است نسخه از محمّد بن صدقه از حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام
ودر روایت کرده است از خراش از انس وامرش مشهورتر از انست که مذکور
گردد حسن پسر صالح پسر حیّ که از قبیله همدان وطایفه بنی ثور

وساکن کوفه بوده است از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام بوده
واو صاحب کتاب مقاتله است وباو نسبت میدهند طایفهٔ صالحیه را

حسن پسر علی پسر حسن پسر علی پسر حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام
کنیتش ابو محمد ولقبش اطروش بوده معتقد امامت بوده

باب دویم در بیان احوال حسینیان است وبان نام چهار ده نفر موسوم اند

حسین پسر مختار قلانسی از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
واقفی مذهب بوده وابن عقده از علی بن الحسن نقل کرده است
که او از مردم کوفه وراستگو بوده ومن اعتماد بر نقل اول دارم

حسین پسر احمد منقری تمیمی کنیتش ابو عبد الله از اصحاب حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام بوده وروایت کرده است روایت نادری
از حضرت صادق علیه السلام که ثابت نیست وضعیف بوده

حسین پسر موسی از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام واقفی بوده

حسین پسر کنیسان از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام
واقفی بوده

حسین پسر قیاما از اصحاب حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام واقفی بوده که قایل بامامت حضرت امام رضا علیه
السلام نبوده

حسین پسر علوان کلبی از اد کردهٔ بنی کلب واز مردم کوفه
وعامی بوده او ویرادرش حسن که مکنی بابو محمد است روایت کرده اند

حاشیه: این عبارت در نسخه بالا و در پایان ورق دوم است

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وحسن بطایفهٔ امامیه
مخصوصتر ومنزاوارتر بوده ابن عقده گفته است که حسن راستگو
تر از برادرش واحمد بوده نزد اصحاب ما

حسین پسر مهران براه ونون
بعد از الف پسر محمد بن ابو نصر سکونی بوده روایت کرده است از حضرت
امام موسی کاظم وامام رضا علیهما السلام وبود واقفی وضعیف ومتوقف
بامامت امام رضا علیه السلام اندك بود وضعیف الیقین بوده
از برای او کتابی هست که از موسی روایت کرده است ومن اعتماد
بر روایتش ندارم

حسین پسر عبید الله سعدی کنیتش ابو عبد الله
وعبید الله پسر عبید الله نیز که او پسر سهل است از جمله جماعتی
است که طعن براو زده اند ونسبت بغلو بش داده اند شیخ کشی گفته
است که حسین بن عبید الله بن محرز ذکر کرده است او را ابو علی احمد
بن علی سکونی خویش حسن بن حمزه را دخواهرش در خانهٔ او بوده وبعضی
گفته اند که حسین بن عبید الله قمی را بیرون کردند از قم در وقتی که
بیرون میکردند جماعتی را که متهم بغلو بوده اند

حسین پسر یزید
پسر محمد پسر عبد الملك که از قبیلهٔ نوفل نخع بوده واز اد کرده ایشان
بوده از مردم کوفه بوده وکنیتش ابو عبد الله وشاعر ادب دانی
بوده وساکن کردیدد زری ودر انجا وفات یافت وبعضی از جماعت

قمر گفته اند که او در آخر عمرش غالی گردید والله اعلم و شیخ نجاشی
گفته است که ندیدیم از او روایتی که دلالت بر غلوش کند و نزد
من توقفی در روایتش هست بمجرد آنچه نقل کرده اند از قمیین و طعن
بر او نمیزنم بسبب آنکه اصحاب ما تعدیل او کرده اند حسین پسر حمدان
جنبلانی بضم جیم و نون ساکن و باء موحده و حضینی بضم حاء غیر
منقطه و ضاد منقطه و یاء و بعد از ان نون و بعد از ان یاء
کنیتش ابو عبد الله بوده و فاسد المذهب و کذاب و صاحب
کفتکوی بسیار بدی بوده است الثقات بسوی او نباید کرد
حسین پسر احمد پسر مغیره کنیتش ابو عبد الله و بوشنجی بوده
بباء موحده و شین منقطه و نون و جیم بوده است عراقی و در
مذهب او اضطرابی بوده و راستکو بوده است در هر چه روایت
کرده است حسین پسر حیاج بیاء مشدده منقطه تحتانی
بعد از میم و بحاء غیر منقطه بعد از الف مردم مداین بوده است
روایت کرده است از پدرش و ابن غضایری گفته است که او
ضعیف و غالی است حسین پسر مسکان ابن غضایری گفته
است که من او را نمی شناسم لیکن جعفر بن محمد بن مالك روایت
کرده است از او احادیث فاسد و نزد اصحاب ما از نمزد علی

نیست حسین پسر علی پسر زکریا پسر صالح پسر زفر که عدوی بوده
کنیتش ابو سعید و از مردم بصره است و ابن غضایری گفته است
که او بغایت ضعیف و کذاب است **باب سیم** در بیان احوال
حارث است و بان نام سه نفر موسوم اند **حارث** شامی روایت
کرده است شیخ کشی از سعد بن عبد الله که گفت حدیث کرد مرا محمد
بن خالد الطیالسی از عبد الرحمن بن ابی نجران بن سنان از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که حارث و حمزه بن بزیع ملعون اند **حارث**
پسر حسن ازدی فروشکوفی بوده و امرش در حدیث نزدیک بوده از
برای او کتابی هست و روایتش عامی است **حارث** پسر عبد الله
که از قبیله ثعلب بوده کوفی و ضعیف است **باب چهارم**
در بیان احوال حفص است و بان نام دو نفر موسوم اند **حفص**
پسر غیاث قاضی و هرون او را قاضی کرده بود روایت کرده است
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و عامی مذهب بوده
و کتاب معتمدی دارد **حفص** پسر میمون روایت کرده است
شیخ کشی از حمدویه بن نصیر که گفت حدیث کرد مرا ایوب بن نوح
از حنان بن سدیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که من نفس
میزنم بر جنازه ی که کشته شده اند با او یعنی با ابو الخطاب

واز ان جماعت ذکر نمود ابن اشیم را و فرمود که او می آمد نزد من حابس
وحفص بن میمون واز من سؤال میکردند پس خبر میدادم ایشانرا
بحق وچون از پیش من برون میرفتند نزد ابو الخطاب میرفتند واو
ایشانرا بخلاف قول من خبر میداد پس اخذ مینمودند بقول ابو الخطاب
وقول مرا میگذاشتند ودر اینطریق حنان هست واو واقفی است
لیکن ثقه است پس بهتر انست که توقف نمائیم از روایت او

باب پنجم

در بیان احوال حکم است وبان نام دو نفر
موسومند **حکم** پسر عتیبه بضم عین غیر منقطه مذمتش
کرده اند وبوده است از فقهاء عامه وبود بتری مذهب وشیخ
طوسی گفته است که کنیت او ابو محمد واز مردم کوفه واز قبیله کنده
وعرب غیر خالص وزیدی وبتری مذهب بوده **حکم** پسر
بشار عالی است وچیزی نیست

باب ششم

در ذکر اسماء
متفرقه وانها هفت نفرند **جبب** پسر جری بضم جیم که عنبسی وکوفی
بوده شیخ گفته است که در رجال او تامل دارم واو از اصحاب اما
محمد باقر واما امام جعفر صادق علیهما السلام است ودر موضع دیگر
گفته است که او مشکوک فیه است **حنان** بنون پیش از الف
وبعد از الف پسر سدیر صرّاف واز اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام

ظاهرا حکم این باب سهو است و از اینجا بر آمده است و از اینجا بر آمده است تقدیم صفحه از دست نسخه

وواقفی بوده چنانچه شیخ طوسی رحمه الله گفت ودر موضع دیگر گفته
است که او راست گو است ونزد من در روایت او توقفی هست

حُصَین بضم حاء وفتح صاد منقوطه پسر مخارق واو پسر عبد
الرحمن واو پسر ورقا واو پسر جشی واو پسر جناده وکنیتش ابو جنادة
وسلولی بوده وجبش مصاحب پیغمبر صلی الله علیه وآله بوده
روایت کرده است از انحضرت سه حدیث یکی از انها حدیث علی
منّی وانا منه است وبغضی گفته اند در باب حصین بغضی از گفتارها
وقدحی او را تضعیف کرده اند وشیخ طوسی گفته است که او از اصحاب
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام وواقفی بوده وابن غضایری
گفته است که او ضعیف است ونقل کرده است از ابن عقده که
حصین وضع حدیث منکر واو از زیدیه بوده است لیکن خدیثش
در میان احادیث اصحاب ما می آید که اشاره بان عقده شده است

حمزة پسر عمار بن یزید روایت کرده است شیخ کشی از سعد از
احمد بن محمد از پدرش واز حسین بن سعید از ابن ابی عمیر واز محمد بن
عیسی از یونس واز محمد بن ابی عمیر از محمد بن عمر بن اذینة از برید عجلی
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که انحضرت فرمودند که حمزة بن
عمار ملعون است وروایت کرده است باز شیخ کشی از سعد بن عبد الله

که گفت حدیث کرد مرا محمد بن خالد طیالسی از عبد الرحمن بن ابی نجران
از ابن سنان که حضرت صادق علیه السلام حمزة بن عمار و حارث
شلمی را لعنت کردند **حیان** بیاء منقطه تحتانی سراج بوده
روایت کرده است شیخ کشی که او کیسانی مذهب بوده **حذیفه**
پسر شعیب بسینی مهمله انی ساکن کوفه بوده و حدیثش بکرتبه معروف
و یکمرتبه غیر معروف و اکثر تخلیط و فسادش در حدیث در انچیزیست
که روایت میکند از جابر و امرش مشتبه است **حماد** پسر زید
از اصحاب صادق علیه السلام و عامی بوده

فصل هفتم

در ذکر اسامی است که در اول انها خاء است و در ان سه باب است

باب اول

در بیان حال خلف است و بان نام دو نفر
موسومند **خلف** پسر خلف از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام
و مجهول بوده **خلف** پسر محمد پسر ابو الحسن ماوردی بصری بوده
است عامی در مذهبش و ضعیف التقاتی بان باید کرد انجا
ابن غضایری گفته است

باب دوم

در بیان حال خالد است
و بان نام سه نفر موسومند **خالد** پسر طهمان بطاء غیر منقطه
کنیتش ابو العلاء خفاف یعنی کفش فروش و از عامه بوده است
خالد پسر عبد الله پسر سدیر شیخ طوسی رحمه الله گفته است

که از برای او کتابی هست ذکر کرده است ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه
از محمد بن حسن بن ولید که گفت من از کتاب او روایت نمیکنم از جهت
انکه موضوع است و وضع کرده است انرا محمد بن موسی همدانی و این
کلام دلالت نمیکند بر قدح او لیکن کتابی که منسوب باوست
اعتماد بران نمیتوان نمود **خالد** خواهر تمیمی شیخ کشی گفته است که او
از اهل ارتفاع است یعنی غالی است

باب سیم

در ذکر اسامی متفرقه است و ان منحصر بپنج مرد است **خیری**
بخاء منقطه و یاء منقطه تحتانی پسر علی طحان بوده کوفی و
ضعیف المذهب و ضعیف الحدیث و غالی بوده و مصاحب
یونس بن ظبیان بوده و از او بسیار روایت کرده است و از برای
او کتابی هست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اعتمادی
بر حدیثش نیست و باز روایت منکر شده است از حسن بن ثویر از
اصبغ بن نباته

فصل هشتم

در ذکر اسامی است که در اول
انها دال است و در ان دو باب است

باب اول

در بیان حال
داود است و بان نام دو نفر موسومند **داود** پسر حصین اسدی
از او کرده نبی اسد بوده و کوفی روایت کرده است از حضرت امام
جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام شیخ طوسی رحمه الله

کفته است که او واقفی است و همچنین ابن عقدہ کفته است و نجاشی
کفته است که او ثقه است و اقوی نزد من توقف است در روایات
او **داود** پسر عطا کیتش ابو سلیمان و از مردم مدینه بوده
ابن عقدہ کفته است که شنیدم از عبد الرحمن بن یوسف بن خداش
که میکفت داود بن عطاء متدینی چیزی نیست **باب دویم**
در ذکر اسامی متفرقه است و آن منحصر بدو مرد است **دهرست**
بضم دال و بعد از آن راء و سین مهمله و تاء منقوطه فوقانی در
آخر پسر منصور بوده و شیخ کشی کفته است که ابن ابی منصور از
مردم واسط و واقفی بوده **دامرم** براء بعد از الف پس قبیصه
بوده است بفتح قاف و کسر باء موحده و بعد از آن یاء ساکنه
و صاد غیر منقطه و او پس رهشل بوده و کیتش ابو الحسن و سابق
بوده یعنی سیاحت کن روایت میکند از حضرت امام رضا علیه
السلام ابن غضایری کفته است که اکثر اعتماد بحدیث او نمیتوان
داشت **فصل نهم** در ذکر اسامی است که در اول انها راء
است و در آن دو باب است **باب اول** در بیان احوال ذیل
و بان نام دو نفر موسومند **زرین** ابزاری از اصحاب حضرت امام
محمد باقر علیه السلام و مجهول بوده **زرین** انماطی از اصحاب حضرت

امام محمد باقر علیه السلام و مجهول بوده **باب دویم**
در ذکر اسامی متفرقه و انها منحصر بدو نفرند **ربیعة الرای** از اصحاب
حضرت باقر علیه السلام بوده عامی مذهب بوده **ربیع** پسر زکریا
و او را طعن زده اند بر او بانکه غالی است از برای کتاب نوادریست که
در او خلافیاتی هست ذکر کرده است این را ابو العباس بن نوح و
تضعیف کرده است او را ابن غضایری نیز **فصل اول** در بیان
اسامی چند که در اول انها زاء است و در آن چهار باب است
باب اول در بیان احوال زید و بان نام پنج نفر موسومند
زید اجری از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام و مجهول
بوده **زید** پسر اسلم از اد کرده پسر عمر بن الخطاب از اصحاب حضرت
صادق علیه السلام و از مردم مدینه و از طایفه عدی بوده
شیخ طوسی رحمه الله کفته است که در باره او تامل دارم **زید**
پسر موسی از رجال حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و واقفی
بوده **زید** نرسی بنون و **زید** زراد شیخ طوسی رحمه الله کفته است
که از برای ایشان دو اصل بوده که روایت نکرده است انها را محمد بن
علی بن حسین بن بابویه و در فهرست خود کفته است که از دو اصل
را روایت نکرده است محمد بن حسن بن ولید و میکفت که انها موضوعه

ربیعة الرای یعنی رای بسیار و در اینجا
صحیح قول و رای عالی بوده
مانند شافعی مسر

وهمچنین کتاب خالد بن عبد الله بن سدیر را چنین میگفت و میگفت
که وضع کرده است این اصول را محمد بن موسی همدانی و شیخ طوسی گفته
است که کتاب زید نرسی را روایت کرده است از او ابن ابی عمیر و ابن
عضا بری گفته است که زید زراد کوفی و زید نرسی روایت کرده اند
از حضرت صادق علیه السلام و ابو جعفر بن بابویه گفته است که
کتاب هر دو موضوع است وضع کرده است انها را محمد بن موسی سمان
و گفته است که غلط کرده است ابو جعفر بن بابویه در اینقول زیرا
که من دیده ام کتابهای ایشان را که شنیده شده از ابن ابی عمیر
و انچه را که شیخ نقل کرده است از ابن بابویه و ابن عضا بری دلالت
نمیکند بر طعنی در حق دو مرد مذکور پس اگر توقفی باشد پس در روایت
دو کتاب خواهد بود و چون که نیافتم از برای اصحاب خود تعدیلی
برای ایشان و نه طعنی در ایشان توقف کردم از قبول کردن روایت
ایشان

باب دویم در بیان احوال زیاد و ابن نام سه نفر

موسومند زیاد پسر منذر کنیتش ابو الجارود و از مردم همدان
بوده است بدال بی نقطه و خارقی بوده بخاء منقطه و الف و راء
و بعد از ان قاف و بعضی حرقی گفته اند بحاء بی نقطه و راء و قاف
از مردم کوفه بوده است و اعمی و تابعی و مذهبش زیدی و بسوی او

نسبت میدهند جارودیه را از طایفه زیدیه بوده از اصحاب حضرت
امام محمد باقر علیه السلام و روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام و تغییر یافت مذهبش و قتی که زید خروج کرد و روایت کرده است
از زیدیه و ابن عضا بری گفته است که حدیثش در میان اصحاب ما
پیشتر است از میان زیدیه و اصحاب ما ناخوش دارند انچه را که
روایت کرده است محمد بن سنان از او و اعتماد دارند بر انچه روایت
کرده است محمد بن بکر ارجی و شیخ کشی گفته است که زیاد بن المنذر
کنیتش ابو الجارود و اعمی بوده و لقبش سرحوب بوده بسین غیر منقطه
مضموم و راء و حاء بی نقطه و باء موحده بعد از او و او و مذموم
بوده و شبهه در مذمتش نیست و او را سرحوب نامیده اند بنام
شیطان کوری که ساکن دریا بوده زیاد پسر اسود نجار از اصحا
حضرت باقر علیه السلام و مجهول بوده زیاد پسر وازقند
بقاف و نون و دال بی نقطه یعنی قندفروش کنیتش ابو الفضل
و بعضی گفته اند که ابو عبد الله انباری از اد کرده بنو هاشم روایت
کرده است از حضرت صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و توقف
کرده است در حضرت امام رضا علیه السلام و شیخ کشی از حمدویه
روایت کرده است که گفت حدیث کرد ما را حسن بن موسی که زیاد

یکی از ارکان مذهب وقف است و بالجمله روایت او نزد من مردود است

باب سیم

در بیان احوال زکریا و بیان نام دو نفر موسومند

زکریا پسر محمد کنیتش ابو عبد الله و لقبش مؤمن روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و ملاقات کرده است حضرت امام رضا علیه السلام را در مسجد الحرام و حکایت کرده است از او چیزی را که دلالت میکند بر آنکه او واقفی بوده و در حدیثش اختلاط و فسادی بوده **زکریا** که کنیتش ابو یحیی و لقبش کوکب الدم است از مردم کوفه است و ذکر کرده ایمرنا او را در قسم اوّل از کتاب خود و تضعیف کرده است او را ابن غضایری روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام و روایت کرده است شیخ کشی روایتی که دلالت میکند بر مذمت ابو یحیی کوکب الدم موصلی این اگر این همان شخص بوده است متعین است وقوف کردن در او چون که معارضه میکند قول ابن غضایری با مدح او و اگر غیر او باشد قولش مقبول خواهد بود

باب چهارم

در ذکر اسامی متفرقه

است و در آن سه نفر مذکورند **زفر** بفاء و بعد از آن راء است از اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و کوفی و عامی المذهب بوده **زافر** بفاء بعد از الف و بعد از آن راء

پسر عبد الله ایادی از رجال حضرت صادق علیه السلام و عامی المذهب بوده **زرعة** بعین غیر منقطه بعد از راء مهمله پسر محمد پسر ابو محمد حضرمی است راستکو و واقفی بوده روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و بعد از آن واقفی گردید و مصاحبت کرده است با سماعه و حدیث بسیار از او شنید

فصل دوازدهم

در ذکر اسامی است که در اوّل انها سین است و در آن هفت باب است

باب اوّل

در بیان احوال سلیمان و بیان نام چهار نفر موسومند **سلیمان** دیلمی شیخ کشی از محمد بن مسعود نقل کرده است که علی بن محمد گفته است که سلیمان دیلمی از جمله بزرگ غالیان بوده و شیخ نجاشی گفته است که سلیمان بن عبد الله دیلمی کنیتش ابو محمد بوده است و بعضی گفته اند که اصلش از بخله کوفی بوده و تجارت بخراسان میرفته و بسیار اسیر میکرده است گفتار دیلم را او میفروخته است پس از انجهت او را دیلمی نامیدند طعن بر او زده اند و بعضی گفته اند که غالی و کذاب بود و همچنین پسرش محمد من عمل نمیکنم با نچه متفرد باشند هر دو بروایت ان و ابن غضایری گفته است که سلیمان بن زکریا دیلمی روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

کذّاب وغالی بوده است ومحتمل است که اشارهٔ شیخ کشی بیکی ازاین
دو مرد باشد سُلیمان نخعی روایت کرده است شیخ کشی از محمّد بن
مسعود که گفت نوشت بسوی من فضل بن شاذان ونقل کرده بود
از ابن ابی عمیر از ابراهیم بن عبد الحمید که سلیمان نخعی حج کرد پس مشغول
بعبادت کردید وترک نمود زنان وبوی خوش وجامهای پاکیزه و
طعام پاکیزه را ودر مسجد الحرام سر خود را بسوی اسمان بلند نمیکرد
وذکر نکرده است شیخ کشی احوال ابو سلیمان را وابن غضایری گفته
است که سلیمان بن هرون نخعی کنیتش ابو داود بوده واورا کذّاب
النخع گفته اند روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه
السّلم وبسیار ضعیف است وذکر کتاب دیگر ش گفته است که
سلیمان بن عمر ابو داود نخعی روایت میکند از حضرت صادق علیه
السّلم حدیث کرد مرا احمد بن موسی که گفت حدیث کرد مرا احمد بن
محمّد بن سعید که گفت ابو داود نخعی را محدّثون کذّاب نخع میگفتند
پس گفته است در این کتاب که حدیث کرد مرا محمّد بن حسین بن محمّد
بن فضل واو گفت که حدیث کرد مرا عبد الله بن جعفر بن درستویه
واو گفت که حدیث کرد مرا یعقوب بن سفیان که سلیمان بن یعقوب
نخعی بر مذهب واقفیّه دروغ می بسته است سُلیمان پدر داود

منقری که منسوب بوده است بمنقر بن عبید بن مقاعس بن عمرو بن
کعب بن زید بن مناة بن تمیم بن مرّ بن اُدّ بن طابخة بن الیاس بن
مضر کنیتش ابو ایوب شاذکونی واز مردم اصفهان بوده شیخ
نجاشی گفته است که نزد ما احوال او تحقیق نیست لیکن روایت میکند
از جماعتی از اصحاب امام محمّد باقر علیه السّلم وراستگو بوده و
ابن غضایری گفته است که او بغایت ضعیف بوده الفاتی با و
نباید کرد بنیاد بود که بروقوف حاجت خود وضع حدیث میکرده
سُلیمان بن پسر معلّی پسر خنیس ابن غضایری گفته است که او
ضعیف است

دز بیان احوال سعد است

وبان نام پنج نفر موسوم اند سعد بسر طریف بطاء غیر منقّطه
حنظلی واسکاف واز اد کرده بنی تمیم وساکن کوفه بوده است واورا
سعد خفّاف نیز می نامند روایت کرده است از اصبغ بن نباته
شیخ طوسی گفته است که حدیث او صحیح است وشیخ کشی از حمدویه
نقل کرده است که سعد اسکاف وسعد خفّاف وسعد بن طریف
همه یکی اند واو وپسر مذهب بوده است وتوقّف کرده است در
حضرت صادق علیه السّلم وشیخ نجاشی گفته است که او یکی را به
معروف است ویکی را به غیر معروف روایت از اصبغ بن نباته میکند

وازحضرت امام محمّد باقر وامام جعفر صادق علیهما السّلام نیز روایت
میکند وقاضی بوده وابن غضایری گفته است که ضعیف بوده

سَعْد پسر حسن کندی از اصحاب امام محمّد باقر علیه السّلام
ومجهول بوده **سَعْد** پسر خلف از اصحاب امام موسی کاظم
علیه السّلام وواقفی بوده **سَعْد** پسر ابی عمران از اصحاب حضرت
امام موسی کاظم علیه السّلام وواقفی ومنسوب بانصار بوده

سَعْد پسر مسلم که روایت کرده است از عمر بن نوبر کتاب انّا
انزلناه را اما او را نمی شناسیم

باب سیم

در بیان احوال

سعد است وبان نام چهار نفر موسومند **سَعْد** حدّاد از
اصحاب حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام ومجهول بوده **سَعْد**
پسر حماد از اصحاب حضرت امام رضا علیه السّلام ومجهول بوده

سَعِید پسر منصور زیدی بوده **سَعِید** پسر خیثم بخاء مفتوح
منقوطه وياء مثنّاة تحتانی وثاء مثلّثه کنیتش ابو معمّر وازینجا
هلال بوده وبرادرش معمّر ضعیف است او وبرادرش روایت کرده
اند از حضرت امام محمّد باقر وامام جعفر صادق علیهما السّلام وبوده
از داعیان زید وحدیث او شمرده میشود در میان از حدیث اصحاب
ما واو تا بعی است بنا بر انچه گمان کرده است روایت میکند از جدّ

مادر پدر عبد ربّه بن عمر کلابی از حضرت رسالت پناه صلّی الله علیه
وآله واو بغایت ضعیف است والتفاتی باو نیست

باب چهارم

در بیان احوال سلمه است وبان نام چهار نفر موسومند **سَلَمَة**
پسر صالح که منسوب ببنی الاحمر واز مردم واسط بوده است از
اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام واصلش کوفه
بوده است وفاسد الرّای بوده **سَلَمَة** پسر حیّان از اصحاب
حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام وواقفی بوده **سَلَمَة** پسر
کهیل بضمّ کاف بتری مذهب بوده **سَلَمَة** پسر خطّاب کنیتش
ابو الفضل براوستانی که منسوبست ببراوستان وان دهی است از
دهمهای قم وساکن دراز دورقان که دهی بوده است از سواد ری
بوده است ضعیف در حدیثش وابن غضایری گفته است که کنیّت
او ابو محمّد وضعیف بوده

باب پنجم

در بیان احوال

سالم وبان نام چهار نفر موسومند **سَالِم** از اصحاب حضرت
امام محمّد باقر علیه السّلام ومجهول بوده **سَالِم** پسر مکرم کنیتش
ابو خدیجه ومکرم کنیتش ابو سلمه بوده شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که او ضعیف است ودر موضع دیگر گفته است که او ثقه است وشیخ
کشی روایت کرده است از محمّد بن مسعود که سؤال کردم از ابو الحسن

علی بن الحسن از اسم ابو خدیجه گفت که نامش صالح بوده و از اهل کوفه و شتردار بوده ذکر کرده اند که او بار کرد حضرت صادق علیه السلام را از مکه تا مدینه کشی گفته است که خبر داد ما را عبد الرحمن بن ابو هاشم از ابو خدیجه که حضرت صادق علیه السلام بمن فرمودند که کنیت خود را ابو خدیجه مکن عرض کردم که بچه چیز کنیت کنم فرمود که خود را با بو سلمه کنیت کن و باز کشی گفته است که سالم از اصحاب ابو الخطاب بوده و شیخ نجاشی در ترجمه او گفته است که ثقه ثقه روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و بهتر نزد من توقف است در انچه روایت کرده است چونکه اقوال در باب او معارض است

سالم پسر ابو حفصه لعنت کرده است او را حضرت صادق علیه السلام و تکذیب و تکفیر او فرموده **سالم** پسر سلمه کندی که در سجستان ساکن بوده روایت کرده است از او پسرش محمد معروف نیست و روایت کرده است از او غیر پسرش و او ضعیف است و احادیث او فاسد است

باب ششم در بیان احوال سفیان

و بیان نام سه نفر موسوم سفیان پسر عیینه بعین مضمومه غیر منقوطه و دو یاء منقوطه بدو نقطه تحتانی و نون در اخر ۱۲ ینست

ازجمله اصحاب ما **سفیان** ثوری نیست ازجمله اصحاب ما **سفیان** پسر مصعب عبدی ابو عمرو کشی گفته است که شعرها او چیزی هست که دلالت میکند بر انکه او از طایفه طیاره بن وردان بوده و روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرموده است که تعلیم نمایید فرزندان خود را اشعر سفیان و مثل ان و اردشده است از دو طریق ضعیف و ثابت نکردیده است نزد من عدالت انمرد و نه جرح او پس ما در باب او ازجمله توقف کنندکانیم

باب هفتم در ذکر اسماء متفرقه و در ان سه نفر است

سلمة پسر مهران پسر عبد الرحمن حضرمی از اد کرده محمد ابن وابل بن حجر حضرمی بوده کنیتش ابو ناشره بوده است و بعضی گفته اند که کنیتش ابو محمد بوده روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام در مدینه وفات یافت راستگو بوده راستگو و واقفی بوده است **سلمة** بغیر تاء پسر زیاد ادمی که ساکن ری بوده است کنیتش ابو سعید و از اصحاب امام علی نقی علیه السلام بوده و مختلفست قول شیخ طوسی رحمه الله در باب او پس در موضعی گفته است که او ثقه است و در چند موضع گفته است که او ضعیف است و نجاشی گفته است که حدیث

او ضعیف است و اعتمادی در بارهٔ او نیست و احمد بن محمّد بن عیسی
در بارهٔ او شهادت بغلو و دروغ میدهد است و او را بیرون کرد
از قم بسوی ری و ساکن در ری میبود و بخدمت ابو محمّد حضرت امام
حسن عسکری علیه السّلام چیزی نوشت و جواب شنید بر دست محمّد بن
عبد الحمید عطّار در نصف ماه ربیع الآخر از سال دویست و
پنجاه و پنج ذکر کرده اند این را احمد بن علی بن نوح و احمد بن الحسین
رحمهما الله و ابن غضایری گفته است که او بغایت ضعیف و فاسد
الرّوایة و المذهب است و احمد بن محمّد بن عیسی اشعری بیرون کرد
او را از قم و اظهار براءت از او نمود و نهی کرد مردم را از شنیدن
حدیث از او و همیشه در روایتش مرسل هست و اعتماد بر مجهولان
دارد **سُهَیل** بضمّ سین و بیاء بعد از هاء پسر زیاد لقبش
ابو یحیی و از مردم واسط بوده ملاقات کرده است حضرت امام
حسن عسکری علیه السّلام را شیخ نجاشی گفته است که او شیخ ما بوده
است و در علم کلام مهارت تمام داشته خدا او را رحمت کند گفته است
که گفته اند بعضی از اصحاب ما که سهیل پر ثابت قدم در حدیث نبود
و ابن غضایری گفته است که ما در او دختر محمّد بن نعمان مؤمن الطاق
است حدیث او را میشناسیم یکمرتبه و بار دیگر معروف نیست و جایز است

که این شاهدی از برای او باشد

که در اوّل انها شین است و در ان دو نقطه **شبث** بباء منقّطه
موحّده بعد از شین پسر ربعی رجوع کرد بسوی خوارج **شریف**
پسر سابق بباء موحّده پیش از قاف از مردم تفلیس بوده کنیتش
ابو محمّد است روایت کرده است از فضل بن ابو قرّة سمندی از حضرت
صادق علیه السّلام و او ضعیف و امرش مضطرب است **فصل سیزدهم**
در ذکر اسامی که در اوّل انها صاد است و در ان دو باب است **باب**
اوّل در بیان احوال صالح و بان نام شش نفر مومنند **صالح**
پسر سعید اخول از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام
و مجهول بوده **صالح** پسر سهل ابن غضایری گفته است که صالح
بن سهل همدانی کوفی و غالی و کذّاب و بسیار وضع کننده حدیث
بوده است روایت منکره است از حضرت امام جعفر صادق علیه
السّلام نیست خیری در ان و در سایر روایاتش نیست و شیخ کشی روایت
کرده است از محمّد بن احمد از محمّد بن حسین از حسین بن علی ضیرکی
از صالح بن سهل که او از خود خبر میداده است که اعتقاد الوهیّت
حضرت صادق علیه السّلام داشته است تا انکه روزی بخدمت انحضرت
رسیده و قسم یاد کرده که من خدا نیستم و ذکر کرده است شیخ طوسی در

ظ نفساء

کتاب غیبت از جمله مذمومین صالح بن محمد بن سهل همدانی را و ظاهر
آنست که این همان مرد است صالح پسر ابو حماد کنیتش ابو الخیر و
از مردم ری بوده است و نام ابو الخیر زادنبه بوده است برای و دال
غیر منقوطه و باء موحده ملاقات کرده است حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام را شیخ نجاشی گفته است که امر او مشتبه است
گاهی معروف و گاهی غیر معروف است و ابن غضایری گفته است که او
ضعیف است و شیخ کشی روایت کرده است از علی بن محمد قتیبی
که گفت شنیدم از فضل بن شاذان که میگفت درباره ابو الخیر که
او صالح بن سلمة بن ابی حماد رازی است و کنیتش چنان است که بوده
است و علی گفته است که ابو محمد فضل از او راضی بوده و مدح او
نموده و از ابو سعید ادمی راضی نبوده و میگفته است که او احمق است
و معتمد نزد من توقف است در احوال او از جهت تردد نجاشی در
او و تضعیف ابن غضایری او و صالح پسر حکم نیل فروش احوال
ضعیف است و از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند
صالح پسر عقبه پسر قیس پسر سمعان پسر ابی ریحه از او کرده
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده است از
حضرت صادق علیه السلام کذاب و غالی بوده است الثقفی تا او

بنا باید کرد صالح پسر علی پسر عطیه اتحم کنیتش ابو محمد و از مردم
بضع بوده است و اخبار دی وضعیف بوده

باب دویم

در اسامی متفرقه و در آن دو نفر است صاید نهدی روایت
کرده است شیخ کشی از سعد بن عبد الله که گفت حدیث کرد مرا محمد بن
خالد طیالسی از عبد الرحمن بن ابو نجران از ابن سنان از حضرت
صادق علیه السلام که آنحضرت صاید را لعنت کرد و حال
محمد بن خالد الحال نزد من معلوم نیست صباح پسر قیس پسر
یحیی مزنی کنیتش ابو محمد و از مردم کوفه و زیدی مذهب بوده و
این را ابن غضایری گفته و گفته است که حدیث او در میان
حدیث اصحاب ما ضعیف است و جایز است که این قول شاهد
بر حالش باشد و نجاشی گفته است که او ثقه است روایت کرده
است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام

فصل چهاردهم

در ذکر اسامی است که در اول آن ضاد
است و در آن یکنفر است ضحاک پسر محمد پسر شیبان کنیتش
ابو عاصم و لقبش نبیل و از قبیله بنی شیبان و از مردم بصره و عامی
مذهب است

فصل پانزدهم

در ذکر اسامی است که در اول
آن طاء است و در آن دو نفر است طلحة پسر زید کر کنیتش

ابو الخزنج واز قبیلهٔ نهد وساکن در شام بوده واو را خزری پیر
میگویند روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام وعامی المذهب بوده شیخ طوسی رحمه الله در موضعی گفته
است که او بتری مذهب بوده ودر موضع دیگر گفته که او عامی
المذهب بوده لیکن کتاب او معتمد علیه است **طاهر**
پسر حاتم شیخ طوسی رحمه الله گفته است که او غالی وکذاب بوده
وبرادر فارس بوده ودر موضع دیگر گفته است که طاهر بن حاتم
بن ماهویه روایت کرده است از او محمد بن عیسی بن یقطین وغالی
بوده است وگفته است در کتاب دیگر خود که او بر مذهب حق
بوده وبعد ازان مذهبش تغییر کرده واظهار نموده قول بغلو را
وابن غضایری گفته است که طاهر بن حاتم بن ماهویه قزوینی
برادر فارس بوده ضعیف ومذهبش فاسد بوده واز برای او
حالت استقامتی بود چنانچه از برای برادرش بود ولیکن فایده
ندارد **فضل شاذانی** در ذکر اسامی است که در اول ان
عین است ودر ان دوازده باب است **باب اول** در بیان
احوال علی است وبان نام بیست وهشت نفر موسومند **علی**
پسر ابو حمزه ونام ابو حمزه سالم واز مردم بطائن بوده کنیتش

ابو الحسن واز اد کرده انصار واز مردم کوفه وعصا کش ابو بصیر یحیی
بن القسم بوده وبرادری داشته که او را جعفر بن ابی حمزه مینامند
روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق وامام موسی کاظم
علیهما السلام واو یکی از ستونهای واقفیه است وشیخ طوسی رحمه
الله در چند موضع گفته است که او واقفی است وابو الحسن علی
بن حسن بن فضال گفته است که علی بن حمزه کذاب وتهمت زده
وملعونست روایت کرده ام از او احادیث بسیار ونوشته ام
از او وتفسیر قرآن را همگی از اول تا باخر لیکن من حلال نمیدانم
که از او یک حدیث روایت کنم وابن غضایری گفته است که علی بن ابو
حمزه خدا لعنت کند او را اصل واقفیه بوده است ودشمن ترین
مردم بوده نسبت بحضرت امام رضا علیه السلام بعد از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام **علی** پسر خطاب از اصحاب
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام وواقفی بوده شیخ کشی نقل
کرده است از حمدویه از حسن بن موسی از علی بن خطاب که او واقفی
بوده **علی** پسر سپید مکاری از اصحاب حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام وواقفی بوده **علی** پسر حسین طاطری جمحی واو را
طاطری نامیدند چونکه میفروخت جامهایی که انها را طاطریه میگفتند وکنیتش ابو الحسن

واز اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلم وواقفی المذهب
واز روشناسان واقفیه بوده واو استاد حسن بن محمد بن سماعه
حضر می بوده واز او تعلم نموده ودر مذهب علی عناد شدیدی
بوده وعصبیت زیاد بر مخالفان خود از امامیه داشته علی
پسر احمد پسر اشیم بفتح همزه وسکون شین معجمه وفتح یاء منقطه
بدو نقطه تحتانی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام
ومجهول بوده علی پسر محمد کاشانی ساکن اصفهان بوده از فرزندان
زیاد از اد کرده عبد الله بن عباس از ال خالد بن ازهر ضعیف بوده
شیخ طوسی گفته است که او از اصحاب امام محمد تقی علیه السلام
پس گفته است که علی بن شین بشین منقوطه مکسور وياء ساکنه
منقوطه بدو نقطه تحتانی وبعد از ان راء راستکو واز اصحاب امام
محمد تقی علیه السلم بوده وانچه از برای ما ظاهر شده است که هر
دو یکی اند زیرا که نجاشی گفته است که علی بن محمد بن شیره کاشانی
کنیتش ابو الحسن وفقیه بوده وحدیث بسیار دیده دانسته وفاضل
بوده وطعن زده است بر او احمد بن محمد بن عیسی ذکر کرده است که
او شین است از او مذهبهای ناپسندیده ونیست در میان
کتابهایش چیزی که دلالت کند بر ان از برای او کتابهای چند است

خبر داده است ما را علی بن احمد بن شیره کاشانی بکتابهای او
علی پسر ریم پس از مردم بغداد وضعیف بوده علی پسر
جعفر پسر عباس خزاعی که از مردم مرو واز اصحاب حضرت امام
حسن عسکری علیه السلم وواقفی بوده است علی پسر وصیف
کنیتش ابو الحسین وناشی یعنی منشی ومتکلم وشاعر ومجرد بوده
وسخن پسکفته است بر مذهب اهل ظاهر در فقه علی پسر
احمد کوفی کنیتش ابو القسم است شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که او امامی المذهب وبر مذهب حق بوده وتصنیف کرده است
کتابهای بسیار که همه نیکو است وتصنیف کرده است کتابهای
چند در غلو وتخلیط وبرای او مقاله هست که نسبت میدهند
از البوی او وشیخ نجاشی گفته است که پسکفته است که او از ال
ابو طالب است ودر اخر عمرش غالی گردید ومذهبش فاسد گردید
وتصنیف کرده است کتابهای بسیار که اکثر انها فاسد بوده
ووفات یافت در موضعی که از اکرمی میگویند ودر میان ان
وشیراز پنجاه فرسخ وکسری است در ماه جمادی الاولی در
سال سیصد وپنجاه ودو واز برای این مرد دعوی میکنند غالیان
منازل عظیمه را ابن الغضایری گفته است که علی بن احمد کنیتش

حرف یجاز بنده نتراعه بوده است

ابو القسم واز مردم کوفه است مدّعی است که از سادات علویه است
کذّاب وغالی وصاحب بدعت ومقالست دیدم ام از برای او
کتابهای بسیار که التقاطی بانها نباید کرد وبعد از ان علّامه
رحمه الله گفته است که ان همان شخصی است که ملقّب بمخمّس بوده
وصاحب بدعتهای تازه بوده است ومدّعی است که از فرزندان
هارون بن کاظم علیه السّلم است ومعنی تخمیس که غلاة بان قایلند
انست که سلمان فارسی ومقداد وعمّار وابوذر وعمر بن عمیّه
ضمیری ایشان موکّلند بمصلحتهای عالم تعالی الله عمّا ذلك
علی پسر محمّد از مردم مدایین وغالی المذهب بوده علی پسر
احمد علوی که ساکن عقیق یافرو شندهٔ عقیق بوده بقاف بعد
از عین مهمله وبعد از یاء منقّطه بدو نقطه تحتانی شیخ طوسی
رحمه الله گفته است که خبر داد ما را احمد بن عبدون از شریف
ابو محمّد حسن بن محمّد بن یحیی از علی بن احمد عقیقی که گفت ابن عبدون
در احادیث عقیقی جماعت مجاهیل هست علی پسر حزور زباء
غیر منقّطه مفتوحه وزای مفتوحه وواو مشدّده وراء در اخر
شیخ کشی گفته است که محمّد بن مسعود گفته است که سؤال کردم از
حسن بن علی بن فضّال از احوال علی بن حزور پس گفت که او قابل

بوده است باماماست محمّد بن حنفیّه لیکن بوده است او از اوبان نرد
علی پسر حسان پسر کثیر هاشمی محمّد بن مسعود گفته است که سؤال
کردم از علی بن حسن بن علی بن فضّال از احوال علی بن حسان پس گفت که
باین نام دو نفر موسومند از کدام یك سؤال میکنی امّا علی بن حسان
واسطی پس او را ستوده است وامّا انکه نزد ما است یعنی علی بن حسان
هاشمی پس او را روایت میکنند از عموی خود عبد الرحمن بن کثیر وکذّاب
واقفی است ودر نیافته است خدمت حضرت امام موسی علیه
السّلم را وابن غضایری گفته است که علی بن حسان بن کثیر از اذ
کرده حضرت امام محمّد باقر علیه السّلم است کنیتش ابو الحسن است
روایت میکند از عم خود عبد الرحمن غالی وضعیف است دیده ام
از برای او کتابی که تصنیف نموده ونامیده او را بکتاب تفسیر
الباطن ومتعلّق باسلام نیست بهیچ جهت وروایت نمیکند مگر
از عمّش ابن غضایری گفته است که علی بن حسان واسطی از جلّه اصحاب
ما استوده است ونجاشی گفته است که علی بن حسان بن
کثیر هاشمی از اذ کرده عبّاس بن محمّد بن علی بن عبد الله بن العبّاس است
وبغایت ضعیف است وبعض اصحاب ما او را از غلاة وجمعی که فاسد
الاعتقادند ذکر کرده اند علی پسر حماد از دی محمّد بن مسعود گفته است

که او تهمت زده شده بود بغلو و روایت کرده است کتاب اظلّه را

علی پسر وهبان حمدویه گفته است که حدیث کرد ما را احمد بن

موسی که علی بن وهبان واقفی بود علی پسر حسکه بخاء غیر منقوطه

و سین غیر منقوطه ذکر کرده است او را شیخ کشی در طایفهٔ غلاة

در زمان حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام علی پسر حدید

پسر حکیم تضعیف کرده است او را شیخ طوسی در کتاب استبصار

و تهذیب و اعتماد نمیتوان کرد بر انچه او منفرد است بنقل ان و شیخ

کشی گفته است که نضر بن الصّباح گفته است که او فطحی مذهب

و از اهل کوفه بوده است و در یافته است حضرت امام رضا علیه

السّلم را علی پسر عبّاس جراذینی براء بعد از جیم و ذال منقوطه

بعد از الف پیش از یاء منقوطه بدو نقطهٔ تحتانی و بعد از ان

نون از مردم ری بوده است و او را متّهم بغلو کرده اند و طعن زده

اند بسیار ضعیف است و از برای او تصنیفی هست در احوال

رجال و مذمومین که دلالت میکند بر خبث باطنش و بدی مذهبش

النقاتی باو نباید کرد و اعتمادی بر روایتش نیست علی

پسر عمر اعرج کیتش ابو الحسن و از مردم کوفه و مصاحب ذکریاء مؤمن

و واقفی بوده و حدیثش ضعیف بوده علی پسر ابو صالح و نام

ابو صالح محمّد بوده و لقبش بزرج بوده بباء موحّدهٔ مضمومه و زای

مضمومه و راء ساکنه و جیم کیتش ابو الحسن و از مردم کوفه و کندم

فروش بوده و نجاشی گفته است که نبوده است پاکیزه در مذهب

و حدیث و بسوی ضعف نزدیک است علی پسر محمّد پسر جعفر

پسر عنبسه بعین غیر منقوطه و نون پیش از باء موحّده و سین

مهمله حدّاد بوده و از مردم عسکر و کیتش ابو الحسن است ابو عبد الله

بن عیّاش گفته است که او را ابن رزیدویه نیز میگفته اند بر آء

مکسور و یاء ساکن منقوطه بدو نقطهٔ تحتانی و ذال منقوطه

مفتوحه و واو و مفتوحه و یاء ساکنه منقوطه بدو نقطهٔ تحتانی

مذهبش مضطرب و ضعیف بوده روایت کرده است از ضعفا

النقاتی باو نباید کرد علی پسر عبد الله پسر محمّد پسر عاصم پسر

زید پسر عمر و پسر عوف پسر حرب پسر هالة که او پسر ابن ابی هالة

بنّاش است کیتش ابو الحسن است که معروف است بخدیجی و او خدیج

اصغر است و از برای ما خدیجی اکبر هست که علی بن عبد المنعم بن

هارون از او روایت کرده است و این علی بن عبد الله است

و او را خدیجی میگویند از انجهت که منسوب است بسوی ولد ابو هالة

بنّاش لسدی و او شوهر خدیجه بوده است پیش از انکه بحبالهٔ

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله در اید و ضعیف و فاسد
المذهب بوده و از برای او مقاله هست که الثقات بان نباید
کرد و قولش نباید نمود **علی** پسر عبد الله پسر عمران وشی کنیتش
ابو الحسن و از بنی مخزوم و لقبش میمون غالی و ضعیف و فاسد
المذهب و الروایة بوده است **علی** پسر صالح پسر محمد پسر زیاد
بزای بعد از یای منقطه بدو نقطه تحتانی و دال مهمله بعد از ان
پسر علی پسر جعفر که از مردم واسط و از قبیله بنی عجل و دو فوکر بوده
کنیتش ابو الحسن است و بسیار رشید است حدیث را و بعد از ان
فاسد المذهب گردید **علی** پسر جعفر همانی و منسوب
ببزمله حدیث او کاهی معروف و کاهی غیر معروف است از برای
او مسایل چند هست که از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
سؤال کرده **علی** پسر احمد پسر نصر بندنیجی کنیتش ابو الحسن
و ساکن رمله ضعیف و ناقص العقل بوده الثقاتی باو نباید
کرد **علی** پسر جعفر هرمزانی کنیتش ابو الحسن قمی و ضعیف بوده

باب دویم

در ذکر احوال عبد الله است و بان نام
سی و سه نفر موسومند **عبد الله** پسر کوا از اصحاب حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام و خارجی و ملعون بوده **عبد الله**

از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بوده که برگشت بکفر و اظهار
غلو نمود **عبد الله** پسر مسعود روایت کرده است کشی از فضل
شاذان که او فاسد العقل یا فاسد المذهب گردید **عبد الله**
پسر وهب از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام و از ابنی بوده برا
و سین غیر منقوطه و باء موحده سر کرده خوارج بوده **عبد الله**
پسر شبرمه بشین غیر منقوطه و بعد از ان باء موحده و راء
پیش از میم از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام بوده و
قاضی ابو جعفر دوانیقی بوده بر سواد کوفه در سال صد و چهل
و چهار از هجرت وفات یافت **عبد الله** پسر جریج از اصحاب حضرت
باقر علیه السلام و عامی بوده **عبد الله** پسر عمر از اصحاب حضرت
امام محمد باقر علیه السلام و مجهول بوده **عبد الله** پسر عثمن
خیاط بخاء منقوطه از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
و واقفی بوده **عبد الله** پسر قاسم حضرمی از اصحاب حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام و واقفی بوده و معروف بوده است
به بطل یعنی باطل و کذاب بوده روایت میکرده است از غالیان
خبری در او نیست و اعتمادی بر روایت او نیست و چیزی نیست
و از او چیزی قبول نمیتوان کرد **عبد الله** پسر بشر سرخسی او را

اسمعیل بن احمد صاحب خراسان از شهر بدر کرد عبد الله
پسر ابو زید انصاری روایت کرده است از او ابن حاشر پسر شقوطر
وضعیف بوده است عبد الله پسر محمد بلوی بباء موحده از
بلی که قبیله ایست از اهل مصر بوده و این را شیخ طوسی گفته است
وغیر شیخ گفته است که ان از بلی است که قبیله ایست از قضاعه
نسبت میدهند بسوی ان بلوی را و شیخ مذکور گفته است
که او واعظ و فقیه بوده و نص بر تعدیل و جرح او نکرده و نجاشی
گفته است که او ضعیف است و ابن غضایری گفته است که
عبد الله بن محمد بن عمیر بن محفوظ بلوی کنیتش ابو محمد و از مردم مصر
بوده کذاب و بسیار وضع احادیث مینموده الغفائی بحدیث او
ومبالاتی بشانش نباید کرد عبد الله پسر محمد بن ابی الدنیا
عامی المذهب بوده عبد الله پسر حارث روایت کرده است شیخ
کشی از ابو علی خلف بن حامد از ابو محمد حسن بن طلحه از ابن فضال
از یونس بن یعقوب از بزید عجلی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که قول حق تعالی که هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین
در بان هفت نفر نازل شده که او یکی از ایشانست و این طریق هر
چند که ثابت نمیکند نزد من عدم عدالت او را لیکن موجب توقف

در قبول نمودن روایتش منکر شدند عبد الله پسر زید پیر دشانی براء
وسین غیر منقوطه مشدده روایت کرده است کشی از ابراهیم بن
محمد ختلی که گفت حدیث کرد مرا احمد بن ادریس قمی از محمد بن احمد بن
یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از عبد الرحمن بن سیابة که گفت دفع کرد
بسوی من حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اشرفی چند
وامر نمود مرا که قسمت نمایم انها را در میان عیالهای هر کس
که کشته شده است با عم او زید پس قسمت کردم انها را و رسید
بعیال عبد الله بن زید پیر دشانی چهار اشرفی و از این روایت
معلوم میشود که او زیدی بوده است عبد الله بن یقطین غالی
المذهب بوده عبد الله پسر سبا بسین غیر منقوطه و باء موحده
غالی ملعونی بوده سوزانید او را حضرت امیر المومنین علیه السلام
باتش وگمان میکرد که او حضرت خدا است و او پیغمبر انحضرت است
لعنت کند خدا او را عبد الله پسر قاسم شیخ کشی گفته است که
او از غلاة بوده است عبد الله پسر جبله بجیم مفتوحه و باء
موحده مفتوحه و لام غیر مشدد پسر حیان بوده است بپاء که
او پسر اخیر بوده است بباء موحده بعد از الف و جیم و راء از اطراف
کنانه بوده است و کنیتش ابو محمد و عرنی صلیب و راستگو بوده

روایت کرده است از پدرش از جدّش حیان بن ابجر دریافته بود
زمان جاهلیّت را و بیت جبله خانه ایست مشهور در کوفه و عبد الله
واقفی و فقیه و راستگو بوده و مرد مشهوری بوده عبد الله
پسر عبد الرحمن اصم یعنی کر و مسمعی از مردم بصره و ضعیف و غالی
بوده و چیزی نبوده از برای او کتابی هست که تصنیف کرده است
در زیارات و دلالت میکند بر خبث بنیاد و مذهب فاسد
او و بوده از جمله دروغگویان اهل بصره و روایت کرده است
از مسمع کردین و غیر او عبد الله پسر ایوب پسر راشد زهری
بایع زطی روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام نجاشی گفته که او راستگو بوده و گفته است که بعضی گفته اند
که در او تخلیطی یعنی فسادی در روایتش هست و ابن غضایری
گفته است که عبد الله بن ایوب قمی را ذکر کرده اند غالیان و از او
روایت کرده اند و ما او را نمی شناسیم عبد الله پسر محمد شاه
تنبیه کرده است نجاشی بر ضعفش عبد الله پسر محمد دمشقی نزد
من در بارهٔ او توقفی هست عبد الله پسر احمد که از مردم ری بوده
نزد من در باب او توقفی هست عبد الله پسر حکم از منی بر آراء
ساکنه ضعیف و قولش بقول غلاة شباهت داشته میگویند

که او روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
عبد الله پسر قاسم که منسوب بحارث بوده ضعیف و غالی
مصاحبت کرده با معویة بن عمار بعد از آن فاسد العقل گردید
و مفارقت کرد از معویه و حدیثش را ترک کرده اند و کسی یاد او
نمیکند عبد الله پسر داهر بدال غیر منقوطه و راء پسر یحیی جهری
بوده ضعیف است عبد الله پسر محمد که او را جعفی میگفتند
ضعیف است عبد الله پسر ابراهیم پسر ابو عمیر غفاری بغین
منقوطه مکسور کنیتش ابو محمد و از مردم مدینه بوده است و
مجافکند بر او فاسد را بسیار ابن غضایری گفته است که روایت
کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و جایز است
که این شاهدی باشد عبد الله پسر بکر ارجانی براء و جیم
روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
قابل بقول غلاة بوده اعتمادی بر او نیست عبد الله پسر بحر
کوفی بوده روایت کرده است از ابو بصیر و دجالی که در طریق او
ضعیف و غالی اند **باب سیم** در بیان احوال عبد الرحمن
است و بان نام هفت نفر موسومند عبد الرحمن پسر ذبیان
برای مضموم پس بعد از ان راء از اصحاب حضرت امام محمد باقر

ومجهول بوده **عبد الرحمن** پسر هلقام بقاف کنیتش ابو محمد عجلی
واز اصحاب صادق علیه السلام وضعیف بوده است **عبد الرحمن**
پسر کثیر هاشمی از اد کرده عباس بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس
است چیزی نیست وضعیف بوده وطعن زده اند بر او اصحاب ما
وگفته اند که او وضع حدیث میکرده است **عبد الرحمن** پسر احمد پسر
نهیك بنون وياء منقوطه بدو نقطه تحتانی پیش از کاف وبی
ولقب بوده است بدحان بدال غیر منقوطه مضمومه وحاء
غیر منقوطه ونون بعد از الف ضعیف وغالی وکوفی الاصل بوده
ودر حدیث معتمد علیه نبوده بعضی احادیث از او معروف
وبعضی غیر معروف بوده است **عبد الرحمن** پسر بدر کنیتش
ابو ادریس وکوفی وراستگو بوده ونزد ما حال او محقق نیست
عبد الرحمن پسر ابو حماد کنیتش ابو القسم از مردم کوفه وصاف
بوده منتقل کردید بقم ودر انجا ساکن شد واو صاحبخانه
احمد بن ابی عبد الله برقی است واو را نسبت بضعف وغلو
داده اند وابن غضایری گفته است که کنیتش ابو محمد است واو
بسیار ضعیف است ودر مذهبش غلوی هست التفاتی باو
نباید کرد **عبد الرحمن** پسر هاشم پسر عبد الرحمن اشل کوفی و

عرب غیر خالص بوده روایت کرده است از ابو بصیر خودش ضعیف
وپدرش ثقه است روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر
وامام جعفر صادق علیهما السلام **باب چهارم** در بیان احوال
عبد الملك است وبان نام سه نفر موسومند **عبد الملك** پسر
هارون پسر عنزه که از بنی شیبان بوده کوفی وراستگو ومعتمد
علیه روایت کرده است از اصحاب ما ودر روایت کرده اند از او و
نبوده است جازم بامر ما **عبد الملك** پسر مهذب بنون پیش از ذال
منقوطه عمی وبصری وضعیف بوده **عبد الملك** پسر جریج بجیم
پیش از راء وبعد از یاء منقطه بدو نقطه تحتانی از رجال عامه
بوده است **باب پنجم** در بیان احوال عبد العزیز است
وبان نام سه نفر موسومند **عبد العزیز** پسر اسحق پسر جعفر
زیدی بقال زیدی بوده وکنیتش ابو القسم است شنیده است
حدیث را از تلعکبری در سال سیصد وبیست وشش از هجرت
عبد العزیز عبدی کوفی ودر روایت کرده است از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام چنانچه ابن نوح ذکر کرده است **عبد**
العزیز پسر ابو ثابت مدنی واو عبد العزیز بن عمر است تضعیف
کرده است او را ابن ابی عمیر ونیست تضعیف او نزد من موجب

طعن او و لیکن از مرجحات طعن میتواند شد

باب ششم

در بیان احوال عمر است و بان نام ده نفر موسومند **عمر** پسر قیس ماصر و بعضی او را عمرو بسکون میم و فتح عین میدانند و او از اصحاب امام محمد باقر علیه السلم و بتری مذهب بوده **عمر** پسر یحیی از اصحاب حضرت باقر علیه السلم و مجهول بوده **عمر** پسر فرات بفا و بعد از ان راء و بعد از ان تاء منقوطه بدو نقطه فوقانی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلم و کاتب و بغدادی و غالی بوده **عمر** پسر موسی وجیهی زیدی بوده **عمر** پسر عبد العزیز کنیتش ابو حفص پسر ابو بشار معروف بزحل بزای و حاء غیر منقوطه بوده شیخ کشی گفته است که گفته است محمد بن مسعود که حدیث کرد مرا عبد الله بن حمدویه بیهقی که گفت شنیدم از فضل بن شاذان که میگفت زحل که مکنی بابو حفص است روایت میکند از مجاهیل و غالی بوده و نجاشی گفته است که او فاسد المذهب بوده **عمر** پسر ریاح بتری مذهب بوده **عمر** پسر توبه بتاء فوقانی و واو و باء موحده کنیتش ابو یحیی و منسوب بصنعان است روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلم و در رجالش بسیار ضعیف هست التفاتی بسوی او نیست و اعتماد نمیکنم بر چیزی که او روایت

کند **عمر** پسر مختار خزاعی ذکر کرده اند او را غلات و در میان اصحاب ما معروف نیست **عمر** پسر ثابت بثاء پسر هرمز و کنیتش ابو المقدام و حداد بوده و او را زاد کرده بنی عجلان و کوفی ثقه است روایت کرده است از حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلم بغایت ضعیف است چنانچه ابن غضایری گفته است و در کتاب دیگرش گفته است که عمر بن ابی المقدام که ثابت عجلی است او را زاد کرده کوفیان بوده و طعن زده اند بر او از جهتی و نیست نزد من چنانچه گمان کرده اند و او ثقه است

باب هفتم

در بیان احوال عمرو است و بان نام شش نفر موسومند **عمرو** پسر حریث از اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلم دشمن خدا و ملعون بوده است **عمرو** پسر قیس مشرقی بقاف منکوسه که چون حضرت امام حسین علیه السلم او را خواند که نصرت او نماید عذر طلبید از انحضرت و گفت اگر خواهی بعضی اموال که همراه داری بتو دهم **عمرو** پسر جمیع از اصحاب امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلم بوده و کنیتش ابو عثمان ازدی قاضی ری و ضعیف و بتری مذهب بود **عمرو** بنطی بنون و بعد از ان باء موحده روایت کرده است شیخ کشی از کتاب یحیی بن عبد الحمید که او وضع

حدیث منکرده است برحضرت امام جعفر صادق علیه السلام

عمرو پسر شمر بشین منقوطه وراء ذراخر کنیتش ابو عبد الله
واز قبیله جعفی وکوفی بوده روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام واز جابر واو بغایت ضعیف است زیاد کرده شد است
احادیثی در کتابهای جابر بن یزید جعفی که بعضی از ایشان را انتساب باو
میدهند وکار او مشتبه است پس اعتماد نمیکنم بچیزی که او روایت
کند **باب ششم** در بیان احوال عیسی است وبان نام
چهار نفر موسومند **عیسی** پسر عیسی که از طایفه بنی کلاب
بوده ورواسی مشهور نیست از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام
وکوفی واقفی بوده است **عیسی** پسر عثمان از اصحاب حضرت
امام رضا علیه السلام ومجهول بوده است **عیسی** پسر عمر
که از قبیله بنی شیبان بوده روایت نکرده است از هیچیک از ائمه
علیهم السلام واو زیدی المذهب بوده است **عیسی** پسر متفه
بسین غیر منقوطه وتاء فوقانی وفاء ودال مهمله از طایفه
بجیله بوده وکنیتش ابو موسی ضریر بوده روایت کرده است از
حضرت امام تقی علیه السلام وبحد اعتماد نرسیده بود وذکر
کرده اند از برای او روایتی از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

واز اوست کتاب وصیت وثابت نیست سندش واو فی نفسه
ضعیف است **باب نهم** در بیان احوال عامر است و
بان نام سه نفر موسومند **عامر** بن کثیر بثاء مثلثه شراج
واز داعیان حضرت امام حسین علیه السلام بوده است چنانچه
شیخ طوسی وبرقی رحمهما الله نقل کرده اند ونجاشی گفته است
که او زیدی مذهب وکوفی وراستگو است ومن توقف در روایات
او دارم چونکه نجاشی او را زیدی گفته **عامر** پسر مسلم از
اصحاب حضرت امام حسین علیه السلام ومجهول است **عامر**
پسر واثلة بثاء مثلثه کنانی مذهب بوده **باب دهم**
در بیان احوال عطیه وبان نام دو نفر موسومند **عطیه**
پسر رستم براء مضمومه وسین غیر منقوطه ساکنه وتاء مضمومه
فوقانی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام ومجهول بوده
عطیه پسر زکوان از اصحاب حضرت باقر علیه السلام ومجهول
بوده **باب یازدهم** در بیان احوال عباد است و
نام دو نفر موسومند **عباد** پسر یعقوب رواجنی براء وجیم
ونون وتاء در اخر عامی المذهب بوده **عباد** پسر صهیب بنری
مذهب بوده چنانکه شیخ کشی گفته است ونجاشی گفته است که

کنیتش ابوبکر تمیمی است کلینی نزبوعی بصری است ثقه و روایت
کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام باب د
و از دیگر دز پیش از اسامی مستقر قرود ان نوزده نفر است
عطا پسر ابورباح از اصحاب امیر المومنین علیه السلام و فاسد
العقیده بوده است عقبه بقاف پسر قیس از اصحاب امام
محمد باقر علیه السلام و مجهول بوده علاء پسر مسیب پسر رافع که
از بنی کاهل بوده در احوال او تامل دارم عبد النور پسر عبد الله
پسر سنان که از بنی اسد و کوفی بوده و داخل بصره کردیده است
و سند از او دارند و نشناخته است او را علی بن حسن عبد الکریم
پسر عمرو پسر صالح جشمی از اد کرده بنی جشم و کوفی بوده روایت
کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما
السلام بعد ازان توقف کرد بر حضرت امام موسی علیه السلام
و لقبش کرام بوده بحاشی کفته است که او را استکور استکور و بسیار
روشناس و واقفی بوده و شیخ طوسی و شیخ کشی رحمهما الله کفته
اند که او واقفی بوده و ابن غضایری کفته است که واقفیه دعوی
میکنند که او از ایشان است و غلاة از او بسیار روایت میکنند
ورای من توقفست در انچه روایت میکنند عمار پسر موسی

ساباطی عرب غیر خالص بوده و دو برادرش که عبارت از قیس و صباح
باشند روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی
کاظم علیهما السلام و راستکو بوده اند در روایت و عمار فطحی مذهب
بوده و از برای او کتاب بزرک نیکوئی هست که اعتماد بر ان هست
و روایت کرده است شیخ کشی از علی بن محمد از محمد بن احمد بن یحیی از
ابراهیم بن هاشم از عبد الرحمن بن حماد کوفی از مروک از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام که انحضرت فرمودند که من طلب نمودم از
پروردکار خود که بیخشد بمن عمار ساباطی را پس او را بمن بخشید
و وجه نزد من انست که روایت او ترجیحی دارد عاصم پسر حمید
از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و مجهول بوده
عثمان پسر عیسی کنیتش ابوعمرو بوده است و واسطی و عامری
و کلابی بوده است بعد ازان نسبتش دادند به عبد الله بن
دواس بتشدید و او بعد از زاء و سین مهمله در اخر شیخ نجاشی
کفته است که صحیح نزد من انست که او را از اد کرده بنی دواس بوده
و شیخ واقفیان و بزرک و روشناس ایشان بوده و یکی از وکلاء
بوده که متفرد بوده اند عمار الحضرت امام موسی کاظم و روایت
کرده است از انحضرت علیه السلام و شیخ کشی کفته است که ذکر کرده اند

نصر بن صباح که عثمان بن عیسی واقفی وکیل حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام بوده و در دست او مال بوده که از برای حضرت امام
رضا علیه السلام فرستاده بود پس غضبناک شده بود بر او حضرت
امام رضا پدر عثمان توبه کرد و مال را بخدمت حضرت فرستاد و پیر
مرد بود و شصت سال عمر کرده بود و روایت میکرده است از ابوحمزه
ثمالی و کسی متهم نساخت عثمان بن عیسی را و حمدویه گفته است که
محمد بن عیسی گفته است که عثمان بن عیسی در خواب دید که در حایر و فا
خواهد یافت و در انجا مدفون خواهد گردید پس گذاشت کوفه و شتاب
خود را در انجا رسانید و پسر خود را بسوی حایر روانه کرد از انجا حرکت
نمیکنم تا انکه تقدیرات حق تعالی در باره من بعمل نیاید پس در انجا
اقامت کرد و عبادت حق تعالی کرد تا انکه وفات یافت و در حایر
مدفون گردید و بعد ازان پسرهایش بکوفه رفتند و شیخ طوسی
رحمه الله گفته است که او واقفی بوده و او لی نزد من توقف است
در روایتی که او متفرد بنقلش باشد **عروه** پسر یحیی نخاس
دهقان ملعون و غالی است روایت کرده است شیخ کشی حدیثی
که در طریق او محمد بن موسی همدانی بوده و حدیث دیگر از علی بن محمد
قتیبه از ابو حامد احمد بن ابراهیم مراغی که حضرت امام حسن

عسکری علیه السلام لعن کرد عروه بن یحیی دهقان را و امر کرد شیعه
خود را بلعن او **عبد الواحد** پسر عمر پسر محمد پسر ابو هاشم کنیتش
ابو طاهر مقری است عامی المذهب بوده و از برای او کتابی است
در قرائت حضرت امیر المومنین علیه السلام و بود قاری و غلام
پسر مجاهد **عمران** ز عفرانی مجهول بوده **عنبسه** بنون و بعد
ازان باء موحده و سین غیر منقوطه پسر مصعب بوده شیخ کشی
از حمدویه نقل کرده است که عنبسه بن مصعب ناووسی بوده
و توقف کرده بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و ناووسیه
بان اسم می نامند از جهت انکه رئیسی داشته اند که نامش فلان
بن فلان ناووس بوده **عکرمه** از اد کرده ابن عباس نیست بر
طریقه ما و نه از اصحاب ما **عباس** پسر صدقه ذکر کرده است
فضل بن شاذان در بعضی از کتابهایش که او از جمله کذابان
مشهور بکذب بوده و مثل ان نقل کرده است از علی بن حسکه
عبید الله پسر عبد الله دهقان بکسر دال از مردم واسط
وضعیف بوده **عبید** پسر کثیر بثاء مثلثه پسر محمد و
بعضی گفته اند که عبید پسر محمد و او پسر کثیر و او پسر عبد الواحد
و او پسر عبد الله و او پسر شریک که از قبیله بنی عامر و وجیه

مقری بمیم مفتوح است منه

وسیوی منسوب بسیو محله بود بمرو الروذ منه
قیل نسبة الی الثلاب منه

وکلابی بوده کنیتش ابو سعید است طعن زده اند در او و اصحاب ما
وذکر کرده اند که اشکار او وضع حدیث میکرده و از کذب صریح
نمی اندیشید و امرش مشهور است و کنیت عبد الله بن شریک
جد او ابو المخارق بوده روایت کرده است از حضرت امام زین
العابدین و امام محمد باقر علیهما السلام و بوده است نزد ایشان
روشناس و مکرم **عماره** پسر زید کنیتش ابو زید خولانی همدانی
مدنی و هم سوگند با انصار بوده این نسب است بنا بر انچه
گمان کرده است عبد الله بن محمد بلوی مصری زیرا که او را کسی
نمیشناسد مگر از جانب او و از عبد الله سوال کردند از احوال
او و گفتند با او که کیست عثمان که از او روایت میکنی گفت مردیست
که از اسمان فرود امد و مرا حدیث کرده و باز باسمان بالا رفته
واصحاب ما میگویند که او اسمی است که در تحت ان کسی داخل
نیست و هر چه روایت میکند کذبست و دروغ ظاهر است
در روی حدیثش **عباده** پسر زیاد که از قبیله بنی اسد بوده
کوفی و راستگو و زیدی مذهب بوده **عبد الحمید** پسر ابو الدیلم
و او پسر عموی معلی بن خنیس بوده ابن غضایری گفته است که
او ضعیف است **فصل هفدهم** در ذکر اسامی که در اوّل

انها غین است و در ان سه نفر است **غیاث** پسر ابراهیم که از
بنی تمیم و بنی اسد بوده و از مردم بصره و ساکن در کوفه بوده است
راستگو و روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
و بتری مذهب بوده **غالب** پسر عثمان که از قبیله منقر بوده
عرب غیر خالص و کوفی و سمّال یعنی کحّال بوده و بعضی گفته اند
که او را زاد کرده ال اعین است روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام راستگو و واقفی بوده **غالب** پسر عثمان همدانی
شاعر زیدی بوده و روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام راستگو راستگو و واقفی بوده **فصل هجدهم**
در ذکر اسامی که در اوّل انها فاء است و در ان سه باب است

باب اوّل در بیان احوال فضل و بان نام سه نفر
موسوم شده **فضل** پسر یونس کاتب از اصحاب حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام و واقفی بوده و نجاشی گفته است که او
راستگو است **فضل** پسر ابو قره بقاف که از قبیله بنی تمیم
و ساکن در سمیرم که شهریست از اذربایجان و اخر رفت بسوی
ارمینیه روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
و ضعیف بوده و ممدوح نبوده **فضل** پسر حارث روایت کرده

شیخ کشی که او تعجب میکرده است از سبزی چهر حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام بعد از وفات حضرت امام علی نقی
علیه السلام و باز تعجب میکرده است از بان کردن آن حضرت
جامه اش را در وفات پدر بزرگوارش و در خواب دید حضرت
امام حسن عسکری را که میفرمود سبزی چهر که از آن تعجب
می نمائی از نمایشی است از حق تعالی خلق خود را و در آخر حدیث
فرمودند که بدانکه کلام ما در خواب مثل کلام ما است در بیداری
شیخ کشی گفته است که این حدیث دلالت میکند بر آنکه فضل
امین بوده است در قول خود و نیست در این حدیث نزد من دلالتی
بر مدح یا جرح او پس ما در روایت او از جمله توقف کنند کانیم

باب دوم

در بیان احوال افضل و بان نام دو نفر
موسومند **فضیل** پسر غیاث از اصحاب حضرت امام محمد
باقر علیه السلام و مجهول بوده **فضیل** پسر عیاض راستگو
و عالمی بوده است روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام

باب سیم

در بیان اسامی متقرقه است و در آن
سه نفر است **فرات** پسر احنف عبدی شیخ طوسی گفته است
که او را تهمت بغلو و تفویض زده اند و ابن غضایری گفته است

که فرات بن احنف کوفی در روایت کرده است از حضرت امام زین العابدین
و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام و چنانچه گمان
کرده اند غالی و دروغ گو او را و حدیثش را ذکر و قبول نباید کرد
و عقیقی گفته است که او زاهد و تارک دنیا بوده است پس از
بعضی از مشایخ اهل کوفه خود نقل کرده است که میگفته است
که در محمد صلی الله علیه و آله چیزی از حق تعالی هست **فارس**
پسر حاتم پسر ماهویه که در عسکر فرود آمدن بود و از مردم قزوین
و از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده بسیار کم روایت حدیث
کرده و او غالی و ملعون بوده فاسد کرد مذهب او و اظهار
براءت نمود با او بعضی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام
در عسکر و او را کشت التفاتی باحادیث او نیست و از برای او
کتابهای بسیار هست که همه آنها فاسد است و شیخ کشی گفته است
که نضر بن صباح گفته است که حضرت امام علی نقی علیه السلام
لعنت کرده است حسن بن محمد را که معروفست بابن بابای قمی
و محمد بن بصیر بحیری و فارس بن حاتم قزوینی را و در احوال فارس
بن حاتم گفته است که او تهمت زده شده و غالی است پس در باره
او گفته است که ذکر کرده است فضل بن شاذان در بعضی از کتابهای

خود کرا از جمله دروغگویان مشهور و فاسقان فاجر شمرد و نیز ابن خاتم قزوینی است
و روایت کرده است که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام امر نمود
بقتل او و پس کشت او را جنید گفته است که حدیث کرد ما را اجماعی
از اصحاب عراقیین ما و غیر ایشان باین حدیث از جنید پس بعد از ان
این حدیث خود مشافهة از جنید شنیدم **فتح** بتاء منقطة تحتانی
پسر زید بزاری و از مردم جرجان و صاحب نوشتجات و سایل بخدمت
حضرت ابو الحسن علیه السلام بوده و اختلاف کرده اند که مراد از ابو الحسن
کیست بعضی امام رضا و بعضی امام حسن عسکری علیه السلام را گفته اند
و ان مرد مجهول الحال است و سند داد نیکوی او مذموم است **باب**
نوزدهم در ذکر اسامی است که در اول انها قاف است و در ان
سه باب است **باب اول** در بیان احوال قاسم و بان نام
هشت نفر موسومند **قاسم** پسر محمد جوهری از اصحاب حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام و واقفی بوده است ملاقات نکرده است
حضرت صادق علیه السلام **قاسم** پسر اسباط از اصحاب حضرت
امام رضا علیه السلام و مجهول بوده **قاسم** شعرانی یقطینی
متهم است بغلو و مدعی انست که او باب است و او پیغمبر است
قاسم هروی که از مردم هرات بوده است مجهول است **قاسم**

پسر محمد قمی که معروف است بکاسولا نبوده است پسندیده و ابن
غضایری گفته است که کنیت او ابو محمد است حدیثش یکمرتبه
معروف و یکمرتبه غیر معروف است و جایز است که اینرا شاهد
قرار دهیم **قاسم** پسر یحیی که او پسر حسن و او پسر راشد زاد
کرده منصور بوده روایت از ضعیفی کرده است **قاسم** پسر حسن
که او پسر علی و او پسر یقطین و او پسر محمد که از اذکرده بنی اسد بوده
است ساکن قم گردید و ضعیف بوده بنا بر انچه ذکر کرده است
او را ابن ولید چنانچه بجاشی گفته است و ابن غضایری گفته
است که حدیثش او یکمرتبه معروف ما و یکمرتبه غیر معروف
و ذکر کرده اند قمیون که در مذهب او غلوی هست ولیکن غالب تر
انست که خوب باشد و از انجا تعدیل او ظاهر میشود **قاسم**
پسر ربیع صحاف کوفی و ضعیف بوده است در حدیثش و غالی
بوده در مذهبش التفاتی باو و بحدیثش نیست **باب**
دوّیم در بیان احوال قیس و بان نام دو نفر موسومند
قیس پسر ربیع بتری مذهب بوده **قیس** پسر رومی کریخت
بسوی معویه **باب سیّم** در ذکر اسامی متفرقه است و در
انجا دو نفر مذکور است **قعنب** بعین غیر منقوطه و نون

وباء موحّده پسر اعین برادر حمران بوده شیخ کشی گفته است که
علی بن حسن بن فضال گفته است که او داخل مرجئه بوده است
واز محمد بن عیسی بن عبید از حسن بن علی بن یقطین نقل کرده است
که قول معصوم علیه السّلام که انّهما لیسا من هذا الامر
فی شیء اشاره است بسوی قعنب و مالک بن اعین یعنی ایشان
بهره از امر امامت ندارند و روایت کرده است از علی بن احمد
عقیقی از پدرش از احمد بن حسن از مشایخش که قعنب بن اعین
مخالف مذهب حق بوده است **قافی** خادم حضرت امام
موسی کاظم علیه السّلام مجهول بوده **فصل بیستم**
در بیان اسامی است که در اوّل انها کاف است و در ان دو باب است
باب اوّل در بیان احوال کثیر و بان نام سه نفر موسومند
کثیر نواء شیخ طوسی و کشی گفته اند که او بتری مذهب بوده
و برقی گفته است که او عامی مذهب بوده **کثیر** پسر عیاش
بشین منقوطه ضعیف است پرورده ایام ابو السرایا
با ابو السرایا و در جنات با وجراحی رسید و بنبه فروش بوده
کثیر پسر طارق کنیتش ابو طارق قبری بوده است از فرزندان
قنبر آزاد کرده حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام شیخ نجاشی

کفته است که او روایت کرده است از زید و غیر ش و این نه موجب
جرح و نه تعدیل او میشود **باب دوّم** در ذکر اسامی متفرقه
است و در ان یازده مرد مذکور است **کامل** وضاضی مجهول و از
اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السّلام است **فصل بیست و یکم**
در ذکر اسامی است که در اوّل ان لام است و در ان نه نفر مذکور
است **لیث** پسر ابو سلیم از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه
السّلام و مجهول بوده **فصل بیست و دوّم** در ذکر اسامی است
که در اوّل انها میم است و در ان هشت باب است **باب اوّل**
در بیان احوال محمّد است و بان نام شصت و پنج نفر موسومند
محمّد پسر حبیب نضری بضاد منقوطه از اصحاب حضرت
رسول صلّی الله علیه و اله بوده و او را از جمله ثامنین شمرده
اند و ابن عقده گفته است که در حدیث او تامّل دارم **محمّد**
پسر شهاب زهری از اصحاب حضرت امام زین العابدین علیه
السّلام و عامی المذهب بوده **محمّد** پسر زید از اصحاب حضرت
امام محمد باقر علیه السّلام و بتری مذهب بوده **محمّد** پسر حجّاج
مدنی از اصحاب حضرت صادق علیه السّلام بوده وفات یافت
در سال صد و هشتاد و یک از هجرت خالکونی که کسی حدیث

او را نمیشناخت **محمّد** پسر عبد الملک انصاری از اصحاب
حضرت صادق علیه السّلام و کوفی بوده که نازل بغداد شده
از اوسند دارند و ضعیف است **محمّد** پسر مقلاص بقاف
از بنی اسد و ساکن کوفه بوده است لقبش اجدع و عملش زیاد و کنیش
ابو الخطّاب خدا لعنت کند او را غالی ملعون است و مکنّی
مقلاص بابو زینب زیاد و ابو جعفر بن بابویه گفته است
که اسم ابو الخطّاب زید بوده است و ابن غضائری گفته است
که او از اذاد کردهٔ بنی اسد بوده لعنت کند خدا او را امر او مشهور است
ورای من اینست که ترک کنم انچه را که اصحاب ما در حالات استقامتا
او از او روایت کرده اند **محمّد** پسر مسکان ذکر کرده است او را
شیخ کشی و گفته است که او مجهول است **محمّد** پسر سلیمان نضیری
بنون از اصحاب امام موسی کاظم علیه السّلام و تهمت بغلوش
زده اند **محمّد** پسر فضیل کوفی که از طایفهٔ ازد بوده است
از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام و ضعیف است
محمّد پسر بشیر از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام
و غالی ملعونی بوده است روایت کرده است شیخ کشی از احمد و پسر
از سعد از احمد بن محمّد بن عیسی بن عبید از برادرش جعفر و ابو یحیی

از ابو یحیی که نام پسر ابن نباته از اصحاب امیر المؤمنین علیه السّلام بوده است

واسطی از حضرت امام رضا علیه السّلام که آنحضرت فرمود
که محمّد بن بشیر دروغ می بست بر حضرت امام موسی علیه السّلام
پس چشانید حق تعالی باو گرمی آهن را یعنی او را کشید **محمّد**
پسر ثابت از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام و
مجهول بوده **محمّد** پسر زید از اصحاب حضرت امام موسی کاظم
علیه السّلام و مجهول بوده **محمّد** پسر عبد الله جلاب بجیم و لام
و باء موحّده از مردم بصره و از اصحاب حضرت امام موسی کاظم
علیه السّلام و واقفی بوده **محمّد** پسر بکر پسر جناح پسر نکران
از اصحاب امام موسی کاظم علیه السّلام و واقفی بوده **محمّد**
پسر عمر و از اصحاب امام موسی کاظم علیه السّلام و واقفی بوده
محمّد پسر سنان بسین غیر منقوطه و نون پیش از الف و بعد
از الف کنیتش ابو جعفر و از فرزندان زاهر از اذاد کردهٔ عمرو بن
حمق خزاعی بوده و عبد الله بن عیاش منکفته است که حدیث
کرد ما را ابو عیسی محمّد بن احمد بن سنان که گفت او محمّد بن حسن
بن سنان است از اذاد کردهٔ زاهر ابو الحسن وفات یافت و او طفل
بود و او را کفالت کرد جدّش سنان پس او را نسبت دادند بسوی
او و ابن غضائری گفته است که ابو جعفر همدانی بدال غیر منقوطه

ازاد کرده ایشان بوده این صحیح ترین چیزیست که نسبت باو میدهند
واختلاف کرده اند علمای ما در بارهٔ او و شیخ مفید رحمه الله
گفته است که او راستگوست و شیخ طوسی رحمه الله و نجاشی
تضعیف او کرده اند و ابن غضایری گفته است که او غالی
وضعیف بوده است التفاتی بشانش نیست و روایت
کرده است شیخ کشی در بارهٔ او مذمت عظیمی و مدح او نیز
کرده است و اولی نزد من توقف است در انچه او روایت میکند
زیرا که فضل بن شاذان در بعضی از کتابهای خود گفته است
که از جملهٔ دروغ گویان مشهور ابن سنان است و او عبد الله
بن سنان نیست و دفع کرد ایوب بن نوح بسوی حمدویه دهقی
که در ان احادیث محمد بن سنان بود و گفت اگر خواهند که این را
بنویسند پس بنویسند زیرا که من نوشته ام انرا از محمد بن سنان
ولیکن روایت نمیکنم از برای شما ازو چیزی زیرا که پیش از انکه
وفات کند گفت که هر چیز را که بشما حدیث کرده بودم نشنیده
بودم انرا و نه روایتی ازو بمن رسیده بود انها را یافته بودم و نقل
کرده اند ازو چیزهای بد یکه انها را ذکر کرده ایم در کتاب
بزرگ خود و وفات یافت در سال دویست و پنجاه از هجرت

محمد پسر حسن پسر جمهور بحیم وراء که عمی وعربی واز مردم
بصره بوده روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام
وحدیثش ضعیف بوده ودر مذهب غلاه بوده وروایتش
فاسد بوده التفاتی بحدیثش و اعتمادی بر روایات او نیست محمد
پسر فضیل پسر کثیر بعد از اصحاب حضرت امام رضا
علیه السلام واز قبیلهٔ ازد وصراف بود نسبت بغلو شرده اند
محمد پسر صدقه از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام
واز مردم بصره وغالی بوده است محمد پسر منصور اشعری
از اصحاب امام رضا علیه السلام ومجهول بوده است محمد
پسر عبد الله پسر مهران از اصحاب امام محمد تقی علیه السلام
وکنیتش ابو جعفر واز مردم کرخ واز فرزندان اعاجم وغالی و
کذاب وضعیف وفاسد المذهب والحدیث ومشهور بانها
ومخلط الحال بوده است از برای او کتابی هست که تصنیف
کرده است انرا در احوال ممدوحین ومذمومین که دلالت بر
خباثت وکذبش میکند محمد پسر حصین بخاء بی نقطه مضموم
وصاد بی نقطه وباء منقطه تحتانی ودر اخر نون از قبیلهٔ
فهم واز اصحاب حضرت امام علی نقی علیه السلام بوده است

وضعیف وملعون بوده است **محمد** پسر موسی شریعی بقاف
ملعون وغالی بوده است **محمد** پسر نصر از اصحاب امام حسن
عسکری علیه السلام واقفی بوده وبعد ازان غالی گشته و
بغایت ضعیف وفاسد المذهب بوده ونسبت میدهند
باو احادیث چند را در مذهب واقفیه وعمرش بصد و
چهارده سال رسیده بود ودر سال دویست وپنجاه وهشت
وفات یافت واصلش از مردم بصره بوده است واو بنیاز
فاسد است التفاتی باو وبه تصنیفاتش وانچه نسبت باو
میدهند بنیاندیکرد **محمد** پسر پیغمبر بیاء موحده وحاء بی نقطه
وراء رهنی براء مضموم وبعد ازان هاء وبعد ازان نون گنیتش
ابو الحسین واز قبیله بنی شیبان بوده ساکن کردیده در ماشیر
که نام موضعی است از کرمان وشیخ طوسی رحمه الله گفته است
که او از اهل سیستان واز جمله متکلمین بوده ودانا باحادیث
وفقه بوده واز برای او نزدیک بیاصد تصنیف ودر ساله
هست ونجاشی گفته است که بعضی از اصحاب ما گفته اند که
در مذهب او غلوی بوده است وحدیثش نزدیک بسلامت
وگفته است نجاشی که نمیدانم که ان بعض اصحاب این کلام را از کجا

گفته اند وابن غضایری گفته است که او ضعیف ودر مذهبش
غلوی هست ورای من انست که توقف در روایت او نمایم
محمد پسر عبد الله پسر عبد المطلب که از قبیله بنی شیبان
بوده گنیتش ابو الفضل است روایتش بسیار وحفظش نیکو
تضعیف کرده اند او را جماعتی از اصحاب ما وابن غضایری
گفته است که او وضع احادیث بسیار منکره است واحادیث
غیر معروف از او بسیار است ودیدم ام کتابهای او را ودر انجا
سندها هست بدون متنها ومتنها هست بدون سندها ورای من
انست که ترک نمایم انچه را که او متفرد بروایت کردن انست **محمد**
پسر اورمزد بضم همزه وسکون واو وفتح راء ومیم وبعضی مقدم میدارند
راء را بر واو گنیتش ابو جعفر بوده واز برای او کتابهای بسیار بوده
مثل کتابهای حسین بن سعید وشیخ طوسی گفته است که در روایات
او تخلیط وفساد هست ونقل کرده است از محمد بن علی بن بابویه که
محمد بن اورمه مطعون است بغلو وهر انچه در کتابهای او هست از انچه
یافت میشود در کتابهای حسین بن سعید وغیر او پس او معتمد علیه
ومفتی به است وهر انچه را که متفرد است بروایت کردن از جایز
نشمرده است عمل بان واعتمادی بران نیست ونجاشی گفته است

که اورا واقفیون ذکر کرده اند وطعن زده اند بر او ونسبت بغلو بش داده
بودند تا انکه کتبی را در کمین او داشتند که او را بکشند پس یافتند
او را که نماز میکرد از اول شب تا بصبح واین امر در چند شب واقع
شد پس توقف کردند از کشتن او وبعضی از اصحاب ما گفته اند
که من دیدم توقیعات حضرت امام علی نقی علیه السلام را که
باهل قم نوشته بودند در سفارش او واینکه او بری است از
انچه باو بهتان زده اند باز نجاشی گفته است که کتابهای او همگی
صحیح است مگر کتابی که نسبت میدهند باو که ترجمه تفسیر الباطن
است زیرا که ان کتاب باطل بسیار دارد وابن غضایری گفته است
که تهمت زده اند او را واقفیون بغلو وحدیثش پاکیزه است وفسادی
در ان نیست ونمیدانم چیزی را که نسبت باو داده اند که اینکس
از ان مشوش ومضطرب گردد مگر او راق چند که در تفسیر باطن
نوشته است وان کتاب لیاقت بحال او ندارد وچنین مینماید
که ان کتاب را وضع بر او کرده باشند واز او نباشد ودیدم من
کتابی را که بیرون امده بود از ناحیه مقدسه حضرت امام
علی نقی علیه السلام بسوی قمیین که در انجا ذکر نموده بودند که
محمد بن او مفتری است از انچه بهتان باو زده اند واعتقاد من

انست که توقف ننماید در روایات او محمد پسر علی پسر ابراهیم
پسر موسی کنیتش ابو جعفر قرشی وازاد کرده قریش وصراف بوده
پسر خواهر خلاد مقری واو خلاد بن عیسی است ولقب محمد بن علی
ابو سمینه بضم سین بی نقطه ونون بعد از یاء منقطه تحتانی
بود وبغایت ضعیف وفاسد اعتقاد بوده واعتماد بر هیچ چیز
او نمیتوان نمود وواردقم گردید ومشهور بدروغ گردید وفرود
امد بود در خانه احمد بن محمد بن عیسی مدتی پس مشهور بغلو گردید
پس از او دوری کردند وبیرون کرد او را احمد بن محمد بن عیسی از قم
وبسیار دروغگو ومشهور در غلو بود التفاتی باو وبکتابهای
حدیثش نباید کرد ودر روایت کرده است شیخ مفید کتابهای او را
مگر انچه را که در ان فساد یا غلو وتدلیس بوده یا انکه متفرد بوده است
بان واز غیر طریق او شناخته نشده بود ونقل کرده است علی بن
محمد قتیبه نیشابوری از فضل بن شاذان که او گفت که نزد یکست
که نفرین یا لعنت کنم بر ابو سمینه محمد بن علی صیرفی گفتم باو که چه
سبب او از میانه امثال خود مستوجب ان گردیده گفت از انجهت
که من در باره او چیزی چند میدانم نه که تو نمیدانی وفضل در بعضی
از کتابهای خود گفته است که دروغگویان که مشهور بودند

مقری یعنی قرائت کننده

ابو الخطاب و یونس بن ظبیان و یزید صایغ و محمّد بن سنان اند
و مشهورترین ایشان ابو سمینه بوده است **محمّد** پسر علی شلقانی
بشین منقّطه و غین منقّطه کنیتش ابو جعفر بوده و معروف بابن
ابی العزاقر بوده است بعین غیر منقّطه و زای و قاف و رای در آخر
از برای او کتابها در روایتها هست و بر دین حق بوده و از جمله متقدمین
اصحاب ما بوده پس حسد ورزید بر ابو القسم بن روح و ترک کرد مذهب
حق را و داخل در مذاهب باطله گردید تا آنکه در زمان او توقیعات
بنشابور بیرون آمد و اخراج او را سلطان از زمان کوفت و کشت و بر
دار کشید و ظاهر گردید از او مقالات ناخوش و از برای او از
کتابهائی که در حالت استقامت تصنیف کرده است کتاب تکلیف
است و همه را از شیخ مفید روایت کرده است مگر یک حدیث از آن را
در باب شهادات و مضمون حدیثش آنکه جایز است از برای اینکس
که شهادت بدهد از برای دیگری بر چیزی هر گاه که از برای او یک شاهد
باشد و هر چند که علم با نچیز نداشته باشد **محمّد** پسر جریر بن بجیلم
وراء پشت از نیاء و بعد از ان از مردم طبرستان و صاحب تاریخ
و عامی المذهب بوده **محمّد** پسر یحیی معاذی ضعیف است **محمّد**
پسر علی همدانی ضعیف است **محمّد** پسر هارون ضعیف است **محمّد**

پسر یحیی رهنی براء نسبتش بتفویض داده اند **محمّد** پسر سالم نخعی فروش
زیدی مذهب بوده **محمّد** پسر قیس کنیتش ابو احمد و ضعیف بوده است
روایت کرده است از حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام و از برای ما
جماعتی هست که هر یک از ایشان محمّد بن قیس اند و ایشان را در قسم
اوّل از این کتاب ذکر کرده ایم **محمّد** پسر مکندر و محمّد بن اسحاق از رجال
عامّه بوده اند **محمّد** پسر فرات بفاء مضموم و راء و تاء منقّطه
فوقانی ایراد کرده است شیخ کشی اخبار نیش چند در مذمّت او و محمّد بن
عیسی گفته است که نماند محمّد بن فرات الّا اندکی تا آنکه کشت او را
ابراهیم بن شکله و او ابراهیم بن مهدی بن منصور بوده و نام مادرش
شکله بوده است و محمّد بن فرات دعوی میکرده است که او باب است
و او پیغمبر است و همچنین قاسم یقطینی و علی بن حسکه قمی چنین دعوی
میکرده اند خدا همه را لعنت کند و ابن غضایری گفته است که محمّد بن
فرات بن احنف روایت کرده است از حضرت امام محمّد باقر و امام
جعفر صادق و علیهما السّلام ضعیف پسر ضعیف بوده حدیث او را
او را نباید نوشت و نجاشی گفته است که محمّد بن فرات جعفی کوفی ضعیف
بوده **محمّد** پسر نصیر نمیری لعنت کرده است او را حضرت امام
علی نقی علیه السّلام **محمّد** پسر حسن پسر عبد اللّه جعفری ذکر کرده است

او را بغضی از اصحاب ما و طعن بر او وزده است و روایت کرده است
از او بلوی و بلوی مرد ضعیفی است که طعن بر او وزده اند **محمد** پسر
حسن بدون یاء بعد از سین پسر سعید ضایع بوده بغین معجمه یعنی
ذکر از مردم کوفه و نازل کردیده بود در قبیله بنی ذهل کنیتش ابو جعفر
بوده است بغایت ضعیف است و بعضی گفته اند که او غالی است
و الله اعلم باو نباید کرد **محمد** پسر حسان رازی کنیتش ابو عبد الله
بوده است نجاشی گفته است که معروف بوده است بزندیق کاهی
روایتش معروف و کاهی غیر معروف و حالش میانه است بسیار
روایت میکند از ضعیفان و ابن غضایری گفته است که محمد بن
حسان رازی کنیتش ابو جعفر و ضعیف است **محمد** پسر موسی پسر
عیسی کنیتش ابو جعفر سمانی بوده از مردم همدان و ضعیف و روایت
از ضعفاء میکرده تضعیف کرده اند او را قمیون بسبب غلو و ابن الولید
میگفته است که او وضع حدیث میکرده است و الله اعلم و ابن غضایری
گفته است که او ضعیف و روایت از ضعفاء میکند و جایز است که
این شاهد احوال او باشد قمیون در بارهٔ او حرف بسیار زده اند
و استثنا کرده اند از کتاب نوادر الحکمة آنچه را که او روایت کرده است
محمد پسر عبد الله پسر غالب کنیتش ابو عبد الله انصاری و نزاز

بوده بزای پیش از الف و بعد ش زا ساکن بوده است در روایت بر مذهب
واقفه **محمد** پسر عبید بضم عین و یاء بعد از باء و او پسر صاعد
کوفی و کنیتش ابو عبد الله و واقفی بوده **محمد** پسر عمر جرجانی مخالط
الامر بوده است چنانچه ابو العباس بن نوح گفته است **محمد**
پسر میمون کنیتش ابو نصر زعفرانی عامی مذهب بوده الا اینکه
روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام **محمد**
پسر عطیه خیاط بخاء منقطه دو برادرش حسن و جعفر بوده اند
کوفی و روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام و او
ضعیف بوده است **محمد** پسر سلیمان پسر عبد الله دیلمی بغایت
ضعیف است اعتماد بر هیچ چیز او نمیتوان کرد **محمد** پسر اسلم
کوفی از مردم طبرستان و جبلی بوده به باء پیش از لام بوده و ابن
غضایری یاء را بعد از لام ذکر کرده که جبلی باشد کنیتش ابو جعفر است
و اصلش کوفی است تجارت بطبرستان میکرده میکویند که او غالی
بوده است و حدیثش فاسد روایت کرده است از حضرت امام
رضا علیه السلام **محمد** پسر جعفر پسر عنبه بنون بعد از عین
مفتوحه و باء موحده از مردم اهواز بوده و معروف بابن
دیدویه بوده بزاء مکسور و یاء منقطهٔ تحتانی و ذال منقطه

وواو کنیتش ابو عبد الله وحالش مختلط وفاسد بوده است **محمد**
پسر عبد الله پسر محمد پسر عبد الله پسر بهلول کنیتش ابو المفضل
ودر تمام عمر سفر نکرد در طلب حدیث اصلش کوفی بوده است
ودر اول امرش مستقیم المذهب وثابت قدم بوده ودر اخر حالش
مخلوط بفساد گردید وبیشتر اصحاب ما طعن با و میزنند و
تضعیفش میکنند **محمد** پسر عبد الله جعفری ابن غضایری
گفته است که نمیشناسیم او را مگر از جهت علی بن محمد صاحب زنج
واز جهت عبد الله بن محمد بلوی ونسبت دادن دیگران باو وبنام او
فاسد است ودر کتاب دیگرش گفته است که محمد بن حسن بن عبید الله
جعفری روایت کرده است از او علی بن محمد عبیدی صاحب زنج
در بصره وروایت کرده است از او عمار بن زید نیز وحدیث او
غیر معروف است **محمد** پسر سلیمان پسر زکریا کردیم منسوب بود
کنیتش ابو عبد الله وضعیف بوده است در حدیثش ومذهب
غالیان داشته **محمد** پسر مصادف از اد کرده حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام بوده است روایت کرده است از پدرش
ومختلف شده است قول ابن غضایری در احوال او پس در نگی
از کتابهایش گفته است که او ضعیف است ودر کتاب دیگر گفته است

ذیل طائفه از ذوات ه

که ثقه وراست گو است وبهتر نزد من توقف نمودن است در او
محمد پسر علی پسر همدانی بذال منقوطه کنیتش ابو جعفر بوده است
ابن غضایری گفته است که از برای پدرش وصلت وسببی بود
بحضرت ابو الحسن علیه السلام وحدیث او کاهی معروف وکاهی
غیر معروف است وروایت از ضعفاء بسیار میکند واعتماد بر مراسیل
می نماید **محمد** پسر نامی کردنی که از قبیله کنده ومردم سجستان
یعنی سیستان بوده روایت میکند از پدرش ودر حدیثش ضعفی
هست **محمد** پسر احمد جاموراني بجیم ومیم مضموم بعد از الف
وواو وونون بعد از الف کنیتش ابو عبد الله رازی است وتضعیف
کرده اند او را قمیون واستثنا کرده اند از کتاب نوادر الحکمة انچه را
که او روایت کرده است ودر مذهبش غلوی هست **محمد**
پسر قاسم وبعضی ابن ابی القسم گفته اند مفسر وازدم استرابادی
بوده است روایت کرده است از او ابو جعفر زین بابویه ضعیف
وکذاب بوده است روایت کرده است از او تفسیری را که روایت
میکند از او دو مرد مجهول که یکی از ایشان معروف است یوسف
بن محمد بن زیاد ودیگری معروف است بعلی بن محمد بن یسار وروایتشان
از پدر خود از حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت کرده اند

کتابخانه مجلس شورای ملی

وان تفسیر را وضع کرده است سهل دیباجی و از پدرش اخذ کرده است
و ازان قبل روایاتی که معروف نیست در انجا ذکر کرده محمد
پسر نصیر بنون مضموم وصاد بی نقطه و یاء قبل از راء ابن غضایری
گفته است که گفت بمن ابو محمد بن طلحة بن علی بن عبد الله بن غلاله
که گفت بما ابو بکر بن الجعابی که بود محمد بن نصیر از فاضلان اهل
بصره وضعیف بوده است وابتداء نصیر بیرا از او بوده و ایشان
بسوی او منسوبند محمد پسر و لیکن نصیر فی جوان ضعیفی بوده
محمد پسر احمد نطنزی بنون مفتوحه وطاء مهمله ساکنه
ونون مفتوحه وزای عامی المذهب بوده محمد پسر علی پسر
بلال کیکتش ابو طاهر بوده شیخ در کتاب غیبت گفته است
که او از جمله مؤمنانست باب دوم در بیان احوال موسی
و بان نام هشت نفر موسومند موسی پسر بکر واسطی از اصحاب
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و واقفی بوده موسی
پسر اشیم بشین معجمه و یاء منقطه تحتانی شیخ کشی گفته است
که حدیث کرد مرا احمد و یه بن نصیر و او گفت که حدیث کرد مرا
ایوب بن نوح از حنان بن سدیر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که انحضرت فرمودند که من خاموش میکنم بنفس

آتشی را که افروخته شده باشد بر جسدهائی که کشته شده
باشند با او یعنی با ابو الخطاب و بعد ازان از جمله کشته
شدگان ابن اشیم را شمردند و فرمودند که می آمد او وصاحبش
پیش من وحفص بن میمون وسؤال میکردند از من پس خبر میدادم
ایشانرا بحق پس چون از نزد من برون میرفتند پیش ابو الخطاب
میرفتند پس او ایشانرا خبر میداد بخلاف قول من پس قول او را
قبول میکردند و قول مرا ترک میکردند موسی سیوطی فروش نصر بن
صباح گفته است که موسی سواق اصحابش علی الله اند که سب
میکنند حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله را موسی پسر
سعدان حناط بحاء بی نقطه ونون از مردم کوفه بوده است
روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام وضعیف
بوده ودر مذهبش غلوی بوده موسی پسر جعفر کندانی بضم کاف
ومیم واسکان نون وفتح ذال منقطه کیکتش ابو علی بوده وکندان
نام دهی است از دهای قم غالی مذهب وضعیف الحدیث بوده
موسی پسر عمیر بضم عین ویاء ساکنه بعد از میم از قبیله بنی
هذیل بنال منقطه وعامی و روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام موسی پسر بحویه بنون بعد از راء بعد از ان خیم

کنیتش ابوعمران واز مردم آرمن وضعیف بوده **موسی** پسر حماد
طبا لبنی وذراع نیز او را منکفته اند ذکر کرده است او را محمد بن
حسین بن ابی الخطاب از جمله واقفیه **باب سیم**
در بیان احوال مفضل است وبان نام دو نفر موسومند **مفضل**
پسر عمر بضم عین جعفی کنیتش ابوعبدالله وضعیف وکوفی وفاسد
المذهب ومضطرب الروایه بوده است اعتمادی بر او نیست
متحیر واحمق وغالی مذهب واز اصحاب ابوالخطاب است وزیاد
کرده اند بر او چیزهای بسیاری وحمل کرده اند غلاة در حدیثش حمله
عظیمی وجایز نیست که حدیث او نوشته شود روایت کرده است
از حضرت امام جعفر صادق وامام موسی کاظم علیهما السلام
وایراد کرده است شیخ کشی احادیث چند که دلالت بر مدح و
خوبی او منکند واحادیث دیگر که مقتضی مذمت وبیزاری از
اوست وما انها را در کتاب بزرگ خود ذکر کرده ایم **مفضل**
پسر صالح کنیتش ابوجمیله واز قبیله بنی اسد ونخاس یعنی برده
فروش بوده از اکراد کوفه بنی اسد وضعیف وکذاب بوده وضع
حدیث منکرده است روایت کرده است از حضرت امام جعفر
صادق وامام موسی کاظم علیهما السلام **باب چهارم**

در بیان احوال منصور وبان نام سه نفر موسومند **منصور**
پسر معتمر از اصحاب امام محمد باقر علیه السلام وبتری مذهب بوده
منصور پسر یونس بزرج بضم باء موحده وضم زای واسکان را
وجیم در آخر کنیتش ابویحیی وبعضی ابوسعید گفته اند از اصحاب حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام بوده وشیخ طوسی گفته است که او
واقفی مذهب بوده ونجاشی گفته است که او ثقه است روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام وبهتر نزد من توقف
است در انچه روایت منکند ورد قول او نمایم چونکه شیخ
وصف نموده است او را بانکه واقفی است وشیخ کشی نقل
کرده است از حمدویه از حسن بن موسی از محمد بن اصبغ از ابراهیم
از عثمان بن قاسم که منصور بن یونس بزرج انکار نص بر حضرت
امام رضا علیه السلام نمود از جهة اموالی چند که از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام در دست او بود **منصور**
پسر عباس کنیتش ابوالحسن واز مردم ری بوده وساکن بغداد
گردیده ودر انجا وفات یافته امرش مضطرب بوده
باب پنجم در بیان احوال معلی است وبان
نام سه نفر موسومند **معلی** پسر خنیس بضم خاء معجمه

وفتح نون و یاء منقطه تحتانی و سین کنیتش ابو عبد الله و از اد
کرده حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده و پیشتر از اد
کرده بنی اسد بوده و از مردم کوفه بوده است شیخ نجاشی گفته است
که او برّاز است بزای پیش از الف و بعد از الف واو و بغایت ضعیف
است و ابن غضایری گفته است که او در اوّل امر مغیری بوده پس
خواند مردم را بمحمّد بن عبد الله معروف بنفس زکیه و او را بهمین
تهمت داود بن علی گرفت و کشت و غلاه بسوی او چیزهای بنیاد
نسبت میدهند ابن غضایری گفته است که نمی بینم اعتماد را
بر چیزی از احادیثش و روایت کرده است در باره او احادیث چند
که دلالت بر مذمّت او میکنند و اخبار چند که مقتضی مدح اوست
و ما انها را در کتاب بزرگ خود ذکر کرده ایم و شیخ ابو جعفر
طوسی رحمه الله در کتاب غیبت بغیر سند گفته است که او از
ایستادگان مجلس حضرت صادق علیه السلام بود و نزد آنحضرت
پسندیده بود و بر طریقه آنحضرت وفات یافت و این مقتضی
آنست که عادل باشد **مُعَلّی** پسر محمّد بصری بباء موحده کنیتش
ابو الحسن و مضطرب الحدیث و المذهب بوده ابن غضایری گفته
است که کنیت مُعَلّی بن محمّد بصری ابو محمّد بوده است کاهی حدیث

او را میشناسیم و کاهی نمیشناسیم و روایت از ضعفاء میکند
و جایز است که این شاهدی بوده باشد **مُعَلّی** پسر راشد بیاء
پیش از الف از مردم قروسا کرد بضم و ضعیف و غالی بوده

باب ششم

در بیان احوال منذر است و بان نام
دو نفر موسومند **مُنذِر** بنون پسر ابو طریفه از اصحاب حضرت
امام محمّد باقر علیه السلام و مجهول است **مُنذِر** سرّاج مجهول و از
اصحاب حضرت امام محمّد باقر علیه السلام است

باب هفتم

در بیان احوال مقاتل است و بان نام دو نفر موسومند **مُقاتِل**
پسر سلیمان از اصحاب حضرت امام محمّد باقر علیه السلام و بتری مذهب
بوده چنانچه شیخ طوسی و شیخ کشی گفته اند و برقی گفته است که او
عامی المذهب بوده **مُقاتِل** پسر قیاما و اقفی و خبیث و از اصحاب
حضرت امام رضا علیه السلام بوده

باب هشتم

در ذکر اسامی متفرّقه و در اینجا شانزده نفر مذکورند **مُسقلة** پسر
هُبیره از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده و گریخت
بسوی معویه **مِرقَع** بقاف و عین غیر منقطه پسر قیام و از اصحاب
امیر المؤمنین علیه السلام و کِنانی بوده **مُسعَدَة** پسر صَدَقَه
شیخ طوسی گفته که او عامی مذهب بوده و شیخ کشی گفته است

کراوبتری مذهب بوده **منبری** بباء بعد از میم وراء قبل از واو
وبعضی مسرور دلیشن غیر منقوطه گفته اند پسر اسمعیل واز اصحاب
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ومجهول بوده **مروان** پسر یحیی
از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام ومجهول بوده **مندل**
بفتح میم واسکان نون وفتح دال بی نقطه ودر آخر لام پسر علی عنزی
بعین مفتوحه بی نقطه وتاء مفتوحه منقطه فوقانی وراء بعد از ان
عربی وغامی بوده چنانچه برقی گفته است ونجاشی گفته است که او
مندل بن علی عنزی است واسمش عمرو بوده است او برادر شریح
بیاء هر دو ثقه وروایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام
مالک پسر اعین روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن عیسی بن عبید
از حسن بن علی بن یقطین که مالک بن اعین راد ر امر امامت بهره
نیست وعلی بن احمد عقیقی نقل کرده است از پدرش از احمد بن حسن
از نشایخش که او مخالف مذهب امامیه بوده است **مسروق**
روایت کرده است شیخ کشی از علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان
که او عشور کبر معاویه بوده است ودر همان کار وفات یافت در
موضعی که پایین تر از واسط بوده بر روی دجله که او را رصافه گفته
اند وقبرش در همان موضع است **مغیره** پسر سعید از اکرده قبله

بچیله بوده است حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون امدند و
فرمودند که او دروغ می بندد بر ما ودر اول امر مردم را به بیعت
محمد بن عبد الله بن حسن میخواند **منخل** بضم میم وفتح نون وتشدید
خاء منقطه ولام در آخر پسر جمیل کنیز فروش بوده روایت میکند
از حضرت امام جعفر صادق وامام موسی کاظم علیهما السلام کوفی
وضعیف ودر مذهبش غلوی بوده ومحمد بن مسعود گفته است که
سؤال کردم از علی بن حسن از حال منخل بن جمیل پس گفت که او لا شیئ
ومتهم است **مصادف** از اد کرده حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام روایت از انحضرت کرده وضعیف است **معمر** شیخ کشی
روایت کرده است از سعد بن عبد الله که گفت حدیث کرد مرا محمد بن
خالد طیالسی از عبد الرحمن بن ابی نجران از ابن سنان که معمر ملعون است
وگمان من اینست که او معمر بن خیثم بخاء منقطه وباء مشناة تحتانی
وثاء مثلثه باشد زیرا که این معمر بن خیثم از جمله انبان بوده که مردم را
بسوی بیعت زید میخوانده **مصعب** پسر یزید انصاری ابو العباس
گفته است که او مرد خوب بوده است وابو جعفر بن بابویه گفته است
که او عامل حضرت امیر المومنین علیه السلام بوده **مباح** بباء
منقطه تحتانی بعد از میم مفتوحه وحاء بی نقطه در آخر از مردم

مذاین و بغایت ضعیف بوده و غالی مذهب و روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام و از مفضل بن عمر و میثمی بن میثم
بعد از میثم پسر معروف و ضعیف بوده محبوب بن حکیم روایت
کرده است از عمر بن توبه کتاب انا انزلناه را و ابن غضایری گفته
است که ما او را نمی شناسیم فصل بیست و سیم در ذکر اساتی
است که در اول انها نون است و در ان چهار نفر مذکورند نوفلی
پسر قرة از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و خارجی و ملعون
بوده نضر بضاد مهمله غیر منقوطه پسر صباح کنیتش ابو القسم
بوده و از مردم بلخ و غالی مذهب و کثیر الروایة بوده است نقیع
پسر حارث کنیتش ابو داود و سبیعی و همدانی بوده ابن غضایری
گفته است که روایت کرده است از ابو برزه نضلة بن ابو عبد الله
اسلمی و روایت کرده است از ابو جعفر و در حدیثش چیزهای بد و
رای من تو قفست در حدیثش و جایز است که این شاهد بر مدعا باشد
نضر بضاد معجمه پسر عثمان نوّاء کفته است عقیقی کوفاتی نابف
در خالی که متحیّر در امامت بود فصل بیست و چهارم
در ذکر اساتی است که در اول انها واو است و در اینجا یکنفر
موجود است وهب پسر وهب پسر عبد الله پسر زمعه پسر اسود

سبیع یعنی است از قبیله بنی همدان

نخاله آنست که مراد از ابو جعفر حضرت امام محمد باقر علیه السلام باشد منه

نوّاء بتشدید همزه است و واو و شین است منه

پسر عبد المطلب پسر عبد العزی کنیتش ابو التحزی بتاء موحّدة
و حاء منقطه و تاء مثناة فوقانی و راء روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بوده در وغگو و قاضی و غالی المذهب
لیکن از برای او احادیث چند هست که روایت کرده است انها را
از جعفر بن محمد علیهما السلام که اعتماد بر همه انها نیست و از برای او
احادیثی هست باشد در وغ سعد گفته است که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام مادر وهب را تزویج فرمودند فصل
بیست و پنجم در بیان اساتی جماعتی است که در اول انها هاء است
و در ان دو باب است باب اول در بیان احوال هارون و بیان
نام دو نفر موسوم هارون جبلی از اصحاب امام محمد باقر علیه
السلام و مجهول بوده هارون پسر سعد زیدی بوده باب
دوم در اسمهای متفرقه و در اینجا سه نفر مذکورند
هاشم پسر ابو هاشم شیخ طوسی گفته است که او مجهول است و روایت
کرده است شیخ کشی از محمد بن قولویه و از حسین بن حسن بن بندار که
گفت حدیث کرد ما را اسعد بن عبد الله و او گفت که حدیث کرد
ما را ابراهیم بن مهزیار و محمد بن عیسی بن عبید از علی بن مهزیار از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که هاشم بن ابو هاشم ملعون است و این طریق صحیح

واضح کرد دلالت میکند بر ضعف او **هبة الله** پسر احمد پسر
محمد کاتب کنیتش ابو نصر و معروف بابن برنیة بوده است
بباء موحده و راء و نون مکسور و یاء مشدده منقطه تحتانی
و علم کلام در درس میگفت و حاضر میکردید در مجلس ابو الحسن بن
شبیه علوی زیدی مذهب پس از برای او کتابی تصنیف
کرد و در آنجا ذکر کرد که ائمه سیزده عدد ند که یکی از آنها زید
بن علی بن حسین باشد و احتجاج جسته است بحدیثی در کتاب
سلیم بن قیس هلالی که امامان از فرزندان امیر المؤمنین علیه
السلام دوازده نفرند که با انحضرت سیزده نفر باشند **هبة الله** پسر
پسر ابراهیم عتابی بسین مهمله و باء موحده روایت کرده است
شیخ کشی از محمد بن حسن از علی بن ابراهیم بن هاشم از ریان بن
صلت از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آنچه را که دلالت
میکند بر طعن در ریان او و باز روایت کرده است از علی از
احمد بن محمد بن عیسی از ابو طالب از معمر بن خلاد از حضرت امام
رضا علیه السلام که انحضرت فرمودند که هشام بن ابراهیم
زندیق است ابن غضایری گفته است که هشام بن ابراهیم عتابی
مصاحب یونس طعن زده اند بر او و نیز آنچه بر من معلوم شد

است که این طعن در مذهب اوست نه در جلالش **فصل**
در ذکر اسامی است که در اول انها یاء ایست
و در آن پنج باب است **باب اول** در بیان احوال یحیی است
و بآن نام هفت نفر موسومند **یحیی** پسر سعید پسر قیس
انصاری که ساکن مدینه بوده تابعی است که سند از او دارند
کنیتش ابو سعید است و وفات یافت در ها شمیه در سال
صد و چهل و سه از هجرت و قاضی ها شمیه بوده بنیابت
ابو جعفر منصور **یحیی** پسر حسین پسر زید پسر علی بن الحسین
از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بوده و کنیتش
ابو بصیر بیاء موحده و صاد بی نقطه و یاء مثناة تحتانی
و راء و بعضی گفته اند که کنیتش ابو محمد بوده است و محمد بن مسعود
گفته است که سؤال کردم از علی بن حسن بن فضال از حالت
همین ابو بصیر که ایا متهم بغلو بوده گفت اما متهم بغلو چنین
نبوده است ولیکن فاسد الحدیث بوده و نجاشی گفته است
که یحیی بن قاسم کنیتش ابو بصیر و از قبله بنی اسد است و بعضی
گفته اند که کنیتش ابو محمد است راستگو و درست شناس بوده
روایت کرده از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام

وبعضی یحیی بن ابی القسم گفته اند و ابو القسم اسحق بوده است
و روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
و ابو بصیر وفات یافت در سال صد و پنجاه از هجرت و احمد
بن عقیقی گفته است که یحیی بن قاسم اسدی از اولاد کرده بنی اسد
بوده کور متولد شد و دینار اداد و مرتبه دیگر تبه دست
مالیدند حضرت صادق علیه السلم بر چشمش و فرمود که چه می بینی
گفت می بینم سوراخی را در خانه و پدرت پیش از تو نیز چنین بمن
نموده بود و آنچه رای من است که عمل بر روایت او نمایم و هر چند
که مذهبش فاسد باشد یحیی پسر عباس وراق از اصحاب
حضرت امام رضا علیه السلم و مجهول بوده یحیی پسر زکریا
ترماشیری بتاء مثناة فوقانی و راء و شین منقوطه و یاء
مثناة تحتانی و راء کنیتش ابو الحسین و مضطرب الحال و
در مذهبش غلوی بوده یحیی پسر سعید قطان کنیتش
ابو زکریا عامی مذهب و راستگو بوده یحیی پسر سالم
پوست فروش از مردم کوفه و زیدی مذهب و راستگو بوده

باب دوم

در بیان احوال یزیدیان و بان
نام سه نفر موسومند یزید پسر خلیفه حارثی از اصحاب

و راق شد بواسطه آنکه کاغذ فروش بود یا کتابت میکرد

حضرت امام موسی کاظم علیه السلم و واقفی بوده روایت کرده است
شیخ کشی از محمد بن عیسی از نضر بن سوید و او سند را بالا برده است
تا آنکه بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم رسانیده که آنحضرت
باو فرمودند که تو نجیب قبیله بلحارث بن کعبی و اینطور تو متصل
نیست و با وجود اینحالت موجب تعدیل او نیست یزید پسر
سلیط زیدی از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلم است
و از برای او حدیث طویلی هست یزید صایغ بغین منقوطه
شیخ کشی گفته است که ذکر کرده است فضل در بعضی از کتابهای
که در وغگویان مشهور ابو الخطاب و یونس بن ظبیان و یزید صایغ
و محمد بن سنان بوده اند و ابو سمینه مشهورترین ایشان بوده است

باب دوم

در بیان احوال یوسفاست و باز نام
پنج نفر موسومند یوسف پسر حارث از اصحاب حضرت امام
محمد باقر علیه السلم است کنیتش ابو یعقوب بر پای بعد از صادق
بتری مذهب بوده یوسف پسر یعقوب از اصحاب حضرت امام
موسی کاظم علیه السلم و واقفی بوده و ابو جعفر نوبختی گفته
است که یوسف بن یعقوب برادر یونس فطحی مذهب بوده یوسف
جعفی از مردم کوفه روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلم

واز جابر واو ضعیف و غالی مذهب است **یوسف** پسر حماد
قیراط از مردم کوفه و ضعیف بوده **یوسف** پسر سخت پسین غیر
منقوطه و خاء منقوطه و تاء مثناة تحتانی از مردم بصره و ضعیف
و غالی است استثناء کرده اند او را قمیون از نوادر الحکمة

باب چهل و یکم

در بیان احوال یونس است و بان نام سه نفر موسومند
یونس پسر خباب از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلم
و مجهول بوده **یونس** پسر ظبیان بظاء مفتوحه منقوطه و باء
موحده پیش از یاء و نون در آخر شیخ ابو عمر و کشی گفته است که
فضل بن شاذان در بعضی از کتابهایش گفته است که دروغگوان
مشهور ابو الخطاب و یونس بن ظبیان و یزید صایغ و محمد بن سنان
بوده اند و ابو سمینه مشهورتر از ایشان بوده است و نجاشی
گفته است که او عرب غیر خالص و بغایت ضعیف است التفات
بنباید کرد بسوی انچه روایت کرده است کتابهایش همه تخلیط
و فاسد است و ابن غضایری گفته است که یونس بن ظبیان کوفی
و غالی و کذاب و وضع کنند حدیث است روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلم و التفاتی بحدیثش نیست علامه
گفته است که پس من اعتماد نمیکنم بر روایت او از جهت انچه گفته اند

درباره او این بزرگان مشایخ ما **یونس** پسر همین بباء موحده
و بعد ازان هاء و میم و بعد ازان نون غالی و از منسوبان ابو الخطاب
و ساکن در کوفه بوده است و وضع حدیث میکرده و روایتش
از حضرت صادق علیه السلم بوده است

باب چهل و دوم

در ذکر اسامی متفرقه و در انجا یازده نفر مذکور است **یعقوب**
پسر شیبه بشین منقوطه و باء موحده و یاء مثناة تحتانی
غالی مذهب بوده

فصل بیست و سوم

در بیان کنیها است
ابو مخلد بخاء منقوطه خیاط و از اصحاب حضرت باقر علیه السلم
و مجهول بوده است **ابو خالد** ذیال بذال منقوطه و یاء مثناة
تحتانی مجهول بوده است **ابو جناد** بضم جیم و نون بعدش
و دال غیر منقوطه بعد از الف اعمی و واقفی بوده **ابو جعیده**
از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلم و واقفی بوده
ابو جبل از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلم و واقفی
بوده است **ابو الصلت** بصاد مهمله و تاء مثناة فوقانی خراسانی
از مردم هراة و غالی مذهب و از اصحاب حضرت امام رضا علیه
السلم بوده روایت کرده است از او بکر بن صالح **ابو محمد** نفلیسی
از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلم و مجهول بوده **ابو سعید**

خراسانی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام و مجهول بوده

ابو زید مکی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام و مجهول بوده **ابو الفرج** اصفهانی زیدی مذهب بوده **ابو الحسن** مدائنی عامی مذهب بوده و تصانیف بسیار است **ابو مسلم** فاجر و مصاحب معاویه بوده است چنانچه فضل بن شاذان گفته است

ابو نیاروی مکفوف روایت کرده است شیخ کشی در باره او طعن عظیمی لیکن ابن ابی عمیر میگوید که حدیث کرد ما را بعضی از اصحاب ما که گفتم بحضرت صادق علیه السلام که ابن سراج و ابن ابی سمید مکاری و علی بن ابی حمزه بطائنی بوده اند از اصحاب ضلالت

ابو محمد انصاری شیخ کشی گفته است که نصر بن صباح گفته است که ابو محمد انصاری که روایت میکند از او محمد بن عیسی عبیدی و عبد الله بن ابراهیم مجهول و غیر معروفست و قول نصر نزد من حجت نیست **ابو الضباب** بضاد منقوطه و باء موحده و راء بعد از الف از اصحاب زید رضی الله عنه بوده **ابو عون** ابرش بباء موحده و راء و شین منقوطه روایت کرده است شیخ کشی از طریقهای ضعیف که او مذموم بوده است **ابو المقدام** وحکم بن عتبه بتاء مثناه فوقانی بعد از عین و مسلمة بمیم و سین غیر منقوطه

وکثیر و ثمامة روایت کرده است شیخ کشی از علی بن حسین از عباس بن عامر و جعفر بن محمد از ابان بن عثمان از ابو بصیر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که ایشان کمراه کردند بسیاری را از انجا عند که کمراه بودند **ابو بحر** شیخ کشی گفته است که یافتم در کتاب ابو عبد الله محمد بن نعیم شاذانی و بخط او که حدیث کرد مرا جعفر بن محمد مدائنی از موسی بن القسم بجلی از حنان بن سدیر که او بنید می اشامید است **سرتی** براء بعد از سین غیر منقوطه ملعون بوده **فهری** بفاء و هاء و راء ابن صباح گفته است که او را حضرت امام علی نقی علیه السلام لعنت کرده است **بابائی** قمی از جمله کذابان مشهور بوده است چنانچه فضل بن شاذان گفته است **ابو العباس** طبرانی بطاء غیر منقوطه و باء موحده و راء و نون پیش از الف **ابو عبد الرحمن** کندی فضل بن شاذان گفته است در بعضی از کتابهای خود که از جمله کذابان مشهور علی بن حسکه و عباد بن صدقه و ابو العباس طبرانی اند و ابو عبد الرحمن کندی است که معروفست بشاه و رئیس از جمله ایشانست و ابو نصر صباح گفته است که عباس بن صدقه و ابو العباس طبرانی و ابو عبد الله کندی که معروف بشاه بوده از جمله بزرگان غلاة ملعونین بوده اند

ابو المغر بغین منقوطه شیخ کشی روایت کرده است از محمد بن
قولویه و از حسین بن حسن بن بندار و ایشان گفتند که حدیث
کرد ما را سعد بن عبد الله و او گفت که حدیث کرد مرا ابراهیم بن
مهزیار و محمد بن عیسی بن عبید از علی بن مهزیار که گفت شنیدم از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که لعن میکردند ابو المغر را
ابو السمهری سعد گفته است که حدیث کرد مرا محمد بن عیسی بن عبید
و او گفت که حدیث کرد مرا اسحاق انباری که گفت حضرت امام محمد تقی
علیه السلام بمن فرمودند که می بینی چه میکند سمهری خدا لعنت
کند او را دروغ می بندد بر ما و گمان میکند که او و ابن زرقا خوانده اند
مردم را بسوی ما گواهی میگیرم شما را که من بسوی خدا بیزارم از آن
دو نفر بدرستیکه ایشان فتنه انگیز و ملعون بوده اند **ابو یعقوب**
مقری روایت کرده است شیخ کشی از ابو عبد الله شاذانی از فضل
از پدرش که او از بزرگان زیدیه است **ابو عبد الله** رازی جابوری را
بجیم و میم مضمومه و واو ساکنه و راء و نون بعد از الف صعیف
بوده **ابو عبد الله** شیاری ضعیف است **ابو علی** پشا بوری ضعیف است
ابو طالب اندی بصری شعرانی از برای او کتابی هست که روایت
میکند از او محمد بن طاهر برقی و بعضی از اصحاب ما گفته اند که ما

نمی شناسیم این مرد را مگر از جهت محمد بن طاهر برقی **ابو الحسن**
میمونی بغایت مضطرب الحالست **ابو عیسی** طعنی در او وزد
اند و سید مرتضی در کتاب شافی گفته است که متهم ساخته اند
او را معتزله چنانچه تهمت زده اند ابن راوندی قاضی را **ابو محمد**
پسر خالکر خی عامی مذهب بوده **ابو رویم** انصاری بتقدیم راء
علی بن احمد عقیقی گفته است که او ضعیف الامر بوده است
و اما خاتمه پس مشتمل است بر فایده های چند در
علم رجال که باید انها را دانست **فایده اول** بدانکه
کاهی ذکر میکنند اصحاب ما در کتابهای احادیث رواة را بنا
بکنیتهای ایشان و ذکر نمیکنند نام ایشان را و بسیار مشکل میکردد
بدان سبب شناختن نامهای ایشان و من اکثر این کنیتها را در
این فایده ذکر میکنم **ابو ایوب** خزاز براء پیش از الف و زای بعد
از ان اسمش ابراهیم بوده **ابو علی** اشعری نامش احمد بن ادریس
بوده و ان کنیة از برای غیر این نام نیز هست **ابو الغراء** نامش
حمید بوده **ابو ولاد** نامش حفص بوده **ابو خالد** قماط نامش
یزید بوده **ابو سعید** قماط خالد بن سعید است **ابو داود**
مسترق بتشدید قاف نامش سلیمان بن سفیان بوده **بقباق**

نامش فضل بوده **ابو عبد** حذاء نامش زیاد بوده **ابن عقده**
کاتب نامش احمد بن ابرهیم بوده **صفوانی** نامش محمد بن احمد بن
ابی عبد الله بن قضاعه بوده **حجال** نامش عبد الله بن محمد بوده
وشاء نامش حسن بن علی بوده **ابو علی** اشعری نامش محمد بن
عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالک بوده و او شیخ قمیین است
نوفلی که روایت میکند از سکونی نامش حسین بن یزید بوده
بن وهزی نامش حسین بن سفیان و کنیتش ابو عبد الله بوده
عمرکی که روایت میکند از علی بن جعفر نامش علی بن مکی است
محمد پسر ابو الصهبان او محمد بن عبد الجبار سکونی و نامش
اسمعیل بن زیاد بوده **ابو الربیع** شامی نامش خلید بن اوفی بوده
ابو الجیش نامش مظفر بوده **ابو همام** نامش اسمعیل بن همام
بوده **ابو الصباح** کنانی نامش ابرهیم بن نعیم بوده **ابو الفضل**
حناط نامش سالم بوده **ابو خدیجه** سابق الحاج نامش سعد
بن پسان بوده **ابو خدیجه** سالم بن مکرم است **کاهلی**
عبد الله بن یحیی است **سابا طی** عمرو بن سعید است **عمر بن**
ثابت عمر بن ابی المقدام است **ابو ایوب** انصاری خالد بن زید است
نخعی نام ایوب بن نوح است و بر غیر او نیز اطلاق میشود

سکونی پسر مسلم عبد الرحمن بن مسلم است **حمدان**
نهدی و حمدان قلانسی هر دو عبارتند از محمد بن احمد و بعضی
گفته اند که قلانسی نامش حسین بن مختار نیز هست و نام غیر او
هست **شاذانی** محمد بن احمد بن نعیم است و بر شاذان بن نعیم نیز
اطلاق میشود **ابو الخطاب** ملعون او را محمد بن مقلاص و محمد بن
ابو زینب میگفته اند **رقاشی** نامش محمد بن حسن بن ابو ساره بوده
ابو سمینه نامش محمد بن علی بن ابرهیم قرشی و ضعیف بوده **ابو الجوزاء**
منبه بن عبد الله و ثقه است **ابو بکر** حضرمی نامش عبد الله
بن محمد است چنانچه از کتاب من لا یحضره الفقیه ظاهر میشود
طاطری نامش علی بن حسن است و بعضی گفته اند که طاطری
روایت از یوسف بن ابرهیم میکند **ابو حمیله** مفضل بن صالح
است **حفص** بن ابو ولاد حفص بن سالم است **فایده**
دویم ذکر کرده است شیخ و غیر او در بسیاری از اجداد
سعد بن عبد الله بن ابو جعفر را و مراد با ابو جعفر احمد بن محمد بن
عیسی است و در بعضی از اجداد نیز ایراد کرده است که حسن بن
محبوب از ابو القسم روایت کرده است و مراد با او معویه بن عمار است
فایده سیم شیخ صدوق محمد بن یعقوب کلینی

در کتاب کافی در اخبار بسیار گفته است که عدة من اصحابنا
و گفته است که مراد بقول من عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن
عیسی محمد بن یحیی و علی بن موسی کمندانی و داود بن کورن و احمد بن
ادریس و علی بن ابراهیم بن هاشم است گفته است که هر چه را که
در کتاب خود بلفظ عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد البرقی
ایراد کرده ام مراد از ایشان علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبد الله بن
اذینه و احمد بن عبد الله بن امیه و علی بن الحسن است و هر جا
که در کتاب خود عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد ذکر کرده ام
پس مراد از ایشان علی بن محمد بن علان و محمد بن ابو عبد الله و محمد
بن الحسن و محمد بن عقیل کلینی است **فایدهٔ چهارم**
استثنا کرده است محمد بن حسن بن ولید رحمه الله از روایت محمد
بن احمد بن یحیی رحمه الله انچه را که روایت کرده است از محمد بن موسی
همدانی یا انچه را که روایت کرده است بلفظ عن رجل یا بلفظ عن
بعض اصحابنا یا انکه از محمد بن یحیی معاذی روایت کرده باشد
یا از ابو عبد الله رازی جامورانی یا از ابو عبد الله سیاری یا از
یوسف بن السخت یا از وهب بن منبه یا از ابو علی نیشابوری
یا از ابو یحیی واسطی یا از محمد بن علی بن ابو سمینه روایت کرده است

یا انکه بلفظ فی حدیث یا فی کتاب یا بلفظ لم ارده ایراد کرده باشد یا
یا انکه روایت کرده باشد از سهل بن زیاد آدمی یا از محمد بن عیسی بن
عبید باستاد منقطع یا از احمد بن هلال یا از محمد بن علی همدانی
یا از عبد الله بن محمد شامی یا از عبد الله بن احمد رازی یا از احمد
بن حسین بن سعید یا احمد بن بشیر بن رقی یا از محمد بن هارون یا از
حمویه بن معروف یا از محمد بن عبد الله بن مهران یا انچه را که متفرد
باشد باو حسن بن حسین لولوی و انچه را که روایت کند از جعفر
بن محمد بن مالک یا از یوسف بن حارث یا از عبد الله بن محمد
دمشقی ابو العباس بن نوح گفته است که شیخ ما ابو جعفر محمد بن
حسن بن ولید همه اینها را درست گفته است و تابع او شده است
ابو جعفر بن بابویه رحمه الله بر این قول و مخالفت کرده است
در محمد بن عیسی بن عبید پس نمیدانم که رای او در باره او چه بوده
است زیرا که او ظاهرا عادل و ثقه و راستگو بوده است
فایدهٔ پنجم متولد کردیده است مهدی محمد بن
الحسن علیه افضل الصلوة و السلام در روز جمعه هشتم ماه
شعبان در سال دویست و پنجاه و شش از هجرت و نام مادرش
ریحانه بوده است و بعضی نرجس و بعضی صیقل و بعضی سوسن

گفته اند وکیل انحضرت عثمان بن سعید عمری بوده گفته اند
است واول کسی است که نصب کرده بود اورا امام حسن عسکری
علیه السلام بامر وکالت پس نص کرد ابو عمرو در هنگام وفات خود
بر اهلیت پسر خود ابو جعفر محمد بن عثمان ونص کرد پدر حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام بر او وچون وفات ابو جعفر محمد
بن عثمان در رسید حاضر شدند نزد او جماعتی از بزرگان شیعه
واز انجمله بود ابو علی بن همام وابو عبد الله بن محمد کاتب وابو عبد الله
نافطانی وابو سهل اسمعیل بن علی نوبختی وابو عبد الله بن الوجنا
وغیر ایشان از وجوه واکابر پس باو گفتند که اگر بتو حادثه روی
دهد چه کس در مکان تو بامر وکالت مشغول خواهد بود در جواب
ایشان گفت که اینک ابو القسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی
قایم مقام من خواهد بود وخبر او در میان من وحضرت صاحب الامر
ووکیل وثقه وامین است پس رجوع نمایید در امور خود بسوی
او واعتماد نمایید بر او در امور مهمه خود زیرا که من باقامه او
در مقام خود ما مور گردیده ام ومن فرموده انحضرت را بشما
رسانیدم پس وصیت کرد ابو القسم بن روح در هنگام وفات خود
بسوی ابو الحسن علی بن محمد سمری وچون او را وفات در رسید از او

پرسیدند که وصی [illegible] گفت [illegible]
که خواهد بود [illegible] در سال سیصد وبیست وشش از
هجرت **فایدهٔ ششم** روایت کرده است شیخ طوسی
که از جملهٔ مذمومین جماعتی هستند که اول ایشان مغیره است
بسر نبی بوده است از اصحاب ابو الحسن علی بن محمد علیه السلام
هارون گفته است که گمان میکنم که نام او حسن باشد وبعضی
گفته اند که محمد بن نصیر نمیری است وبوده است از اصحاب امام
محمد عسکری علیه السلام وچون انحضرت را وفات در رسید دعوی
کرد مقام ابو جعفر محمد بن عثمان را که او صاحب الزمان است و
دعوای نیابت از برای خود کرد پس خدا تعالی او را رسوا نمود سعد
بن عبد الله گفته است که محمد بن نصیر نمیری دعوی مینمود که او پیغمبر
مرسل است وحضرت علی بن محمد عسکری او را فرستاده است و
قایل بتناسخ بوده وغلو کرده بوده درباره حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام وقایل بربوبیت انحضرت بود **واز جمله**
مذمومین احمد بن هلال کرخی است ابو علی محمد بن همام گفته است
که احمد بن هلال از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
بوده است پس اجتماع کردند شیعه بر وکالت ابو جعفر محمد بن عثمان

[illegible] عثمان در حیات [illegible] کرد ابو عمرو
در رسید شیعه باحمد لعد[illegible] بود [illegible] محمد بن
عثمان را و رجوع بامر او نمی نمائی و حال انکه امام مفترض الطاعه
بر او نص نموده پس در جواب گفت که نشنیدم از انحضرت که نص بر او
بوکالت نماید و انکار پدرش را نمی نمایم و مراد ش عثمان بن سعید
بود و اما اینکه قطع نمایم بر اینکه ابو جعفر وکیل صاحب الزمان است
پس جرات بر ان نمی نمایم گفتند با و که غیر تو این را شنیده است که او
وکیلست پس گفت که شما دانید و انچه شنیده اید و توقف نمود در وکالت
ابو جعفر پس شیعه او را لعنت کردند و بیزاری از او جستند پس ظاهر
گردید توقیع بر دست ابو القسم حسین بن روح بلعن کردن او و بیزاری
جستن از او و در جمله جماعتی که لعنت بر ایشان کرده بودند و

از انجمله ابو طاهر محمد بن علی بن بلالست و قصه او معروف
در انچه جاری گردید بود در میان او و ابو جعفر محمد بن عثمان عمری
رضی الله عنه و اینکه ندا در بسر کار امام علیه السلام ما لهای انحضرت را
و دعوی نمود که او وکیل است تا انکه بیزاری جستند از او جماعت شیعه
و او را لعنت کردند و بیرون امد توقیع مبارک از انحضرت صاحب
علیه السلام در باره او بانچه معروف شد

و از انجمله حسین بن منصور

برسید [illegible] که وصی [illegible] است شیخ از او قصه [illegible] را
ابو [illegible] بود [illegible] شیخ طوسی رحمه الله از شیخ
مفید محمد بن محمد بن نعمان از ابو الحسن علی بن بلال مهلبی که گفت
شنیدم از ابو القسم جعفر بن محمد بن قولویه که میگفت اما ابو [illegible]
کاتب خدا او را حفظ نکند پس ما او را ملحد میدانستیم پس غالی
شد و دیوانه گشت پس تفویض قابل شد و ما او را نمی دیدیم در مجلسی
مگر انکه استخفاف با و می نمودند اهل مجلس و نمی شناختند او را شیعه
مگر در مدت اندکی و جماعت شیعه بیزاری جسته اند از او و از
کسی که سخن بنکی از برای او در خفیه بگوید و ما پیش ابو بکر بغدادی
فرستادیم چونکه دعوی کرد از برای او انچه را که دعوی کرد پس
انکار اینمعنی نمود و سوگند یاد کرد بر بیزاری خود و ما از او قبول
نمودیم و چون داخل بغداد گردید میل نمود بسوی او و عدول نمود
از طایفه شیعه و او را وصی خود نمود و ما شکی نداریم که او بر
مذهب ابو [illegible] بوده پس لعنت کردیم او را و اظهار بیزاری از او
نمودیم زیرا که انچه نزد ما است اینست که هر که دعوای وکالت
کند بعد از سمری رحمه الله پس او کافر و مخفی دارنده مذهب خود
و گمراه کننده است

فایده مفید شیخ طوسی رحمه الله

منکر دیده است بر ایشان توقیعات از جانب انها که منصوب
بامر سفارت بوده اند از حضرت صاحب علیه السلام **از انجمله**
ابو الحسین محمد بن جعفر اسدی است بعد از قصها که گفته است که
وفات یافت اسدی بر ظاهر عدالت و از انحالت تغییر ننموده بود تو
وطعنی بر او نشده بود در ماه ربیع الاخر در سال سیصد و دوازده
از هجرت **و از انجمله** احمد بن اسحق وجماعتی بوده و توقیع مبارک
در مدح ایشان بیرون امده و روایت کرده است احمد بن ادریس
از محمد بن احمد از محمد بن عیسی از ابو محمد رازی که گفت بودم من و
احمد بن ابو عبد الله در عسکر پس وارد شد بر ما از جانب مرد که
احمد بن اسحق اشعری و ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن حمزة بن الیسع
همگی ثقات و راستگویند **فایدة مهمة** بدانکه شیخ طوسی
رحمه الله ذکر کرده است احادیث بسیار در کتابهای تهذیب
واستبصار از رجالی که در نیافته است زمان ایشان را و لیکن
بواسطها روایت از ایشان کرده و حذف کرده است از وسایط را
در ان کتابها و در اخر انها ذکر کرده است طریقهای خود را بسوی
هر مردی که روایت از او در کتابها کرده است و شیخ ابو جعفر بن بابویه

بین نموده است بهمچنین در اخر بحر و همچنین
طریقهای ایشان را بهر یک از انجماعتی که ثقه اند و اعتماد
بر ایشان هست یا انکه حال ایشان حسن است یا انکه موثقند
و هر چند که بر مذهبی فاسد باشند یا انکه نزد من حال او معلوم
نباشد و ذکر نمیکنیم انکسانی را که رد روایت و ترک قولش باید
کرد و اگر چنانچه طریق روایت فاسد باشد ان را ذکر میکنیم و اگر در
طریق کسی باشد که حال او را ندانیم و نتوانیم که جرح یا تعدیل او نمو
ان را ترک میکنیم و در همه این امور رعایت اختصار میکنیم و در کتاب
بزرگ تفصیل انها را ذکر کرده ایم و در انجا بر سبیل اختصار ذکر
میکنیم صحت طرق ایشان و فساد انها را **پس** طریق شیخ
طوسی رحمه الله در تهذیب بسوی محمد بن یعقوب کلینی صحیح است
و همچنین بسوی علی بن ابراهیم بن هاشم و همچنین بسوی محمد بن یحیی
عطار و همچنین بسوی احمد بن ادریس و همچنین روایتی که از حسین
بن محمد کرده و همچنین از محمد بن اسمعیل و همچنین از حمید بن زیاد و
همچنین از احمد بن محمد بن عیسی و همچنین از احمد بن محمد بن خالد
و همچنین از فضل بن شاذان و بسوی حسن بن محبوب حسن است
و بسوی او نیز از انچه اخذ کرده است از کتابها و تصنیفهای او صحیح

وبسوی حسین بن سعید صحیح است وهمچنین است روایتی که از محمد بن
احمد بن یحیی اشعری نماید وهمچنین از محمد بن علی بن محبوب وهمچنین
از سعد بن عبد الله وهمچنین از محمد بن حسن بن ولید واز حسن بن
محمد بن سماعه قوی است زیرا که در طریقش چند بن زیاد است واو
ثقه بوده است ولیکن واقفی مذهب بوده وحسن نیز واقفی
مذهب بوده وثقه وبسوی ابو جعفر محمد بن علی بن حسین که
ابن بابویه باشد صحیح است وهمچنین از ابو القسم جعفر بن محمد
قولویه واز موسی بن قاسم بن معویة بن وهب نیز صحیح است وهمچنین
از یونس بن عبد الرحمن وهمچنین از علی بن مهزیار وهمچنین از احمد
بن ابو عبد الله برقی وهمچنین از علی بن جعفر وهمچنین از ابو عبد الله
حسین بن سفیان بزوفری وهمچنین از ابو طالب انباری و
طریق شیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله در کتاب استبصار
بسوی محمد بن یعقوب صحیح است وهمچنین روایتی که از علی بن ابراهیم
بن هاشم کند وهمچنین از محمد بن یحیی عطار وهمچنین از احمد بن ادریس
وهمچنین از حسین بن محمد وهمچنین از محمد بن اسمعیل وهمچنین از چند بن
زیاد وهمچنین از احمد بن محمد بن عیسی واز احمد بن محمد بن خالد برقی و
همچنین از فضل بن شاذان واز حسن بن محبوب حسن است واز حسین بن

سعید صحیح است وهمچنین از محمد بن احمد بن یحیی وهمچنین از محمد بن
علی بن محبوب وهمچنین از سعد بن عبد الله وهمچنین از محمد بن الحسن
بن الولید واز محمد بن علی بن بابویه واز حسن بن محمد بن سماعه قوی است
واز ابو القسم جعفر بن محمد بن قولویه صحیح است وهمچنین از موسی بن
قاسم بن معاویة بن وهب وهمچنین از یونس بن عبد الرحمن و
همچنین از علی بن مهزیار وهمچنین از علی بن جعفر وهمچنین از فضل
بن شاذان وهمچنین از ابو عبد الله حسین بن سفیان بزوفری
وهمچنین از ابو طالب انباری وطریق شیخ ابو جعفر محمد بن
بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسوی عمار ساباطی قوی
است ودر طریقش احمد بن حسن بن فضال است واو فاسد المذهب
وثقه است وهمچنین از عمرو بن سعید واما مصدق بن صدقه
پس او فاسد المذهب وفطحی بوده لیکن ثقه وعالم بوده و
بسوی علی بن جعفر صحیح است وهمچنین از اسحق بن عمار لیکن
در اسحق قولی هست واز جابر بن یزید جعفی ضعیف است واز
کردویه همدانی صحیح است وهمچنین از سعد بن عبد الله بن ابو خلف
وهمچنین از هشام بن سالم جواليقی وهمچنین از عمر بن یزید وهمچنین
از زرارة بن اعین وهمچنین از ذریح بن عبد الله وهمچنین از حماد بن عیسی

وهمچنین از عبد الرحمن بن ابو عبد الله وهمچنین از اسمعیل بن جابر و
از سماعة بن مهران حسن است واز زرعه صحیح است وهر چند که زرعة
فاسد المذهب است لیکن ثقة است واز عبد الله بن بکیر قوی است واز
محمد بن علی حلبی صحیح است وهمچنین از عبد الله بن یعفور وهمچنین از
حکم بن حکیم وهمچنین از ابراهیم بن ابی محمود وهمچنین از حنان بن سدیر
واز محمد بن نعمان حسن است وهمچنین از ابو الاغر نحاس واز عبد الله
بن علی حلبی صحیح است وهمچنین از معاویة بن میسرة شریح قاضی
وهمچنین از عبد الرحمن بن ابی نجران وهمچنین از محمد بن حمران وهمچنین
از جمیل بن دراج وهمچنین از عبد الله بن سنان وهمچنین از احمد بن
محمد بن ابی نصر بزنطی واز ابو بصیر ضعیف است واز سعدان بن
مسلم ونامش عبد الرحمن است صحیح است واز ربعی بن عبد الله حسن است
وهمچنین از حسن بن جهم واز حسین بن ابو العلا ضعیف است
واز محمد بن حسن صفار صحیح است واز علی بن بلال حسن است واز یحیی
بن عباد مکی ضعیف است وهمچنین از ابو الثمیر از اد کرده حارث
بن مغیرة بصری زیرا که در طریق محمد بن سنان است واو نزد
من ضعیف است واز منصور بن حازم صحیح است واز مفضل بن عمر
جعفی ضعیف است زیرا که در طریق محمد بن سنان است ومفضل

در باب دین سامه مضمن بعضی است دارد که
بوده پدر ما کوهستانی است تا ما ظاهری
مست

ز ضعیف است واز ابو مریم انصاری صحیح است وهر چند که در
طریق ابان بن عثمان قطحی باشد لیکن گفته است که جماعت
علماء ما اجماع کرده اند بر تصحیح انچه صحیح بوده است از او وهمچنین
از فضل بن عبد الملک واز فضیل بن عثمان اعور مرادی کوفی صحیح
است وهمچنین از صفوان بن مهران جمال وهمچنین از هشام بن الحکم
وهمچنین از حفص بن بختری واز سلیمان بن خالد بجلی اقطع کوفی
حسن است واز مغیر بن یحیی صحیح است وهمچنین از غایذ احمسی و
همچنین از مسعدة بن صدقه ربعی وهمچنین از معویة بن وهب
که ملقب بابو القسم واز قبیله بجیله وکوفی بوده واز عبد الله بن اعین
حسن است واز محمد بن یحیی خثعمی ضعیف است واز بکر بن محمد ازدی
صحیح است وهمچنین از اسمعیل بن رباح کوفی وهمچنین از حریز بن
عبد الله سجستانی واز ابو حمزة ثمالی قوی است واز عبد الاعلی
مولی آل سام صحیح است واز اصبغ بن نباته ضعیف است وتوقف
دارم در طریقش بسوی جابر بن عبد الله انصاری واز عامر بن
نعیم قمی صحیح است واز صفوان بن یحیی حسن است واز علی بن مهزیار
قوی است واز جنیب بن معلی خثعمی صحیح است واز عبد الرحمن بن
حجاج بجلی کوفی صحیح است واز موسی بن عمر بن بزیع حسن است

وازعیص بن قاسم صحیح است وازسلیمان بن جعفر جعفری صحیح است
وازاسمعیل بن عبدالخالق صحیح است وازجعفر بن محمد بن یونس حسن است
وهمچنین ازهاشم حناط وازداود صیرفی صحیح است وهمچنین ازابراهیم
بن مهزیار وازیحیی بن ابی عمران حسن است وازمحمد بن اسمعیل بن بزیع
صحیح است وازعلی بن ریان حسن است وازعلی بن یقطین صحیح است
وازرفاعة بن موسی نخاس صحیح است وهمچنین اززیاد بن سوقه وهمچنین
ازحماد بن عثمان وهمچنین ازیاسر خادم وهمچنین ازحسن بن محبوب
وهمچنین ازداود بن فرقد وهمچنین ازمعویة بن عمار وکنیتش ابوالقسم
کوفی است وازعبدالله بن فضاله ضعیف است وازخالد بن نجیح
جواف صحیح است وهمچنین ازحسن بن سری وهمچنین ازحارث بن
مغیره نصری وهمچنین ازابوبکر عبدالله بن محمد حضرمی وکلیب
اسدی وازهشام بن ابراهیم حسن است وابن غضایری گفته است
که طعن در مذهب هشام است نه در نقل وروایت کرده است
شیخ کشی در او طعن عظیمی وازعبدالله بن جندب حسن است وهمچنین
ازابراهیم بن عبدالحمید کوفی وازعبدالکریم بن عتبه قوی است
وتوقف دارم در طریق بسوی اسمعیل بن مسلم سکونی واز
عبدالله بن مغیره حسن است وازمحمد بن ابی عمیر صحیح است

وازحسین بن حماد قوی است وازعلا بن رزین صحیح است وهمچنین از
عبدالله بن مسکان کوفی که ازاز اد شدگان قبیله عنزه بوده
وبعضی گفته اند که ازاز اد شدگان قبیله عجل بوده وازنعمان
رازی ضعیف است وازعمر بن اذینه صحیح است وهمچنین ازایوب
بن نوح وازمرازم بن حکیم حسن است وازابراهیم بن ابوزیاد کرخی
صحیح است وازسهل بن الیسع حسن است وازابوزکریا یاعود صحیح
است وازابوحبیب ناجیه قوی است وازحفص بن سالم صحیح
است وازابوالمغراء حمید بن مثنی عجلی قوی است وازمعویة بن شریح
صحیح است وهمچنین ازسلیمان بن داود منقری شاذکونی وهمچنین
ازذبیح بن عبدالله وازداود بن سرحان کوفی عطار صحیح است واز
معلی بن خنیس ازاد کرده حضرت صادق علیه السلام صحیح است
وهمچنین ازابراهیم بن ابوالبلاد وهمچنین ازابوایوب خزاز واو
ابراهیم بن عثمان است وبعضی گفته اند که ابراهیم بن عیسی است وهمچنین
ازحفص بن سالم که کنیتش ابوولاد حناط وازاد کرده قبیله بنی
مخزوم بوده وهمچنین ازمحمد بن خالد برقی وهمچنین ازذکریا بن آدم
وهمچنین ازبجر سقا وازابوجریر بن ادریس مصاحب حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام حسن است وهمچنین ازمعروف بن خربوذ

مکی واز سعید بن عبد الله اعرج قوی است و طریقش بسوی علی بن عطیه
اصم حناط کوفی اینست که دران علی بن حسان است و او شریکست
در میان دو نفر پس اگر علی بن حسان واسطی باشد طریق تو صحیح خواهد
بود و اگر علی بن حسان هاشمی باشد طریق تو ضعیف خواهد بود واز
معمر بن خلاد حسن است و بسوی هارون بن حمزه غنوی صحیح است و همچنین
از جعفر بن بشیر بجلی و همچنین از علی بن رئاب واز علی بن فضل واسطی
مصاحب حضرت امام رضا علیه السلام حسن است واز موسی بن
قاسم بجلی صحیح است و همچنین از یونس کرکینی ابو الحسن و پسر عمار بن
عیص ضبی ثعلبی کوفی بوده و او برادر اسحق بن عمار است و همچنین از
محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری واز مبارک عقرقوفی ضعیف است
و همچنین از مروان بن مسلم واز عاصم بن حمید حسن است واز محمد بن
عبد الجبار که پسر صهبان است صحیح است و همچنین از یعقوب بن شعیب
بن میثم اسدی و او عرب غیر خالص واز مردم کوفه بوده است و همچنین
از دست بن ابی منصور واسطی و همچنین از قاسم بن سلیمان واز ابراهیم
بن محمد همدانی حسن است واز ابو الورد صحیح است و همچنین از حسن بن
علی وشاء و همچنین از ابان بن عثمان احمر و همچنین از منصور بن یونس
واز ادریس بن هلال ضعیف است واز قاسم بن عروه صحیح است واز

محمد بن قیس حسن است واز بشیر نبال ضعیف است واز عبد الکریم بن
عمرو خثعمی ولقبش کرام بوده صحیح است و عبد الکریم واقفی و ثقه بود
و همچنین از عیسی بن ابی منصور و کنیتش ابو صالح بوده است واو کوفی
و عرب غیر خالص است واز عبد الملک بن عتبه هاشمی قوی است
واز محمد بن حکیم صحیح است و همچنین از علی بن الحکم و همچنین از علی بن
سوید و همچنین از محمد بن حمران واز سعد نقاش ضعیف است واز
حسین بن سعید صحیح است و همچنین از غیاث بن ابراهیم و غیاث بن
مذهب و ثقه بوده است و همچنین عبد الرحمن بن ابی نجران و همچنین
از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی و همچنین از عیسی بن عبد الله بن علی
بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام واز عیسی بن یونس ضعیف
است و همچنین از حذیفه بن منصور واز ابراهیم بن عمر یمانی صحیح است
و همچنین از حسن بن علی بن فضال و همچنین از نضر بن سوید و همچنین
از شهاب بن عبد ربه واز ابراهیم بن ابی یحیی مدنی قوی است واز
علی بن اسباط صحیح است و همچنین از عمار بن مروان واز منذر بن
جیفر حسن است و همچنین از عبد الله بن میمون قداح مکی واز جعفر بن
قاسم صحیح است و همچنین از علی بن میسره واز حماد نواء ضعیف است
واز خالد بن ابی العلاء خفاف صحیح است و همچنین از عبد الله بن یحیی

کاهلی وهمچنین از ابوالحسن هندی وهمچنین از عمران حلبی که کنیتش ابوالفضل
بوده واز حسن بن هارون قوی است واز ابراهیم بن سفیان ضعیف است
وهمچنین از یوسف بن ابراهیم ظاطری واز فضاله بن ایوب صحیح است
واز یحیی بن حسان ازدی حسن است واز علی بن نعمان صحیح است واز
احمد بن محمد بن مظهر مصاحب ابومحمد عسکری علیه السلام صحیح است
واز ابوعبدالله خراسانی حسن است واز حارث بیاع انماط ضعیف
است واز عمرو بن موسی ساباطی قوی است واز علی بن محمد حضینی
ضعیف است واز سوید قلا صحیح است واز مثنی بن عبدالسلام
واز جعفر بن ناجیه صحیح است واز ذریح بن محمد محاربی حسن است
واز کلیب بن معاویه اسدی صحیح است وهمچنین از عبدالله بن
جعفر بن جامع حمیری وهمچنین از محمد بن عثمان عمری واز نعمان بن
سعد ضعیف است واز حمدان دیوانی حسن است واز حمزه بن
عمران بن اعین از اکراد بنی شیبان کوفی واز احمد بن عایذ صحیح است
واز علا بن سیابه صحیح است واز عبدالله بن حکم ضعیف است
وهمچنین از علی بن مطر واز یاسر خزیر بصری صحیح است واز قاسم
بن برید بن معویه عجلی ضعیف است واز محمد بن عذافر صیرفی
صحیح است وهمچنین از عبدالحمید بن عواض طائی وهمچنین از عبدالله

بن محمد جعفی وهمچنین از صباح بن سیابه برادر عبدالرحمن بن سیابه
کوفی واز ابراهیم بن هاشم صحیح است واز عبدالله بن حماد انصاری
ضعیف است وهمچنین از بشار بن بشار وهمچنین از محمد بن عمر بن
ابی المقدام واز یوسف بن یعقوب برادر یونس بن یعقوب وهردو
فطحی مذهب بوده اند واز محمد بن محبوب صحیح است واز محمد بن ولید
کرمانی حسن است واز محمد بن منصور ضعیف است واز عبدالله بن
جبله صحیح است واز ثعلبه که کنیتش اسحق بن میمون است صحیح است
واز داود بن اسحق ضعیف است واز ادریس بن عبدالله قمی صحیح است
واز ادریس بن زید حسن است واز محمد بن سهل صحیح است وهمچنین
از منهال قصاب وهمچنین از مسمع بن زیاد وهمچنین از داود
بن یزید وهمچنین از ثویر بن ابی فاخته وهمچنین از محمد بن حسان
وهمچنین از احمد بن محمد بن عیسی وهمچنین از علی بن حسان واسطی
وهمچنین از علی بن اسمعیل میثمی وهمچنین از یعقوب بن یزید وهمچنین
از حسن بن علی بن نعمان وهمچنین از محمد بن اسلم جبلی وهمچنین از محمد بن
حسین بن ابی الخطاب وهمچنین از عباس بن معروف وهمچنین از
معوته بن حکیم وهمچنین از ابوالجوزاء منبه بن عبدالله پس این بود انچه
نزد ما الحال حاضر بود از حالات این طریقها در سه کتاب و متخلف

کردیده است طریقهای دیکر در آن کتابها که آنها را نیز اثبات میتمایم
اکر معلوم ناشده باشد حال راویان آنها از جرح یا تعدیل

فایدهٔ نهم بدانکه کاهی هست که غلط میکنند
جماعتی در سند از ابرهیم بن هاشم بسوی حماد بن عیسی پس توهم
میکنند که او حماد بن عثمان است و آن غلط است زیرا که ابرهیم
بن هاشم درنیافته است حماد بن عثمان بلکه حماد بن عیسی را

فایدهٔ دهم از برای مناطریقهای چند هست بسوی
شیخ سعید ابوجعفر طوسی رحمه الله و همچنین بسوی شیخ صدوق
ابوجعفر بن بابویه و همچنین بسوی شیخ ابوعمرو کشی و احمد بن عباس
نجاشی و مانا در اینجا اثبات میتمائیم آنچه را که اتفاق افتد و همه
آنها صحیح باشد پس طریق خود را بسوی شیخ طوسی رحمه الله اینست
که ما روایت میکنیم جمیع روایات و تصنیفات و اجازات او را
از پدرم یوسف بن علی بن مطهر رحمه الله از شیخ یحیی بن محمد بن یحیی
بن فوج سوراوی از فقیه حسین بن هبة الله بن رطبة از مفید
ابوعلی حسن بن محمد طوسی از پدرش شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی
و از پدرم سید احمد بن یوسف بن احمد بن عریضی علوی حسینی از
برهان الدین محمد بن محمد بن علی حمدانی قزوینی که در ری فرود آمده است

از سید فضل الله بن علی حسنی راوندی از عماد الدین ابوالصمصام
ذی الفقار بن معبد حسنی از شیخ ابوجعفر طوسی و از پدرم ابوالمظفر
یوسف بن مطهر رحمه الله از سید فخار بن معد بن فخار علوی موسوی
از شیخ شاذان بن جبرئیل از شیخ ابوالقسم عماد طبری از مفید
ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی از شیخ پدرش ابوجعفر طوسی

وطریق سوم بسوی شیخ ابوجعفر بن بابویه است که من
روایت میکنم جمیع تصنیفات و اجازات او را از پدرم رحمه الله
از سید احمد بن یوسف بن احمد عریضی علوی حسینی از برهان
محمد بن محمد بن علی حمدانی از سید فضل الله بن علی حسنی
راوندی از عماد ابوالصمصام بن معبد حسنی از شیخ ابوجعفر
طوسی از شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان از ابوجعفر محمد بن
علی بن الحسین بن بابویه رحمه الله و بهمان سند از
ابوالصمصام از نجاشی بکتابش و بهمان سند از شیخ جعفر بن
محمد طوسی از ابومحمد هارون موسی تلعکبری رحمه الله
از ابوعمرو و محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی رحمه الله بکتابش
و اکتفا کردم از روایات و طریقها بسوی این مشایخ بانچه
ذکر کردم و باقی طریقها را بسوی این مشایخ و غیر ایشان را

ذکر نکرده ام در کتاب بزرگ خود هر که را اراده اطلاع بر آنها
باشد باید که آن کتاب را ملاحظه نماید ۞ تمام شد کتاب
خلاصة الاقوال در معرفت رجال و سپاس مخصوص خدائی است
که پروردگار عالمیانست و درود فرستاده است خدا بر سیدنا
محمد و بر آل او که پاکانند ۞ و تاریخ فارغ شدن از تصنیف این کتاب
در روز بیست و سیم ماه ربیع الآخر بود از سال شیصد و نود و
سه با پنجا منتهی گشت کلام مصنف رضی الله عنه و ارضاه و
جعل الجنة ماواه ۞ و بحمد الله و
حسن توفیقه که توفیق رفیق
و شامل حال و یمن
عنایت

وبرکت التفات نواب فلک جناب کامیاب مستطاب معلی
القاب اشرف ارفع همیون اعلی و باستمداد قلم عنبر رقم
وخامه عطر نخامه این ترجمه کتاب خلاصة الاقوال
باتمام پیوست در روز شنبه پانزدهم شهر ذی الحجة الحرام من
شهور سنه تسع وعشرین ومائة بعد الالف ۱۱۲۹ علی ید مترجمه
الحقیر الفقیر محمد باقر بن محمد حسین التبریزی عمهما
الله بلطفه الجلی والخفی والحمد لله اولا واخرا
والصلوة علی محمد وآله
الطاهرین المعصومین
والحمد لله رب
العالمین

بلغ مقابلا بحمد الله
حسن توفیقه توفیق
الوس والطاقة

بوده اند با وی دزدان و قطّاع طریق همرکاه متوجّه تاخت و
تاراج باکستن مردم را پس چون شخصی او را میدیدند پراکنده می
شدند در عالم و متوجه کار خود بودند یا انکه پند پذیر میشدند
چون حالت او را میدیدند باعتبار خاطر جمعی که از او داشتند
گفت ابو محمد فضل بن شاذان که گمان کردم که اینمرد در زمان
سابق بوده است پس مدّتی بعد ازان روزی نشسته بودم
با پدرم در قطیعهٔ ربیع که آمد بزرگواری خوش روی خوش اندامی
و پیراهن نرمی پوشیده بود و ردای نرمی بر دوش انداخته بود
و در پایش نعل عربی بود که میانش تازک بود پدرم سلام بر پدرم
کرد پس پدرم برخواست برای او و مرحبا گفت با او و تعظیم
کرد او را پس چون رفت واراده داشت که بدیدن ابن ابی
عمیر برود پرسیدم از پدرم که این شخص که بود گفت حسن بن
علی بن فضّال بود گفتم این همان عابد فاضل است گفت در
جواب که بلی این همانست گفتم این غیر انست ان در کوه میباشد
گفت پدرم این همانست که در کوه میبود گفت که ای پسرجه
چیز را اهل کرده است عقل تر از پس او را خبر دادم بانچه
بودم از مردم گفت این مرد همان شخص است و بعد ازان تا پدر

امد وشد میکرد ومصلای او در مسجد جامع کوفه بود در پیش
ستون هفتم وان ستون مشهور بود بانطوانه ابراهیم علیه السلام
ووفات یافت در سال دویست وچهار زده از هجرة حسن
پسر سعید واو پسر حماد واو پسر مهران از اد کرده حضرت امام
زین العابدین ع از مردم کوفه واز اهل اهواز است کنیة او ابو
محمد است واینست کر رسانید علی پسر مهزیار واسحق پسر
ابراهیم حضینی را بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
تا انکه خدمات بحضرت بایشان رجوع شد وبخدمات
الحضرت قیام کردند وبعد از اسحق علی پسر ریان را بخدمت
الحضرت رسانید واو سبب این شد کر این سه نفر معرف
بمذهب حق همدیگر شدند واز او حدیث شنیدند وبسبب
او معروف شدند وبا عبد الله بن محمد حضینی نیز چنین کرد
وکتابهای بسیار تصنیف کرده است وبعضی گفته اند
کر حسن پنجاه کتاب تصنیف کرده وسعید پنجاه
بود بدینان وشراکت کرده است حسن با برادرش حسین
در تصنیف سی کتاب کر حسین تصنیف کرده در جمع
رجال شده وروایتی کر از ایشان روایت کرده با برادرش

تا انکه عارف بسایل دین
ومذهب شده باشد

ترک کرد

شریک است مکر در روایة بن مهران حضرمی وفضالة بن
ایوب کر حسین بلا واسطه از ایشان روایت نکرده بلکه از
برادرش روایت کرده وبرادرش از ایشان روایت نموده و
حسن راستکو بوده وهمچنین حسین برادرش حسن پسر
علی واو پسر بقطین واو پسر موسی از اد کرده قبیله بنی هاشم است
وبعضی گفته اند کر از اد کرده قبیلة بنی اسد است راستکو
بمسائل فقه وکلام بود روایت کرده است از حضرت امام
موسی کاظم وحضرت امام رضا صلوات الله وسلامه علیهما
حسن پسر راشد کنیة اش ابو علی است از اد کرده ال
مهلب واز مردم بغداد است روایت کرده است از حضرت
امام محمد تقی علیه السلام وراستکو است حسن پسر مالک
از اهل قم واز جمله اصحاب حضرت امام علی نقی علیه السلام
وراستکو است حسن پسر موسی نوبختی پسر خواهر ابی سهل
بن نوبخت کنیة اش ابو محمد وعارف بمسائل علم کلام وحکمت
وامامی مذهب وبنکو اعتقاد وراستکو وبزرک متکلمین
ما وفایق بوده در زمان خود بزرکی خود بیش ازین سمت صدور
وبعد از ان بزرکتر بیشینیان تصنیف بسیاری دارد کر ذکر

کرده ایم انها را از کتاب بزرگ خود حسن پسر حمزه او پسر علی او پسر عبد الله او پسر محمد او پسر حسن او پسر حسین او پسر علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام کنیه اش ابو محمد او از مردم طبرستان و معروف بوده بمرعشی از بزرگان ان طایفه و فقهاء ایشان و فاضل و دیندار و عارف بمسائل و فقیه و متقی و پرهیزکار بوده و مناقب بسیار داشته و ادب دان بوده روایت کرده است از او ثلعکبری و شنیدن ثلعکبری حدیث را از او بوده اول مرتبه در سال سیصد و بیست و هشت از هجره و ثلعکبری از او از کوفه است در جمیع تصانیف و روایات خود شیخ طوسی رحمه الله گفته است که خبر دادند ما را باحادیث او بنیا جماعتی و از انجمله حسین بن عبید الله و احمد بن عبدون و محمد بن محمد بن نعمان و شنیدن ایشان روایات را از او بوده و در سال سیصد و شصت و چهار از هجره و شیخ نجاشی گفته است که وفات یافت و خدا او را رحمت کند در سال سیصد و پنجاه و هشت از هجره و این نقل منافات ندارد با نقل شیخ طوسی رحمه الله حسن پسر علی او پسر ابی عقیل

و او پسر محمد از مردم عمان بضم عین مهمله و کنیه اش ابو محمد بوده و شیخ نجاشی چنین نقل کرده است و شیخ طوسی رحمه الله گفته است که حسن پسر عیسی کنیه اش ابو علی و معروف بوده بابن ابی عقیل عمانی و هر دو عبارت از یک شخص اند و معروف بوده بابن ابی عقیل حذاء و فقیه و عارف بمسائل علم کلام و راستکو است و از برای او تصنیفها هست در علم فقه و علم کلام از انجمله کتاب متمسک بحبل ال الرسول است و این کتابیست مشهور در نزد ما و ما نقل کرده ایم اقوال او را در کتابهای فقهیه خود و او از بزرگان متکلمین و فضلاء امامیه رحمهم الله بوده خدا او را رحمت کند و شیخ نجاشی گفته است که شنیدم که شیخ ما ابو عبد الله رحمه الله بسیار ثنای او میکرد حسن پسر علی او پسر سفیان او پسر خالد و او پسر سفیان بزوفری و کنیه اش ابو عبد الله و روایت نکرده است بی واسطه از ائمه علیهم السلام او بزرگوار و راستکوی از اصحاب ما است حسن پسر حسین لولوئی کوفی است و روایت کرده است از او محمد بن احمد بن یحیی و شیخ نجاشی گفته است که او راستکو و بسیار روات

است و تضعیفی بنزدارد و شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که ابن بابویه ضعیف شمرده است او را و شیخ نجاشی گفته است
که محمد بن حسن بن ولید استثناء کرده است از روایات محمد
بن احمد بن یحیی انچه را که از جماعتی روایت کرده است که
از انجمله حسن بن حسین بن لؤلؤی است و تابع محمد بن حسن
بن ولید کردند است ابو جعفر بن بابویه رحمه الله در این
استثناء حسن پسر جنبش بجاء مضمومه غیر منقوطه و
باء موحده و شین منقوطه روایت کرده است شیخ کشی از
محمد بن مسعود که گفت حدیث کرد مرا احمد ویه و او گفت که
حدیث کرد مرا حسن بن موسی از جعفر بن محمد خشعمی و او از
ابراهیم بن عبد الحمید صنعانی و او از ابی اسامه زید شحام که
گفت بودم در خدمت حضرت صادق علیه السلام که ناگاه
کندشت حسن بن جنبش در برابر حضرت علیه السلم
پس فرمودند بمن که ای دوست میدانی این شخص را این شخص
از اصحاب پدرم علیه السلام است بروایت کرده است سید
علی بن احمد بن عقیقی علوی از پدرش و او از ابراهیم بن هاشم و
او از ابن ابی عمیر و او از ابراهیم بن عبد الحمید و او از حضرت صادق

علیه السلام مثل انچه ذکر شیخ کشی روایت کرده است
حسن پسر زیاد عطار و بغضی گفته اند که او از قبیله بنی
طی و بنی ضبه و از اد کرده بنی ضبه بوده است راستگو و روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام حسن پسر
قاسم روایت کرده است شیخ کشی از محمد ویه و او از حسن بن
موسی که گفت بعد از انکه حکایت کرد قصه را که ذکر کردیم
انها در کتاب بزرگ خود اینکه حسن بن قاسم شناخت حق تعالی
را بعد از ان و قایل بان نیز شد حسن پسر نضر شیخ کشی گفته
است که او از بزرگواران برادران مؤمن ما بوده حسن پسر
علی و او پسر زیاد وشا از قبیله بجیله و مردم کوفه بوده شیخ
کشی گفته است که کنیه اش ابو محمد وشا بوده و حسن دختر
زاده الیاس صیرفی بوده و مردی خیر خواهی و از اصحاب
حضرت امام رضا علیه السلام و از روشناسان ایشان طایفه
امامیه بوده حسن پسر علی و او پسر نعمان که از اد کرده
قبیله بنی هاشم بوده و پدرش علی بن نعمان اعلم بوده و حسن
راستگو و ضابط بوده حسن پسر علی و او پسر بقاح بباء
موحده و قاف مشدده و حاء غیر منقوطه کوفی راستگو

است و تضعیفی نیز دارد و شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که ابن بابویه ضعیف شمرده است او را و شیخ بحاشی گفته است
که محمد بن حسن بن ولید استثناء کرده است از روایات محمد
بن احمد بن یحیی آنچه را که از جماعتی روایت کرده است که
از آنجمله حسن بن حسین بن لؤلؤی است و تابع محمد بن حسن
بن ولید کردنی است ابو جعفر بن بابویه رحمه الله در این
استثناء **حسن** پسر جنبش بجاء مضمومه غیر منقوطه و
باء موحده و شین منقوطه روایت کرده است شیخ کشی از
محمد بن مسعود که گفت حدیث کرد مرا احمد ویه و او گفت که
حدیث کرد مرا حسن بن موسی از جعفر بن محمد خشعمی و او از
ابراهیم بن عبد الحمید صنعانی و او از ابی اسامه زید شحام که
گفت بودم در خدمت حضرت صادق علیه السلام که ناگاه
گذشت حسن بن جنبش در برابر آن حضرت علیه السلام
پس فرمودند بمن که آیا دوست میداری این شخص را این شخص
از اصحاب پدرم علیه السلام است بروایت کرده است سید
علی بن احمد بن عقیقی علوی از پدرش و او از ابراهیم بن هاشم و
او از ابن نجمیر و او از ابراهیم بن عبد الحمید و او از حضرت صادق

علیه السلام مثل آنچه ذکر شیخ کشی روایت کرده است
حسن پسر زیاد عطار و بعضی گفته اند ذکر او از قبیله بنو
طی و بنی ضبه و او را ذکر کرده بنی ضبه بوده است راستکو و روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام **حسن** پسر
قاسم روایت کرده است شیخ کشی از حمدویه و او از حسن بن
موسی که گفت بعد از آنکه حکایت کرد قصه را که ذکر کردیم
انتهاء در کتاب بزرگ خود اینکه حسن بن قاسم شناخت حق تعالی
را بعد از آن و قایل بآن نیز شد **حسن** پسر نضر شیخ کشی گفته
است که او از بزرگواران برادران مؤمن ما بوده **حسن** پسر
علی و او پسر زیاد وشا از قبیله بجیله و مردم کوفه بوده شیخ
کشی گفته است که کنیه اش ابو محمد وشا بوده و حسن بخط
زاده الیاس صیرفی بوده و مردی خیر خواهی و از اصحاب
حضرت امام رضا علیه السلام و از روشناسان آن طایفه
امامیه بوده **حسن** پسر علی و او پسر نعمان که او را زاده کرده
قبیله بنی هاشم بوده و پدرش علی بن نعمان اعلم بوده و حسن
راستکو و ضابط بوده **حسن** پسر علی و او پسر بقاح بباء
موحده و قاف مشدده و حاء غیر منقوطه کوفی راستکو

ومشهور وصحیح الحدیث وروایت کرده است از اصحاب حضرت
صادق علیه السلام **حسن** پسر موسی خشاب از روشنان
اصحاب ما بوده ومشهور وبسیار ثقه ومحدث بوده
حسن پسر جعفر واو پسر حسن واو پسر حسن بن علی بن ابی
طالب علیهم السلام کنیه اش ابو محمد واز مردم مدینه و
روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام وحدیث
کرده است از اعمش وراستکو است **حسن** پسر عطیه
حناط بخاء غیر منقوطه کوفی محدثی وکوفی ومحروب غیر خالص
وراستکو وبرادر زاده اش محمد وعلی هر دو راستکو بوده اند وکل
ایشان روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام
واینست حسن دغشی بدال مضمومه غیر منقطه وغین منقوطه
وشین منقوطه **حسن** پسر حسین واو پسر حسن محدث ری بجیم
مفتوحه وخاء غیر منقطه ساکنه ودال غیر منقطه وراء از
قبیله بنی کنده وعرب خالص وراستکو وروایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام **حسن** پسر سری
کرمشهور بکابت بوده کرخی وراستکو وبرادرش علی بن
سری است وهر دو روایت میکنند از حضرت صادق

علیه السلام **حسن** پسر قدامه بقاف مضمومه از قبیله
کنانه وحنفی وروایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام وراستکو بوده ووفات یافت بعد از حضرت صادق
علیه السلام **حسن** پسر محمد واو پسر احمد صفار بصری
کنیه اش ابو علی وبزرگ اصحاب ما وراستکو است وروایت
کرده است از حسن بن نمامغه ومحمد بن تسنیم وعباد ذواجنی
ومحمد بن حسین ومعویه بن حکیم وتصنیف کرده است کتاب
دلایل خروج القائم علیه السلام وکتاب ملاحم را
حسن پسر محمد نها وندی کنیه اش ابو علی وعارف بمسائل
علم کلام وخوش محاوره بوده واز اوست تصانیف بسیاری
که از انجمله کتاب رد بر سعید بن هرون خارجی است که
در حکمین تکفیر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کرده و
کتاب احتجاج در امامت وکتاب کافی در بیان فساد اختیار
کردن امت امام را **حسن** پسر میثل بفتح میم وبعد از ان
ناء منقوطه فوقانی ودیگر ناء منقطه بخاء روشناسی بوده
است از جمله روشناسان اصحاب ما وکثیر الروایه
است واز اواست کتاب نوادر **حسن** پسر علی کنیه اش

ابو محمّد وجمّال بوده واز جمله اصحاب قهپن ما وراستکو
وشرباب بوده با محمّد بن حسن بن ولید در تجارت واز او آ
کتاب الجامع در بیان ابواب شریعت مقدّسه وان کتاب بنیاد
مبسوط است وحسن بن علی را اجمال مینامند بجهت انکه
همیشه در سفرها همکاو بوده است باجمال کوفی که آخر
عبد الله بن محمّد است وجمل فروش بود یعنی خلخال فروش
پس نامید شد حسن بن علی بنام او حسن پسر علی واو پسر
ابی مغیره زیدی وکوفی وراستکو بوده است او و پدرش
وروایت کرده است از حضرت امام محمّد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السّلام حسن پسر جهم واو پسر بکیر واو
پسر اعین کنیه اش ابو محمّد واز قبیله بنی شیبان وراستکو آ
وروایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم وحضرت
امام رضا علیهما السّلام حسن پسر محمّد واو پسر فضل واو
پسر یعقوب واو پسر یقطین واو پسر نوفل واو پسر حرث واو
پسر عبد المطلب کنیه اش ابو محمّد وراستکو وعظیم الشان
وروایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السّلام
نسخه را وروایت کرده است بواسطت پدرش از حضرت

زیدی منسوب است بزید
وان نام محله ایست در بغداد

امام جعفر صادق وحضرت امام موسی کاظم علیهما
السّلام وعمّوها یش یعنی اسحق ویعقوب واسمعیل مثل او
وذر روایات کردن واسمعیل راستکو بوده حسن پسر
حسین نکونی عرب غیر خالص وکوفی است وراستکو آ
حسن پسر علوان کلبی که از دکرده قبیله بنی کلب و
کوفی وراستکو وروایت کرده است از امام جعفر صادق
علیه السّلام او وبرادرش حسین وحسین از اهل سنت بود
وحسن اخصاص اش بما واولویتش بما بیشتر بوده حسن
پسر موفق کوفی وبزرك اصحاب ما وکم روایت وراستکو
است حسن کنیه اش ابو محمّد واو پسر هرون واو پسر عمران
همدانی وکل ناحیه مقدّسه بوده حسن پسر عمر واو پسر
منهال کوفی راستکو است او وپدرش نیز حسن پسر خالد
واو پسر محمّد واو پسر علی برقی کنیه اش ابو محمّد وبرادر محمّد بن خالد
وراستکو بوده حسن پسر ظریف واو پسر ناصح کوفی کنیه
اش ابا محمّد راستکو وساکن بوده در بغداد وپدرش پیش
از او نیز ساکن بغداد بوده حسن پسر عبته بفتح عین
غیر منقطه ونون ساکنه وبعد از ان باء موحّده ودر تکریر نیز

غیر منقوطه از اهل تصوّف و کوفی و راستگو است حسن
پسر محمّد و او پسر جمهور رقی کنیه اش ابو محمّد و ساکن بصره و
راستگو بوده است در حدّ ذات خود و نسبت داده میشود
بقبیله بنی عنم که از قبیله بنی تمیم است و در روایات میکند از
مردم ضعیف و اعتماد میکرد بر مراسیل تعریف کرده اند
اصحاب ما او را باین صفات و گفته اند که بود راستگوتر
از پدرش حسن پسر احمد و او پسر زید و به براء مکسور
غیر منقوطه و بعد از آن یاء ساکنه منقوطه و ذکر ذال منقوطه
مفتوحه و واو ساکنه و بعد از آن یاء مفتوحه منقوطه نخعی
ذکر قمی و راستگو و از جمله اصحاب قمیین ما و از برای
او تصنیف کتاب مزاری هست حسن پسر عبد الصمد
و او پسر محمّد و او پسر عبد الله اشعری بزرگوار و راستگو
از جمله اصحاب ما است حسن پسر علیّ و او پسر عبد الله
و او پسر مغیره از قبیله بجیله و از اد کرده جندب پسر عبد الله
و کنیه اش ابو محمّد از جمله اصحاب کوفیین ما است و راستگو
راستگو است حسن پسر ابی عبد الله که اسمش محمّد و پسر
خالد و او پسر عنم طیالسی است کنیه اش ابو العبّاس و از

علم لقب الحسن بن محمّد
است سهو

محمّد ظاهرا که معنی نسخه صحیح
در ما هم مذکور شده

سهو ذکر لفظ ثقه سابقا
متروک شده

طیالسی یعنی طیلسان فروش
است

قبیله بنی تمیم و با ابو محمّد نیز کنیه داشته راستگو است حسن
پسر شجره و او پسر میمون و او پسر ابی آزاگر راستگو است حسن
پسر احمد و او پسر محمّد و او پسر هیثم عجلی که کنیه اش ابو محمّد
و راستگو و از جمله رؤساء اصحاب ما بوده و پدرش
و جدّش هر دو ثقه اند و همه ایشان از اهل رَیّ اند حسن
پسر احمد و او پسر قاسم و او پسر محمّد بن علی بن ابی طالب که
بمنسب شرافت و نقابت سرافراز بود کنیه اش ابو محمّد و
سرور این طایفه شیعه امامیه است چنین نقل کرده آ
او را شیخ نجاشی و بعد از آن گفته است که اما انکر من
دیدم بعضی از اصحاب خود را که چشم میپوشانند از بعض
روایات او و در آنها طعن میزنند و از او تصانیف چند ما نقل
است که تعدادکرده ایم آنها را در کتاب بزرگ خود حسن
پسر ابی سهل راستگو و روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السّلام حسن پسر سیف و او پسر سلیمان تمّار نقل
کرده است ابن عقده از علی بن الحسن که او راستگو و کم دروغ
است و مطلع نشدم بغیر آنچه مذکور شد بر تعدیل و
جرح او از طریق امامیه پس نظر تو قف است در روایتی که

نجفی

او متفرّد بنقل از باشد تا انکر عدا لنش ثابت شود حسن
پسر محمد کنیة اش ابو علی و قطّان و کوفی بوده نقل کرده است
ابن عقده از علی بن حسن کر او را ستکو بوده است و احوال
این شخص مثل احوال شخص سابق است حسن پسر صدقه
مداینی گفته است که ابن عقده گفته داده است ما را علی بن
الحسن کر حسن بن صدقه را من گمان نمیکنم که او از قبله از دباشد
و برادرش موسوم بمصدق بود و هر دو روایت کرده اند از
حضرت امام جعفر صادق و حضرت امام موسی کاظم
علیهما السّلام و همه ایشان راستکو بان بوده اند و در
این احوال که مذکور شد سبب عدا لنش نظری هست و طهرة
توقف در روایت او است حسن پسر یوسف و او پسر علی
و او پسر مطهر بمیم مضمومه و طاء غیر منقوطه و بعد از
هاء مشدده و ذر اخر رای غیر منقوطه کنیه اش ابو منصور
و ولادت و نکایش هر دو در حلّه بوده و او مصنّف این
کابست و تصنیف بسیاری کرده است از انجمله کاب منتهی
المطلب است در تحقیق مذهب و مثل ان کاب کسی تصنیف
نکرده و ذکر کرده ایم در ان کاب تمام مذاهب مسلمین را

در فقه و ترجیح داده ایم انچه را که اعتقاد داریم بان بعد از
ابطال مذهب از جماعت فقهای مسلمین که مخالف ما کرده
اند در ان مسایل و انرا انشاء الله تعالی با تمام میرسانیم و نسخه
ام این کاب تا این تاریخ که ماه ربیع الاخر از سال ششصد و نود
و نه از هجرة است هفت مجلد را و کتاب تلخیص المرام
فی معرفت الاحکام و کتاب غایة الاحکام فی تصحیح تلخیص
المرام و کاب تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة
و ان کتاب نیکوئی است که استخراج کرده ایم در انجا فتاوی
را که کسی پیشتر چنین استخراجی نکرده با وجود انکه مختصر است
و کتاب مختلف الشیعة فی احکام الشریعة ذکر کرده ایم
در انجا خلاف علما را و بین وجه هر کسی را بر مطلبش و ترجیح انچه
را که خود بان قایل شده ایم و کتاب تبصرة المتعلمین فی
احکام الدین و کاب الاستقصاء الاعتبار فی تحریر
معانی الاخبار ذکر کرده ایم در ان کاب هر حدیثی را که
رسیده است بما و بحث ما در ان کاب بر صحت سند و ابطال
هر حدیثی است و انکه متنش محکم یا متشابه است و انچه را که مشتمل
است بر او و متنش از مباحث اصولیه و ادبیه و انچه مستنبط

میشود از متنش از احکام شرعیه وغیرانها واین کتاب
تصنیفی ایست کہ کسی مثل ان تصنیفی نکرده **وکتاب**
مصابیح الانوار ذکر کرده ایم ذران کتاب جمیع احادیثی را
کہ بنظر رسیده است از علماء ما ومشتمل کردانیده ام ان کتاب
را بر فنونی چند وکردانیده ام هر حدیثی را متعلق بفن مابین وهر
فنی را مرتب ساخته ایم بر چند باب وابتدا کرده ایم ذران بعا
بانچه روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه واله وبعد
ازان بانچه روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام وهمچنین تا اخر ائمه علیهم السلام **وکتاب**
الدر والمرجان در ذکر احادیث صحیحه وحسنه **وکتاب**
التناسب بین الاشعریه وفرق الشوفطائیه **وکتاب**
فجر الایمان فی تفسیر القران ذکر کرده ایم ذران کتاب
ملخص کشاف وتبیان وغیرانها را **وکتاب** القول الوجیز
فی تفسیر الکتاب العزیز **وکتاب** اذعیة الفاخرة المنقولة
عن الائمة الطاهرة علیهم السلام **وکتاب** النکت
البدیعة فی تحریر الذریعة کہ در علم اصول فقه است **وکتاب**
غایة الوصول وایضاح السبل وان کتاب در شرح مختصر منهج

الوصول والامل است کہ در علم اصول فقه است **وکتاب**
مبادی الوصول الی علم الاصول **وکتاب** منهاج الیقین فی
اصول الدین **وکتاب** منتهی الوصول الی علمی الکلام والاصول
وکتاب کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد کہ در علم کلام
است **وکتاب** انوار الملکوت فی شرح الیاقوت کہ در
علم کلام است **وکتاب** نظم البراهین فی اصول الدین
وکتاب معراج الفهم فی شرح النظم کہ در علم کلام است
وکتاب الانجاح المفید فی تحصیل العقید **وکتاب**
نهایة المرام کہ در علم کلام است **وکتاب** کشف الفواید
فی شرح العقاید کہ در علم کلام است **وکتاب** منهاج در
بیان مناسک الحاج **وکتاب** تذکرة الفقهاء کہ از اول
تا کتاب نکاح چهار ده مجلد شده است **وکتاب** تهذیب
الاصول الی علم الاصول **وکتاب** قواعد ومقاصد کہ در
علم منطق وطبیعی والهی است **وکتاب** الاسرار الخفیة کہ در
علوم عقلیه است **وکتاب** کاشف الاسرار کہ در شرح
کشف الاسرار است **وکتاب** الدر المکنون کہ در علم قانون
در منطق **وکتاب** مباحثات السنیة ومعارضات التحفة

وكتاب مقاومات كه بحث ميكنم ذر انجا باحكماء ثلاثه
واين كتاب باتمام ميرسند باتمام شدن عمر من وكتاب حل
مشكلات من كتاب التلويحات وكتاب ايضاح
التلبيس من كلام الرئيس كه بحث ميكنم ذر انجا باشيخ رئيس
ابن سينا وكتاب كشف المكنون من كتاب القانون وابن
كتاب مختصر شرح جزوليه است كه در علم نحو است وكتاب
المقاصد الوافية كه در شرح فوايد قانون وكافيه است كه
جمع كرده ايم در انجا ميانه مسايل جزوليه وكافيه نحو با اضافه
انچه احتياج بمثال دارد وكتاب المطالب العلية كه
در علم عربية است وكتاب القواعد الجلية كه در شرح
رساله شمسية است كه در علم منطق است وكتاب جوهر النضيد
در شرح كتاب تجريد كه در علم منطق است وكتاب مختصر
شرح نهج البلاغة وكتاب ايضاح المقاصد در شرح
حكمة عين القواعد وكتاب نهج العرفان فى علم الميزان
كه در منطق است وكتاب ارشاد الاذهان الى الاحكام
الايمان كه در علم فقه است وبسيار خوش ترتيب است
وكتاب تسليك الافهام فى معرفت الاحكام كه در

علم فقه است وكتاب مدارك الاحكام كه در علم فقه است
وكتاب نهاية الوصول الى علم الاصول وكتاب
قواعد الاحكام كه در معرفة مسايل حلال وحرام است
وكتاب كشف الخفاء من كتاب الشفاء كه در علم حكمت است
وكتاب مقصد الواصلين كه در معرفت اصول دين است
وكتاب تسليك النفس الى حظيرة القدس كه در علم كلام
است وكتاب نهج المسترشدين كه در اصول دين است وكتاب
مراصد التدقيق ومقاصد التحقيق كه در علم منطق وطبيعى
والهى است وكتاب النهج الوضاح كه در ذكر احاديث
صحيحه است وكتاب نهاية الاحكام فى معرفت الا
حكام وكتاب محاكمات بين شراح الاشارات وكتاب
نهج الوصول فى علم الاصول وكتاب منهاج الهداية و
معراج الدراية كه در علم كلام است وكتاب نهج
الحق وكشف الصدق وكتاب نهج الكرامة كه در امامت
نوشته است وكتاب استقصاء النظر فى القضاء والقدر
ورساله سعديه ورساله نوابغ الاعتقاد وكتاب
الفتن كه فارق ميانه مذهب حق ومذهب باطل است و

این کابها بسیار از اهشان باتمام نرسیده است ومزامید
وازم از خدای عزوجل بدانکه توفیق دهد اتمام شرا و وکاد
مزدز بهشت وفهم ماه رمضان المبارک از سال ششصد
وچهل وهشت از هجرة بود

باب دویم

در ذکر اخوال حسین
نام است وبان نام بهشت ونه نفر موسومند حسین پسر
جهم واو پسر بکیر واو پسر اعین از اصحاب حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام وراستکو است حسین پسر صدقه
از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام وراستکو
است حسین پسر علی واو پسر یقطین از اصحاب حضرت
امام رضا علیه السلام وراستکو است حسین پسر
سعید واو پسر حماد واز پسر مهران اهوازی اد کرده حضرت
امام زین العابدین علیه السلام وراستکو وعظیم الشان
وروایت کرده است از حضرت امام رضا وامام محمد تقی
وحضرت امام علی نقی علیهم السلام واصل از مردم کوفه
است وزفت بابرادرش حسن بسوی اهواز وبعد ازان
حرکت کرد بسمت قم وفرود امد در خانه حسن بن ابان
ووفات یافت در قم خدا او را رحمت کند حسین پسر عمر

واو پسر یزید از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام و
راستکو است حسین پسر بشار باباء موحده وشین منقوطه
مشدده از مردم مداین از اد کرده زیاد واز اصحاب حضرت
امام رضا علیه السلام بوده وکفته است شیخ طوسی رحمه
الله کرا وراستکو وصحیح الروایت وروایت کرده است از ا
الحسن حضرت امام رضا علیه السلام وشیخ کشی کفته آ
کرحسن بن بشار رجوع کرده از مذهب واقفیه وبدین حق
درامده ومزاعمات دیکر انچه او روایت میکند بسبب تعریف
هردو شیخ او را هرچند در طریق کشی برجوع کردن او از
قول بوقف نظری وکفتکوئی هست لیکن نقویت وتایید میکند
تعریف او را نص شیخ طوسی رحمه الله بر توثیق اش حسین
پسر اسد بسین غیر منقوطه از اصحاب حضرت امام محمد تقی
جواد علیه السلام وراستکو است حسین پسر اشکیب
بکسر همزه وبشین منقوطه ساکنه وکاف مکسور وباء منقوطه
تحتانی کمر ذر اخر باء موحده کمر از مردم مرو وساکن در سمرقند
بوده وبعضی از اوقات ساکن در کش بوده از اصحاب حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام بوده وراستکو

وضابط وداننمد وعالم بمسائل کلام وصاحب تصانیف
بوده واز او تصانیف بسیاری باقی مانده است که تعداد
کرده ایم انها را در کتاب بزرگ خود و شیخ طوسی رحمه
الله گفته است که او مرد فاضل وعظیم الشان وعارف
بمسایل کلام وفقیه ومباحث وصاحب تصانیف
وخوش محاوره وصاحب دقت بوده وامثال اینها را از
صفات دیگر و شیخ کشی و شیخ نجاشی نقل کرده اند و حسین
روایت از ائمه علیهم السلام نکرده است لیکن از اصحاب امام حسن
عسکری علیه السلام بوده و شیخ کشی زیاد بر این گفته
است که او از مردم قم وخادم قبر بوده حسین پسر علی
واو پسر سفیان کنیه اش ابو عبد الله وبزوفری بود و بزرگ
طایفه امامیه وراستگو وجلیل القدر از جمله اصحاب
ما واز خواص ما بوده حسین پسر علی واو پسر حسین واو پسر
موسی واو پسر بابویه بسیار روایت میکرده و روایت می
کرد از جماعتی واز پدرش واز برادرش محمد بن علی راستگو
بوده حسین پسر عبد الله واو پسر ابراهیم غضایری کنیه اش
ابو عبد الله وبسیار حدیث شنیده بود وعارف بعلم رجال

وصاحب تصانیف بوده که تعداد کرده ایم انها را در کتاب
بزرگ خود و بزرگ طایفه امامیه بوده و شیخ طوسی رحمه
الله حدیث را از او شنیده بوده واجازه داده است شیخ
طوسی رحمه الله جمیع روایاتی را که او نقل کرده است
ووفات یافت حسین بن عبید الله خدا او را رحمت کند در
اواسط ماه صفر در سال چهار صد و پانزده از هجرة وهمچنین
اجازه داده است شیخ نجاشی را حسین پسر مندر روایت
کرده است شیخ کشی از حضرت صادق علیه السلام انکه
او از مخلص شیعه بوده واز جمله روایت محمد است که از
سنان واو از خثیم بن مندر از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است واین روایت ثابت نیست نزد من صحیح اشر
لیکن رجحان قبول قولش میشود حسین پسر ابی خمزه نقل
کرده است شیخ کشی که سؤال کردم از ابا الحسن حمدویه
بن نصیر از حال علی بن ابی خمزه ثمالی وحسین بن ابی خمزه
ومحمد بن ابی خمزه که برادران علی اند گفت جمیع راستگویان
وفاضلانند واین روایت سندش صحیح است ومن بر ان عمل
میکنم وقبول میکنم روایت حسین وروایت برادرانش را و

شیخ نجاشی گفته است که اسماء اولاد ابی حمزه نوح و
منصور و حمزه است که کشته شدند در خلافت زید بن
علی بن الحسین علیهما السلام و ذکر نکرده است حسین را
از جمله اولادش و ابن عقده گفته است که حسین بن
ابی حمزه ثمالی دختر زاده ابی حمزه ثمالی است و خالویش محمد
بن ابی حمزه بوده و حسین بن ابی حمزه احوالش مذکور میشود
دختر زاده حسین بن ابی حمزه ثمالی بوده و در موضع دیگر گفته
و حسین بن حمزه لیثی دختر زاده ابو حمزه ثمالی بوده و شیخ
نجاشی نیز گفته است که حسین بن حمزه لیثی کوفی دختر زاده
ابو حمزه ثمالی و معتمد علیه بوده و روایت میکند از
حضرت صادق علیه السلام و اسقاط کرده است لفظ
ابی را از ما بین حسین و حمزه و بالجمله ابن مرد نزد قبول اقرب
است و ممکن است که ابن حسین بن دختر زاده ابی حمزه باشد
و باعتبار غالب شدن نسبتش با بی حمزه او را و ابن ابی حمزه
نامیده باشند هر چند نواده او باشد حسین پسر عبد ربه
روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن مسعود و او گفت که
حدیث کرد مرا محمد بن نصیر و او گفت که حدیث کرد مرا احمد

بن محمد بن عیسی که او وکیل ناحیه مقدسه بوده و جمیع
امور ناحیه مقدسه را متوجه بوده و این روایت سندش
صحیح است حسین پسر عثمان و او پسر شریک و او پسر عبد
غامزی و حیدی را ستکو و روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام و حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام و صاحب تصنیفی است که نقل میکند از
کتاب را محمد بن ابی عمیر از حسین بن عثمان و نقل کرده
است شیخ کشی از جمله او از مشایخ خود از که حسین بن عثمان
خیر خواه و فاضل و راستکو بوده است حسین پسر زید او
پسر علی او پسر حسین کنیه اش ابو عبد الله و لقبش ذو الدمعه
بوده و حضرت صادق علیه السلام او را بفرزندی
داشته بوده و تربیت کرده او را و تزویج کرد با دختر ارقط
را روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و
امام موسی کاظم علیهما السلام و در کتاب خود روایات
مختلفه ذکر کرده از صحیح و ضعیف و مرسل و غیره حصین
پسر نعیم بضم نون و فتح عین غیر منقوطه صحاف و زاد کرد
قبیله بنی اسد و را ستکو بوده و برادرانش یکی مسمی بمحمد و دیگری

وصیت پیغمبر ... بوالحسنین ... ابی الحسن ... و وصیا ... محمد ... مسلم

مسمّی بعلی بوده و روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السّلام حسین پسر عثمان اخمی بجلی کوفی و راستکو است
و داخل کرده اند است ابو العباس او را از جمله رواة
حضرت صادق علیه السّلام حسین پسر نوذر بتاء منقوطه
بنه نقطه واو پسر ابی فاخته کنامش سعید بن حمران بوده
و از اد کرده ام هانی دختر ابی طالب بوده و روایت کرده است
از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السّلام و راستکو
بوده است حسین پسر عبد الله بضم عین و بعد از آن با
موحده و دنکر باء واو پسر حمران همدانی است و مشهور
بنکونی بوده از جمله اصحاب کوفیین ما و راستکو است
حسین پسر شاذویه بشین منقوطه و ذال منقوطه کنیه
اش ابو عبد الله صفار و صحاف نیز بوده و او را صحاف نیز
میگفتند کفته است شیخ نجاشی کر او راستکو و کم
روایت است و ابن غضایری کفته است کر او از مردم قم
بوده و ثقتون کان میکرده اند کر او از غلات بوده دیدم از
برای او تصنیف کتاب بسیار پاکیزه در صلوة و رای من
قبول کردن روایات او است بجهت انکر تعذیل کرده است

او را شیخ نجاشی و ذکر نکرده است صریحا ابن غضایری
چیزی را کر دلالت بر ضعف او کند حسین پسر محمد و او
پسر علی از قبیلهٔ ازد و کنیه اش ابو عبد الله راستکو و از جمله
اصحاب ما و کوفی بوده حسین پسر علی کنیه اش ابو عبد الله
و از مردم مصر و فقیه و عارف بعلم کلام و ساکن مصر بوده
حسین اشعری فتحی کنیه اش ابو عبد الله و راستکو است
حسین پسر قاسم و او پسر محمد و او پسر ابو ب و او پسر ثمون
کنیه اش ابو عبد الله کاتب بوده کفته است شیخ نجاشی کر
ابو القاسم جدش از جمله اصحاب ما بوده و کسی نص صریحی
نکرده است بر عدالت حسین و ابن غضایری کفته است
کر حسین بن قاسم بن محمد بن ابو ب بن ثمون را ضعیف شمرده
اند لیکن نزد من راستکو است و کفته است کر لیکن بخشی
و اعتراضی و از داست بر کسانی کر از او روایت میکند و
کفته است کر پدرش قاسم از روشناسان شیعه بوده لیکن
روایت نکرده است چیزی را حسین پسر محمد و او پسر فرزدق
و او پسر نجبر و او پسر زیاد فزاری کنیه اش ابو عبد الله و معروف
بقطعی بوده و کفته فروش بوده راستکو است حسین پسر

خالویه بخاء منقطه وباء منقوطه تحتانی بعد از واو کنیه
اش ابو عبد الله ونحوی وساکن حلب بوده ووفات در انجا
کرده ومعرفت تمامی داشت بمذهب ما وصاحب تصانیف
بسیاری هست از انجمله کابی است در اثبات امامت امیر
المؤمنین علیه السلام حسین پسر عبد الله واو پسر جعفر
برای او نوشتجات از ناحیه مقدسه بیرون میامد حسین
پسر علی واو پسر حسین واو پسر محمد واو پسر یوسف وزیر کرا
مردم مغرب باست وکنیه اش ابو القاسم واز اولاد بلاش
بن بهرام جور بوده ومادرش فاطمه دختر ابی عبد الله محمد
بن ابراهیم بن جعفر نعمانی است بزرك ما است خدا او را
رحمت کند ووفات یافت در نیمه ماه مبارك رمضان
سال چهار صد وهیجده از هجرت نبوی صلی الله علیه واله

باب اسم

در ذکر احوال جمعی است وبان نام پنج
نفر موسومند حسن پسر عبد المطلب علیه السلام
از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه واله است وکنیه شد
در غزوه احد خدا رحمت کند او را واز استکو بوده است
حسن پسر طیار در روایت کرده است شیخ کشی از حمد ویه

وابراهیم وهر دو از محمد بن عیسی واو از ابن ابی عمیر واو از
هشام بن الحکم واو از حضرت صادق علیه السلام که
الحضرت طلب مرحمت کرد برای حسن بعد از فوتش ودعا
کرد برای او بشادمانی وخوشحالی وفرمود که او بسیار خصمی
ودشمنی میکرد با مخالفان برای خاطر ما اهل وبیت نبوت
وامامت ومحمد بن عیسی که از جمله رجال سند است هر چند
در او گفتگوئی هست لیکن راجح تر نزد ما قبول کردن
روایات او است حسن پسر قاسم واو پسر علی واو پسر حسن واو
پسر حسن واو پسر عبید الله واو پسر عباس بن علی بن ابی طالب
علیه السلام کنیه اش ابو یعلی راستکو وعظیم الشان
واز جمله اصحاب ما وکثیر الروایت بوده است واو
تصنیف کرده است کابی را ودر ان کتاب احوال رجالی
را ذکر کرده است که روایت میکند از حضرت امام
جعفر صادق علیهما السلام حسن پسر یعلی اشعری
که پدرش یعلی قمی بوده روایت میکند از حضرت امام
رضا وحضرت امام محمد تقی علیهما السلام وراستکو و
روشناس بوده حسن پسر ربیع از جمله صلحاء ابن طا

امامیه وراست گویان ایشان بوده وبسیار عمل بروایات
منکرده وگفته است شیخ کشی که روایت کرده اند اصحاب
ما از فضل بن کثیر واو علی بن عبد الغفار مکفوف واو
از حسن بن حسن خثعمی که گفت اند که کور شد در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام حمزة بن بزیع پس طلب رحمت کرد
برای او پس عرض کردند که او قایل بامامت حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام وواقفی بود حضرت بعد از
ساعتی باز طلب رحمت کردند برای او وبعد از ان فرمودند
که کشی که انکار حق من بکند چنانست که انکار حق پیغمبر
من کرده باشد وعلامه رحمه الله میگوید که این روایت
ثابت نیست نزد من صحتش [illegible] در ذکر احوال
حرث است وباین نام سیزده نفر موسومند حرث پسر
هشام از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه واله بوده بعضی گفته
اند که وفات یافت در شام وبعضی گفته اند که کشته شد در
غزوه برموک وان شهریست در شام حرث پسر انس از اصحاب
پیغمبر منقوطه از انصار حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
بوده کشته شد در غزوه احد حرث پسر نعمان حاضر بود در

غزوه بدر حرث پسر قیس حاضر بود در روز عقبه ثانی واو
جمله هفتاد نفری بود که بیعت با پیغمبر صلی الله علیه واله
کردند وحاضر بود در غزوه بدر ودر غزوات دیگر وبعد از ان
در یمامه ووفات یافت در ایام خلافت عمر حرث پسر هشام
از اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلام بوده وعلمدار
مالک اشتر بوده در غزوه صفین حرث پسر ربیع کنیه اش
ابی زیاد عامل حضرت امیر المومنین علیه السلام بوده در
مدینه ویکی از جمله قبیله مازن بن نجار بوده حرث پسر عمیر
از جمله اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلام بوده قطع
کرده شد پاهایش در غزوه صفین حرث پسر اعود روایت
کرده است شیخ کشی روایتی که از جمله رجال سندش شعبی است
اینکه عرض کرد حرث بخدمت حضرت امیر المومنین علیه
السلام که من دوست میدارم ترا وثابت نمیشود بمجرد اقرار او
بمحبت انحضرت عدالتش بلکه ترجیحی را افاده میکند حرث
پسر قیس شیخ کشی نقل کرده است که او مرد عظیم الشان فقیهی
بوده ویکچشمش کور بوده حرث پسر مغیره نضری بنون وصاد
غیر منقوطه روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن قولویه که

گفت روایت کرد مرا اسعد بن عبد الله از احمد بن محمد بن عیسی
و او از عبد الله بن محمد بن حجال و او از یونس بن یعقوب که گفت
بودم در خدمت حضرت صادق علیه السلام پس فرمود
که ایا نیست از برای شما پناه گاهی و ملجائی ایا نیست برای
شما موضع راحتی که از ان راحت بیابند چه چیز منع میکند
شما را از پناه اوردن بحرث بن مغیره نصری و روایت کرده
است شیخ کشی نیز حدیثی را که یکی از جمله رجال سند نجاشی
است اینکه او از اهل بهشت است و گفته است شیخ نجاشی
که حرث بن مغیره نصری از قبیله بنی نصر بن معویه بصری است
و روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق و امام موسی کاظم علیهم السلام و از زید بن علی
بن ابی طالب علیه السلام و راستکو است حرث
پسر عمران جعفری که از قبیله بنی کلاب است و کوفی و راستکو
است و روایت میکند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
حرث پسر ابی ردسن که از قبیله اود بود و کوفی است گفته
است ابن عقده که او اول کسی است که مذهب شیعه فایل
گردید در قبیله بنی اود حرث پسر غضین بضم غین منقوطه

و فتح صاد غیر منقطه کنیه اش ابو وهب و از قبیله بنی ثقیف
و کوفی بوده نقل کرده است ابن عقده از محمد بن عبد الله
بن ابی حکیمه و او از ابن نمیر انیکه او معتمد علیه و بنیاد
خیر خواه است و وفات یافت در سال صد و چهل و نه
از هجرت باب پنجم در بیان احوال حماد است و بان
نام هفت نفر موسومند حماد پسر ضحه بضاد غیر منقطه
مفتوحه و میم و خاء منقطه از مردم کوفه است و روایت
کرده است از او وهیب بن حفص و راستکو بوده است حماد
پسر عیسی کنیه اش ابو محمد از قبیله جهنیه و از مردم بصره و
عرب غیر خالص است و بعضی گفته اند که عرب خالص بوده
اصلش از کوفه است و ساکن بصره گردید و در بیان حدیث اخیرا
منکر ذه روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
بیست حدیث و از حضرت امام موسی کاظم و امام رضا علیه
السلام نیز روایت کرده و وفات یافت در حیاة حضرت
امام محمد تقی علیه السلام و حفظ نشده است از او روایتی
از حضرت امام رضا و نه از حضرت امام محمد تقی علیهما السلام
و راستکو در حدیثش بوده و بسیار راستکو گفته است که شیخ

از حضرت صادق علیه السلام هفتاد حدیث پس همه
سئل در دل من بودنا انکر واقف کردیم برا این بیست حدیث
دعا کرد از برای او حضرت صادق علیه السلام باینکه بیا
حج بکند پس توفیق یافت بحج یافت و بعد از ان غرق شد و وفات
یافت در سال دویست و نه از هجرة و بعضی گفته اند در سال
دویست و هشت از هجرة و از قبله جهنیه بوده است و وفات
یافت در وادی قناة در مدینه و او رود خانه ایست کر روان
منکر در از منبع شجره بسوی مدینه و ان محل عرق ملحفه است
و عمرش نود سال و کبری بوده خدا او را رحمت کند شیخ کشی
گفته است که اجماع کرده اند جماعت امامیه بر صحیح داشتن
انچه از او بصحت معلوم شده و اقرار نموده اند برای او بفقاهت
و صلاح در میان اخرتبان حماد پسر عثمان ناب داشکو
و جلیل القدر و از اصحاب حضرت امام موسی کاظم و امام
رضا علیهما السلام بوده او و حسین برادر ش و جعفر از اولاد
عثمان بن زیاد روایتی همه فاضل و نیکو کردار اند چنانچه نقل
کرده است ان را شیخ کشی از حمدویه از اشیاخ خود و باز گفته
است که حماد از جمله جماعتی است که اجماع کرده اند جماعت

امامیه بر صحیح داشتن انچه از او بصحت معلوم شده و بر اقرار
نمودن از برای او بفقاهت حماد پسر عثمان و او پسر عمرو و او
پسر خالد فرازی از اد کرده قبیله بنی فزار و از مردم کوفه است
و چون سکنا در عرزم داشت از انجهت او را عرزمی گفتند او
برادر ش عبد الله راست کوبان بوده اند و روایت کرده اند
از حضرت صادق علیه السلام و روایت کرده است حماد
از حضرت امام موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام و وفات
یافت حماد رحمه الله در کوفه در سال صد و نود از هجرة چنانچه
ذکر کرده است ان را ابو العباس در کتاب رجال حماد سمدری
بسین غیر منقوطه و میم و نون و دال غیر منقطه روایت
کرده است شیخ کشی حدیثی از حضرت صادق علیه السلام
که در طریق ان شریف بن سابق بغلیسی است و تضعیف کرده است
او را ابن غضایری و مضمون ان حدیث اینست که ذکر میکرد
است حماد امر اهل بیت را در بلاد شرک و ذکر میکرده است
در بلاد اهل اسلام و حضرت در مدح او چون این کلام را
ذکر کرده فرموده است که او محشور خواهد کرد یک
نفر و خواهد بود نور ش در پیش رو ش و این حدیث از جمله

مرجحات است نه اینکه از جمله دلایل باشد بر تعدیل او حماد
پسر ابو طلحه فروشنده جامهای سابری از مردم کوفه و آنکو
است حماد پسر شعیب کنیه اش ابو شعیب حمانی بحاء غیر
منقطه و میم مشدده و نون بعد از الف از مردم کوفه است
ابن عقده روایت کرده است از محمد بن عبد الله بن ابی حکیمه
از ابن عمیر که او بسیار راست گو است و این نیز از جمله مرجحات
باب هشتم در بیان احوال حارثه است و بان نام دو
نفر موسومند حارثه پسر نعمان انصاری حاضر بود در
جنگ بدر و احد و ما بعدها و ذکر کرده اند که او
دیده است جبرئیل را در صورت دحیه کلبی و دو دفعه و
حاضر بوده در همه جنگهای حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام و در زمان معویه وفات یافت حارثه پسر سراقه دین
غیر منقطه مضمومه حاضر بوده است در جنگ بدر
هفتم در بیان احوال حیدر است و بان نام دو نفر
موسومند حیدر پسر نعیم و او پسر محمد نمر قندی است
دانا و جلیل القدر و راستگو و فاضلی است از غلامان
محمد بن مسعود عیاشی کنیه اش ابو احمد است روایت میکند

سایری بفتح سین مهمله و سکون یاء حطی نام جامهای فاخر که

میکند جمیع تصنیفات شیعه و اصول ایشان را از روایت
میکند از او و ابن عقده بسیار است از او حدیث زاد در سنه
سیصد و چهل از هجرة و از برای او اجازه هست حیدر پسر
شعیب طالقانی از خواص است باب هشتم در بیان
احوال حفص است و بان نام هفت نفر موسومند حفص پسر
سالم کنیه اش ابو ولاد خیاط است بتشدید لام از ولاد و
تشدید نون بعد از خاء غیر منقطه از خیاط راستگو و از مردم
کوفه و از اد کرده قبیله جعفی و از برای او اصلی از اصول هست
و ابن فضال گفته است که او حفص بن بوین خزوی است روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام و راستگو و با
باو نبوده است و ابن عقده گفته است که حفص بن سالم بیرون
رفت با زید بن علی و از حضرت صادق علیه السلام تصویب
او در بیرون رفتن حفص پسر عمر و معروف بعمری و کل
ابو محمد عسکری علیه السلام بوده است حفص پسر مخزری
بخاء منقطه بعد از زاء موحده عرب غیر خالص و از مردم بغدا
و اصلش از مردم کوفه و راستگو بوده روایت کرده است
از حضرت صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام چنانچه

ابو العباس ذکر کرده است در میان او و ال اغین دودی
و دشمنی بود پس عیب کردند بر او که شطرنج بازی میکند **جعفر**
پسر علا از مردم کوفه و راستکو است **جعفر** پسر سوقه عمری از اد
کرده عمر بن حریث مخزومی روایت کرده است از حضرت امام
جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام چنانچه ابو
العباس بن نوح ذکر کرده است از ذریان از اصحاب ان
دو معصوم و دو برادرش زیاد و محمد پسران سوقه پیشتر از ان
روایت کرده اند از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام و همه ایشان راستکو یانند **جعفر** پسر
عاصم کنیه اش ابو عاصم سلمی مدنی روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام و راستکو است **جعفر**
برادر بسطام بن سابور راستکو است **باب جعفر** در بیان
احوال جعفر است بضم جاء و بان نام سه نفر موسومند **حمید**
پسر مثنی بثاء سه نقطه و نون مشدده از قبیله بنی عجل و از مردم
کوفه کنیه اش ابو المغراء بوده وضیری راستکو و از برای
او اصلی است از اصول و نجاشی گفته است که روایت کرده
است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم

علیهما السلام و از مردم کوفه و از اد کرده قبیله بنی عجل راستکو
راستکو بوده و توثیق کرده است نیز او را محمد بن علی بن
بابویه رحمه الله **حمید** پسر زیاد از اهل بتنوی است و ان
دهی است در جانب خاور عکی ساکنیه السلام راستکو و دانا
و بزرگوار و عالم بسیار و تصانیف بیشمار داشته چنانچه
شیخ طوسی رحمه الله نقل کرده و نجاشی گفته است که
حمید بن زیاد بن حماد بن زیاد دهقانی کنیه اش ابو القسم
و از مردم کوفه و ساکن سوری بوده و منتقل گردید بسوی
بتنوی و از دهی است بزرگ نزدیک علقمی در جانب خاور علی
صاحبه السلام و راستکو و واقفی و در شمار بوده در میان
ایشان و وفات یافت در سال سیصد و ده از هجره پس وجه
نزد من انست که روایت او مقبول است هرگاه که خالی باشد
از معارض **حمید** پسر حماد و او پسر حوار بضم حاء غیر منقط
و راء بعد از الف از قبیله بنی تمیم و از مردم کوفه است و دو
شده است از ابن عقده از محمد بن عبد الله بن ابی حکیمه از
ابن نمیر که او راستکو است **باب حضر** در بیان احوال
حجر است و بان نام دو نفر موسومند **حجر** بضم حاء پسر

غدیی از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام و از جملهٔ
ابدال بوده **حجر** پسر زاید و حمران پسر اعین روایت کرده
است شیخ کشی از محمد بن قولویه که گفت حدیث کرد مرا سعد
بن عبد الله بن ابی خلف و او گفت که حدیث کرد مرا علی بن
سلیمان بن داود رازی و او گفت که حدیث کرد مرا علی
بن اسباط از پدرش اسباط بن سالم که گفت فرمود حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام که خمر و حمران از جملهٔ حواریان
حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
بوده اند و روایت کرده است حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام در بیان خمر فرموده است که خدایا مرزد او را الا
انکه راوی حسین بن سعید است و با لا برده است حدیث را
تا انکه بحضرت صادق علیه السلام رسانیده است و مجاشعی
گفته است که حجر بن زاید حضرمی کنیه اش ابو عبد الله آ
روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام و راستکو و صحیح المذهب و صالحی از ایشان
طایفه امامیه بوده **باب یازدهم** در بیان احوال
حکم است و بیان نام چهار نفر موسومند **حکم** پسر عتیبه

روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن حسن زاری از اسمعیل
بن محمد بن موسی بن سلام از حکم بن عتیبه پسر خالهٔ سلیمان بن
خالد که گفت سلیمان بن خالد گفت حضرت صادق علیه السلام
که او حکم میشناسد امر امامت را **حکم** پسر خیثم بضم خاء کنیه
اش ابو خلاد ضیر فی است از مردم کوفه و عرب غیر خالص و راستکو
است و روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
چنانچه ابو العباس در کتاب رجال ذکر کرده و ابن بابویه
گفته است که حکم بن خیثم پسر برادر خلاد است **حکم** قاف
از مردم کوفه و راستکو و کم روایت است **حکم** پسر
عبد الرحمن و او پسر ابو نعیم روایت کرده است ابن عقده از
فضل بن یوسف که گفت حکم بن عبد الرحمن از جملهٔ نیکان و
راستکو راستکو بوده و باین حدیث نزد اعتمادی نیست
در تعدیل او لیکن از زمره مرجحات است **باب دوازدهم**
در بیان احوال حذیفه است و بیان نام دو نفر موسومند
حذیفه پسر یمان عبسی رحمه الله او را در انصار شمرده
اند و یکی از ارکان اربعه و از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام بوده **حذیفه** پسر منصور روایت کرده است شیخ

کشی حدیثی در مدح او کرد یکی از راویان او محمد بن عیسی و در باره
او گفته کوفی هست و توثیق کرده است او را شیخ ما مفید
و مدح او نموده است و ابن غضائری گفته است که حدیثه بن
منصور بن کثیر بن سلمه خزاعی کنیه اش ابو محمد بوده است روایت
کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم
علیهما السلام و حدیثش پاکیزه نیست زیرا که روایت
منکر کرده است از صحیح و سقیم و امرش پنهان است و تخریج میتوان
کرد قول ابن غضائری را شاهدی و ظاهر نزد من توقف است
در حال او و از جهت آنچه ابن شیخ گفته است و از برای آنچه
نقل کرده است که او والی از جانب بنی امیه بوده است
و دور مینماید که در ولایت خود مرتکب قبیحی نکرده باشد
و نجاشی گفته است که او راست کواست **باب سیزدهم**
در بیان احوال جیب است و بیان نام چهار نفر موسوم
جیب بسجستانی شیخ کشی از محمد بن مسعود نقل کرده
است که جیب سجستانی در اول امر داخل خوارج بوده است
پس امامی مذهب گردید و بود از اصحاب حضرت امام محمد باقر
و امام جعفر صادق علیهما السلام و انقطاع و امداد شدی

بخدمت ایشان داشت **جیب** پنر مظهر اسدی بضم میم و
فتح ظاء منقطه و تشدید هاء و راء در آخر و بعضی بجای
مظهر مظاهر گفته اند نشانش کرده شده است رحمت کند
خدا او را کشته شد در خدمت حضرت امام حسین علیه السلام
در کربلا **جیب** پنر آوس کنیه اش ابو تمام و از قبیله طی
بوده امامی مذهب و از برای او شعر بسیاری هست در مدح
اهل بیت علیهم السلام و ذکر کرده است احمد بن
حسین رحمه الله که او دیده است نسخه کهنه که شاید در ایام
او نوشته باشد یا نزدیک بایام او و از جمله قصیده بوده است
که در ذکر کرده است در آنجا ائمه را علیهم السلام تا انکه
رسیده است بنام حضرت امام محمد تقی علیه السلام
و ان بابن علیّ بوده است که در ایام امامت آنحضرت وفات
یافته و جاحظ در کتاب حیوان گفته است که حدثه
کرد مرا ابو تمام طائی و بود از سر کردگان رافضیان **جیب**
پسر معلل بمیم مضموم و عین غیر منقطه از قبیله ضبّ و از مردم
مدائن است روایت کرده است از حضرت صادق و امام
رضا علیهما السلام و نجاشی گفته است که او راست کو

راستکو و روشناس و صحیح بوده و روایت کرده است ابن
عقده از محمد بن احمد بن خاقان نهدی و او گفت که حدیث
کرد ما را حسن بن حسین لؤلؤی و او گفت که حدیث مرا عبد الله
بن محمد حجال از حبیب خثعمی از حضرت صادق علیه السلام
و مضمونش این بوده که او دروغ بر من می بسته است با وجود
انکه همیشه از برای ما کذاب بوده و بر این روایت اعتماد
ندارم و مرجع من در زیارة او بقول نجاشی است **باب**
چهارصد و نهم در بیان اخوال حمدان است و بان نام دو نفر
موسوم اند **حمدان** پسر معافی کنیه اش ابو حفص صبیحی است
که قصر صبیح است و از او کرده جعفر بن محمد است روایت
کرده است از حضرت امام موسی کاظم و امام رضا علیهما
السلام و دعا کرده اند برای او **حمدان** پسر سلیمان کنیه اش
ابو سعید و از مردم نیشابور و راستکو و از روشناسان صحیح
ما است **باب یازدهم** در بیان اسامی جماعت متفرقه
است و در اینجا ده نفر مذکور شدند **حریث** پسر زید انصاری
و حاضر بوده است در جنگ بدر و احد **حصین** مجاء غیر
منقطه مضمومه و صاد غیر منقطه پسر منذر و کنیه اش

ابو ساسان زقاشی صاحب علم و رایت حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بوده **حمدویه** پسر نصیر و او پسر شاهی یشین
منقطه شنیده است حدیث را از یعقوب بن یزید و روایت
کرده است از عیاشی و کنیه اش ابو الحسن و عدیم النظیر در
زمانش و کثیر العلم و الفقه و الروایة بوده و راستکو و نیکو
مذهب بوده **حمزه** براء و بعد از ان یاء منقطه تحتانی و
زای در اخر پسر عبد الله سجستانی است کنیه اش ابو محمد
از دیی از اهل کوفه و بسیار سفر و تجارت نموده در سجستان
پس بان نام معروف گردید و تجارت در زیتون و روغن
بوده است بعضی گفته اند که روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام و بودن گفته است که شنیده است
از حضرت صادق علیه السلام مکرر و حدیث و بعضی
گفته اند که روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام و نجاشی گفته است که این ترد من ثابت نکردید
و شیخ طوسی رحمه الله گفته است که او راستکو است و
نجاشی گفته است که بود حمزه از جمله کسانی که شمشیر
بدست گرفت و جهاد کرد در قتال خوارج در سجستان و

ایام حیات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و
روایت شده است که آنحضرت او را از خدمت خود دور
گردانید و ذکر راهش ننماد و این قول از نجاشی مقتضی طعن نیست
از برای انکه معلوم نیست تعدیل انکسی که روایت کرده
است که او را از خدمت خود دور گردانید پس روایت کرده است
شیخ کشی که حضرت صادق علیه السلام او را از خدمت
خود دور گردانید و در طریقش محمد بن عیسی است و در آن
قولی هست با انکه بجود راه نداد او مستلزم جرح او نیست
زیرا که سبب آن امر بر ما معلوم نیست **حمران** پسر اعین از قبیله
بنی شیبان و عرب غیر خالص و از مردم کوفه و تابعی و ستایش
کرده است روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن حسن از ابو
بن نوح از سعید عطار از حریز از زرارة از حمران بن اعین از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که آنحضرت با او فرمود ندکر تو
از جمله شیعیان ما ئی و در دنیا و آخرت و روایت شده است
که او از جمله حواریین حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام بوده و احوال او در ذکر جعفر بن زاید مذکور
گردید علی بن احمد عقیقی گفته است که او عارف بوده است

و ابن عقده روایت کرده است از جعفر بن عبد الله و او گفت
که حدیث کرد مرا حسن بن علی و او گفت که حدیث کرد مرا ابکر بن عبد الله
از زرارة از شهاب بن عبد ربه که گفت جاری شده ذکر حمران
نزد حضرت صادق علیه السلام پس آنحضرت فرمود که ما
سوگند که او بر دین ایمان وفات یافت **حجاج** پسر رفاعه کنیه
اش ابو رفاعه است و بعضی گفته اند که کنیه اش ابو علی
خشاب است از مردم کوفه و روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام راستکو راستکو است چنانچه ابو العباس
ذکر کرده است **حدیش** و بعضی حریش بصیغه مکبر
گفته اند پسر مبشر بزاد در جعفر بن مبشر کنیه اش ابو عبد الله و از
اصحاب ما بوده است و بسیار روایت کرده است از احاد
غامه **حسان** پسر مهران حمال از اد کرده بنی کاهل از قبیله
بنی اسد بوده است و بعضی گفته اند که از اد کرده غنی
بزاد ر صفوان بوده و روایت کرده است از حضرت امام
جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام راستکو
راستکو است و او صحیح از صفوان و روشناستر از او بوده
حدید پسر حکیم کنیه اش ابو علی و از قبیله آزد و از مردم

مذاہن وداشتکو ورُوشناس ومتکلم وروایت کرده است
ازحضرت امام جعفر صادق وامام موسی کاظم علیهما
السّلام **حیّان** بیاء منقطهٔ تحتانی پسر علی عمّری روایت
کرده است ازحضرت صادق علیه السّلام وداشتکوآت

فصل هفتم

ذراسامی جماعتی است کرد راول
نام ایشان خاء است وذراز ذوبابت
ذربیان احوال خالد است وبیان نام یازده نفر موسومند
خالد پسرابوُدجانه بدال غیرمنقطه مضمومه وجیم وواو
بعدازالف ازاصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام
وازاهل بندبوده **خالد** پسرجریر بجیم وراء وباء منقطهٔ
تحتانی وذراخر نهمزراء ازقبیلهٔ بجیله است روایت کرده
است شیخ کشی ازمحمدبن مسعود که گفت سؤال کردم
ازعلی بن الحسین ازاخوال خالدبن جریری که روایت میکند
ازاوحسن بن محبوب پس گفت که اوازقبیلهٔ بجیلهٔ وصالح
بوده وازجعفر بن احمدبن ایوب نقل کرده است ازصفوان
ازمنصور بن یزیدی سلمهٔ جمال که گفت داخل شدخالد
بجلی برحضرت صادق علیه السّلام ومن نزداحضرت

بودم وبعدازاذکرکرده است چیزیراکه دلالت
برایمانش میکند **خالد** پسرزیدکنیه اش ابوایوب از
انصار وستایش کرده شده **خالد** حوارزوایت کرده است
شیخ کشی ازحمدویه که گفت حسن بن موسی که نشیط وخالد
خدمت میکردند حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام
راگفته است که نقل کرده است حسن ازیحیی بن ابرهیم ازنشیط
ازخالد حوارکه گفت چون اختلاف کردند مردم ذرامام
حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام احضرت بخالد فرمودند
که نمی بینی که مردم چه قسم درباب ما اختلاف دارند نشیط
گفت که پس خالد بمن گفت که فرمود بمن حضرت امام موسی
علیه السّلم که ولی عهد من پسر بزرگ من علی است واوبهترین
فرزندان من وفاضلترین ایشان است واین حدیث دلالت
صریح ندارد براعتقاد این دومرد ولیکن اثبتی بحال خالد
هم میرساند **خالد** پسرسعید کنیه اش ابوسعید قماط
ازمردم کوفه وداشتکو است وروایت کرده است ازحضرت
صادق علیه السّلام ودرکتاب کشی مذکوراست که
گفته است حمدویه که نام ابوخالد قماط یزیدبوده است

وشیخ طوسی رحمه الله گفته است که خالد بن یزید کنیه اش
ابو خالد القماط است بعضی گفته اند که او مناظره کرد با ابی
مذهبی پس غالب آمد بر او پس حضرت صادق علیه السلام
از مباحثه او تعجب نمود **خالد** پسر زیاد بزای و بعد از آن
یاء منقطه تحتانی و بعضی ابن باذ ذکر کرده اند بدون
زای و در عوض باء باء موحده فلانی و روایت کرده است
از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما
السلام و راستکو است **خالد** پسر ابو اسمعیل از مردم
کوفه و راستکو است **خالد** پسر صبیح بصاد غیر منقطه
مفتوحه از مردم کوفه و راستکو روایت کرده است از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام **خالد** پسر عبد
الرحمن ابن عقده نقل کرده است از محمد بن عبد الله بن ابی
حکیمه از ابن نمیر که او را راستکو دانسته است **باب**
دهم در بیان اسامی متفرقه است و در اینجا ذکر نفر
مذکوراند **خوات** بتشدید واو و تاء منقطه فوقانی بعد
از الف پسر جبیر بضم جیم از اصحاب حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و از اهل بدر بوده **خیار** بن خادم از اصحاب

حضرت امام علی نقی علیه السلام و راستکو است **خزیمه**
بضم خاء و فتح زای پسر ثابت از جمله سابقانی بوده که رجوع
نمودند بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام چنانچه فضل بن
شاذان گفته است **خلف** پسر حماد واو پسر ناشر واو
پسر مسیب از مردم کوفه است بخاشی گفته است که او را آنکو
است شنیده است حدیث را از موسی بن جعفر علیه السلام
و ابن غضایری گفته است که امرش مختلط است حدیث
او بکر به معروف و مرتبه ذکر غیر معروف است و جایز است
که کلام او را شاهد قرار دهند **خضر** بضاد منقطه
پسر عیسی است بخاشی گفته است که مرد نیست از اهل جبل
و باکی با و نیست **خلیل** عبدی از مردم کوفه و روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام و راستکو
است **خطاب** پسر مسلمه بفتح میم از مردم کوفه روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام و راستکو است
خثیمه بثاء منقطه بسه نقطه بعد از باء پسر عبد الرحمن
جعفی علی بن احمد عقیقی گفته است که او فاضل بوده است
و ابن مفضی بعد از او نیست و هر چند که از جمله مرجحات

خالد پسر یزید بزای کنیه اش ابو یزید بخطی از مردم کوفه و راستکو در روایت کرده است از اصحاب

خلاد صفّار نقل کرده است ابن عقده از عبد الله بن
ابرهیم بن قتیبه از ابن نمیر که او را ستکوا ست و ابن کلا
نزد من از جمله مرجحات ست خلیل پسر احمد بصری من مردم
بوده است در ادب و کفتار ش حجّت ست و او اختراع کرد
علم عروض را و فضیلت او مشهور تر است از انکه باید ذکر
کرد و امامی مذهب بوده فصل هشتم در بیان اسامی
جماعتی است که در اول نام ایشان دال است و در آن دو باب
است باب اول در بیان احوال داود است و بیان نام پدر و
نقر موسومند داود پسر کثیر رقی او را درک کرده قبله بنی
اسد است و پدرش کثیر ابو خالد کنیه داشته و کنیه
داود ابو سلیمان است و از اصحاب حضرت امام موسی کاظم
علیه السّلام و شیخ طوسی رحمه الله کفته است که او
راستکو است و روایت کرده است شیخ کشی از طریقی که
در آن یونس بن عبد الرحمن است از انکه ذکر کرده است
از حضرت صادق علیه السّلام که او حضرت امر نمود اصحاب
خود را که او را در منزله مقداد در اندیشه از حضرت رسول صلی
الله علیه و اله و همچنین روایت کرده است در حدیث دیکر

باین سند که او از اصحاب حضرت قائم صلی الله علیه و آله
است و ابو عمر و کشی کفته است که جماعت غلاة او را از جمله
ارکان خود میشمارند و روایت شده است از او چیزهایی که
از غلو و نسبت میدهند بسوی او کفتار غالیان را نشنیده ام
از کسی از مشایخ جماعت امامیه را که طعنی در او میزده باشد
و زنده ماند تا زمان حضرت امام رضا علیه السّلام و بخاشی
کفته است که او بغایت ضعیف است و غلاة از او روایت
میکند و احمد بن عبد الواحد کفته است که حدیث را راست
از او کم دیده ام و ابن غضایری کفته است که او فاسد
المذهب و ضعیف الروایة بوده است الفاتی با و بنا باید کرد
و در زمن توقف در امر او هست و اقوی انکه مقبول الروایة است
از جهت قول شیخ طوسی رحمه الله و قول شیخ کشی نیز و ابو
جعفر بن بابویه کفته است که روایت شده است از حضرت
صادق علیه السّلام که حضرت فرمودند که قرار دهید
بر فی را از من بمنزله مقداد از حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و اله داود پسر فرقد از درک کرده ابی بصیر و سماک اسدی را
بوده است بنون و فرقد کنیه اش ابو بزید و از مردم کوفه و ساکن

وز وایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام
موسی کاظم علیهما السّلام و برادر زادن بزرگ و عبد الرحمن
و عبد الحمید بوده است ابن فضّال گفته است که داود
راستکو راستکو است **داود** پسر قاسم و او پسر اسحق و او
پسر عبد الله و او پسر جعفر بن ابی طالب علیه السّلام کنیه
اش ابو هاشم جعفر بیشت خدا او را رحمت کند از اهل تعلیم
و راستکو و جلیل القدر و عظیم المنزله بوده نزد ائمه علیهم
السّلام ملاقات کرده است حضرت امام محمد تقی و امام
علی نقی و امام حسن عسکری علیهم السّلام را و وضاع
شرف بوده است نزد ایشان و از برای او وقع جلیلی نزد
ایشان بوده و روایت کرده است پدرش از حضرت صادق
علیه السّلام **داود** پسر ابو زید نامش زنگار بوده است
بزای و نون و کاف بعد از نون و زاء بعد از الف کنیه اش
ابو سلیمان و از مردم نیشابور و از جمله دروگران بوده
است در کوچه طرخان در خانه سنخویه صادق اللهجه و
راست گفتار بوده است و برقی گفته است که داود بن سود
کنیه اش ابو سلیمان و نازل شد در سابور در میان نجاران

نزد کوچه طرخان در خانه سنخویه و معروف بوده بر استی
در گفتار و ظاهر این است که این هر دو کس یکی اند و شیخ طوسی
رحمه الله گفته است که او از اصحاب حضرت امام علی نقی
و از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیهما السّلام بوده
است **داود** پسر زربی بزای مضموم در اول و راء ساکن
و باء موحده کنیه اش ابو سلیمان خندقی بوده بخاء منقطه
و نون و دال غیر منقطه و قاف مخصوص تر بن مردم بوده
بمأمون الرشید و او را ذکر کرده است شیخ کشی آنچه را
که او را ستوده اند بسلامت اعتقاد او و بخاشی گفته است
که او راستکو است چنانچه ابن عقده ذکر کرده است
داود پسر نعمان بزای در علی بن نعمان و راستکو و معتمد
علیه است شیخ کشی نقل کرده است از حمدویه از ایوب
خود که او نیکوکردار و فاضل است و او عم حسن بن علی بن
نعمان و راستکو است و وصیت کرد کتابهای خود را از برای
محمد بن اسمعیل **داود** پسر اسد و او پسر عفیر بضم عین کنیه
اش ابو الاحوص و از مردم مصر بوده خدا رحمت کند او را
شیخ بزرگوار و فقیه و متکلم و از اصحاب حدیث و راستکو

وزاستکو است وپدرش اسد بن عفیر از اصحاب حدیث و
از راستکویان بوده **داود** پسر یحیی واو پسر بشر دهقان
از مردم کوفه وکنیه اش ابو سلیمان وزاستکو است **داود**
پسر ابو یزید واز مردم کوفه وعطار وعرب غیر خالص وزاستکو
است وروایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و
امام موسی کاظم علیهما السّلام **داود** پسر سرحان بشر غیر
منقطه وراء وحاء غیر منقطه ونون بعد از الف عطار و
از مردم کوفه وزاستکو است وروایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق وامام موسی کاظم علیهما السّلام چنانچه
ابن نوح ذکر کرده است **داود** پسر علی یعقوبی هاشمی
کنیه اش ابو علی بن داود است روایت کرده است از حضرت
امام موسی علیه السّلام وبعضی کفته اند که روایت کرده
است از حضرت امام رضا علیه السّلام وزاستکو است
داود پسر سلیمان حمار از مردم کوفه وزاستکو وروایت
کرده است از حضرت صادق علیه السّلام **داود** پسر
محمد هندی پسر عم هیثم بن ابی مسروق از مردم کوفه وزاستکو
وطویل العمر است **باب دوم** در بیان اسامی

حمار بفتح دال بهم بمعنی الاعم وزن است

متفرقه است وذر اینجا یک نفر مذکور است **دعبل** بکسر
ذال غیر منقطه وسکون عین غیر منقطه وکسر باء موحده و
بعد از ان لام پسر علی خزاعی وکنیه اش ابو علی شاعر ومشهور
در میان اصحاب ما وحالش مشهور است در ایمان وبلند
منزلت وعظیم الشان است تصنیف کرده است کتاب طبقات
الشعراء از اخبار بخت کند وزا **فصل هفتم** در بیان نامهای
است کبر اول انها ذال است در اینجا یک نفر مذکور میشود
ذریح براء مکسور بعد از ذال مفتوح وياء منقطه بدو
نقطه در تحت وحاء غیر منقطه واو پسر محمد است ومحمد
پسر یزید است وکنیه اش ابو ولید بوده عرب محض واز قبیله
محارب بن خصفه بوده وروایت کرده است از حضرت
صادق وامام موسی کاظم علیهما السّلام وشیخ طوسی
کفته است که او راستکو واز بزرایی او تصنیفی از اصول هست
فصل دهم در بیان اسمائی است که در اول انها راء
است ودر ان نه باب است **باب اول** در بیان اخوان
ریان است وبیان نام دو نفر موسومند **ریان** براء و
یاء منقطه تحتانی مشدده مفتوحه پسر صلت واز مردم

مناسب چنان بوده که در بیان
حکم مذال مجمه مضمومه ذاکر
از قبیله اود بوده وسکون واو
در اینجا ذکر نمایند ولیکن اود بن
احمد بن یحیی بن حکیم ذکر کرده آ
مجهول نکرده مضمون بوده مناسب اینجا
کر زیاب بجیم وجهی واو ذاکر کرده و
در همه کدام ذکر کرده شده

بغداد و از قبیلهٔ بنی اشعر و ساکن در قم و خراسانی الاصل
بوده و کنیهٔ اش ابو علی است و روایت کرده است از حضرت
امام رضا علیه السلام و بسیار راستگو بوده **ربابز**
پسر شبیب بشین معجمه و بعد از ان باء موحده خالوی معتصم
و راستگو بوده **باب دوم** در بیان احوال ربیع و بابان
تمام نه نفر موسومند **ربیع** پسر خثیم بخاء منقطه مضمومه
و ثاء سه نقطه و یاء منقطه تحتانی یکی از زهاد ثمانیه
بوده چنانچه شیخ کشی از محمد بن علی بن قتیبه از فضل بن شاذان
نقل کرده **ربیع** پسر ابو مدرک کنیهٔ اش ابو سعید و از مردم
کوفه بوده است و او ملقب بضلوب بوده چونکه بغلت
شیعه بودن او را در کوفه بدار کشیده بودند روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام **ربیع** پسر سلیمان
و او پسر عمر و از مردم کوفه و مصاحب ستکونی بوده و علم
بسیار از او اخذ کرده و او قریب الامر است در حدیث
و ابن غضایری گفته است که کذاب او تردیل است بجیم
و طعن بر او زده اند و جایز است که قول ابن غضایری شاهد
بر توثیق او باشد **باب سیم** در اسماء متفرقه است و

و در ایجاد واژده نفر مذکورند **رفاعه** بکسر راء و بعد
از ان فاء و عین غیر منقوطه بعد از الف پسر موسی نخاس بوده
بنون و خاء منقطه و سین غیر منقطه روایت کرده است از
حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام
راستگو بوده است در حدیث اش و اعتماد بوده است در
روایتش و کنی بر او طعن و اعتراضی نکرده است و طریقه
نیکو داشته **رمیله** از اصحاب حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بوده **ربعی** بباء موحده و عین غیر منقوطه
پسر عبد الله و او پسر جارود و او پسر ابو سبرهٔ بن هند الجلی بوده کنیهٔ
اش ابو نعیم و از مردم بصره بوده و راستگو و روایت کرده
است از حضرت امام جعفر و امام موسی علیهما السلام
و مصاحب فضیل بن یسار بوده و از او علم بسیار اخذ کرده و
از جمله مخصوصان او بوده **رهیم** بضم راء از قبیلهٔ انصار
بوده شیخ کشی از حمدویه نقل کرده است که گفت حدیث
کرد ما را محمد بن عیسی از حسن بن علی بن بقطین از رهیم و حمدویه
نیز گفت که از محمد سؤال کردم از اخوال رهیم پس گفت که
او شیخ انصار بوده و قابل بقول ما بوده **رشید** بضم راء

کر از قبیلهٔ بنی هجیر بوده شکر کرده شده است **رجلیم** پسر یحیی
او پسر سامان بسین غیر منقطه کنیهٔ اش ابو الحسین بجیر تا وی
بعین غیر منقطه و باء موحده و راء و تاء مثناة فوقانی منشی
بوده روایت کرده است از ابو الحسن علی بن محمد صاحب عسکر
علیه السلام و بعضی گفته اند کر سبب وصلت با حضرت
این بوده که یحیی بن سلمان موکل کردید بود به بردن خبر ابو
الحسن علیه السلام بسوی خلیفه و امامی مذهب بوده
پس منزلتش بزرک کردید **رومی** پسر زادان او پسر اغیر
کر از قبیلهٔ بنی شیبان بوده روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام
راستکو و کم حدیث بوده **رزیق** پسر مرزوق از مردم کوفه
و راستکو بوده است **روح** پسر عبد الرحیم غربیات معلی
بن خنیس و از مردم کوفه و راستکو بوده روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام **رقیم** پسر الیاس و
او پسر عمرو و مجلی از مردم کوفه و راستکو بوده روایت کرده
است او و پدرش و برادرانش یعقوب و عمر و از حضرت صادق
علیه السلام **رشید** بفتح راء پسر یزید جعفی از مردم

کوفه و راستکو و کم حدیث بوده و از برای او کتابی هست
رافع بفاء پیش از عین غیر منقطه پسر سلمه و او پسر زیاد
و او پسر ابو الجعد اشجعی است از اد کرده قبیلهٔ بنو اشجع بوده
و از مردم کوفه و روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر
و امام جعفر صادق علیهما السلام و از معتمدان راستکویان
و مشهوران ایشان بوده **رزهم** پسر ذکوان
است کر در اول انها زایی است و در آن چهار زبانست
در بیان احوال زیاد است و بان نام چهار نفر موسوم
زبید پسر صوحان بضم صاد غیر منقطه و سکون واو و بعد
از آن حاء غیر منقوطه و نون پیش از الف از جملهٔ ابدال بوده
در جنک جمل کشته شد از جمله اصحاب حضرت امیر المومنین
علیه السلام بوده و آنحضرت با او فرمودند در هنکامی
کر بر زمین افتاد در روز جمل کر خدا ترا رحمت کند ای زید
بار تو سبک بود و اعانت تو بزرک بود **زبید** پسر عبد الله
حناط روایت کرده است از او و ابان و کنیهٔ اش ابو حکیم صحیح
بوده و اصلش از مردم مدینه و راستکو بوده **زبید** پسر
یونس و بعضی گفته اند پسر موسی کنیهٔ اش ابو اسامه شحام بود

بشین منقطه وخاء غیر منقوطه مشدده ازاد کرده شذیذبن
عبدالرحمن بن نعیم ازدی غامزی کوفی بوده وروایت کرده آ
ازحضرت امام جعفرصادق وامام موسی کاظم علیهما السلام و
راستکوورشناس بوده زید پیرارقم ازجماعت سابقان
بوده است که رجوع کردند بخدمت حضرت امیرالمؤمنین
صلی الله علیه واله چنانچه فضل بن شاذان نقل کرده آ

باب عدة تیم

دربیان احوال زیاد است وبان نام هشت
نفرموسومند زیاد پیرکعب واوپیرمرحب ازرجال
حضرت امیرالمؤمنین صلی الله علیه واله بوده شیخ طوسی
رحمه الله گفته است که نظر باید کرد درکار او وانچه
ازاوصادرشده درسلوک بحضرت امام حسین علیه
السلام واورسول اوبحضرت بوده است بسوی اشعث
بن قیس دزاد دربجان زیاد پیرعبید عامل حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام بوده است برُبصره زیاد پسر
ابورجاء بجیم بعد ازراء واسم ابورجاء منذر بوده است
ازمردم کوفه وراستکو وصحیح است زیاد پسرعیسی
کنیه اش ابوعبیدهٔ حذاء است ازمردم کوفه وعرعر غیر

خالص وراستکو بوده است روایت کرده آ ازحضرت امام
محمد باقر وامام جعفرصادق علیهما السلام وحسن بن
علی بن فضال گفته است که اورا درحیات حضرت صادق
علیه السلام وفات یافت وشیخ کشی گفته است که حدث
کردمرا احمد بن محمد بن یعقوب واوگفت که خبرداد مرا عبد الله
بن حمدویه واوگفت که حدیث کردمرا محمد بن عیسی از
بشیرازارقط ازحضرت صادق علیه السلام ازقط اکوّ
کرجون ابوعبیدهٔ حذاء رادفن نمودند حضرت صادق
علیه السلام بمن فرمودند که بیاتا برویم ونماز کزاریم
برابوعبیده وراوی گوید که پیش رفتیم وچون بقبرش رسیدیم
حضرت همین دعا ازبرای اوفرمودند که بارخدایا خُصّال
سازبرابوعبیده کرمی وحرارت مزک یا انکر عیش اورا
کوارا سازخدا وندا منوّر گردان قبراورا خدا وندا ملحق سازان
اورا به پیغمبرش ونماز براونکزاردند عرض کردم که برمیّت
نمازی میباشد بعد ازانکه اورادفن نموده باشند فرمودند
که نه همین دعا باید کزارد ازبرای او وسید علی بن احمد عقیقی
علوی گفته است که ابوعبیده زیاد حذاء نیکومترلت است نزد

آل محمد علیهم السلام وهم مجاور حضرت امام محمد باقر علیه
السلام بوده است در زراره مکه زیاد پسر سوقه راستگو
است زیاد برادر بسطام بن سابور راستگو است زیاد
پسر ابو الحلال بجاء غیر منقطه از مردم کوفه و عرب غیر خالص
و راستگو است و روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام زیاد پسر ابو غیاث بغین منقطه و ثاء
سه نقطه در آخر و نام ابو غیاث مسلم بوده است از ادرک
الذغش بوده است از قبله محارب بن خصفه روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام چنانچه ذکر کرده
است او را ابن عقده و ابن نوح و زیاد راستگو و سلیم النفس
بوده است

در بیان احوال ذکریاء است

و بیان نام هشت نفر موسومند زکریا پسر عبد الصمد
کنیه اش ابو جعفر بزاست بجیم و از اصحاب امام موسی
کاظم و امام رضا علیهما السلام بوده و راستگو است
زکریا پسر سابور راستگو است زکریا پسر سابق
روایت کرده است شیخ کشی از جعفر و فضاله از ابن سنان
از زکریا بن سابق که او وصف کرده است ائمه را بخوبی

نزد حضرت صادق علیه السلام و ان شاهد است بر صحت
ایمان او و ذر ابن ضباح طعن زده اند پس توقف متوجه است
بر این روایت و ثابت نیست من عدالت مشار الیه زکریا
پسر آدم و او پسر عبد الله و او پسر سعد اشعری از مردم قم و راستگو
و جلیل القدر و وثاقت بوده نزد حضرت امام رضا علیه
السلام روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن قولویه از سعد
بن عبد الله بن ابو خلف از محمد بن حمزه از زکریا بن آدم که گفت
عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام که من
اراده دارم که از میان اهل بیت خود بیرون روم زیرا که ناخوش
میدارند در میان ایشان بسیار کردیده است پس حضرت فرمود
که چنین مکن زیرا که از اهل بیت تو دفع میکرد بلا بسبب بودن
تو در میان ایشان چنانچه دفع میکرد بلا از اهل بغداد برکت
بودن حضرت ابو الحسن موسی کاظم در میان ایشان و حضرت
امام رضا علیه السلام در وصف او فرموده است که او
امین است بر دین و دنیا و باز شیخ کشی از محمد بن قولویه روایت
کرده است و او از سعد بن عبد الله و او از محمد بن عیسی و او
از احمد بن ولید و او از علی بن مسیب همدانی که گفت عرض

کردم بخدمت حضرت امام رضا علیه السّلام کر ناحیهٔ
مرو راست و بخدمت تو دز هر وقتی نمیتوانم رسید پس
از کرا خذ نمایم معالم دین خود را فرمودند کر اخذ نما از زکریا
بن آدم قمی کر او مأمونست بر دین و دنیا و سالی حضرت
امام رضا علیه السّلام از مدینه متوجه حج کردیدند و زکریا
بن آدم تا بمکّه هم کاوهٔ الحضرت بود **زکریّا** کر کنیه اش
ابو یحیی و از مردم موصل است لقبش کوکب اللّم است
شیخ کشی کفته است کر حمدویه از عبیدی نقل کرده است
و او از یونس کر کفت ابو یحیی موصلی لقبش کوکب اللّم
است و شیخی بوده است از نیکان و عبیدی کفته است
کر خبر داد مرا احسن بن علی بن یقطین کر او ابو یحیی را میشناخت
در ایّام حیات پدرش کر از برای او فضیلت و دین بود و رؤیت
کرده اند کر حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام سؤال
نمود از حق تعالی کر او را جزای نیک کرامت فرماید آنست
انچه شیخ کشی ذکر کرده است و لیکن او را بکنیت و لقب
و موصلی بودن ذکر کرده و نکفته است کر نام او
ذکریا است و کفته است ابن غضایری کر ذکریا کنیهٔ اوست

ابو یحیی و لقبش کوکب اللّم از مردم کوفه و ضعیف بود
است روایت کرده است از حضرت صادق علیه السّلم
و احتمال دارد کر اینها دو نفر باشند زیرا کر شیخ کشی او را
بنام ذکر نکرده و چنین کفته است کر ابو یحیی کوکب
اللّم الموصلی بزاز او را از مردم موصل شمرده و ابن غضایری
او را از مردم کوفه شمرده و بالجمله اقرب توقف است در او
زکریّا پسر یحیی تمیمی از مردم کوفه و راستکو است **زکریّا**
پسر یحیی واسطی راستکو است و روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السّلام چنانچه ابن نوح ذکر کرده است
زکریّا پسر ادریس کنیه اش ابو جریر بوده است بضم جیم از
مردم قم و روشناس بوده است روایت میکند از حضرت
امام رضا علیه السّلام **باب چهار زه** در بیان
اسامی متفرّقه است و در آن چهار نفر مذکورند **زرّ** پسر
جیش بضمّ حاء غیر منقطه و فتح باء موحّده و بعد از آن باء
مثنّاة تحتانی و بعد از آن شین غیر منقطه از اصحاب حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام و فاضل بوده **زرارة** پسر
اعین و او پسر سنسن بضمّ سین بی نقطه و سکون نون و بعد

ازان سنین دنکر و بعد ازان نون از قبیله بنی شیبان بوده و
شیخ اصحاب ما بوده است در زمان خود و از جمله متقدمان
ایشان بوده و قاری و فقیه و متکلم و شاعر و ادیب بوده و
جمع بوده است در او صفات فضل و دینداری و راستگو
و معتمد علیه بوده است در انچه روایت میکند و شیخ
کشی ذکر کرده است احادیث چندکه دلالت میکنند
بر عدالت او و معارض است بآن احادیث اخبار دیگر که دلالت
بر قدح او میکنند و ما انها را در کتاب بزرگ خود ذکر کرده
ایم و ایضا در انجا ذکر کرده ایم وجه خلاصی از ان او
انست که نزد من مقبول الروایه است وفات یافت خدا رحمت کند او را
در سال صد و پنجاه از هجرت **نزکری** پسر ابو الحسن دیگر
بذال نقطه و یاء مثناه تحتانی و نون و راء بر زکی بوده
از اصحاب ما و راستگو است **نزحر** بفتح زای و سکون
حاء بی نقطه و راء در اخر پسر عبد الله و کنیه اش ابو الحسین
بوده و راستگو است و روایت کرده است از حضرت امام
محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام **فصل**
در ذکر اسامی جماعتی است که در اول نام انها

سنین است و در ان ده با بیست
احوال سلیمان است و بان نام شش نفر موسوم اند **سلیمان**
پسر مهران از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده
و روایت میکرده است از حرشة بن حر خازنی و هر دو مستقیم
المذهب بوده اند **سلیمان** پسر خالد و او پسر دهقان و او پسر
نافله از اد کرده عفیف کنیه اش ابو الربیع اقطع بوده بیرون
رفت باز دید پس قطع کردند انگشت او را بیرون نرفت از اصحاب
امام محمد باقر علیه السلام بغیر از او راستگوی صاحب
قرات و ثوری کفته است که سلیمان بن خالد بجلی اقطع از مردم
کوفه است بیرون رفت باز دیدن غلی پس خود را رها کرد و نیز
کشت و در کتاب سعد مذکور است که او بیرون رفت باز دید
پسر خود را رها کرد پس منت کذاشت حق تعالی بر او
و توبه کرد و رجوع نمود و بود فقیه و روشناس روایت کرده
است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما
السلام و انکار دست او را قطع نمود یوسف بن عمر بوده
وفات یافت در حیات حضرت صادق علیه السلام و روات
شان است در معنی انا حادیثی که ذکر کرده ایم انها را اد

کاب بزرگ **سلیمان** پسر جعفر و او پسر ابرهیم و او پسر محمد و او
پسر علی و او پسر عبد الله و او پسر جعفر طیار کنیه اش ابو محمد
طالبی جعفری ست روایت کرده است از حضرت امام رضا
علیه السّلام و هر دو راستکو بوده اند روایت کرده است
شیخ کشی از حسن بن علی بن سلیمان بن جعفر جعفری که گفت که
پدرم صالح حذا گفت بسلیمان بن جعفر که گفت ای سلیمان
تو فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله گفت بلی فرمود که
تو فرزند حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام از دو جهت
گفت بلی فرمود که تو فرزند جعفری رحمه الله تعالی گفت
بلی فرمود که اگر نبی بود برای تو انچه برای آن از فاضل بودن
بامامت منتفع نمیگردیدی بغیر زندبودن ایشان **سلیمان**
پسر سفیان مسترق کنیه اش ابو داود و او همان ابو داود منشد
وراستکو بوده حمدویه گفته است که او سلیمان بن بنط
مسترق است بتشدید فا فا راد کرده نبی اعین از قبیله کنده
و او را از انجهت مسترق می نامیده اند که بسیار روایت می
کرده است شعر سید حمیری را رحمه الله و نزد مردم خواروخفیف

بوده چونکه انشاد شعر او می نموده است و او را از انجهت مسترق
میگفته اند چونکه دلهای ایشان را از انان زدن میربوده است و غشیه
نیز میگفته اند او را عمرش هفتاد سال بوده و در سال ضد
وسی از هجرة وفات یافت **سلیمان** پسر صالح خصاص روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السّلام از مردم کوفه
وراستکو بوده است **سلیمان** پسر سماعه ضبی کوزی از
قبیله بنی الکوز و از مردم کوفه و کبش کفش فروشی و راستکو
بوده است **باب دویم** در بیان احوال سعدان
و بیان نام شه نفر موسومند **سعد** پسر ابو خلف که مغروف
است به زام از اد کرده بنی زهره بن کلاب است از مردم
کوفه و راستکو است روایت کرده است از حضرت امام
جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السّلام **سعد** پسر
سعد او پسر اخوص و او پسر مالک اشعری قمی راستکو است
روایت کرده است از حضرت امام رضا و امام محمد تقی علیهما
السّلام و روایت کرده است شیخ کشی از اصحاب ما از ابو طا
عبد الله بن رضا قمی که حضرت امام محمد تقی علیه السّلام
سؤال کرد از خدا تعالی که جزا دهد او را جزای خیر **سعد**

پسر عبدالله واو پسر ابو خلف اشعری قمی کنیه اش ابو القاسم
بوده وجلیل القدر وبسیار روایت نموده وتصانیف بسیار
دارد وراست گو وشیخ این طائفه امامیه وفقیه ورو شناس
آنست ودر یافته است حضرت ابو محمد حسن عسکری علیه
السلام را بخاشی کفته است که بعضی از اصحاب را در بعض
امر که تضعیف مینمود ندا بزراکرا وملاقات آنحضرت نموده
است ومیکوید که این حکایت را بر او وضع کرده اند وخدا
بهتر میداند وفات یافت در سال سیصد ونیک از هجرت
وبعضی کفته اند که وفات یافت در سال دویست وبیست
ونه از هجرت وبعضی کفته اند که وفاتش در روز چهار شنبه
بیست وهفتم ماه شوال از سال سیصد بوده در ولایت
رستم باب سعید در بیان احوال سعید است و
بان نام هشت نفر موسومند سعید پسر مسیب دو
کرده است شیخ کشی از محمد قولویه از سعد بن ابی خلف واو
کفت که حدیث کرد مرا علی بن سلیمان از داود رازی واو کفت
که حدیث کرد مرا علی بن اسباط بن سالم از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام وذکر کرده انچه ذاکر دلالت میکند

بر انکه او از جمله حواریین حضرت امام زین العابدین علیه
السلام بوده ومیکویند که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
او را تربیت نموده ودر صحت این روایت توقفی هست سعید
پسر جبیر بجیم مضموم وفضل بن شاذان کفته است که بود
در زمان علی بن الحسین علیهما السلام در اول امرش مکر
بیخ نفر سعید بن جبیر وسعید بن مسیب ومحمد بن جبیر ومجی
بن ام طویل وابو خالد الکابلی ونامش وردان بوده است
ولقبش کنکر بنون در میان دو کاف وراء در اخر و
حزن وصیت نموده بود بخدمت حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام وروایت کرده است شیخ کشی از سعد بن
مسیب مدحی در بیان مولای ما امام زین العابدین علیه
السلام ونقل کرده است از سعید بن جبیر که کفت
حدیث کرد مرا ابو المغیره واو کفت که حدیث کرد مرا فضل
از ابی عمیر از هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام
که سعید بن جبیر اقتدا میکرد بحضرت امام زین العابدین
علیه السلام وثنا میکرد بر او وحجاج او را نکشت مکر
انکه امامی ومستقیم الامر بوده سعید پسر ابو الجهم

حزن جد سعید بن مسیب بود
است چنانچه جماعتی ذکر کرده
اند

قابوسی کر از قبیله بنی لخم بوده کنیه اش ابوالحسین بوده
از فرزندان قابوس بن نعمان بن منذر و سعید راستکو بوده
در حدیثش و روشناس بوده در کوفه بسیار روایت کرده
است از ابان بن تغلب و روایت کرده است از حضرت صادق
و امام موسی کاظم علیهما السلام سعید پسر
احمد و او پسر موسی کنیه اش ابوالقسم غراد بوده از مردم کوفه
است و راستکو و بسیار راستکو بوده سعید پسر بیان
بباء موحده و بعد از ان باء مثناه تحتانی و نون بعد از الف
کنیه اش ابوحنیفه لقبش سابق الحاج و از قبیله بجلی
بوده بجاشی گفته است که او راستکو است روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام و شیخ کشی گفته
است که حدیث کرد مرا محمد بن حسن رازی و عثمان بن حامد
و ایشان گفتند که حدیث کرد ما را احمد بن یزداد از محمد بن
حسین از مزخرف از عبدالله بن عثمان که گفت مذکور کرد
نزد حضرت صادق علیه السلام ابوحنیفه سابق الحاج
و اینکه او مر مرا هر روز چهارده فرسخ سیر می فرماید یا
انکه در چهارده روز مرا از کوفه بحج میبرد پس حضرت

فرمود که نماز او صحیح نیست سعید پسر عبدالرحمن و بعضی
او را پسر عبدالله دانسته اند لقبش اعرج و روغن فروش
بوده و کنیه اش ابوعبدالله از ادکرده بنی تمیم و از مردم کوفه
و راستکو بوده روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام چنانچه ابن عقده و ابن نوح ذکر کرده اند سعید
پسر یسار بن سنبر مهمله از قبیله بنی ضبیعه بوده از طایفه عجل
بن لخم و کندم فروش و از مردم کوفه بوده روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام و امام موسی کاظم
علیه السلام و راستکو و از برای او کتابی بوده سعید
پسر جناح اصلش از مردم کوفه بوده و نشو و نما در بغداد نموده
و در انجا وفات یافته از ادکرده قبیله ازد بوده و میکویند
که از ادکرده قبیله جهینه بوده و برادرش ابوعامر روایت
کرده است از حضرت امام موسی کاظم و امام رضا علیهما
السلام و هر دو راستکو بوده اند باب چهار صد و
در بیان احوال سهل است و بان نام پنج نفر موثوق اند سهل
پسر حنیف بجاء غیر منقطه مضمومه در هنکام وفات در سنه
حضرت امیر المومنین علیه السلام بر او بیست و پنج تکبیر

فرمودند چنانچه روایت کرده است ابن الشیخ کشی از علی بن
حکم بن سیف بن عمیره از ابوبکر حضرمی **سهل** پسر هرمزان
براء و بغدازان بهم و بغدازان زای از مردم قم و راستکو و کم
حدیث بوده **سهل** پسر زاذویه براء و بغدازان ذال معجمه طه
کنیه اش ابو محمد و از مردم قم و راستکو و نیکو حدیث و پاکیزه
روایت و معتمد علیه بوده چنانچه ابن نوح ذکر کرده **سهل**
پسر احمد و او پسر عبدالله و او پسر احمد و او پسر سهل دنیاجه
کنیه اش ابو محمد بوده است نجاشی گفته است که باکی باو نیست
بسیار امر خود را مخفی میداشته پس اشکارا کرد دینداری را
در اخر عمرش و ابن غضایری گفته است که او وضع احادیث
مینموده و از مجاهیل روایت میکرده و باکی نیست بانچه در روایات
کرده است از مسایل اشعث و انچه غیر انست از روایات دیگران
سهل پسر دینج و او پسر عبدالله و او پسر سعد اشعری از
مردم قم و راستکو است روایت کرده است از حضرت امام
موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام **باب بیستم**
در بیان احوال سفیانیان است و بیان نام دو نفر موسومند
سفیان پسر بزیع از اصحاب حضرت امیرالمومنین علیه السلام

بوده است اول علم المخضرة را او کرفت و کشته شد و بغداد
از براد در ش عبید بن بزیع پس براد در ش حرب بن بزیع پس کرفت
رایت را عنبسة بن بشر پس حارث بن بشر و همه کشته شدند
سفیان پسر لیلی روایت کرده است شیخ کشی از علی بن حسن
طویل از علی بن نعمان از عبدالله بن مسکان از ابی حمزه از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که سفیان عتاب کرد بحضرت
امام حسن علیه السلام بقولش که یا مذل المؤمنین یعنی
ای خوار کننده مومنان و ظاهر انست که این کلام را از
روی محبت گفته است و حضرت امام حسن علیه السلم
فرموده که محبت ما میریزد کاهها را از فرزندان آدم چنانچه
میریزد باد برک را از درخت و باین ثابت نمیکردد نزد من
عدالت مشار الیه بلکه ان از جمله مرجحات است **باب**
بیستم
در بیان احوال سفیانیان است و بیان نام دو نفر
موسومند **سفیف** پسر عمیره بفتح عین غیر منقطه از قبیله
نخع و عرب خالص و از مردم کوفه است روایت کرده است
از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلم
راستکو است **سفیف** پسر مصعب عبدی کنیه اش ابو

محمد است روایت کرده است شیخ کشی از طریق ضعیفی که ما
ذکر کرده ایم سند او را در کتاب بزرگ خود از حضرت
صادق علیه السلام که آن حضرت فرمود که تعلیم نمایید اولاد
خود را شعر عبدی و اشاره بشیعه خود نمود و باین سبب
عداوت او نزد من ثابت نمیگردد **سیف** پسر سلیمان
تمار کنیه اش ابو الحسن و از مردم کوفه و روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام و راست کوا[ست]

هفتم

در بیان احوال سندی است و بان نام دو نفر
موسومند **سندی** بنون پیش از دال غیر منقطه پسر عیسی
همدانی از مردم کوفه و راستکو است **سندی** پسر محمد
و نامش ابان است و کنیه اش ابو بشر است عرب خالصی
بوده است از قبیله جهینه و بعضی گفته اند که از قبیله بجیله
است و این مشهورتر است و او برادر خواهر صفوان بن یحیی
بوده است و راستکو و روشناس بوده است در میان
اصحاب کوفیین ما

باب هشتم

در بیان احوال
سلیم است و بان نام دو نفر موسومند **سلیم** بضم سین
پسر قیس هلالی روایت کرده است شیخ کشی احادیثی که

شهادت میدهند بستایش او و صحت کتاب او و در
طریق او نیز روایت قولی هست و ما او را در کتاب بزرگ
خود ذکر کرده ایم و نجاشی گفته است که سلیم بن قیس
هلالی کنیه اش ابو صادق است و از برای او کتابی
هست که خبر داده است مرا بان علی بن احمد قمی و او گفت
که حدیث کرد ما را محمد بن حسن بن ولید و او گفت که حدیث
کرد ما را محمد بن ابو القسم ما جیلویه از محمد بن علی صیرفی
از حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی حماد بن عیسی گفت که حدیث
کرد ما را ابراهیم پسر عمر یمانی از سلیم بن قیس بکتاب او و
سید علی بن احمد عقیقی گفته است که سلیم بن قیس از اصحاب
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده طلب کرد
او را حجاج تا بکشد او را پس گریخت و پناه او را در بابان
بن ابی عیاش و چون او را وفات در رسید گفت بابان
که از برای تو بر من حقی هست و مرا مزلت در رسیده است
ای پسر برادر من بدانکه امر بعد از رسول خدا صلی الله علیه
و آله چنین و چنین بوده و او را کتابی داد پس روایت نکرد
از سلیم بن قیس احدی از مردم بغیر از ابان و ذکر کرده است

أبان در حدیثش که او شیخ مُعتَبَدی بوده و برای او نوری
بوده که اثرش ظاهر بوده و ابن غضائری گفته است که
سلیم بن قیس هلالی عامری روایت کرده است از حضرت
صادق و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین
علیهم السّلام و نسبت میدهند بسوی او همین کتاب
مشهور را و اصحاب ما میگویند که سلیم معروف نیست
و در خبری مذکور نیست و من ذکر او را در چند موضع
یافته ام از غیر کتابش و از غیر روایت ابان بن ابی عیاش
از او و ذکر کرده است ابن عقده در رجال حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام احادیثی از او و کتابش موضوع
است و شکی در آن نیست و برآن علامات چند هست
که دلالت میکند بر آنچه ما ذکر کرده ایم و از جملهٔ
موضوعات کتابش اینست که محمّد بن ابی بکر موعظه
کرد پدرش را نزد مردن او و از آنجمله اینست که ائمّه سیزده
نفرند و غیر اینها و اسانید این کتاب مختلف است یکبار به
بروایت عمر بن اذینه از ابراهیم بن عمر صنعانی از ابان بن
ابی عیاش از سلیم و یکبار به روایت میکند از عمر از ابان

بدون واسطه و وجه نزد من حکم کردنست بتعدیل مشار الیه
و توقف نمودن در آنچه فاسد است از کتابش **سلیم** فراء
از مردم کوفه و روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق
و امام موسی کاظم علیهما السّلام و راست گفته است
ذکر کرده اند او را اصحاب ما در رجال **باب هشتم**
در بیان احوال سویدست و بان نام دو نفر موسومند **سوید**
پیر غفلهٔ جُعفی مرقی گفته است که او از دوستان حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام بوده **سوید** پیر مسلم قلاء از
کردهٔ شهاب بن عبد ربّه روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السّلام و راست گفته است چنانچه ذکر کرده است
او را ابو عبّاس در رجال **باب نهم** در بیان اسامی
متفرقه است و در اینجا یاد کرده نفر مذکورند **سلمان**
فارسی از اذکر کرده حضرت رسالت پناه صلّی الله علیه و آله
کنیه اش ابو عبد الله و اول از کنار ربعه است حالش بسیار
بزرگ است و ستایش کرده شده است و مرتد نگردیده
سلمان کنیه اش ابو عبد الله است ذکر نکرده است
شیخ کشی غیر این را و روایت کرده است از ابو الحسن بن ابی

طاهر از محمد بن یحیی فارسی از مکرم بن بشر از فضل بن شاذان
از پدرش از یونس بن عبد الرحمن از عبد الله بن سنان از حضرت
صادق علیه السلام که فرمودند که سنان را زیاد نمیکرد در
پیرزیش مگر خیر و سید علی بن احمد عقیقی علوی که اخوال سنان
بن عبد الرحمن را روایت کرده است پدرم از علی بن حسن
از علی بن اسباط از محمد بن اسحق بن عمار از پدرش از حضرت
صادق علیه السلام که سنان بن عبد الرحمن از اهل قوله
تعالی است که اِنَّ الَّذِینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنیٰ و محتملست
که اینمرد همان سکن باشد که او را شیخ کشی ذکر کرده است
و اینکه غیر او باشد **سدیر** پسر حکیم کنیه اش ابو الفضل است
روایت کرده است شیخ کشی از علی بن محمد قتیبی که گفت حدث
کرد مارا فضل بن شاذان از ابن ابی عمیر از بکر بن محمد ازدی
گفت که گفت بمن زید شحام که من طواف میکردم بر دور
کعبه و دست من بر دست حضرت صادق علیه السلام
بود و اشک چشم مبارکش جاری بود بر رخهای مبارکش پر
فرمود که ای شحام دیدی که چه کرد بمن پرورد کار من پس گریست
و دعا فرمودند و بعد از ان فرمودند که ای شحام من طلب نمود

از پروردگار خود در زبان سدیر و عبد السلام بن عبد الرحمن
و هر دو شیخ بودند پس ایشان را بیامرزید و از جنس ها کرد
و این حدیث معتبر است که دلالت میکند بر علو مرتبه
ایشان و روایت کرده است شیخ کشی از مسعود از علی بن محمد
مروان از محمد بن احمد بن یحیی از ابراهیم بن هاشم از عمرو بن عثمان
از محمد بن عذافر که حضرت صادق علیه السلام فرمودند
که سدیر عصیده اینست هر زنک و سید علی بن احمد عقیقی
گفته است که سدیر ضریر فی نامش سلمه و مخلط الامر بود
سورة براء پسر کلیب روایت کرده است شیخ کشی حدیثی
که گواهی میدهد بصحت اعتقاد او در حق حضرت امام محمد
باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام و معاصر ایشان
بوده و در طریق حدیثه بن منصور است و تضعیف کرده است
او را ابن غضایری **سلام** شیخ کشی از ابو النضر محمد بن
مسعود روایت کرده است که او گفت که علی بن حسن سلام
و مثنی بن ولید و مثنی بن عبد الکریم همه ایشان حناط و
از مردم کوفه اند و باکی بایشان نیست و مجاشعی گفته است
که سلام بن ابی عمرو خراسانی راستگو و روایت کرده است

عصیده طعامی است مرکب

از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
و ممکن است که بوده باشد این شخص همان کس که شیخ نکشی
او را ذکر کرده است **سکین** بضم سین و نون در آخر
بخفی و روایت کرده است شیخ نکشی حدیثی را که وصف
کرده است در آن عبادت کردن او را **سالم** حناط انجا
غیر منقطه و نون کنیه اش ابو الفضل و از مردم کوفه و غیر
غیر خالص و راستگو است روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام چنانچه ابو العباس
ذکر کرده **سلامة** پسر محمد و او پسر اسمعیل و او پسر
عبد الله و او پسر موسی و او پسر ابو الاکرم کنیه اش ابو
الحسن از زنی براء و بعد از آن زای و بعد از آن نون شیخی
است از اصحاب ما و راستگو و بزرگوار است (روایت کرده است) از ابن ولید
و علی بن حسین بن بابویه **سری** براء پسر عبد الله بن یعقوب
سلمی از مردم کوفه و راستگو است روایت کرده است از
حضرت صادق علیه السلام چنانچه ذکر کرده اند
او را اصحاب ما در رجال **سلمة** پسر محمد را راستگو است **سلار**
پسر عبد العزیز دیلمی کنیه اش ابو یعلی است خدا مقدس گرداند

سلار بن عبد العزیز

روح او را شیخ مقدم ما بوده است در فقه و علم ادب و
غیر انها را راستگو و روشناس بوده از جمله تصنیفات او است
کتاب مقنع در مذهب و کتاب تقریب در اصول فقه و کتاب
مراسم در فقه و کتاب رد بر ابو الحسین بصری در نقض شافی
و کتاب تذکره در حقیقت جوهر خواند است علوم را بر
شیخ مفید و سید مرتضی رحمهما الله **فصل سیزدهم** بند قبل ۱۱
در ذکر اسامی جماعتی است که در اول نام ایشان شین است
و در آن دو بابست **باب اول** در بیان احوال شعیب
است و بیان نام سه نفر موسومند **شعیب** عقرقوفی
کنیه اش ابو یعقوب پسر خواهر بصیر یحیی بن القسم بوده روایت
کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی
کاظم علیهما السلام و معتمد علیه و راستگو بوده **شعیب**
پسر اعین حداد از مردم کوفه و راستگو روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام چنانچه ذکر کرده
اند او را اصحاب ما در رجال شیخ کشی گفته است که محمد
بن مسعود گوید که سؤال کردم از علی بن حسن بن فضال
از احوال ابن شعیب که روایت میکند از او سیف بن عمیره

پس گفت که او را راستگو است **شعیب** از او روایت کرده علی بن
الحسین رواست کرده است شیخ کشی در رشد بسیار ضعیف
کرما در کتاب بزرگ خود ذکر کرده ایم از حضرت
صادق علیه السلام که آنحضرت فرمودند که شعیب از او
کرده علی بن الحسین علیه السلام بوده و ما او را از جمله
نیکان میدانیم **باب دوم** در بیان اسامی متفرقه آن
و در اینجا چهار نفر مذکورند **شرحبیل** و هبیره و کرز
و برید و سمیر و بعضی شتیر گفته اند این جماعت برادر از
همدیگر و از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بوده اند و در جنگ صفین کشته شدند هر یک که علم را از
کرفتند کشته میشدند دیگری علم را میکرفت **شهاب**
پسر عبد ربه شیخ ابو نعیم و کشی گفته است که شهاب و
عبد الرحیم و عبد الخالق و وهب فرزندان عبد ربه از
ازادشدکان قبیله بنی اسد از اصلحای ایشان بوده و ما
ذکر کرده ایم انچه را که متعلق بمدحت و مدح اوست
و بیان کرده ایم از او در کتاب بزرگ خود **شاذان** پسر خلیل
از اصحاب یونس بوده **شجره** پسر میمون و او پسر ابو اراکه

راستگو است **فصل چهارده** در بیان اسامی آنکه
در اول انها صاد است و در ان چهار باب است **باب**
اول در بیان اخوال صالح است و بیان نام نه نفر
موسومند **صالح** پسر موسی خوازی از اصحاب صادق
علیه السلام و یکی از ارکان حفظه نسب است **صالح**
پسر محمد همدانی از اصحاب حضرت امام علی نقی علیه السلام
و راستگو است **صالح** پسر هیثم روایت کرده است
علی بن احمد عقیقی از پدرش از محمد بن حسین از صفوان بن
یحیی از یعقوب بن شعیب بن هیثم از صالح که حضرت امام
محمد باقر با او فرمودند که من ترا دوست میدارم و پدر ترا
دوست میدارم و محبت بسیار نسبت بشما دارم **باب**
دوم در بیان اخوال صباح است و بیان نام دو نفر
موسومند **صباح** پسر صبیح حذاء که از قبیله بنی قرنا
از او کرده ایشان و پیشنماز مسجد لؤلؤه بوده است ذره
کوفه و راستگو است و معتمد علیه و روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام **صباح** برادر غیاث
ساباطی راستگو است **باب سیم** در بیان اخوال

بنی قبیله

ایشان در کتاب که او صالح بن محمد بن زیاد است
بیم و او به و یا موسی بن و کلام علا و ابا ابراهیم است

صفوان است و بان نام دو نفر موثقند **صفوان** پسر یحیی
کنیه اش ابو محمد و از قبیله بجیله و از ادکرده ایشان و فرو گذارنده
جامهای ساباری و از مردم کوفه بوده است شیخ طوسی
رحمه الله گفته است که او راستگوترین اهل زمانش
بوده است نزد اصحاب حدیث و غیر ایشان و نماز میکرد
در هر روز و شبی صد و پنجاه رکعت و روزه میگرفت در هر
سه ماه و اخراج میکرد زکوة مال خود را در هر سالی سه
مرتبه و علت این امر آن بوده که صفوان و عبد الله بن
جندب و علی بن نعمان با هم در خانه کعبه هم سوگند شدند
که اگر یکی از ایشان بمیرد دیگری که باقی مانده باشد
نماز بنیابت او و روزه بنیابت او بکند و نماز بگزارد
مادام که در حیات باشد پس عبد الله و علی وفات یافتند
و صفوان بعد ایشان زنده ماند و وفا بعهد خود کرد پس
نماز بنیابت ایشان میگزارد و روزه و حج بنیابت ایشان میگرفت
و هر کاری را از ابواب بر و صلاح که برای خود میکرد
از برای ایشان نیز میکرد و وکیل حضرت امام رضا علیه
السلام بوده و شیخ کشی گفته است که اجماع کرده اند

اصحاب ما بر صحیح دانستن آنچه صحیح است از صفوان بن یحیی
بیاع ساباری و بر اقرار نمودن از برای او بفقاهت در میان
پیشینیان که ذکر ایشان در موضع خود خواهد آمد انشاء
الله تعالی و روایت کرده است از محمد بن قولویه از احمد
بن محمد از حسین بن سعید از معمر بن خلاد که گفت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که صفوان دین خود را کرک نداده
کرد میان کله باشد و صاحبش از آن غایب باشد بیشتر نیست
در دین مسلمان از حب ریاست بعد از آن فرمود که و بگو
صفوان ریاستر اد و ست نمیدارد و از برای او نزد حضرت
امام رضا علیه السلام منزلت شریفی بوده و وکالت
حضرت امام رضا و امام محمد تقی کرده و سالم بوده هیبت
از مذهب واقفیان و از برای او منزلتی بوده از زهد و
عبادت **صفوان** پسر مهران و او پسر مغیرة از قبیله
بنی اسد و از ادکرده ایشان بوده و بعد از آن از ادکرده قبیله
بنی کاهل از بنی اسد بوده از مردم کوفه و کنیه اش ابو محمد
جمال و راستگو است [illegible] در بیان اسامی
متفرقه است و در آنجا شنه نفرمند کورند **صعصعه**

بصاد غیر منقطه مفتوحه پیش از عین غیر منقطه و بعد
ازان و عین غیر منقوطه پیش از هاء نیز پسر صوحان بضم
صاد غیر منقطه و سکون عظیم القدر و از اصحاب حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام بوده روایت شده است
از حضرت صادق علیه السلام که از حضرت فرمودند
که بنود با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از اصحاب عمی
که حق او را میشناختند بغیر از صعصعة بن صوحان و
اصحابش **صبیح** بیاء منقطه تحتانی بعد از باء موحده
صایغ و کنیة اش ابو علی و از مردم کوفه و راستکو است
صُلَعة بپر بندار بنون بعد از باء موحده و دال و تأ
فی بنقطه از مردم قسم و کنیة اش ابو سهل و قدیم السماع
بوده و بود راستکو و خیر خواه و از براي اوست کتاب
تجمل و مروت نیکو و صحیح الحدیث بوده
در بیان اسامی جماعتی است که در اول نام ایشان صاد
است و در اینجا دو نفر مذکور اند **ضِرار** بپر عبد
الملک واو و پس راعین از قبیلهٔ بنی شیبان روایت کرده
شیخ کشی از حمدویه که گفت شنیدم از مشایخ خود که میگفتند

ضرار را از این جهت کاسبی مینامیدند که تجارت
در کاسه بوده و زوجه اش دختر حمزان بوده و او خیر خواه
و فاضل و راستکو بوده **ضحّاک** کنیة اش ابو مالک
حضرمی و از مردم کوفه و عرب خالص و در یافته است حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام را و جماعتی از اصحاب
ما گفته اند که از انحضرت روایت کرده است و دیگران
گفته اند که از انحضرت روایت نکرده و روایت کرده آ
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و بوده است
متکلم و راستکو و راستکو در حدیث
در بیان اسامی جماعتی است که در اول نام ایشان طاء آ
و در اینجا دو نفر مذکور اند **طلّاب** بتشدید لام پسر
خوشبش بشین منقطه و او و پس بزید و او پسر حارث از مردم
کوفه و راستکو روایت کرده است از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام کابی را **طاهر** غلام ابو الجیش
متکلم و براو بوده است ابتداء قراءت شیخ ما ابو عبد الله
مفید رحمه الله تعالی
در بیان اسامی
جماعتی است که در اول نام ایشان ظاء است و در اینجا

سه نفر مذکورند **ظالم** پسر ساق کنیه اش ابو صقر
بلدی مهلبی از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
وشیعی بوده و در جنگ جمل بخدمت آنحضرت آمد و گفت
که بخدا سوگند که اگر من نزد تو میبودم هیچ آزادی با تو
جنگ نمیکرد پس وفات یافت در بصره وحضرت امیر
المؤمنین علیه السلام بر او نماز گزاردند **ظریف**
پسر ناصح اصلش از مردم کوفه ونشو ونما در بغداد کرده و
راستگو بوده در حدیثش و بسیار راستگو بوده **ظفر**
پسر حمدون واو پسر منصور بادرائی مخاشنی گفته است که
او از اصحاب ما بوده وابن غضایری گفته است که ظفر
بن حمدون بن شداد بادرائی کنیه اش ابو منصور روایت
کرده است از ابراهیم احمری و در مذهبش ضعفی هست
واقوی نزد من توقف نمودنست در روایتش از جهت انکه
ابن غضایری طعن زد او را **ظ مد هیجدهم** در اسناد
جماعتی است که در اول نام ایشان عین است و در آن نیست
ویچ نابیست **باب اول** در بیان احوال علی است
وبان نام هفتاد و چهار نفر موسومند **علی** پسر رشیق

والبتی اسدی از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
واز جمله عباد بوده **علی** پسر حضرت امام حسین علیه
السلام که مستی بود بعلی اصغر کشته شد با انحضرت در
کربلا **علی** پسر یقطین واو پسر موسی بغدادی ساکن در
بغداد بوده واصلش از مردم کوفه است روایت کرده
از حضرت صادق علیه السلام یک حدیث واز حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام احادیث بسیار روایت
کرده وراستگو وجلیل القدر واز برای او منزلت عظیمی
نزد حضرت امام موسی علیه السلام بوده ومرتبه عظیمی
نزد امامیه داشته ابو عمرو کشی گفته است که علی بن
یقطین از ادکرده بنی اسد است وپشتکاب فروش
بوده ودر زمان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
وفات یافت ودر انوقت انحضرت محبوس بود واز دنیا
صد وهشتاد از هجرت بوده وباقی ماند انحضرت علیه
السلام در جنس چهار سال وروایت کرده است شیخ کشی
از محمد بن قولویه که گفت حدیث کرد ما را سعد بن عبد الله
بن ابی خلف واو گفت که حدیث کرد ما را محمد بن اسمعیل

محمّد بن عمرو بن سعید از داود برقی کرکفت داخل شدم بر
حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام در روز عید
قربان پس ابتدا کفت کردن وقوف عرفات همچکس بخاطر
من نیامد مکر علی بن یقطین که او همیشه با ما بوده و از ما
من مفارقت نکرده تا انکه از عرفات کوچ کردم علی پسر
جعفر برادر حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام از اصحاب
حضرت امام رضا علیه السّلام و راستکو بوده روایت
کرده است شیخ کشی از او و انچه را که کواهست بصحت اعتقاد
او و انکه او زعایت بسیار بحضرت امام محمّد تقی علیه السّلام
میکرده و حالش موزکتر از انست که ذکر کرده است
ساکن بوده در عریض بضم عین غیر منقطه از نواحی مدینه
پس فرزندانش رفتند بانجا و اند علی پسر سویدبن
بشین غیر منقطه منسوبست بدهی در مدینه کرنام او
سابه است و راستکو و از اصحاب حضرت امام رضا علیه
السّلام بوده روایت کرده است شیخ کشی از حمدویه از
حسن بن موسی از اسمعیل پسر مهران از محمّد بن مضور از عمر
از علی بن سویدبن سای کرکفت نوشتم بخدمت حضرت امام

موسی کاظم علیه السّلام و از انحضرت حدیثی ذکر
کرده است کرکواهی میدهد بانکه او منزلت خاصی
نزد ال محمّد علیهم السّلام داشته و غیر ان و از انجمله انکه
ملهم کردیده است بر شد و بصیرت در امر دینش علی
پسر مهزیار بزاء پیش از یاء منقطه تحتانی و راء در اخر
از مردم اهواز و کنیه اش ابو الحسن و از مردم دورق و عرب
خالص و پدرش نصرانی بوده پس مسلمان شد و کفته اند که
علی پسر مسلمان شد و ذکوذکی و منت کذاشت بر او حق
تعالی بمعرفت شناختن امامت و فقیه کردید و روایت کرده
است از حضرت امام رضا و امام محمّد تقی علیهما السّلام
و از مخصوصان حضرت امام محمّد تقی و وکیلان انحضرت
بوده و منزلت منیعی نزد انحضرت داشته و همچنین بوده حالش
نزد امام علی نقی علیه السّلام و در بعضی از نوابی
وکیل انحضرت بوده و پیرو نامدبوی شیعه در زمان
او توقیعاتی که مشتمل بود بر انکار او متصف است
بجمیع خیرات و در روایتش راستکو بوده و کنی را طعنی بر
او نیست و اعتقادش صحیح بوده است حمدویه بن نصیر کوید

کرجون عبد الله بن جندب وفات یافت علی بن مهزیار
قایم مقام او کردند ۱ علی پسر یحیی و او پسر حسین
ازاد کردهٔ علی بن الحسین و از مردم کوفه بوده است و او
خالوی حسین بن سعید وراستکو است ۱ علی پسر سیب
عرب خالص و از اهل همدان و از اصحاب حضرت امام
رضا علیه السلام وراستکو بوده است ۱ علی پسر
اسمعیل و او پسر شعیب و او میثم و او پسر یحیی تمار کنیهٔ
ابو الحسن میثمی اول کسی بوده است که سخن کفته است
بر مذهب امامیه و تصنیف کرده است کتابی در امامت
و از مردم کوفه بوده و ساکن بصره کردیده بود و از روشنان
متکلمین از اصحاب ما بوده مناظره کرده است با ابو الهذیل
علاف و با نظام ۱ علی پسر بلال از مردم بغداد و از اصحاب
حضرت امام محمد تقی علیه السلام وراستکو بوده ۱ علی
پسر حسین همدانی از اصحاب حضرت امام محمد تقی علیه
السلام وراستکو بوده است ۱ علی پسر جعفر از اصحاب
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و متوجه امور
حضرت امام علی نقی علیه السلام وراستکو بوده ۱ علی

پسر رئاب از مردم کوفه و از برای او اصل بزرکی بوده و او راستکو
و جلیل القدر است ۱ علی پسر حکم از مردم کوفه وراستکو
و جلیل القدر است ۱ علی پسر حسن و او پسر علی و او پسر
فضال و او پسر عمر و او پسر ایمن از ازاد کردهٔ عکرمه بن
ربعی و لقبش فیاض کنیهٔ اش ابو الحسن از مردم کوفه و فقیه
اصحاب ما در کوفه و روشناس وراستکو و عارف ایشان
در حدیث و مقبول القول در حدیث بوده شنیده است
احادیث بیشمار و نجاشی کفته است که لغزشی از او در حدیث
و چیزی که باعث عیب او باشد نیافته ام و بسیار کم از ضعفا
روایت کرده است از پدرش چیزی از این جهت که منکفته
است که من مقابله کردم با پدرم کتابهای او را و سن من
در آن وقت هیجده سال بود و نمیفهمیدم از روایات را و حلال
نمیدانم که از روایات را از او روایت کنم و روایت کرده است
از دو برادر خود از پدرشان و فطحی المذهب و ثنای او
بسیار کرده است بر او و محمد بن مسعود ابو النضر و کفته است
که او راستکو بوده و همچنین شهادت داده است برای
او بر استکوئی شیخ طوسی و نجاشی پس من اعتماد دارم بر روا

او وهر چند کر بوده باشند مذهبش فاسد علی پسر محمد و
پسر قبنیه ومعروف بوده به قبنی نیشابوری کنیة اش ابو
الحسن وشاگرد فضل بن شاذان وفاضل بوده وبر او اعتماد
داشته است ابو عمر وکشی در کتاب رجال علی پسر
محمد خلقی را اهل سمرقند وفاضل وراستکو است علی
پسر حسین واو پسر علی کنیة اش ابو الحسن وکنیة پدرش ابو
طاهر از مردم طبرستان از اهل سمرقند ووکیل ناحیه
مقدسه روایت کرده است از جعفر بن محمد بن مالک واز
ابو الحسن اسدی علی پسر اسمعیل دهقان زاهد وخیر خواه
وفاضل از اصحاب عیاشی بوده علی پسر حسین واو پسر
مونسی واو پسر بابویه از مردم قم وکنیة اش ابو الحسن و
بزرگ قمیین در زمان خود وفقیه ایشان وراستکوی ایشان
بوده رفت ببغداد ونشست بخدمت ابو القسم حسین بن
روح رحمه الله وسؤال کرد او را از مسائل چند وبعد
ازان مکاتبات بخدمت او میفرستاد بدست علی بن جعفر
بن الاسود وسؤال کرد از او اینکه او برساند رقعة او
را بخدمت حضرت صاحب علیه السلام ودر آن رقعه

علی بن بابویه

از حضرت سؤال کرده بود که دعا کند که حق تعالی او را
فرزندی کرامت فرماید پس حضرت در جواب او نوشت
که دعا کردیم برای تو وعنقریب باشد که روزی تو خواهد
شد دو پسر نیکوکردار پس متولد شد برای او ابو جعفر وابو
عبد الله ازام ولد وابو عبد الله حسین بن عبد الله میگفت
که شنیدم از ابو جعفر که میگفت من متولد گردیدم ام بدعای
حضرت صاحب الامر علیه السلام وبان افتخار میکرد
واز برای او تصنیفات بسیار هست که ذکر کردیم
انها را در کتاب بزرگ خود ووفات یافت خدا مقدرش
کند روح او را در سال سیصد وبیست ونه از هجرت و
ان سال اثر نجوم بوده وجماعتی از اصحاب ما گفته اند
که شنیدیم از اصحاب خود که میگفتند که بودیم ما نزد ابو
الحسن علی بن محمد سمری وکیل حضرت صاحب علیه السلام
پس گفت خدا رحمت کند علی بن بابویه را باو گفتند که او
زنده است در جواب گفت که او همین امروز وفات یافته
پس امروز را نوشتند پس خبر آمد که او در آن روز وفات یافته
علی پسر حسن واو پسر حجاج از مردم کوفه واز جمله خواص

کنیة اش ابوالحسن و روایت کرده است از او ولعکبری
وکفته است که شنیدم حدیث از او در کوفه در مسجد جامع
سید مرتضی
در سال سیصد و نه شه از هجرت علی پسر حسین و او
پسر موسی و او پسر محمد و او پسر موسی و او پسر ابرهیم و او پسر
موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب
علیهم السلام کنیة اش ابوالقسم ولقبش مرتضی و ذوالمجدین
وعلم الهدی بوده خدا از او راضی باد یکانه بوده است
در علوم بسیار و اجماع کرده اند اهل فضل بر فضیلت
او و مقدم بوده است در علوم بسیار مثل علم کلام و فقه
واصول فقه وعلم ادب از نحو و شعر ولغت وغیر اینها و
از برای او دیوان شعری هست که زیاده بر بیست هزار
بیت است و وفات یافت خدا او را رحمت کند در ماه
ربیع الاول از سال چهار صد و نهی و شش از هجرت و تولد
در ماه رجب بوده از سال سیصد و پنجاه و پنج و در روزی
که وفات یافت عمرش هشتاد سال و هشت ماه و چند
روز بوده خدا او را بیامرزد دوی او را و نماز کرد
بر او پسرش در خانه اش و دفن کرده شد در آن پس منتقل کردند

بجوار جدش امام حسین علیه السلام ومتولی غسلش
کردند ابوالحسین احمد پسر عباس نجاشی و با او بود شریف
ابویعلی محمد بن حسن جعفری وسلار بن عبدالعزیز دیلمی و او
برای او تصنیفات بسیار هست که ذکر کرده ایم اینها را
در کتاب بزرگ خود و از کتابهای او استفاده کرده اند امامیه
از زمان او رحمه الله تعالی تا زمان ما که آن سال سیصد و نود
و سه است و او رکن امامیه و معلم ایشانست پاکیزه کرداند
حق تعالی روح او را و جزا دهاد او را از جانب طاهرین خود
بجزای خیر علی پسر حاتم بحاء غیر منقطه از مردم قزوین
وکنیة پدر حاتم ابوسهل بوده است وکنیة علی ابوالحسن
نجاشی کفته است که او را استکواست در میان اصحاب
ما در نفسش و در روایت میکند از ضعیفان و شیخ طوسی
رحمه الله کفته است که علی بن حاتم قزوینی از برای او کتابهای
بسیار هست که همه انها نیکو و معتمد اند علی پسر خزاز
رازی متکلم و جلیل القدر و از برای او کتابهائی هست در
علم کلام و از برای او انسی هست بفقه و مقیم در ری بوده
و در انجا وفات یافته علی پسر نعمان اعلم بخمی کنیة اش

ابو الحسن واز اد کردهٔ قبیلهٔ نخع واز مردم کوفه است و روات
کرده است از حضرت امام رضا و برادرش را و دلیلند مرتبه
تر از او بوده و پسرش حسن بن علی و پسر حسن احمد هر دو روات
کرده اند حدیث را و علی را ستکو و روشناس و ضابط و صحیح
و واضح الطریقه بوده ۱ علی پسر خلید بخاء منقطهٔ مضمومه
و باء منقطه تحتانی و بعد از ان دال غیر منقطه شیخ کشی
روایت کرده است از محمد بن مسعود که گفت سؤال کردم از
علی بن حسن از احوال علی بن خلید گفت که او معروف بوده
است با بو الحسن مکفوف و از مردم بغداد بوده و با و با یکی
بوده ۱ علی پسر میمون کنیه اش ابو الحسن و لقبش ابو الاکراد
صایغ بغین منقطه از مردم کوفه است شیخ کشی از محمد بن
مسعود نقل کرده است که گفت حدیث کرد مرا محمد بن نصیر
و او گفت که حدیث کرد مرا محمد بن ابی عمیر از جعفر بن بشیر از
علی بن میمون صایغ که گفت داخل شدم بر حضرت صادق
علیه السلام که از انحضرت سؤال کنم پس عرض کردم
که من دین دارم خدا میداند بولایت تو و ولایت پدران
تو و اجداد تو علیهم السلام پس از خدا درخواه که مرا تا آن

قدم کرداند پس حضرت فرمودند که خدا ترا رحمت کند و ابو
عضاهری گفته است که حدیث او بکمر تبه معروف و بلند
مرتبه غیر معروف است و جا بز است که کلام او را شاهد
قرار دهیم و روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق
و امام موسی کاظم علیهما السلام و اقرب نزد من قبول
کردن روایت او ست از جهت انکه طعن نکرده است شیخ
ابن عضاهری در او طعن صریحی با انکه حضرت صادق علیه
السلام دعا کرده است ۱ علی پسر سری که حدیث
روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام و
را ستکو است چنانچه بخاشی و ابن عقده گفته اند و روات
شیخ کشی دلالتی ندارد بر طعن در او با وجود ضعف آن
روایت و ما انرا در کتاب بزرگ خود ذکر کرده ایم
و شیخ کشی در موضع دیگر گفته است که نضر بن صباح
که نامش علی بن اسمعیل است را ستکو است و او علی بن
سریست پس لقب اسمعیل سری است و نضر بن صباح نزد
من ضعیف است و اعتماد بقول او ندارم و لیکن اعتماد
من بر انست که بخاشی تعدیل او کرده است ۱ علی پسر ابو

حمزه ثمالی و نیست او علی بن ابو حمزه بطائنی زیرا که بطائنی
بغایت ضعیف است و ابن ابی حمزه ثمالی است که شیخ
کشی گفته است که سؤال کردم از ابو الحسن حمدویه
ابن نصیر از احوال ابو حمزه ثمالی و حسین ابن ابو حمزه و محمد
برادرها و پدر او و پرسیدم که همگی ایشان فاضلاند علی
پسر حسان واسطی کنیه اش ابو الحسین قصیر که معروف به
منمس است بنون و سین غیر منقطه عمر کوزیاد تر از صد
سال و باکی نا و نیست روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام و شیخ کشی گفته است که محمد بن مسعود گفته
است که سؤال کردم از علی بن حسن بن فضال از احوال علی
بن حسان گفت که از کدام یک سؤال میکنی اما علی بن حسان
واسطی پس او راستگو است و اما انکر تر دما است و مراد
علی بن حسان هاشمی بوده که روایت میکرده است از عمش
عبد الرحمن بن کثیر پس او کذاب است و واقفی نیز بوده از آنجا
نکرده است حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را و ابن
غضائری گفته است بعد از تضعیف علی بن حسان بن
کثیر که از جمله اصحاب ما علی بن حسان بن واسطی است و

او راستگو راستگو است و ذکر کرده است ابن بابویه در
اسنادش بعبد الرحمن بن کثیر هاشمی که روایت او از محمد بن
حسن از علی بن حسان واسطی از عمش عبد الرحمن بن کثیر هاشمی
بوده و این کلام مفادش آنست که واسطی پسر برادر عبد الرحمن
است و من گمان ندارم که آن سهوی باشد از قلم شیخ ابن بابویه یا از
قلم ناسخ علی پسر ابراهیم او و پسر محمد او و پسر حسن او و پسر
عبید الله او و پسر حسین او و پسر علی بن الحسین بن علی بن ابی
طالب علیهم السلام کنیه اش ابو الحسن حوابی بفتح جیم و تشدید
واو راستگو و صحیح الحدیث و پیرون رفت با حضرت امام رضا
علیه السلام بسمت خراسان علی پسر عبید الله بن الحسین
بن علی بن ابی طالب علیه السلام کنیه اش ابو الحسن و لقبش زجج
صالح است نجاشی گفته است که بود زاهد ترین آل ابو طالب
و عابد ترین ایشان در زمانش و از جمله مخصوصان حضرت
امام موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام بوده و محل
بوده با اصحاب امامیه ما و چون خواست او را محمد بن ابراهیم
طباطبا انکه بیعت کند از برای او ابو السرایا را بعد از او
برا و ابا کرد و ذکر کرد امر را بمحمد بن محمد بن زید بن علی و شیخ

کتبی گفته است که خواندم در کتاب محمد بن حسین بن بنداد
بخط او که حدیث کرد مرا محمد بن یحیی عطار و او گفت که حدث
کرد مرا احمد بن محمد یعنی از علی بن حکم از سلیمان بن جعفر
که گفت بمن گفت علی بن عبید الله بن حسین بن علی بن ابی طالب
که خواهش دارم که داخل شوم بر حضرت امام رضا علیه
السلام و سلام کنم بر او در جواب گفت که چه چیز ترا مانع آمد
از آن گفت که اجلال و هیبت او مانع است و میترسم که بر او
راوی گویند که پس حضرت امام رضا علیه السلام از دستگی
بهمرسانید و مردم بعیادت انبوه و میرفتند پس من ملاقات
کردم علی بن عبید الله را و گفتم که امد ترا آنچه میخواستی بدستی
که الحضرت از دستگی بهمرسانیده اند و مردم بعیادت او
میروند که اگر میخواهی که بخدمت او برسی امروز روز فرصت
است پس امد بخدمت الحضرت و عیادت کرد پس حضرت
مهربانی زیادتی نسبت باو فرمودند و او تعظیم کردند پس
بان سبب علی بن عبید الله بغایت شادمان گردید و بعد
از آن علی بن عبید الله بیمار شد پس عیادت نمود او را تا
حضرت و من با او بودم پس نشستند تا انکه بیرون رفت هر

انبوه و میرفتند پس من ملاقات کردم علی بن عبید الله را و گفتم که امد ترا آنچه میخواستی بدستی که الحضرت از دستگی بهمرسانیده اند و مردم بعیادت او

هر که در آن خانه بود و ما چون بیرون رفتیم خبر داد مرا کنیز ک
ما که ام سلمه زوجهٔ علی بن عبید الله در پس پرده بود و نظر
با الحضرت میکرده و چون حضرت ببیرون رفتند آن زنان
و افتادند بر آن موضعی که الحضرت در آنجا نشسته بودند و آن
موضع را ببوسه میدادند و بر روی خود میمالیدند سلیمان
گوید که بعد از آن داخل شدم بر علی بن عبید الله پس مرا خبر
داد بآنچه زوجه اش ام سلمه کرده بود پس من بخدمت آن
حضرت رسیدم و او را خبر دادم ام سلمه خبر داد فرمود
که ای سلیمان بدرستی که علی بن عبید الله و زوجه اش و فرزندان
او از اهل بهشتند ای سلیمان بدانکه فرزندان علی و فاطمه
را هر که شناسایند حق تعالی بایشان امر امامت را تمامی
ماند شناسا بر مردم علیه پس حکم از اهل انبار است شیخ
کتبی نقل کرده است از حمدویه از محمد بن عیسی که علی بن
حکم گفت خواهر داود بن نعمان بناع امامت است و او هم نسب
بنی النجر کصرافا شد بوده و علی بن حکم شاگرد ابن ابی عمیر
است و ملاقات کرده است بسیاری از اصحاب صادق
علیه السلام را و او مثل ابن فضال و ابن بکیر است علیه

پسر حسین و او پسر عبد الله است شیخ کشی از محمد بن مسعود
نقل کرده است که گفت حدیث کرد ما را محمد بن نصیر
و او گفت که حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن عیسی که نوشت
بسوی او علی بن حسین بن عبد الله و سؤال کرد در آن
نوشته که دعا کند از برای او در زیادتی در عمرش تا آنکه
به بیند آنچه را که دوست میدارد پس در جواب نوشتند
که برحمت خدا واصل گردی بهتر است از برای تو
پس از مرد و وفات یافت در خزیمیه و ظاهر آنست که علی بن
حسین نوشته بود بخلافت یکی از معصومین علیهم السلام
و در این روایت دلالتی نیست بر تعدیل او نزد ولیکن از
از جمله امر محاسنست علی پسر جعفر شیخ کشی از محمد بن
مسعود نقل کرده است که یوسف بن السخت گفته است
که علی بن جعفر وکیل حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام بوده و در حبس متوکل بود و ترسید از کشته شدن
و شک در دینش پس وعده کرد به متوکل که نفرین کند
او را پس متوکل تب بهم رسانید و امر کرد بخلاص نمودن
هر که در زندان بوده بخلاص کردن او بعینه علی پسر

عبد الله و او پسر مروان شیخ کشی گفته است که نضر گفت
که نشنیدم از در یاران او منکر خیر علی پسر ریان براء و باء
منقطه تحتانی مشدده و نون در آخر و او پسر صلت بود
بصاد غیر منقطه و تاء مثناه فوقانی اشعری از مردم قم و از
و از برای او از حضرت امام علی نقی علیه السلام نسخه است
و وکیل آنحضرت علیه السلام بوده علی پسر اسباط و
او پسر سالم فروشنده جامهای دلی کنیه اش ابو الحسن و
از مردم کوفه و استکو بوده است شیخ کشی گفته است که
او فطحی مذهب بوده از برای علی بن مهزیار بسوی او رسالة
ایست در نقض بر او که بمقدار جزء کوچکی است گفته که
از رساله با و نفعی نبخشید و بر مذهب خود وفات یافت
و مجاشعی گفته است که او فطحی مذهب بوده جاری شد در
میان او و علی بن مهزیار رسالها در باب مذهبش پس رجوع
کردند در آن باب بحجت حضرت امام محمد تقی علیه السلام
و رجوع کرد علی بن اسباط از مذهبی که داشت و پیش از این
از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده و او استکو
و استکوترین مردم و صادقترین مردم بوده پس من

اعتماد میکنم بروایت او ۱علی پسر حسن واو پسر رباط
براء وباء موحده وطاء غیر منقطه ذر اخر از قبیله بجیله
وکنیه اش ابوالحسن واز مردم کوفه وراستکو واعتماد بر
او هست شیخ کشی کفته است کر او از اصحاب امام رضا
علیه السلام بوده ۱علی پسر حسین واو پسر علی مسعودی
کنیه اش ابوالحسن واز قبیله هذیل واز برای او کابی چند
هست در امامت وغیر ان واز انجمله کابی است که در آن
وصیت از برای علی بن ابی طالب علیه السلام واو صاحب
کاب مروج الذهب است ۱علی پسر عبدالله کنیه اش
ابوالحسن عطار از مردم قم وراستکو واز اصحاب ما بود
۱علی پسر محمد منقری از مردم کوفه وراستکو بوده ۱علی
پسر سعید بسین غیر منقطه واو پسر رزام براء مکسور وزای
فاسانی بسین غیر منقطه از مردم ذهبی بوده است از سوی
کاشان وکنیه اش ابوالحسن وراستکو در حدیث وامین
بوده روایت میکند از احمد بن محمد بن عیسی واز ابن ابی الخطاب
۱علی پسر محمد واو پسر علی واو پسر عمر واو پسر رباح براء
مفتوحه وباء موحده کنیه اش ابوالحسن وسوبق فروش و

واورا قلاء نیز میکفتند وبعضی کنیه اورا ابوالقسم کفته
اند راستکو بوده در حدیث وواقفی مذهب وصحیح الروایه
وضابط واعتماد هست بر انچه روایت میکند ۱علی
پسر ابرهیم واو پسر هاشم از مردم قم وکنیه اش ابوالحسن
وراستکو در حدیث وضابط ومعتمد وصحیح المذهب بوده
خلد بسیار شنیده است حدیث را وتصنیف کرده است
کابی ودر وسط عمر خود نابینا کردید ۱علی پسر سلیمان
واو پسر حسن واو پسر جهم واو پسر بکیر واو پسر اعین کنیه
اش ابوالحسن رازی بوده است از برای او اتصال وسندی
بحضرت صاحب الامر علیه السلام واز انحضرت بسوی
او توقیعات بیرون امده واز برای او منزلتی در میان اصحاب
ما بوده وپرهیزکار وراستکو وفقیه بوده وکنیی بر او
طغنی نزده است ۱علی پسر محمد واو پسر ابرهیم واو پسر
ابان رازی کلینی معروف بعلان بعین غیر منقطه کنیه
اش ابوالحسن وراستکو ومعتمد علیه بوده ۱علی پسر محمد
واو پسر ابوالقسم کر نامش عبدالله بن عمران برقی بوده پدرش
معروفست بماجیلویه بجیم وباء منقطه تحتانی پیش

لام و بغداد زاد و کنیه اش ابوالحسن و راستکو و فاضل
و فقیه و عالم بعلم ادب بوده علی پسر محمد و او پسر عدی
شمشاطی کنیه اش ابوالحسن از قبیله بنی عدی تغلب بوده
است که عدی بن عمرو بن عثمان بن تغلب بوده است
و شیخ جزیره و فاضل اهل زمان خود و ادیب ایشان بوده
از برای او تصانیف بسیار هست که در کتاب بزرگ
خود ذکر کرده ایم و بخاشی کفته است که سلامة بن
ذکریا ابوالحسن موصلی رحمه الله او را وصف میکرده
است بفضل و علم و دین داری و محقق و ثابت قدم بوده
بامر امامت خدا او را رحمت کند علی پسر بلال و او
پسر ابو معونه و کنیه اش ابوالحسن مهلبی بوده از قبیله
ازد و بزرگ اصحاب ما در بصره و راستکو است بسیار
شنیده است حدیث را علی پسر محمد و او پسر عبدالله
کنیه اش ابوالحسن و از مردم قزوین و قاضی و روشناس
اصحاب ما و راستکو در حدیث بوده است رفت بغداد
در سال سیصد و پنجاه و شش و با او از کتابهای عیاشی
قطعه بود و او اول کسی بود که آن کتابها را در بغداد

او زد و روایت کرده است آن کتابها را از ابوجعفر احمد
بن عیسی زاهد از عیاشی علی پسر محمد و او پسر یوسف
و او پسر مهجور کنیه اش ابوالحسن و از مردم فارس و معروف
بابن خالویه بجاء منقوطه بزرگ اصحاب ما و راستکو
و بسیار حدیث شنیده است علی پسر محمد و او پسر علی
جزاز بجاء منقطه و زای پیش از الف و بعد از آن کنیه اش
ابوالقسم و راستکو و از اصحاب ما و فقیه و روشناس
بوده است علی پسر محمد کرخی کنیه اش ابوالحسن و فقیه
و متکلم و از وجوه اصحاب ما بوده علی پسر احمد و او پسر
حسین طبری املی کنیه اش ابوالحسن مرزکوار و بسیار
حدیث از اصحاب ما بوده علی پسر محمد و او پسر عباس
و او پسر فانجن بنون غیر منقطه بعد از فاء و نون بعد
از الف کنیه اش ابوالحسن بوده خدا از او راضی باد
دانا بوده است باخبار و شعر و نسب و آثار و تواریخ
و دین نشده است در زمان او و مثل او و بوده است مجرد
در مذهب امامیه و پیش از این معتزلی مذهب بوده
و از آن مذهب رجوع نموده و احوال او مشهورتر است

این عبارت که کنیه او است کرد یا بخش
بیاض مضبوطه و دین بعد الف
و بغداد از آن رو که بعد الف
چیم منقوطه و دال مهمله از آن بعد است

از انکه شرح باید کرد علی پسر محمد و او پسر شیران بشین
منقطه و یاء مثناة تحتانی و راء و نون کنیه اش ابو الحسن
ابلی و اصلش از کازرون بوده پدرش ساکن دز ابله بوده
و او شیخی از اصحاب ما و راستکو و بسیار راستکو است
علی پسر عبد الرحمن و او پسر عیسی و او پسر عروه و او پسر
جراح قنانی کنیه اش ابو الحسن منشی و سلیم الاعتقاد و
کثیر الحدیث و صحیح الروایة بوده است در سال چهار صد
و سیزده از هجرة وفات یافت علی پسر عقبة بضم
عین غیر منقطه و او پسر خالد که از قبیلهٔ بنی اسد و کنیه اش
ابو الحسن و عرب غیر خالص و از مردم کوفه و راستکو
و روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام علی
پسر عمران خزاز بخاء منقوطه و زای پیش از الف و بعد از
ان معروف بثقفا بوده و راستکو و کم روایت است علی
پسر محمد و او پسر حفص اشعری کنیه اش ابو قتاده و از مردم
قم و روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
و معمر و راستکو بوده و پسرش ابو الحسن بن ابو قتاده شاعر
بوده و احمد بن ابو قتاده اعقب بوده علی پسر حمزه و

پسر حسن و او پسر عبید الله و او پسر عباس بن علی بن ابی طالب
علیه السلام و کنیه اش ابو محمد و راستکو بوده علی پسر
شجره و او پسر میمون و او پسر ابو آزاکه بتال از ذکر کرده قبلهٔ
کذن روایت کرده است پدرش از حضرت امام محمد باقر
و امام جعفر صادق علیهما السلام و برادرش حسن بن شجره
نیز روایت کرده است و همه ایشان راستکو بان و روشناس
و معتمدان و بزرگواران بوده اند علی پسر ابو جهمه بفتح
جیم از مردم کوفه و عرب غیر خالص و راستکو است علی
پسر عبد الله و او پسر غالب قیسی راستکو و بسیار راستکو
و از مردم کوفه است علی پسر سیف و او پسر عمیر بضم
کنیه اش ابو الحسن و از مردم کوفه و عرب غیر خالص و راستکو
است و او بزرگ است از برادرش حسین روایت کرده است
از حضرت امام رضا علیه السلام علی پسر اسحق و او
پسر عبد الله و او پسر سعد اشعری و کنیه اش ابو الحسین
و راستکو است علی پسر ابو رافع تابعی و از نیکان شیعه
و بود مصاحب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و
نویسندهٔ آنحضرت بود پسر ابن ابو المغیره و راستکو است

علی پسر نعیم راستکو است علی پسر عطیه راستکو
است علی پسر بشیر راستکو است علی پسر محمد و او
پسر ابرهیم و او پسر محمد همدانی و کل ناحیهٔ مقدسه بوده
در پیان اخوال عبدالله است و بیان
نام پنجاه و هفت نفر موسومند عبدالله پسر عباس
رضی الله عنهما از اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه
واله و دوستدار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
و شاکر او بوده و حالش در جلالت و اخلاص از برای این
حضرت مشهورتر از آنست که مخفی باشد بزرگی و ذکر
کرده است شیخ کشی احادیثی که متضمن مدح اوست و قدر او بزرگ
تر از آنست و ما ذکر کرده ایم انها را در کتاب بزرگ
خود و جواب از انها داده ایم خدا از او راضی باد عبدالله
پسر جعفر از اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه واله و
جلیل القدر و کم روایت بوده عبدالله و عبد
الرحمن پسران بدیل بباء موحده پیش از دال غیر منقطه و
او پسر ورقا و برادر ایشان محمد بوده همه از اصحاب حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام و رسولان حضرت رسالت

بناه صلی الله علیه واله بوده اند بسوی یمن عبدالله و
عبدالرحمن کشته شدند در جنگ صفین در خدمت حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام عبدالله پسر خباب بخاء
منقطه و باء موحده پیش از الف و بعد از ان واو پسر ارت
بوده است براء و تاء منقطه فوقانی از اصحاب حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و خوارج پیش از جنگ
هروان او را کشتند عبدالله پسر زید از اصحاب حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام و کشته شد در روز حرة عبدالله
پسر ابو طلحه از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
و او همان کسی است که دعا کرد از برای حضرت رسول
صلی الله علیه واله در وقتی که مادرش با او حامله بود عبدالله
پسر سلمه از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و
او همان کسی است که بخدمت حضرت عرض کرد که من دلگیر
از انم که با تو در جنگ صفین حاضر نبوده ام و من خواهش
دارم که بوده باشم در خدمت تو در هر قتالی عبدالله پسر
یحیی حضرمی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با او در
جنگ جمل فرمودند که بشارت باد ترا ای پسر یحیی پس بدستی

کرتو و پدر تو حقا از شرطة الخمیس بوده اید بتحقیق کہ خبر
داد حضرت رسول صلی الله علیه واله مرا بنام تو و نام
پدرت در میان شرطه الخمیس و خدا نامیده است شما
را در اسمان بنام شرطة الخمیس نر زبان پیغمبرش صلی
الله علیه واله عبد الله پسر بقیطر بهاء منقطه تحتانی
وقاف ساکن وطاء بی نقطه وراء هم شیر بوده با حضرت
امام حسین علیه السلام وحضرت او را بکوفه فرستاده
بود پس او را در بالای قصر عمرو ازدی ذبح کرد و بعضی
گفته اند کہ ابن عمل را عبد الملک بن عشیر نخعی کرد عبد الله
پسر علی برادر حضرت امام حسین علیهما السلام با حضرت
در کربلا شهید شد عبد الله پسر شداد سنا یش کرد
شدن است عبد الله پسر غالب اسدی شاعر از اصحاب
حضرت امام محمد باقر علیه السلام وکنیه اش ابو علی
بوده روایت کرده است از انحضرت واز حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام وامام موسی کاظم علیه
السلام وراستکو بوده است حضرت صادق
علیه السلام باو فرمودند کہ فرشته هست کہ الهامیکند

شعر را بر تو و من ان ملک را نمیشناسم عبد الله پسر شداد
بسین غیر منقطه مکسور و نون پیش از الف و بعد از ان
واو و پسر ظریف از اکرده بنی هاشم و بعضی میگویند کہ از اد
کرده بنی ابی طالب بوده و بعضی میگویند کہ از اد کرده بنی
العباس بوده خزانه دار منصور و مهدی و هادی و رشید
از بنی العباس بوده و از مردم کوفه و راستکو و از جمله اصحاب
ما و بزرگوار بوده و هیچکس طعنی بر او نزده است روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام و بعضی گفته
اند کہ روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام و ان ثابت نیست و در بارهٔ او حضرت صادق
علیه السلام فرموده کہ او هر چند کہ شنش بالا رود خیرش
زیاده میگردد چنانچه روایت کرده است از شیخ کشی
در حدیث مرسلی عبد الله پسر جذب بجیم مضموم و نون
ساکن و دال غیر منقطه مفتوحه و باء موحده از قبیله بجیله
و عرب خالص و از مردم کوفه و از اصحاب حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام و راستکو بوده است روایت کرده
است شیخ کشی کہ حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

شوکند یاد فرمودند کرا و وحضرت رسالت پناه صلّی
الله علیه و آله هر دو از او راضی اند و باز در بارهٔ او فرمودند
که عبد الله بن جندب از جمله مخبتین و متواضعانست و
شیخ طوسی رحمه الله گفته است که او وکیل حضرت امام
موسی کاظم و امام رضا علیهما السّلام بوده و عابد و رفیع
المنزله بوده است نزد ایشان و حمدویه بن نصیر گفته است
که چون عبد الله بن جندب وفات یافت علی بن مهزیار قایم مقام
او گردید عبد الله پسر صلت بصاد غیر منقطه و ثاء
منقطه فوقانی کنیه اش ابو طالب و از مردم قم و از آزاد
کرده یتیم الله بن ثعلبه و راستکو است و اعتماد بر روایات
او هست روایت کرده است از حضرت امام رضا
علیه السّلام عبد الله پسر محمد حجال بجاء غیر منقطه
وجیم از قبیله بنی اسد آزاد کرده ایشان و از مردم کوفه
و مزخرف کنیه اش ابو محمد است و بعضی گفته اند که
او از آزاد کرده بنی تیم و راستکو و راستکو و ضابط است
عبد الله پسر طاوس از اصحاب حضرت امام رضا علیه
السّلام و صد سال عمر کرده و حضرت او را خبر داده بود

که صد سال عمر میکنی و نیافته ام از برای او نه تعدیل و نه
جرحی بلکه نیافته ام چیزی را که دلالت کند بر انکار او از
شیعه بوده است عبد الله پسر جعفر و او پسر حسن و
او پسر مالک و او پسر جامع حمیری بجاء غیر منقطه کنیه
اش ابو العباس و از مردم قم و بزرگ قمیین و رو شناس
ایشان بوده رفت و در کوفه در سال دویست و نود و کسری
و راستکو و از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه
السّلام بوده است عبد الله پسر طاهر ثقاب راستکو
است عبد الله پسر مسکان بمیم مضموم و سین ساکن غیر
منقطه و نون بعد از الف کنیه اش ابو محمد از آزاد کرده قبیله
عنزه و راستکو و معتمد علیه بوده روایت کرده است
از حضرت امام رضا علیه السّلام نجاشی گفته است
که بعضی روایت کرده اند که او از اصحاب حضرت صادق
علیه السّلام بوده و نزد من ثابت نیست و نجاشی گفته
است که روایت شده است که او نشنیده است از حضرت
صادق علیه السّلام مگر همین حدیث را که من آذرک اشعر
فقد آذرک الحج یعنی هر که آذرا ک وقوف مشعر الحرام کرده

باشد پس بتحقیق که حج زاد دریافته است و بود از جمله راویان
حضرت صادق علیه السلام و کمان کرده است ابو نضر
محمد بن مسعود که ابن مسکان داخل نمیشد بر الحضرت علیه
السلام از ترس انکه مبادا حق تعظیم و اجلال الحضرت بجا
نیاورد و احادیث را از الحضرت میشنیده است و آنا میه
نموده است که داخل شود بر الحضرت از روی اجلال و تعظیم
عبد الله پسر ابو یزید نامش احمد بن یعقوب بن نصر ابن ذکوان
بوده است چنانچه نجاشی کفته است و شیخ طوسی کفته است
که عبد الله بن احمد بن ابو یزید و ظاهر انست که لفظ ابن بعد از احمد
زیادتی است از نساخ و کنیه اش ابو طالب و راستکو است
در حدیث و عالم است بان و پیشتر از جمله واقفیان بوده
و شیخ طوسی کفته است که او در واسط اقامت کرده بود و
کفته است که بعضی کفته اند که او از جمله ناووسیه است
عبد الله پسر بکیر شیخ طوسی رحمه الله کفته او فطحی المذهب
و راستکو بوده و شیخ کشی از محمد بن مسعود نقل کرده
است که عبد الله بن بکیر و جماعتی که از فطحیه اند ایشان از
اصحاب ما بوده اند و ذکر کرده است جماعتی که از انجمله

عمار ساباطی و بنوا الحسن بن علی بن فضال علی و برادران او بوده
اند و در موضع دیکر کفته است که عبد الله بن بکیر از جمله
جماعتی است که اجماع کرده اند جماعت امامیه بر صحیح داشتن
انچه از او صحیح باشد و اقرار کرده اند از برای او بفقاهت
پس من اعتماد بر روایت او دارم و هر چند که مذهبش فاسد
باشد **عبد الله** پسر ابو یعفور بیاء منقطه تحتانی و عین
غیر منقطه ساکنه و فاء و واء بعد از او و نام ابو یعفور
واقد بوده است بقاف و بعضی دیکر و قدان کفته اند کنیه
اش ابو محمد و راستکو راستکو و بزرکوار در میان اصحاب
ما و عزیز بوده است نزد حضرت صادق علیه السلام و
در ایام الحضرت وفات یافته و قاری بوده و قرا نزد او
مجلد کوفه میخواندند است و روایت کرده است شیخ
کشی از محمد بن قولویه از سعد از علی بن سلیمان بن داود از
از علی بن اسباط از پدرش اسباط بن سالم از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام که عبد الله بن ابی یعفور از
جمله حواریان حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام بوده و روایت کرده است از علی قبل از

فضل بن شاذان از ابن ابی عمیر از جماعتی از اصحاب ما که
حضرت صادق علیه السلام میفرموده است که نیافتم
کسی را که قبول کند وصیت مرا و اطاعت نماید امر
مرا مگر عبد الله بن نجاشی یعفور و روایت کرده است ابن عقده
که حضرت صادق علیه السلام طلب مرحمت از برای او
نمودند و فرمودند که او راستگوی ما بوده عبد الله پسر
عطا شیخ کشی گفته است که نضر بن صباح گفته است که
فرزندان عطاء بن ابی رباح شاگرد ابن عباس عبد الملک
و عبد الله و عزیف بوده اند و همه ایشان بخیبان و از اصحاب
حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
اند و نضر بن صباح نزد من ضعیف است پس بقول او نزد
من ثابت نمیگردد عدالت عبد الله بن عطا عبد الله پسر
شریک عامری کنیه اش ابو المجلل و روایت کرده است
از حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهما السلام
و نزد ایشان رو شناس و مقدم بوده و روایت کرده است
شیخ کشی دو حدیث را که ذکر کرده ایم انها را در کتاب
بزرگ خود و در طریق انها ضعفی هست که اقتضا میکند

مدح او را و نیز روایت کرده اند که او از جمله حواریان حضرت
امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام است و
روایت کرده است سید علی بن احمد عقیقی ثناء عظیمی
در حق او عبد الله پسر عجلان ابراد نموده ایم در کتاب بزرگ
خود روایاتی از شیخ کشی که اقتضا مینماید مدح او و ثنا
بر او را و صحیح نیز روایت شده است از علی بن احمد عقیقی
و ما نمیدانیم انچه منافات با مدح او داشته باشد
عبد الله پسر میمون قداح او پسر اسود قداح که پسر میمون تراشیده آزاد کرده بنی مخزوم روایت کرده است پذیرش از حضرت
امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام و خود او
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است و
راستگو بوده و روایت کرده است شیخ کشی از حمدویه از
ایوب بن نوح از صفوان بن یحیی از ابو خالد قماط از عبد
الله بن میمون از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که ان
حضرت با او فرمود که ای ابن میمون چند نفر هستند شما در مکه
در جواب گفت که ما چهار نفریم فرمودند که شما نود
خانه در نیکهای زمین و این روایت نزد من مفید

عدالت او نیست زیرا که شهادت بر عدالت خود داده لکن
اعتماد من بر کفته نجاشی است و روایت کرده است شیخ
کشی از احمد بن جبرئیل که کفت شنیدم از محمد بن عیسی که می
کفت عبد الله بن میمون قایل بمذهب زیدیه بوده است
و در اینطریق ضعفی هست عبد الله پسر نجاشی کنیه
اش ابو بجیر بضم باء موحده و فتح جیم و باء مشاة تحتانی و
راء در آخر روایت کرده است شیخ کشی روایتی را که در
طریق آن حسن بن خرزاد است و دلالت میکند بر آنکه
او مذهب زیدیه را داشته است و بعد از آن برکردیده
و قایل شد بامامت حضرت صادق علیه السلام و ولی
اهواز بوده است از جانب منصور و رساله بخدمت
حضرت صادق علیه السلام نوشته و از او سؤال
نموده و آنحضرت نیز بسوی او رساله معروفی نوشتند
عبد الله ع پسر یحیی از قبیله بنی کاهل و کنیه اش ابو محمد
برادر اسحق بوده روایت کرده اند از حضرت امام جعفر
صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و عبد الله
روشناس بوده است نزد حضرت امام موسی علیه السلام

و وصیت نمود حضرت بعلی بن یقطین و فرمود که ضامن احوال
کاهلی و اهلش شو تا انکه من ضامن کردم از برای تو بهشت را
پس همیشه علی بن یقطین از برای ایشان طعام و دراهم و جمیع
اخراجات میفرستاد و ایشان بان اوقات میکذرانیدند
تا انکه کاهلی وفات یافت و نعمت او کفایت احوال کاهلی
و خویشان او مینمود و نیافته ام من چیزی را که منافات با مذهب
او داشته باشد خدا او را رحمت کند عبد الله پسر محمد
او پسر حصین حصینی بحاء و صاد غیر منقطه و نون پیش
از یاء و بعد از یاء و بعضی حصیبی کفته اند که در مکان نون
باء موحده باشد از مردم اهواز و روایت کرده است از
حضرت امام رضا علیه السلام و راستکو راستکو و
جازی کردیده است بر دست او خدمت از برای آنحضرت
عبد الله ع پسر خداش بخاء منقطه و دال غیر منقوطه
و شین منقطه کنیه اش ابو خداش مهری بفتح میم و سکون
هاء و بعد از آن راء و مهرن محله بوده است در بصره
شیخ کشی روایت کرده است از محمد بن مسعود که کفت که
ابو محمد عبد الله بن محمد بن خالد ذکر ابو خداش عبد الله بن خالد

راستکو است و گفته است محمّد بن مسعود که حدیث کرد
مرا ابو یوسف بن سخت که گفت شنیدم از ابو خداش که میگ
گفته است که هرگز مضاجعه با ذمّی ننمودم و داخل خانه
ذمّی نگردیدم و هرگز دوائی نخوردم و فصد هرگز نکردم
و ترک غسل جمعه هرگز ننمودم و هرگز در خانه قاذورفم و هرگز
گذر در خانه والی نرفتم و نجاشی گفته است که او نهایت
ضعیف بوده است و در مذهبش غلوّی بوده و اقرب
نزد من توقّف نمودنست در آنچه او روایت مینکند زیرا
که عبد الله بن محمّد بن خالد الذي که تزکیهٔ او نموده ظاهر است
که عبد الله طیالسی نیست زیرا که نجاشی نقل کرده است
که کنیهٔ او ابو العبّاس است و محمّد بن مسعود نقل از ابو
محمّد عبد الله کرده است عبد الله پسر مغیرة بضمّ
میم و کسر غین منقطه پیش از یاء منقطه تحتانی کنیهٔ او
ابو محمّد و از قبیلهٔ بجیله و از اد کرده جندب بن عبد الله
بن سفیان غلقی یا ازدی مردم کوفه و راستکو و ثبت
نمینکند با او کسی از حیث جلالت و دینداری و پرهیز
گاری او و روایت کرده است از حضرت امام موسی

کاظم علیه السّلام و شیخ نجاشی گفته است که روایا
شان است که او واقفی بوده و بعد از آن رجوع نموده
بمذهب حق و بعد از آن گفته است که او از جملهٔ
جماعتی است که اجماع نموده اند طائفه بر صحیح داشتن
آنچه از او صحیح بوده و بر اقرار نمودن برای او بفقاهت
عبد الله پسر محمّد و او پسر خالد و او پسر عمر طیالسی کنیه
اش ابو العبّاس کنیهٔ پدرش ابو عبد الله تمیمی مزدنیست
از اصحاب ما راستکو و سالم طریقه و صحیح بوده است
برادرش ابو محمّد کرنامش حسن بوده است بوده است شیخ
نجاشی نقل کرده است از ابو النضر محمّد بن مسعود که نمیدانم
عبد الله بن محمّد بن خالد طیالسی را مگر راستکو و نیکو
عبد الله پسر محمّد و او پسر ابو بکر حضرمی روایت کرده
شیخ نجاشی از برای او مناظرهٔ نیکوئی که با زید کرده و روایت
کرده است از او در حدیث که حضرت امام محمّد باقر
علیه السّلام فرموده که آتش دوزخ مس نمینکند کسی را که
ببیند و قایل باشد بامامت عبد الله پسر وضّاح بتشدید
ضاد منقطه و حاء غیر منقطه در آخر کنیه اش ابو محمّد و

از مردم کوفه و از جملهٔ موالی و راستکو و بسیار مصاحب
کرده است با ابو بصیر یحیی بن قاسم و بان معروف بوده عبد
الله پسر ابراهیم و او پسر محمد و او پسر علی و او پسر عبد الله و
او پسر جعفر برادر ابی طالب کنیهٔ اش ابو محمد ثقه و بسیار
راستکو و روایت کرده است پدرش از حضرت امام محمد
باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام و روایت کرده
است برادرش جعفر از حضرت صادق علیه السلام
و مشهور نکردیده است روایت او عبد الله پسر سعد و
او پسر حیان بباء و او پسر ابجر بباء موحده و جیم و راء از
قبیلهٔ کنانه و کنیهٔ اش ابو عمر و طبیب بزرکی است از اصحاب
ما و راستکو و برادرش عبد الملک بن سعید راستکو بوده
عمر کرده بود تا سال دویست و چهل از هجرت و از برای
او ست کتاب دیات روایت کرده است انرا از پدرش
و روایت کرده است انرا از حضرت امام رضا علیه السلام
و آن کتاب معروف است در میان اصحاب ما بکتاب
عبد الله بن ابجر عبد الله پسر حماد انصاری بجائی
کفته است که او از جملهٔ بزرکان اصحاب ما بوده و ابن عصام بری

کفته است که کنیهٔ اش ابو محمد و نزول در رقم نموده و روا
نکرده است از هیچیک از ائمه علیهم السلام و حدیثش
یکمرتبه معروفست و یکمرتبه غیر معروفست و ان شاهد
میتواند بود عبد الله پسر احمد و او پسر حرب و او پسر مهرم
بزای بعد از هاء ساکنه و او پسر فرزبزای بعد از فاء و در آ
در آخر و عبدی و کنیهٔ اش ابو هفان بکسر هاء و فاء و نون
مشهور در میان اصحاب بوده و از برای او شعری هست
در مذهب عبد الله پسر عامر و او پسر عمران و او پسر
ابو عمر و اشعر کنیهٔ اش ابو محمد و بزرکی از روشناسان
اصحاب ما و راستکو بوده عبد الله پسر ابو العلاء فارسی
بدال منقطه کنیهٔ اش ابو محمد و راستکو و از روشناسان
اصحاب ما بوده عبد الله پسر ولید سمان بسین غیر
منقطه و نون در آخر و عجمی و عرب غیر خالص و از مردم کوفه
و روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
و راستکو است عبد الله پسر عبد الرحمن و او پسر عتبه بتاء
منقطه فوقانی بعد از عین غیر منقطهٔ مضمومه از قبیلهٔ بنی
اسد و از مردم کوفه و کنیهٔ اش ابو امیه است بباء و راستکو

شمان بعین و خ و ضاد

واز حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است عبدالله
پسر زرارة واو پسر اعین شیبانی روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام وراستکو است عبدالله پسر سعید
کنیه اش ابو شبل از قبیله بنی اسد واز اد کرده ایشان و
از مردم کوفه وفروشندهٔ جامهای وشیئی روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام وراستکو است
عبدالله پسر فضل واو پسر عبدالله بباء موحده مفتوحه
وباء موحده مشدده واو پسر حارث واو پسر نوفل واو پسر
حارث بن عبدالمطلب کنیه اش ابو محمد نوفلی روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام وراستکو
است عبدالله پسر حجاج از قبیلهٔ بجیله وبرادر عبد
الرحمن وعرب غیر خالص وراستکو است عبدالله پسر
عمر واو پسر بکار بجاء غیر منقطه واز مردم کوفه
وراستکو است عبدالله پسر محمد پسر نهیک بنون پیش از هاء
وباء منقطهٔ تحتانی بعد از ان راستکو وکم حدیث بود
عبدالله پسر حسین واو پسر سعد قطربلی بقاف و
طاء غیر منقطه وراء کنیه اش ابو محمد کاتب از خواص

سیدنا امام حسن عسکری است عبدالله پسر محمد واو
پسر عبدالله کنیه اش ابو محمد حذاء مغلجی وان منسوبست
بمغلج نام موضعی در پشت در کوفه در بغداد که از اد گان
میکویند فقیه وعارف بوده واز او تعلیم کرفته است
نجاشی مواز پشر اعبدالله پسر عثمان واو پسر عمرو واو
پسر خالد الفراری راستکو وروایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام عبدالله پسر حسین واو پسر محمد
واو پسر یعقوب فارسی کنیه اش ابو محمد وبزرکی از رو
شناسان اصحاب ما ومحدثان وفقیهان ایشان بوده
نجاشی کفته است کرمن او را دیده ام ولیکن از او حدیث
نشنیده ام عبدالله پسر رباط براء مکسوره وباء موحده
وطاء غیر منقطه راستکو است عبدالله پسر احمد و
او پسر نهیک بنون پیش از هاء وباء منقطهٔ تحتانی
کنیه اش ابو العباس نخعی بزرک صدوق وراستکو وال
نهیک در کوفه خانه اباده اند از اصحاب ما کرا از انجمله
عبدالله بن محمد وعبدالرحمن کرهر دو سمری اند وغیر
ایشان اند

باب سیم در بیان احوال عبدالله

وبان نام سه نفر موسومند عبید الله پسر ابو رافع کاتب
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام بوده است عبید الله
پسر علی واو پسر شعبهٔ حلبی ازاد کرده بنی تیم الله بن ثعلبه
کنیهٔ اش ابو علی واز مردم کوفه واو پدرش وبرادرانش نجاشی
بجلب منکر ده اند پس ازانجهة ایشانرا حلبی نامیده اند
وال ابو شعبه خانه ایادة اند که مذکورند درمیان اصحاب
ما روایت کرده است جدّ ایشان ابو شعبه از حضرت
امام حسن وامام حسین علیهما السّلام وهمه ایشان
راستگویان ورجوع مردم بسوی ایشان بوده در انچه
میگویند وعبید الله بزرگ ورو شناس ایشان بوده و
تصنیف کرده است کتابی را که منسوبست بسوی او
وعرض کرده است انکتابرا بر حضرت صادق علیه السّلم
وتصحیح نموده اند انحضرت انکتابرا ومستحسن ایشان افتاده
ودر وقتی که ان کتاب را خواندند فرموده اند که ان جماعت
مثل او فقیه نیستند واول کتابی بوده است که شیعه
او را تصنیف نموده است عبید الله پسر ولید بیاع قحاف
بعد از لام وضاد نقطه بوده است بضاد منقطه وفاء کنیه

اش ابو سعید وعرب خالص وراستگو وروایت کرده است
از حضرت امام محمد باقر وامام جعفر صادق علیهما
السّلام چنانچه ذکر کرده اند ترا اصحاب کتب رجال
نائب چهارم ذر بیان احوال عبد الرحمن است
وبان نام یازده نفر موسومند عبد الرحمن پسر بدیل بیاع
موحده وبعد از ان دال غیر منقطه واو پسر وردقا از اصحاب
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام ورسول حضرت رب
پناه صلّی الله علیه واله بوده است بسوی یمن کشنه شد
باحضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در صفین عبد
الرحمن پسر ابو لیلی انصاری از اصحاب حضرت امیر المؤمنین
علیه السّلام حاضر شد با انحضرت در جنگهای ثلثه
خالص واز مردم کوفه وحجاج انعقد او را اند تا انکه
کفتها یش سیاه کردید بر انکه دشنام دهد حضرت امیر
المؤمنین علیه السّلام واو راضی نرا نمعنی نکردید عبد
الرحمن پسر ابو عبد الله ونام ابو عبد الله میمون بصریست
وعبد الرحمن راستگو وراماد فضیل بن یسار بوده است
علی بن احمد عقیقی کفته است که او روایت کرده است

از حضرت صادق علیه السلام هفتصد مسئله و از مردم بصره و اصلش از مردم کوفه است **عبد الرحمن** پسر عبد ربّه شیخ کشی روایت کرده است از ابو الحسن حمدویه بن نصیر از بعض مشایخ که او خیر خواه و فاضل و از مردم کوفه بوده **عبد الرحمن** پسر حجّاج از قبیله بجیله از آزاد کرده ایشان و کنیه اش ابو عبد الله و از مردم کوفه و فرود آینده جامهای سابریست ساکن بغداد بوده و او را نمدهب کیسانی تهمت زدند روایت کرده است از حضرت صادق و کاظم علیهما السلام و باقی ماند بعد از وفات حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و رجوع کرد بمذهب حق و ملاقات کرد حضرت امام رضا علیه السلام را و او را استکو و ضابط و دوشناس و وکیل حضرت صادق علیه السلام بوده و در زمان حضرت امام رضا علیه السلام بزد و ستی الخ حضرت وفات یافت **عبد الرحمن** پسر اغین روایت کرده است شیخ کشی حدیثی را که در طریق محمد بن عیسی است که او بر مذهب امامیه وفات یافته و علی بن احمد عقیقی گفته است که او عارف بود **عبد الرحمن**

پسر ابو نجران بنون و جیم و راء و نون در آخر نامش عمیر و بن مسلم تمیمی عرب غیر خالص و از مردم کوفه و کنیه اش ابو الفضل و روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام و روایت کرده است ابو نجران از حضرت صادق علیه السلام و عبد الرحمن را استکو بوده و اعتماد هست بر آنچه روایت میکند **عبد الرحمن** و او پسر محمد و او پسر ابو هاشم و او نیز پسر ابو هاشم از قبیله بجیله و کنیه اش ابو محمد و بزرگوار و از جمله اصحاب ما و را استکو بوده است **عبد الرحمن** پسر احمد و او پسر جبرو به یجیم و بعد از ان باء موحده و بعد از ان راء کنیه اش ابو محمد عسکری متکلم و از جمله اصحاب ما و نیکو تصنیف و نیکو کلام بوده و بزد ستش رجوع کرد محمد بن عبد الله بن مملک اصبهانی از مذهب معتزله و قایل بامامت گردید **عبد الرحمن** پسر حسن قاشانی بشین منقطه کنیه اش ابو محمد صریر مفسر محاسنی گفته است که او حافظ و نیکو حفظ است و این مقتضی تعدیل او نیست بلکه از جمله مرجحات است **عبد الرحمن** پسر محمد و او پسر عبید الله زبیری براء و بعد از ان زای

اصبهانی بیجیم اصفهانی بفاست

صریر بضم صاد مهمله و کسر راء قاشانی بمعجمتین کاشانی است

از قبیله قراز وکنیه اش ابو محمد و روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام و راستکو است چنانچه ذکر کرده
اند او را اصحاب کابهای رجال
در بیان احوال عبد الملک است و بیان نام هشت نفر موسوم
عبد الملک پسر عتبه بتاء از قبیله مخی و صراف و از
مردم کوفه و راستکو بوده روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و
از برای او کابی هست که نسبت میدهند او را بعبد الملک
بن عتبه هاشمی لهنی بباء موحده بعد از هاء و نیست کاب
از برای او بلکه کتاب از برای مخی است و این هاشمی
است و از برای او کابی نیست و روایت منکر ده است
از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
عبد الملک پسر حکیم از قبیله خثعم و از مردم کوفه و راستکو
و روشناس و روایت میکند از حضرت امام جعفر صادق
و امام موسی کاظم علیهما السلام عبد الملک
پسر سعید راستکو و عمر کرده است تا سال دویست و
چهل عبد الملک پسر ولید از مردم کوفه و راستکو

و کم حدیث است عبد الملک پسر اغین علی بن احمد
عقیقی گفته است که او عارف بوده است و شیخ کشی گفته
است که کنیه او ابو ضریس بضاد منقطه و راء و سین غیر
منقطه بعد از یاء است و روایت کرده است که حضرت
صادق علیه السلام طلب مرحمت برای او نموده پس
روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام باو
فرمودند که چرا فرزندخود را ضرب نامیدی او در جواب
حضرت گفت که چرا پدرت ترا جعفر نامید مروایت کرده
است ابو جعفر برنا بویه که حضرت صادق علیه السلام
زیارت نمود قبر او را در مدینه با اصحاب پس عبد الملک
او پسر عطا او از اصحاب حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السلام بوده نضر بن صباح گفته است که او
نجیب بوده است و با این کلام عدالت او نزد من ثابت نمیشود
خصوصا با انکه نضر بن صباح ضعیف است عبد
الملک پسر عمر و روایت کرده است شیخ کشی از حمدویه
از یعقوب بن زید از ابن ابی عمیر از جمیل بن صالح از عبد
الملک بن عمر و که گفت حضرت صادق علیه السلام

فرمود که من دعا میکنم از برای تو تا انکه نام کنا زنجها
پای ترا یا انکه فرمود که دعا میکنم از برای چهار پای تو عبد
الملک پسر عبد الله روایت شده است از علی بن احمد
عقیقی از حضرت صادق علیه السلام بسندی که ذکر
کرده ایم انرا در کتاب بزرگ خود که ایمانا و قوی بود
است **باب ششم** در بیان اخوال عبد الحمید آ
و بیان نام سه نفر موسومند **عبد الحمید** پسر عوانه
بضاد منقوطه از قبیله طی و از اصحاب حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام و راستکو بوده است
عبد الحمید پسر ابو العلاء و او پسر عبد الملک از دی
راستکو بوده است و او را سمیر متکفته اند روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام **عبد الحمید**
پسر سالم عطار روایت کرده است از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام و راستکو بوده است **باب هفتم**
در بیان اخوال عبد العزیز است و بیان نام سه نفر موسومند
عبد العزیز و او پسر عبد الله و او پسر یونس مولی آل
کنیه اش ابو الحسن و روایت کرده است از ثلعکبری و

شنیده است از او و در سال سیصد و بیست و شش وفا
داده است برای او و ذکر کرده است که او راستکو
و فاضل بوده **عبد العزیز** پسر یحیی و او پسر احمد و او
پسر عیسی جلودی کنیه اش ابو احمد و از مردم بصره و از انص
و امامی المذهب و بزرگ بصره و از جمله اخبار بین بصر
بوده است و عیسی جلودی از اصحاب حضرت امام محمد
باقر علیه السلام و او منسوبست بسوی جلود بجیم مفتو
و لام ساکنه و دال غیر منقطه بعد از او و مفتوحه نام د
در بحر و قومی گفته اند که ان منسوبست بسوی جلودنا
بطنی است از ازد و نشابون نیز انرا دانسته اند **عبد**
العزیز پسر مهتدی و او پسر محمد و او پسر عبد العزیز از
مردم قم و اشعری و راستکو است روایت کرده است
از حضرت امام رضا علیه السلام و شیخ کشی از علی بن
محمد قتیبی نقل کرده است که گفت حدیث کرد مرا فضل
و او گفت که حدیث کرد ما را عبد العزیز و او از بهترین
مردم قم بوده است که من دیده ام و وکیل حضرت امام رضا
علیه السلام بوده شیخ طوسی رحمه الله گفته است

کرتوقیع مبارک در بیان او بیرون آمد که خدا با مرزد برای
تو کاه ترا و رحمت کند ما را و ترا و خشنود باشد از تو سبب
خشنودی من از تو **باب هشتم** در بیان احوال
عبد السلام است و بیان نام سه نفر موسومند **عبد**
السلام پسر عبد الرحمن شیخ کشی کفته است که حدیث
کرد ما را علی بن محمد قتیبی و او کفت که حدیث کرد ما را
فضل بن شاذان از ابن ابی عمیر از بکیر بن محمد ازدی که کفت
نقل کرد از برای من زید شحام که کفت من طواف میکردم در دور کعبه و دست من در دست حضرت صادق
علیه السلام بود و اب چشم مبارکش جاری بود بر رخهای
مبارکش پس فرمود که ای شحام نمیبینی که چه کرد بر ما و در کار
من همین و بعد از آن کریستند و دعا کردند و بعد از آن فرمودند
که با شحام من طلب کردم بسوی پروردکار خود در بیان تسد
و عبد السلام بن عبد الرحمن و بودند ایشان در تزد او
پس حق تعالی ایشان را ایمن بخشید و از زندان ایشان را خلاص
داد و این سند معتبر است و حدیث دلالت میکند بر ثبوت
ایشان **عبد السلام** پسر صالح و او پسر صلت هروی

روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
و راستکو و صحیح الحدیث بوده **عبد السلام** پسر
سالم نجلی از مردم کوفه و راستکو است **باب نهم**
در بیان احوال عبد الغفار است و بیان نام دو نفر موسومند
عبد الغفار پسر قاسم و او پسر قیس و او پسر قهد بقاف
کنیه اش ابو مریم انصاری و روایت کرده است از حضرت
امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام **عبد**
الغفار پسر حبیب طائی حجازی بجلی و زاهل حجاز
نام دیهی است در هفت فرسخی مدینه روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام **باب دهم** در بیان احوال
عباس است و بیان نام دو نفر موسومند **عباس** پسر
عبد المطلب خدا از او راضی باد عم حضرت رسالت
صلی الله علیه و اله و سیدی از جمله سادات اصحاب
خود و او نیز از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بوده **عباس** پسر علی بن ابی طالب علیه السلام از
اصحاب برادرش امام حسین علیه السلام بوده و با
انحضرت در کربلا شهید شد و انجناب را حکیم بن طفیل

شهید کرد عبّاس پسر موسی نخّاس از مردم کوفه و از
اصحاب حضرت امام رضا علیه السّلام و راستگو بوده عبّاس
پسر معروف زاد کرده جعفر بن عمران بن عبد الله اشعری
از مردم قم و راستگو و صحیح بوده عبّاس پسر هشام
کنیه اش ابو الفضل ناشری بشین منقطه بعد از الف
که بعد از ان نون بوده از قبیله بنی اسد و عرب خالص
و راستگو و بزرگ در میان اصحاب ما و کثیر الروایه
بوده و بعضی نامش را تصغیر کرده اند و او را عبیس میدانند
عبّاس پسر موسی کنیه اش ابو الفضل و زاق راستگو
و نزول در بغداد کرده و از اصحاب یونس بوده عبّاس
پسر عامر و او پسر رباح کنیه اش ابو الفضل و از قبیله
ثقیف و قصّابی و بزرگوار بسیار راستگو و ثقه
و کثیر الحدیث بوده عبّاس پسر یزید خریزی بخاء
منقطه و زاء و باء منقطه تحتانی و زایی از مردم کوفه
و راستگو بوده عبّاس پسر علی و او پسر ابو ساره از مردم
کوفه و راستگو بوده عبّاس پسر ولید و او پسر صبیح
از مردم کوفه و راستگو و روایت کرده است از حضرت

صادق علیه السّلام عمر است و بان نام نه نفر موسومند عُمَر پسر محمّد
و او پسر زید کنیه اش ابو الاسود و فروشنده جامهای
سابری از اذکرده ثقیف و از مردم کوفه و راستگو
و بزرگوار و یکی از اجماعت بوده که در هر سال حج میکرد
و روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام
موسی کاظم علیهما السّلام و ستایش کرده است پدر
او حضرت صادق علیه السّلام مشافهة عُمَر پسر
محمّد و او پسر عبد الرحمن و او پسر اذینه بضمّ همزه و فتح ذال
منقطه و سکون ناء مثناة تحتانی و فتح نون بزرگی از
اصحاب بصریون ما و روشناس ایشان بوده روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السّلام بمکاتبه خود کتاب
فرایض را و راستگو و صحیح بوده شیخ کشی از حمدویه نقل
کرده است که شنیدم از مشایخ خود و از انجمله عبیدی
و غیر او بوده است که ابن اذینه از مردم کوفه بوده و کرّ
از مهدی و وفات یافت در زمین پس از اینکه بسیاری
از او روایت نکرده اند و میگویند که نام او محمّد بن عمر بن

از نینه است تغلیب کرده اند برا و نام پدرش را و او از
مردم کوفه و از ادکردهٔ عبد القیس است **عُمَر** پسر محمد
او پسر مسلم برّاء کنیه اش ابو بکر و معروف بابن جعابی
بپرو زرفت بسوی سیف الدّولة پس او را ترد یک خود
خواند و از جملهٔ مخصوصان او بوده و بود بسیار حافظ
و عارف بر احوال رجال از عامّه و خاصّه این قول شیخ
طوسی رحمه الله است و این موجب تعدیل او نیست و
لیکن او از جملهٔ مرجّحات است **عُمَر** پسر ابو زیاد ابزاز ری برّاز
بعد از باء موحّده و راء بعد از الف روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السّلام و از است کو است **عُمَر**
پسر ربیع کنیه اش ابو احمد و از مردم نصر و روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السّلام **عُمَر** کنیه اش
ابو حفص رمانی از مردم کوفه و از است کو و روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السّلام و بواسطه از مردی
از حضرت صادق علیه السّلام **عُمَر** پسر سالم صبّاغ
سابری از مردم کوفه و برادرش خفص روایت کرده اند
از حضرت صادق علیه السّلام و هر دو از است کو بوده اند

عُمَر پسر ابان کلبی کنیه اش ابو حفص و عرب غیر خالص
و از مردم کوفه و از است کو و روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السّلام **عُمَر** پسر خالد خیاط بنوّل لقب
اش افرق بوده است بفاء در اوّل و قاف در آخر عرب غیر
خالص و از است کو و معتمد علیه بوده است **باب**
دعاء دم در بیان احوال عمرو است و بابان نام یازده نفر
موسومند **عُمَر** پسر محصن کنیه اش ابو ایخچه و از اصحاب
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و در روز صفّین
شهید شد و او همان کسی است که آنحضرت عزم جنگ
جمل نمودند صد هزار درهم با نحضرت بخشید **عُمَر**
پسر ابو المقدام روایت کرده است شیخ کشی بسند متصل
با بو العرندس از مردی از قریش که حضرت صادق علیه
السّلام فرمود که او امیر حاج است و این روایت از جملهٔ
مرجّحات است و شاید که از کسی را که ابن غضایری توثیق
کرده و نقل کرده است از اصحاب تضعیف او را
همین مرد بوده است **عُمَر** پسر سعید مدائنی نجاشی گفته است
که او از است کو است و روایت کرده است از حضرت امام

رضا علیه السّلام وشیخ نکشی از نصر بن صباح نقل کرده
است که عمر بن سعید فطحی مذهب بوده ولیکن بر قول نصر
اعتماد ندارم **عمرو** پیر حمق بجاء غیر منقطه وقاف
بعد از میم شیخ نکشی از فضل بن شاذان نقل کرده است که
او از جمله جماعتی است که رجوع کردند بسوی حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام **عمرو** پیر حریث بجاء
مضموم غیر منقطه وثاء منقطه بسه نقطه بعد از ناء
منقطه تحتانی روایت کرده است شیخ نکشی از جعفر بن
احمد بن ایوب از صفوان از عمرو بن حریث انچه را که
شهادت میدهند بر صحت اعتقاد و ایمان او و این طریق
پسندیده شده ایست و بخاشی گفته است که عمرو بن
حریث کنیه اش ابو احمد وصرّاف واز قبیلهٔ اسد واز
مردم کوفه وعرب غیر خالص وراستکو و روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السّلام وانچه از برای
ما ظاهر گردیده است انست که او انکس نیست
که شیخ طوسی رحمه الله او را در میان اصحاب حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام ذکر کرده است وگفته است

که او دشمن خدا وملعون بوده است **عمرو** پیر عثمان
از قبیلهٔ ثقیف وخزّاز بوده وبعضی گفته اند که او از قبیله
ازد بوده وکنیه اش ابو علی وراستکو بوده است روایت
کرده است از پدرش از سعید بن یسار واز برای او پسری
هست که نامش محمد است روایت کرده است از او از
عقده وعمرو بن عثمان پاکیزه حدیث وصحیح الحکایات
بوده **عمرو** پیر الیاس واو پیر عمرو واو پیر الیاس از قبیله
بجیله واو پیر پیر همان الیاس بوده روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السّلام وروایت کرده است
از او طاطری واو راستکو است وبرادر زاده اش یعقوب
ورقیم نیز راستکو باشند **عمرو** پیر ابرهیم از قبیلهٔ ازد
واز مردم کوفه وراستکو وروایت کرده است از حضرت
صادق علیه السّلام **عمرو** پیر مروان راستکو است
عمرو پیر ابو نصر ونامش زید بوده وبعضی بجای زید
زیاد گفته اند ازاد کردهٔ سکون وبعد از ازاد کرده پیر
بن فرات شرعبی وراستکو وروایت کرده است از حضرت
صادق علیه السّلام **عمرو** پیر منهال بلاّم از مردم

کوفه وراستکو بوده **باب سیزدهم** در بیان احوال
عیسی است وبان نام هفت نفر موسومند **عیسی** پسر
جعفر واو پسر عاصم روایت کرده است شیخ کشی که حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام دعا از برای او کرد
وذر طریق احمد بن هلال است واو نزد من ضعیف است
پس این روایت موجب تعدیل او نیست ولیکن از او
جمله مرجحات است **عیسی** پسر ابو منصور شلقان بشین
منقطه وقاف ونون ونام ابو منصور صبیح بوده است
ابن بابویه کفته است کرکنیه عیسی ابو صالح بوده است
وروایت کرده است شیخ کشی از محمد بن عیسی که کفت
نوشت بسوی من ابو محمد فضل بن شاذان که ذکر میکرد
از ابن ابی عمیر از ابراهیم بن عبد الحمید از سعید بن یسار
از عبد الله بن ابی یعفور که حضرت صادق علیه السلام
ذر حق عیسی فرمود که هر که خواهد که به بیند مردی را
از اهل بهشت پس باید که نظر کند بسوی این مرد واز
حضرت صادق علیه السلام منقول است که او نیکو آ
در دنیا ونیکو است در آخرت وروایت کرده است ابو

ابو جعفر بن بابویه در ثبت اسمهای رجالش از محمد بن
حسن بن ولید از محمد بن حسن صفار از یعقوب بن یزید
از ابن ابی عمیر از ابراهیم بن عبد الحمید از عبد الله بن سنان
از ابن ابی یعفور که کفت بودم نزد حضرت صادق علیه
السلام که ناکاه امد عیسی بن منصور پس حضرت بمن فرمود
که هرکاه خواهی که نظر کنی بسوی کسی که بوده است
نیکو در دنیا ونیکو در آخرت پس باید که نظر کنی بسوی
این مرد واین طریق حسنی است وابو عمر وکشی کفته است
که سؤال کردم از حمدویه بن نضیر از احوال عیسی پسر
کفت که او خیر خواه وفاضل وهمانکس است که معروف
بشلقان واو پسر ابو منصور است ونام ابو منصور صبیح
بوده است ومناشی کفته است که عیسی بن صبیح عربی
عرب خالص وراستکو وروایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام **عیسی** پسر عبد الله قمی روایت
کرده است شیخ کشی از حمدویه بن نضیر از محمد بن حسین
بن ابو الخطاب از احمد بن محمد بن عیسی از یونس بن یعقوب
که حضرت صادق علیه السلام بوسیدند درمیان

دوچشم او زاوبا و فرمودند که نوازما اهل بیتی و این طرق
واضحی است عیسی پسر سری کنیه اش ابو الیسع و از
مردم کرخ بغداد و عرب غیر خالص و راستکو و روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السّلام عیسی
پسر اعین جزیری بجیم و راء بعد از یاء و قبل از یاء منقوطه
تحانی از قبیلهٔ بنی اسد و عرب غیر خالص و از مردم کوفه
و راستکو است روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السّلام عیسی پسر عبد الله و او پسر سعد علی بن
احمد عقیقی کنیه است که او شبیه پدرش بوده است
و روشناس بوده است نزد حضرت صادق علیه السّلام
و از جملهٔ مخصوصان آنحضرت بوده است باب
چهارصد در بیان احوال علاء است و بیان نام چهار ده
نفر موسومند علاء پسر فضل و او پسر بنار بنین غیر
منقطه کنیه اش ابو القاسم بهدی و او منسوب بسوی
بهدة بن زید بن سود بن اسلم بن أطاف بن قضاعه عرب غیر
خالص و از مردم بصره و راستکو بوده است علاء پسر
رزین براء مهمله و اول و بعد از آن زای و نون بعد از یاء

مشاة تحانی قلاء و از قبیله ثقیف و عرب غیر خالص است
چنانچه ابن فضال گفته است و ابن عنده ناسب گفته
است که او از اد کردهٔ قبیلهٔ تیم بوده و سویقرا بر بان
میکرده روایت کرده است از حضرت صادق علیه السّلام
و مصاحب بوده است با محمد بن مسلم و فقه را بر او خوانده
و راستکو و جلیل القدر و روشناس بوده علاء پسر مقفل
از مردم کوفه و راستکو و روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السّلام علاء پسر یحیی مکفوف از مردم کوفه
و راستکو است باب یازدهم در بیان احوال عامر
است و بیان نام دو نفر موسومند عامر پسر عبد الله و
او پسر جذاعه روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن قولویه
از سعد از علی بن سلیمان بن داود رازی از علی بن اسباط
از حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام که عامر
بن عبد الله بن جذاعه از جمله حواریان حضرت امام محمد
باقر و امام جعفر صادق علیهما السّلام بوده و روایت
کرده است باز شیخ کشی روایت مرسلی را که منافات با این
دارد و تعدیل او نزد من با محز است عامر پسر عبید قیس از جمله

رُهّاد ثمانیه و در خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه
السّلام بوده **باب شانزدهم** در بیان احوال عمّار
و بیان نام هفت نفر موسومند **عمّار** پسر محمّد و او پسر
عمّار و او پسر عبد الله اشعری از اصحاب حضرت امام
رضا علیه السّلام و راستکو بوده است **عمّار** پسر
حصین روایت کرده است شیخ نکتی از فضل بن شاذان که
او از جمله جماعتی بوده است که رجوع نمودند بخدمت
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام **عمّار** پسر عبد الله
قمّی روایت کرده است شیخ نکتی از محمّد بن مسعود از حسین
بن عبید الله از عبد الله بن علی از احمد بن حمزة بن عمران
قمّی از حمّاد ناب که حضرت صادق علیه السّلام نیکو
باو نموده و با او بشاشت فرموده نکفتند در بارهٔ او که از
ما اهل بیت برگزیده شده است و روایت کرده است
نیز از محمّد بن مسعود و علی بن محمّد از حسین بن عبید الله از
عبد الله بن علی از احمد بن حمزة از مرزبان بن عمران از بابان
بن عثمان که حضرت صادق علیه السّلام در بارهٔ او
فرمودند که او بخیبی است از جملهٔ جماعت بخیبان یعنی

از اهل قم و بعد از ان شیخ نکتی نکفته است که چون عمّار
کردم ایندو حدیث را بر احمد بن حمزه که من انها را نمی شناسم
و نمیدانم که چکسانها را روایت کرده است و بجائی نکفته
است که عبد الله بن علی بن عمران قرشی کنیه اش ابو الجزر
مخزومی و معروف بمیمون بوده فاسد المذهب و الروایة
و ممکن است که ابن راوی و حدیث باشد و بجملا توقف
در حق او لازمست و ثابت نمیشود نزد من بابن دو حدیث علیان
عمّار بانچه در احوال او کفته اند بلکه از دو حدیث از
جمله مرجحات است **عمّار** پسر مسکان کنیه اش ابو محمّد
واز مردم کوفه و راستکو است **عمّار** پسر موسی ساباطی
فروش از مردم قم و راستکو است **عمّار** پسر میثم و او
پسر یحیی از قبیلهٔ بنی اسد و عرب خالص و راستکو است
روایت کرده است از حضرت امام محمّد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السّلام **عمّار** پسر علی و او پسر ابو شعبه
راستکو است و کنی را طعنی بر او نیست و کنیه اش
ابو الفضل است **باب هفدهم** در بیان احوال
عاصم است و بان نام دو نفر موسومند **عاصم** کوفی

از قبیلهٔ کوز صبّه بوده و بعضی کفته اند که از قبیله کوز
بنی مالک بن اسد بوده و راستکو و روایت کرده است
از حضرت امام محمد باقر علیه السّلام **عاصم** پسر حمید
بضم حاء حنّاط بنون و حنفی و عرب عنبر خالص و از مردم
کوفه و راستکو و معتمد علیه و بسیار روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السّلام **باب هیجدهم**
در بیان احوال عثمانست و بان نام سه نفر موسومند
عثمان پسر حنیف بحاء غیر منقطه مضمومه و نون
مفتوحه و فاء بعد از یاء منقطهٔ تحتانی از جملهٔ سابقان
بوده است که رجوع نمودند بحضرت امیر المؤمنین علیه
السّلام چنانچه فضل بن شاذان کفته است **عثمان**
پسر سعید بفتح سین عمری بفتح عین و کنیه اش ابو عمرو
سمان و او را ثبات نیز میکفتند از قبیلهٔ بنی اسد و از
اصحاب حضرت امام محمد تقی علیه السّلام بخدمت
انحضرت مشغول کردید و از برای او نه یا دوازده سال
بوده و برای او بنوی انحضرت عهد معروفی هست
و او راستکو و جلیل القدر و وکیل حضرت امام حسن

عسکری

عسکری علیه السّلام است و اختلاف کرده اند در
وجه تسمیهٔ او بعسکری بعضی کفته اند از اینجهت که او و پدر
و دختر ابو جعفر عمری بوده است رحمه الله پس او را بدان
نامیدند بسوی جدّش و عمریش کفتند و بعضی کفته اند
که حضرت ابو محمد عسکری علیه السّلام فرموده که واسطه
میتوانند شد امری یعنی کنی در میان عثمان و ابو
عمرو پس امری را بکسر کنیه او قرار دادند و بعد از ان او را
عمری کفتند بکسر عین **عثمان** پسر خالد کنیه اش ابو سعید
رجبی بجیم و باء موحده در میان دو یاء منقطه تحتانی
از اهل کش و راستکو است **باب نوزدهم** در بیان
احوال عقبه است و بان نام دو نفر موسومند **عقبه**
بضم عین و شکون قاف کنیه اش ابو عمرو و از قبیله انصار
و مصاحب حضرت رسول صلّی الله علیه و اله و خلیفهٔ
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در کوفه بوده است
عقبه پسر خالد روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن
مسعود که کفت حدیث کرد مرا عبد الله بن محمد از وشاء
و او کفت که حدیث کرد مارا علی بن عقبه از پدرش که کفت

عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السّلام
که ما را خادمه هست که نمیشناسد مرا مانند را و
لیکن هرگاه که کناهی میکند وخواهد که سوگند بخورد
میگوید که من انکار را نکرده ام بحق انکسی که هرگاه نام
او را می برند گریان میگردید پس حضرت فرمود که خدا
رحمت کند شما خانه ابادة را باب بیست و پنجم در بیان
اخوال عبد الاعلی است و بان نام دو نفر موسومند
عبد الاعلی پسر علی و او پسر شعبه برادر دش محمد بن علی جلنی آ
راستکو و کمی طعنی بر او نرده عبد الاعلی ازاد کردهٔ ال
سام نقل کرده است شیخ کشی که حضرت صادق علیه
السّلام اذن دادند از برای او در مناظرهٔ ملحدان و گفتند
که مادامت در نجف میماند که هرگاه فرماید میتواند بر و از کرد
باب بیست و یکم در بیان اخوال عبید است و بان
نام سه نفر موسومند عبید پسر زران و او پسر اغین
از قبیله بنی شیبان روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السّلام و راستکو و راستکو و معتمد علیه و شهره
و شکی در او نبوده و اخول بوده عبید پسر حسن از مرد

و راستکو و کم حدیث بوده عبید پسر عبد بیاع
موحّد کنیة اش ابو عبد الله جدلی بجیم از اصحاب حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام و بعضی گفته اند که او علم
دار مختار بوده است باب بیست و سیم در بیان اخوال
عبد الکریم است و بان نام دو نفر موسومند عبد
الکریم پسر عبه بضم عین غیر منقطه و تاء منقطه فوقانی
و باء موحّده از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه
السّلام و راستکو بوده است عبد الکریم پسر هلیل
جعفی خزاز بخاء منقطه و زای پیش از الف و بعد از آن
عرب غیر خالص و از مردم کوفه و راستکو و معتمد علیه
و او خلقانی بقاف میگوید روایت کرده است از
حضرت صادق علیه السّلام باب بیست و سیم
در بیان اخوال عوف است و بان نام دو نفر موسومند
عوف پسر عبد الله و او پسر جعفر بن ابی طالب علیه السّلام
از اصحاب حضرت امام حسین علیه السّلام و با انحضرت
در کربلا شهید شد عوف پسر سالم از مردم کوفه و راستکو
و کم حدیث بوده باب بیست و چهارم در بیان

اخوال عمار است و بان نام دو نفر موسومند **عمار** پسر
یاسر خدا رحمت کند او را روایت کرده است شیخ کشی از
علی بن حکم از سیف بن عمیره از ابو بکر حضرمی که
گفت حضرت صادق علیه السلام فرمودند که مرتد گردید
تمام مردم بعد از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
آله مگر سه نفر سلمان و ابوذر و مقداد گفتم که عمار
چون بود فرمودند که او لغزشی کرد ولیکن برگشت و بعد
ازان فرمود که اگر خواهی کسی را نام بعد ازان حضرت شک
نکرد و شبهه در دلش داخل نکردید پس او مقداد است
عمار پسر مروان از اذکرده بنی ثوبان بن سالم از اد
کرده یسکر حوذش و برادرش عمر و هر دو راستکو بوده
اند و خودش روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام **یاب** بیست و پسر در بیان اسامی متفرقه
است و در اینجا بیست و دو نفر مذکورند **عبد الواحد**
پسر عبد الله و او پسر یونس موصلی برادر عبد العزیز بزکیه
اش ابو القسم و شنیده است از او تلعکبری حدیث را در سال
سیصد و بیست و شش از هجره و ذکر کرده است

که او را استکو بوده است **عروه** فات بقاف و تا
منقطه فوقانی پیش از الف و بعد از ان او را در کاسه
کوفه قاضی کرده بودند و از برای حضرت صادق
علیه السلام نقل کردند که مردم نزد او جمعیت میکنند
و او امور را بثما نسبت میدهد فرمودند که با کی بر او
نیست روایت کرده است این را شیخ کشی از محمد بن مسعود
از احمد بن منصور از احمد بن فضل کاسی **عنبسة** بنون
پیش از باء موحده و بسین غیر منقطه پس بجاد بباء موحده
و جیم شیخ کشی از حمدویه روایت کرده است که گفت
شنیدم از مشایخ خود که میگفتند عنبسة بن بجاد خیر خواه
و فاضل بوده و بخاشی گفته است که عنبسة بن بجاد عابد
از اد کرده قبیله بنی اسد و قاضی و راستکو بوده است
روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
عباده پسر صامت و او پسر برادر ابوذر از جمله نجبا
بوده که در بدر امامت نموده و بود شیعی و از جمله سابقین
که رجوع نمودند بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
علقمه بقاف پسر قیس کشته شده در صفین بخدمت

حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و برادرش ابی بن
قیس بوده عجلان کنیه اش ابو صالح است شیخ کشی
از محمّد بن مسعود نقل کرده است که گفت شنیدم از
علی بن حسن بن علی بن فضّال که میگفته است عجلان
کنیه اش ابو صالح و راستگو است و باز گفته است
که حضرت صادق علیه السّلام باو فرموده اند که ای
عجلان کو با که چون من نظر بسوی تو میکنم نظر به بهشت
خود میکنم و مردم عرض کرده میشوند بر من عبد الخالق
پسر عبد ربّه از جمله ازاد کرده شدگان قبیله بنی اسد
بوده و صلحاء موالی ایشان بوده روایت کرده است
شیخ کشی از محمّد بن مسعود از عبد الله بن محمّد از پدر ش از
اسمعیل بن عبد الخالق که گفت ذکر فرمود ابو عبد الله
پدر مرا پس فرمود سه مرتبه که خدا صلوات فرستد بر
پدر تو و ظاهر انست که ابو عبد الله حضرت صادق
علیه السّلام باشد عبد الرحمن پسر عبد ربّه شیخ کشی
گفته است که شهاب و عبد الرحیم و عبد الخالق و وهب
فرزندان عبد ربّه همه ازاد کرده شدگان قبیله بنی اسد

و از صلحاء موالی ان قبیله بوده اند گفته است کشی که
حدیث کرد مرا حمدویه بن نضیر که گفت شنیدم از بعضی
از مشایخ که میگفته در جواب از سؤال من از حال وهب
و شهاب و عبد الرحیم پسران عبد ربّه و اسمعیل بن عبد
الخالق بن عبد ربّه که ایشان همگی نیکان و فاضلان و
از مردم کوفه بوده اند عبد الجبّار پسر مبارک نهاوندی
روایت کرده است شیخ کشی از طریقی که در ان ضعف
هست که حضرت امام محمّد تقی علیه السّلام از دنامه
از برای او نوشتند که او را ازاد است زیرا که اهل صلاح
او را اسیر کرده بودند علیبن اسباط بیاع موحد پسر در اع
بدال غیر منقطه از قبیله بنی اسد روایت کرده است شیخ
کشی از احمد بن منصور از احمد بن فضل از ابن ابی عمیر
از شعیب عقرقوفی از حضرت امام محمّد باقر علیه السّلم
و از مسعود از ابراهیم بن محمّد بن فارس از یعقوب بن یزید
از ابن ابی عمیر از شهاب بن عبد ربّه از حضرت صادق
علیه السّلام که اند و معصوم ضامن کردیدند از برای
علیاء بن دراع و از برای ابو بصیر هشت دراهم از شعیب

برادر بکیر وزاران نیست **عدي** بدال غیر منقطه پسر
حاتم فضل بن شاذان کفته است که او از جمله جماعتی
است که رجوع نمودند بخدمت حضرت امیر المؤمنین
علیه السّلام **عبد العظیم** پسر عبد الله واو پسر علی
واو پسر حسن واو پسر زید واو پسر حسن بن علی بن ابی طالب
علیه السّلام کنیه اش ابو القسم واز برای او کتابیست
که ذر انجا نقل کرده است خطبهای حضرت امیر
المؤمنین علیه السّلام را وبوده است عابد وپرهیز
کار واز برای او حکایتی هست که دلالت میکند بر
خوبی حال او وما ذکر کرده ایم او را در کتاب بزرک
خود ومحمد بن ابو بکر کفته است که او پسندیده بوده
نزد اصحاب **عبد الصمد** پسر بشیر بباء پیش از راء مهمله
بضم عین غیر منقطه وعبدي واز اد کرده عبد القیس
واز مردم کوفه وراستکو را استکو روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السّلام **عبد المؤمن** پسر
قاسم واو پسر قیس واو پسر قهد بفتح قاف وسکون هاء از
قبیله انصار وروایت کرده است از حضرت امام محمد

باقر وامام جعفر صادق علیهما السّلام راستکو بوده
است او وبرادرش وبرادر ابو مریم بوده است که نامش
عبد الغفار بن قاسم است وقیس بن قهد از جمله صحابه
بوده است **عرفه** ازدی از اصحاب حضرت امیر المؤمنین
علیه السّلام وحضرت رسالت پناه صلی الله علیه
واله از برای او دعا فرمودند باین لفظ که خداوندا برکت
ده از برای او در تجارت وبیع وشراء ش **عوف** پسر
حارث از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام
واز مردم بدر بوده است **عتیق** بناء منقوطه فوقا
وبعد از ان یاء منقطه تحتانی وبعد از ان قاف پسر
واو پسر صامت سوار حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
واله **عیص** بکسر عین غیر منقطه وصاد در اخر پسر ابو
القسم واو پسر ثابت بثاء مثلثه از قبیله بجیله واز مردم
کوفه وعرب خالص وکنیه اش ابو القسم وراستکو ومعتمد
علیه وروایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق
وامام موسی کاظم علیهما السّلام او وبرادرش ربیع
پسران خواهر سلیمان بن خالد اقطع بوده اند **عزیز** پسر

ز هیثم یکی از نبی کثم و از اهل همدان و وکل ناحیهٔ مقدسه
بوده **عتیبة** بضم عین غیر منقطه و فتح تاء منقطه فوقانی
پسر منیمون فروشندهٔ نبی راستکو و معتمد علیه و از اد
کردهٔ قبیله بجیله بوده است **عسکری** پسر علی کنیه اش
ابو محمد بوفکی بوفات نام دهی است از دهات نیشابور
بزرگی از اصحاب ما و راستکو بوده **عطیة** پسر حارث
کنیه اش ابو روق از قبیله همدان و از مردم کوفه و تابعی
ابن عقدن کفته است که او از جمله کسانیست که قایل
بوده است بولایت اهل بیت علیهم السلام **فصل**
نوزدهم در ذکر اسمائیست که در اول انها فاء است
و در ان سه باب است **باب اول** در بیان اخوال فضیل
است و بان نام دو نفر موسومند **فضیل** پسر یسار
بیاء منقطه تحتانی و سین غیر منقوطه که از قبیله
هذل و کنیه اش ابو القسم بوده عربی خالص و ساکن
در بصره و راستکو و مشهور و بزرگوار و با مقدار زیاد روایت
کرده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام و در زمان حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام وفات یافت شیخ کشی کفته است که حدث
کرد مرا علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان و از محمد بن مسعود
که کفت نوشت بسوی من فضل بن شاذان روایتی را از ابان
ابی عمیر از جماعتی از اصحاب ما که کفت حضرت صادق
علیه السلام هرکاه که نظر میفرمودند بسوی فضیل بن یسار
که میامد میفرمودند که بشارت ده تواضع کنندکان و اذلال
کرفتکان را به بهشت و میفرمودند که فضیل از اصحاب
پدر مراست و من دوست میدارم کسی را که دوستدار
اصحاب پدر خود را و شیخ کشی نیز کفته است که او از جمله
جماعتیست که اجماع نموده اند جماعت محدثین بر تصدیق
نمودن او و اقرار نمودن از برای او بفقه و دانشمندی
فضیل پسر محمد پسر راشد از اذ کردهٔ فضل بقباق و کنیه
اش ابو العباس و از مردم کوفه و از برای او کتابی هست
راستکو است چنانچه برخی کفته است **باب دوم**
در بیان اخوال فضل است و بان نام شش نفر موسومند
فضل پسر سنان از مردم نیشابور و از اصحاب حضرت
امام رضا علیه السلام و وکیل حضرت بوده است **فضل**

پسر شاذان بشین منقوطه وذال منقوطه ونون وشاذان
پسر خلیل بخاء منقوطه وکنیه فضل ابو محمد واز طائفه
ازد ونیشابور یش میکفته اند پدرش از اصحاب یونس
بوده وروایت کرده است از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
وبعضی کفته اند که از حضرت امام رضا علیه السلام
نیز روایت کرده است وبود راستکو وبزرکوار وفقیه
وماهر در علم کلام واز برای او شان بزرکی بود در میان
طائفهٔ امامیه بعضی کفته اند که او تصنیف کرده است
صد وهشتاد کتاب وطلب مرخصت کرده است برای خصر
امام علی نقی علیه السلام دو مرتبه ودر بعضی روایات
وارد است که سه مرتبه پی در پی طلب مرخصت برای او
کرده اند ونقل کرده است شیخ کشی از ائمهٔ علیهم السلم
مدح او را وبعد از ان ذکر کرده است بعضی چیزها
که منافات با مدح او دارد وما آنجواب کفته ایم در کتاب
بزرک خود واین شیخ بزرکتر است از انکه طعنی در بارهٔ
او قبول کفت زیرا که او سرکردهٔ طائفهٔ ماست خدا از او خوشنود باد **فضل** پسر عبد الرحمن از مردم بغداد وماهر

در علم کلام بوده است **فضل** پسر اسمعیل کندی مردی
بوده است از اصحاب ما راستکو وحدیثش کم بوده است
فضل پسر عثمان که از قبله مراد وصایغ بوده است
بغین منقوطه یعنی زرکر واز مردم انبار بوده است وکنیه
اش ابو محمد بوده است راستکو راستکو است روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام **باب**
سیمر در ذکر اسماء متفرقه است ودر انجا سه نفر
مذکور شدند **فضالة** پسر ایوب کرازقبله ازدی بوده واز اصحاب
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام وساکن در اهواز
بوده روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام راستکو بوده در حدیثش ودینش مستقیم بوده
فیض پسر مختار خثعمی از مردم کوفه وروایت کرده است
از حضرت امام محمد باقر وامام جعفر صادق علیهما السلم
واز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نیز واو راستکو
وبزرکوار بوده **فارس** پسر سلیمان کنیه اش ابو شجاع
آرجانی بفتح همزه وسکون زاء وفتح جیم ونون بعد از الف
بزرکی از اصحاب ما بوده وادب وهنرهای زیادی را شته

است **فصل بیستم** در ذکر اسامی است که در اول انها فا فاست و در ان سه باب است **باب اول** در بیان اخوال قاسم است و بان نام هفت نفر موسومند **قاسم** پسر فضیل پسر یسار هندی که ساکن بضع بوده کنیه اش ابو محمد راستکو و روایت از حضرت صادق علیه السلم کرده است **قاسم** پسر هشام شیخ کشی روایت کرده است از نضر که من و زاذیه ام مزدخیر خواه و فاضل بوده در و منکر از حسن بن محبوب **قاسم** پسر برید بباء موحده مضموم و برید پسر معاویه و عجلی و راستکو بوده روایت میکند از حضرت صادق علیه السلام **قاسم** پسر خلیفه از مزدم کوفه و راستکو و حدیثش کم است **قاسم** پسر محمد و او پسر ابوب و او پسر میمون بوده از بزرگان اصحاب ما بوده است و نیست او قاسم بن محمدی که ملقب است بکاسولا **قاسم** پسر محمد خلقانی بضم خاء منقوطه و قاف و نون بعد از الف از مزدم کوفه و کارش نزدیک است **باب دوم** در بیان اخوال قیس و بان نام چهار نفر موسومند **قیس** پسر سعد پسر عباده از جمله پیشینیانی است که

رجوع کردند بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلم و او مدح کرده شده است و بیعت نکرد با ابو بکر **قیس** پسر عباد نیکری مدح کرده شده است **قیس** برادر عمار شاباطی راستکو بوده است **قیس** پسر عمار و او پسر حیان بوده کارش نزدیک است **باب سیم** در بیان اسامی متفرقه است و در انجا دو نفر مذکورند **قنبر** ازاد کرده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مدح کرده شده است **قتیبه** پسر محمد اعشی مؤدب کنیه اش ابو محمد مقری ازاد کرده قبیله ازد است بزرگوار و روایت از حضرت صادق علیه السلام کرده است **فصل بیست و یکم** در اسماء جماعتیست که در اول نام ایشان کاف است و در انجا هفت نفر مذکورند **کلح** که از قبیله بنی صعب بوده و شمرده شده با دکان اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلم در غزوه صفین **کعب** پسر عبد الله بوده با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ جمل و صفین و غیر انها **کمیت** پسر زید اسدی رحمت کند خدا او را مدح کرده شده است **کلیب** پسر معویه صیداوی روایت کرده

است شیخ کشی از علی بن اسمعیل از حماد بن عیسی از حنیز
بن مختار از ابو اسامه که حضرت صادق علیه السلام
طلب مرحمت نمود از برای او و از ابوب بن نوح روایت کرده
است از صفوان بن یحیی از کلیب بن معویه از حضرت صادق
علیه السلام و ذکر کرده است انچه را که شهادت
میدهد بر صحت عقیدهٔ او و در اول حسین بن مختار است
و او واقفی است و در دویم شهادتی است از برای خودش
ما در بعد دلیل او از جملهٔ توقف کنندگانیم **کعیب** پسر
عبد الله از اد کرده طرفه از مردم کوفه و راستگو بوده
است روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
ذکر کرده اند او را از اصحاب ما از جال **کثیر** پسر کلثم
کنیهٔ اش ابو الحارث بوده و بعضی گفته اند کنیهٔ اش
ابو الفضل بوده از مردم کوفه و روایت کرده است از
حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
راستگو بوده **کثیر** طویل علی ابن احمد عقیقی گفته
است که او را امامیه ثنا خانده و سند انچه روایت
کرده است بغایت ضعیف است پس تعویل بر او نیست

نسر

فصل بیست و دویم در اسامی جماعتیست که در اول نام ایشان لام است و در ایجاد و نفر مذکورند

لوط پسر یحیی و او پسر سعید و او پسر مخنف و او پسر سلم است
که از قبیله ازد و غامد است بعین منقوطه و دال مهمله
کنیهٔ اش ابو مخنف است خدا رحمت کند او را بزرگ
اصحاب اخبار است در کوفه و در وشناس ایشان است
و اطمینانی بر روایت او هست روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بمباشری گفته است که بعضی
گفته اند که او روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام و نزد من بصحت نه پیوسته و شیخ طوسی و
شیخ کشی گفته اند که او از اصحاب حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام است و ظاهر خلاف آنست اما پدرش یحیی
پس او از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده
پس شاید که قول شیخ و کشی ایشان به پذیرا و باشد و الله
اعلم **لیث** پسر بختری بباء موحده مفتوحه و خاء معجمه
ساکنه و تاء منقطه فوقانی و راء مکنون از قبیله مراد
و کنیهٔ اش ابو بصیر و با ابو محمد نیز کنیه داشته روایت

بلغه چون کثیر پسر کلثم و لیث پسر بختری و لوط پسر یحیی و او پسر سعید و او پسر مخنف و او پسر سلم است از ازد و غامد و قبیله اند از یمن نسر

کرده است شیخ کشی از حمدویه بن نضیر از یعقوب بن یزید
از محمد بن ابی عمیر از جمیل بن دراج که گفت شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود بشارت ده
خضوع کنندگان و ارام یافتگان را به بهشت و ایشان
یزید بن معویه عجلی و ابو بصیر لیث بن بختری مرادی و محمد
بن مسلم و زرارة باشند که این چهار نفر نجیبان و بزرگان
حق تعالی اند بر حلال و حرام او اگرچه انچه این چهار نفر
نمیبودند منقطع میگردید اثار نبوت و مندرس میشد و
شیخ کشی گفته است که ابو بصیر اسدی یکی از اجماعیست
که اجماع کرده اند جماعت محدثان بر تصدیقش و بر اقرار
نمودن از برای او بفقه و دانشمندی و بعضی دیگر در
موضع ابو بصیر اسدی و ابو بصیر مرادی گفته اند و او
لیث مرادیست و روایت کرده است احادیثی در مدح
و مذمت تا وقتیکه ما انها را در کتاب بزرگ خود ذکر کرده
ایم و جواب از انها گفته ایم و ابن عضایری گفته است
که لیث بن بختری مرادی کنیه اش ابو بصیر بوده و ابو محمد نیز
کنیه داشته حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

دلشان از او بود و او را مبرم میشناخته و اصحاب ان
حضرت اختلاف دارند در شان او و باز ابن عضایری
گفته است که اعتقاد من انست که طعن بر دین اوست
نه بر حدیثش و او نزد من راست گو است و انچه اعتماد بر
ان دارم اینست که روایت او را قبول نمایم و او از جمله
اصحاب امامیه ما است از جهة حدیث صحیحی که ذکر کرد
ایم اول مرتبه و قول ابن عضایری که طعن در دین اوست موجب
طعن بر او نیست **فصل سیم** در اسماء جماعتیکه
که در اول نام ایشان میم است و در انده با بست **باب**
اول در بیان اخوال محمد است و بان نام صد و هشتاد
و نه نفر موسومند **محمد** پیر عمرو و او پیر حزم از اصحاب
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله بوده در جنگها
با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده **محمد** پیر
بکیل او پیر وزقا از اصحاب حضرت رسالت پناه
در جنگها او و برادرش با حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام بوده اند و با انحضرت در جنگ صفین کشته
شدند و ایشان ایلچی حضرت رسالت صلی الله علیه

والله بودند بسوی اهل یمن و محمّد کشته شد بارا عیان
حضرت رسول صلّی الله علیه و اله در بطن قناة محمّد
پسر ابوبکر بزرگوار و عظیم المنزلة و از خواصّ حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام بوده محمّد پسر ابو سلمه
او و برادرش در جنگها در خدمت حضرت امیر المؤمنین
علیه السّلام بوده و مادر ایشان ام سلمه ایشان را نزد
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام آورد و گفت که اینها
صدقه اند که از جهة فلانی تو آنها را آورده ایم و او
چنانچه جایز بود از برای من پرورانند هر آینه با تو
پرورند میانداد محمّد پسر فضیل پسر غزوان بغین منقوطه
و زای و نون در آخر از قبیله بنی ضبّ و از اد کرده ایشان
و کنیة اش ابو عبد الرحمن و از اصحاب حضرت صادق
علیه السّلام و راستکو بوده محمّد پسر قیس و
کنیة اش ابو نصر تبّون بوده از قبیلهٔ بنی اسد و از اصحاب
حضرت صادق علیه السّلام و راستکو بوده
است محمّد پسر سالم پسر شریح اشجعی حذاء از مردم
کوفه و کنیة اش ابو اسمعیل از او سنده هست و در رسال

صد و نود و دو وفات یافت و او پنجاه و نه سال داشت
و از اصحاب حضرت صادق علیه السّلام بوده و او را
سالم حذّاء و سالم اشجعی و سالم بن ابی حفصة و سالم
بن شریح بشین منقوطه میکفته اند و او راستکو است
محمّد پسر عمرو و او پسر عبید بضم عین و او از قبیله
انصار و عطار و ساکن کوفه و از اد کرده اهل کوفه و او
پسر ابو حفص از اصحاب حضرت صادق علیه السّلام
و سندا از او هست و بعضی کفته اند که او معاذل بوده
است با هزار مرد در رسال صد و هفتاد و شش وفات
یافت محمّد پسر عذافر بعین مضمومهٔ غیر منقوطه و ذال
معجمه و فاء و راء پسر عیسی صیرفی منابنی راستکو بوده
روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و
امام موسی کاظم علیهما السّلام و تا زمان حضرت
امام رضا علیه السّلام زنده بود و نود و نه سال عمر
کرده بود محمّد پسر نویر از اصحاب کاظم علیه السّلام
و راستکو بوده محمّد پسر علی پسر نعمان کنیة اش ابو جعفر
و ملقب بمؤمن الطاق بوده از اد کردهٔ قبیلهٔ بجیله بود

از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و
راستکو بوده ولقب دنکرش آخول بوده وسنیان اورا
ملقب بشیطان الطاق کرده بودند واورا شیطان الطاق
میگفته اند ازجهة انکه دکانش درطاق المحامل دزکوفه
بوده است روزی باو درهمی نمودند پس گفت که اوچنان
وبعد ازملاحظهٔ چنان بود که گفته بود پس اورا شیطان
الطاق میگفتند وکثیر العلم بوده وحافظه اش نیکو بود
محمّد پسر جبیر پسر مطعم فضل بن شاذان گفته است
بود در زمان حضرت امام زین العابدین علیه السّلام در
اول امرش مکرر نفرا ازجمله ایشان محمّد بن جبیر را دکر
کرده است محمّد پسر فضل ازدی ازمردم کوفه واز اصحاب
حضرت امام رضا علیه السّلام وراستکو بوده محمّد
پسر خالد پسر عبد الرحمن پسر محمّد پسر علی برقی کنیة اش ابو
عبد الله ازاد کردهٔ ابو موسی اشعری واز اصحاب حضرت
امام رضا علیه السّلام وراستکو بوده ابن غضایری
گفته است که اورا ازاد کرده جریر بن عبد الله است حدیثش
کاهی معروف وکاهی غیر معروف وضعفاء روایت میکنند از

ضعفاء واعتماد دارند بر مراسیل ونجاشی گفته است
که حدیث او ضعیف است واعتماد نزد من بر قول شیخ
ابو جعفر طوسی است که تعدیل او کرده وشیخ کشی گفته
است که نضر بن صباح گفته است که ملاقات نکرده است
برقی ابو بصیر را که درمیان ایشان قاسم بن حمزه واسحق بن
عمار باشد محمّد پسر اسمعیل پسر بزیع بباء موحده مفتوحه
وزای وباء منقطهٔ تحتانی وعین غیر منقوطه کنیة اش
ابو جعفر واز اد کردهٔ ابو جعفر منصور بوده وفرزندان بزیع
سه نفر بوده اند یکی ازانجمله حمزة بن بزیع بوده وازجملهٔ
صالحان طائفهٔ امامیه وراستکویان ایشان بوده است
وبسیار عمل بوده است شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که محمّد بن اسمعیل بن بزیع راستکو وصحیح الحدیث واز اد
کردهٔ منصور است ومحمّد بن عمر وکشی گفته است
که محمّد بن اسمعیل از رجال حضرت امام موسی کاظم علیه
السّلام بوده ودریافته است خلافت حضرت امام محمّد
تقی علیه السّلام را وحمدویه از مشایخ خود روایت کرده
است که محمّد بن اسمعیل واحمد بن حمزه در بغداد وزراء بوده اند

نسخه ابن ابی عمیر را دیده است
ظاهرا که مراد ابن ابی عمیر است

وعلی بن نعمان کتابهای خود را وصیت کرده بود از برای محمد
بن اسمعیل و علی بن حسن گفته است که او را استکو را استکو
و معتمد بوده است و بعضی از اصحاب ما حکایت کرده اند
از ابن ولید که گفته است که در روایت محمد بن اسمعیل بن
بزیع مذکور است که حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
است که از برای حق تعالی در درهای خانهای ظالمان
کنی هست که حق تعالی در و شنی بخشیده است بسبب او
بر درها نزا و مکنت داده است از برای او در شهرها تا آنکه
دفع کند بسبب ایشان اذیت را از دوستان خود و اصلاح
مینماید حق تعالی بسبب او امور مسلمانان را بسوی ایشان
پناه مؤمنان از ضرر و بسوی او پناه میبرند صاحبان حاجات
از شیعیان ما و در زمان رعیت ظالمان و نابان میکرد
نور ایشان از برای اهل آسمانها چنانچه در خشانند
ستارهای درخشنده از برای اهل زمین اجتماعت از
نور ایشان خواهد بود نور قیامت روشنی خواهد یافت
از ایشان در روز قیامت فریاد شده اند بخدا سوگند از
برای بهشت و از برای ایشان بهشت آفریده شده است

بسبب ایشان است که حق تعالی در درهای ظالمان را بر مردم گشاده است و بسبب ایشان است که حق تعالی در دنیا و آخرت بر دوستان خود گشاده است

پس گوا از بود حالت ایشان و چیست یکی از شما را که اگر
خواهد همهٔ این فضایل را تواند دریافت محمد بن اسمعیل
گفت که بخدمت حضرت عرض کردم که بچه چیز توانم او را
دریافت فدای تو گردم فرمود که با ایشان باشد پس خوش
حالگردانند ما را بسبب داخل گردانیدن سرور بر دل مؤمن
از شیعیان ما پس نباش تو با ایشان ای محمد و روایت کرده
است شیخ کشی از علی بن محمد که گفت حدیث کرد مرا یارن محمد
از علی بن مهزیار از محمد بن اسمعیل بن بزیع که گفت سؤال کردم
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که پیراهنی از پیراهنهای
خود را بمن عطا نماید که او را در کفن خود داخل کنم پس
از برای من پیراهنی فرستادند پس بخدمت آنحضرت عرض
کردم که با این پیراهن چکنم فدای تو گردم فرمود که قطع
کن بندهای او را محمد پسر فرج رنجی از اصحاب حضرت
امام رضا علیه السلام و راستکو بوده است محمد
پدر ابو عمیر و نام ابو عمیر زیاد بن عیسی بوده و کنیت محمد
ابو احمد بوده از اذکردهٔ قبیلهٔ ازد که او را مهلب بن ابو
صفره از اذکرده بود و بعضی گفته اند که از اذکردهٔ بنی امیه

بوده است وقول او صحیح است اصلش از مردم بغداد
ودر انجا سکنی داشته در یافته است خلعت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام را وشنیده است از حضرت
احادیث بسیار که در بعضی از انها حضرت او را بکنیه
یاد فرموده اند وچنین گفته اند که او را ابا محمد وروایت
کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام وبزرگوار
وعظیم المنزلة بوده است نزد شیعه ونزد مخالفان شیخ
کشی گفته است که او از جمله جماعتی است که اجماع کرده اند
اصحاب ما بر صحیح بودن انچه صحیح است از او واقرار نموده اند
از برای او بفقاهت ودانشمندی وشیخ طوسی رحمه الله
گفته است که او معتمدترین مردم بوده است نزد خاصه
وعامه وصالحترین ایشان وپرهیزکارترین ایشان وعبادت
کننده ترین ایشان بوده در یافته است زمان سه امام را
که ایشان ابو ابراهیم موسی بن جعفر علیه السلام باشد واز
انحضرت روایت نکرده است وروایت کرده است از
حضرت امام رضا علیه السلام وابو عمرو کشی گفته است
که محمد بن مسعود گفته است که حدیث کرد مرا علی بن حسن

که ابن ابی عمیر فقیه تر از یونس وصالحتر وفاضلتر از او بوده
واز برای او حکایتی است که ذکر کرده ایم انرا در کتاب
بزرگ خود در شرح دویست وهفتاد از معجزه برحمت ایزدی
پیوست محمد پسر احمد پسر قیس پسر غیلان عرب غیر خاصر
واز مردم کوفه بوده است از برای او کتابی هست واز اصحاب
حضرت امام رضا علیه السلام وراستگو بوده است محمد
پسر حسن پسر ابو الخطاب ونام ابو الخطاب زید بوده است و
کنیه محمد ابو جعفر وعمش دوغ زیت فروشی واز مردم همدان
بوده بزرگواری بوده از اصحاب ما وعظیم القدر وبسیار
روایت کرده است راستگو ومعتمد طائفه حقه ومنقش
نیکو واعتماد بر روایات او هست از برای او تصانیف
چند هست که انها را در کتاب بزرگ خود ذکر کرده
ایم واز اصحاب حضرت امام محمد تقی علیه السلام بوده محمد
پسر علی پسر مهزیار بزاء بعد از هاء وباء منقطه مختاری وزاء
در اخر از اصحاب حضرت ابو الحسن ثالث امام علی نقی علیه
السلام وراستگو بوده محمد پسر جزک بجیم وزای وکاف
از اصحاب حضرت امام علی نقی علیه السلام وراستگو

بوده محمّد پسر عیسی پسر عبید پسر یقطین از ادکرده بنی
اسد بن خزیمه کنیه اش ابو جعفر عبیدی یقطینی از منسوبان
یونس بوده است اختلاف کرده اند علمای ما در شان او
پس شیخ طوسی رحمه الله گفته است که او ضعیف است
کرده است اورا ابو جعفر بن بابویه از رجال نوادر الحکمه
وگفته است که نمیدانم چیزی را که مخصوص بروایت او باشد
وگفته است شیخ که بعضی گفته اند که او مذهب غلاة
داشته وشیخ کشی گفته است که حدیث کرده مرا علی بن محمّد
یقطینی که گفت فضل دوست میداشته است عبید پدر او
ستایش میفرموده است اورا او میل تمام باو داشته وگفته
است که مثل خود ندارد واز جعفر بن معروف منقول است
که او پشیمان بوده است از اینکه چرا بسیار از او روایت
نکرده وبخاشی گفته است که او بزرگوار است در میان
اصحاب ما وراستگو وچشم وچراغ ایشانست روایت
وتصانیفش بسیار روایت کرده است از ابو جعفر ثانی
امام محمّد تقی علیه السّلام مکاتبة ومشافهة ونقل کرده
است ابو جعفر بن بابویه از ابن ولید که گفته است که آنچه

که منفرد است بان محمّد بن عیسی از کتابهای یونس وحدیث
او اعتمادی بران نیست گفته است که دیدم اصحاب
خود را که انکار این قول مینمایند ومیگویند که کی میتواند که
مثل ابو جعفر محمّد بن عیسی تواند شد ساکن بغداد بوده و
از برای او کتابهای بسیار هست که انها را در کتاب
بزرگ خود ذکر کرده ایم واقوی نزد من قبول نمودن روایت
اوست محمّد پسر مروان جلاب از اصحاب حضرت امام علی
نقی علیه السّلام وثقه بوده است محمّد پسر ریّان بر اء و
یاء منقوطه تحتانی که مشدّد است ونون وریّان پسر صلت
بضاد غیر منقوطه وتاء منقّطه فوقانی از اصحاب حضرت
امام علی نقی علیه السّلام وراستگو بوده است محمّد
پسر عبد الجبّار واو پسر ابو الصّهبان بصاد مضمومه غیر
منقوطه وباء موحّده ونون در اخر از مردم واز اصحاب
حضرت امام علی نقی علیه السّلام وراستگو بوده است
محمّد پسر بلال از اصحاب ابو محمّد عسکری علیه السّلام
وراستگو بوده وشیخ در کتاب غیبت گفته است که از
جمله مذمومین ابو طاهر محمّد بن علی بن بلال است پس مادر

روایت او از جمله توقف کنندگانیم محمّد پسر بلال از اصحاب
امام حسن عسکری علیه السّلام و ثقه بوده است محمّد
پسر احمد پسر جعفر قمّی عطّار روایت کرده است شیخ کشی
از علی بن محمّد بن قتیبه از حامد بن احمد مراغی که از برای او نسخه
در روی زمین نبوده و او وکیل حضرت امام حسن عسکری
و دریافته است حضرت امام علی نقی علیه السّلام را محمّد
پسر صالح پسر محمّد همدانی دهقان و از اصحاب حضرت امام
حسن عسکری علیه السّلام و وکیل آن حضرت بوده محمّد
پسر علی بن ابو شعبه حلبی کنیه اش ابو جعفر بوده روشناس
اصحاب ما و فقیه ایشان و راستگوئی بوده است که
کشی برا و طعنی نزده است و برادرانش عبید الله و عمران
و عبد الاعلی نیز چنان بوده اند و از برای او کتابی بوده
محمّد پسر عبد الرحمن پسر قبه بکسر قاف و فتح و تخفیف
باء موحّده از مردم زی و کنیه اش ابو جعفر بوده است متکلّم و عظیم
المقدار و عقیده اش نیکو بوده و قوّت زیادی در علم کلام
داشته و پیشتر از جماعت معتزله بوده است و بعد از آن
بنا کردید و منتقل بمذهب حق گردید حذاق زیادی

داشت و بود بزرگ امامیّه در زمان خود از برای او کتابی
هست در امامت و ابو الحسین سوسنجردی بدو سین غیر
منقوطه و جیم و بعد از آن زای و بعد از آن دال غیر منقوطه
و این ابو الحسین از بزرگان اصحاب ما و صاحبان متکلّمین
ایشان بوده و از برای او کتابی هست در امامت نیز و نجاشی
حج پیاده کرده بود او را ابو الحسین گفته است که رفتم نزد ابو
القسم بلخی در بلخ بعد از آنکه حضرت امام رضا علیه السّلام
را زیارت کردم در طوس پس سلام کردم بر ابو القسم و او
مرا میشناخت با من کتاب ابو جعفر بن قبه بود که نامش کتاب
انصاف است پس آنرا دید و نقض بر آن نوشت و نام آن نقض را
کتاب مسترشد فی الامامة گذاشت پس من عود کردم بر وی
و کتاب مسترشد با بن قبه دادم پس او را نقض کرد و نامش را
مستثبت فی الامامة گذاشت پس او را بردم نزد ابو القسم
پس او را نقض کرد و نامش نقض المستثبت گذاشت و چون
عود بر وی کردم دیدم که ابو جعفر بن قبه برحمت الهی پیوسته
بود محمّد پسر خلیل نجاء منقوطه معروف بود بسکاک
کنیه اش ابو جعفر است شیخ طوسی رحمه الله گفته است

که او مُصاحب هشام بن الحکم بوده است و متکلم بوده است
و مخالفت کرده بوده با هشام در چند چیز که دخلی با صل
امامت نداشته و از کلام شیخ چنان معلوم میشود که او
امامی مذهب بوده و نجاشی گفته است که کتابی دارد که آنرا
کتاب توحید نامیده و از شیخه آ محمد پدر احمد پدر قضاعه
بقاف مضموم و ضاد منقوطه پدر صفوان بن مهران جمال بوده
ازاد کرده بنی اسد و کنیه اش ابو عبد الله بزرگ طایفه اسدیه
و راستگو و فقیه و فاضل بوده و از برای او نزد پادشاه
از زمان متزلتی بوده بسبب انکه مناظره نموده بوده با قاضی
موصل در امر امامت نزد ابن حمدان تا انکه حال با نجا
کردیده بود که قاضی با و گفته بود که با من مباهله میکنی
او را وعده بروز دیکر کرده بود و در آن روز حاضر کردیده
دست خود را در دست قاضی گذاشته مباهله با او نموده
و بعد از ان هر دو از مجلس برخواستند و قاضی هر روز بخانه
امیر ابن حمدان میرفت از روز و روز دیکرش برفت امیر گفت
که جستجوی قاضی نمایید پس او را خبر دادند که قاضی از توف
کرا از موضع مباهله برخواسته بت کرده و از دستی ذاکر از

برای مباهله در از کرده بود و رم کرده است و بعد از آن
سیاه کردید و روز دیکرش وفات یافته باسفل درکات
جهنم انتقال یافت پس از این سبب نزد پادشاهان نام ابو
عبد الله صفوانی منتشر کردید و منزلتش نزد ایشان عظیم
شد شیخ طوسی رحمه الله گفته است که حفظش بسیار
و علمش بیشمار و خوشکلام بوده است شیخ گفته است
که بعضی گفته اند که او اُمّی بوده یعنی چیزی نخوانده بود و
از برای او تصنیفات بود که انها را از خاطر گفته بود و
دیکری نوشته محمد پدر ابراهیم پدر یوسف کاتب کنیه اش
ابو الحسن و احمد بن عبدون گفته است که کنیه اش ابو بکر
و منسوب بشافع و تولدش در سال دویست و هشتاد
و یک از هجره بوده است در حسینیه و در ظاهر بر مذهب
شافعی بوده و در باطن امامی مذهب بوده و در هر دو مذهب
فقیه بوده و تصنیفها در آن در مذهب نوشته بود محمد
پدر احمد پدر جنید کنیه اش ابو علی کاتب و از مردم اشکاف
بوده و بزرگ امامیه و خوش تصنیف و روشناس در میان
اصحاب ما و راستگو و جلیل القدر است و تصانیف او

بسیار است بعضی گفته اند که نزد او مالی و شمشیری از
حضرت صاحب علیه السلام بوده است و بکیز خود
وصیت نموده که انها را بخدمت حضرت صاحب علیه السلم
برساند پس ان اموال ضایع شد و خلاف او زاد رکابهای
خود ذکر کرده ام و شیخ طوسی گفته است که او عمل بقیاس
منکوده است پس از این جهة کابهایش متروک شد و
کسی عمل بانها نکرده محمّد پسر یعقوب پسر اسحق کنیة اش ابو
جعفر و از مردم کلین بوده است بیاء منقطه تحتانی و
خا لویش علان کلینی رازی بوده است و محمد بزرگ اصحا
ما در زمانش بوده است و روشناس ایشان در زری بوده
است و راستکوترین مردم بوده است در حدیث و ضبطش
بیش از همه بوده است تصنیف کرده است کتاب کافی را
در بیست سال و وفات یافت در بغداد در سال سیصد
و بیست و هشت و شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که بخاشی وفات او را در سال سیصد و بیست و نه ذکر
کرده است در سال تمانین بجوم و نماز کرد بر او محمد بن جعفر
حسینی که کنیة اش ابو قراط بوده و مدفون گردید در بغ

الکلینی رحمه الله

الکوفه در مقبرهٔ کوفه و ابن عبدون گفته است که زید
قبر او را در صراط الطالبی و بر روی ان لوحی بود که بر ان
نام او و پدرش را نوشته بودند محمّد پسر مسعود پسر
محمد که او پسر عیاش بوده است بشین منقوطه که از قبیلهٔ
بنی سلمه و از مردم سمرقند است کنیه اش ابو نضر نبصار منقوطه
و معروف بعیاشی است ثقه و بسیار راستکو و اصلی
از اصول این طائفه و بزرگ ایشان و بعضی گفته اند که
او از طائفه بنی تمیم بوده جلیل القدر و احادیث بسیار
و دانا بروایات و قوی بر انها و از برای او تصنیفات بسیار
هست زیاده بر دویست کتاب و از ضعفاء بسیار روایت
میکرده و در اول کار سنی بوده و بسیار از احادیث عامه
را شنیده بود و چون بمذهب تشیع منتقل گردید خرج علم
و حدیث کرد تمامت ترکهٔ پدر خود را و مجموع انها
سیصد هزار اشرفی بوده محمّد پسر همام پسر سهیل و کنیة
همام ابو بکر و کنیة محمد ابو علی و از مردم بغداد و کاتب
و منسوب باسکاف که محلی است از نهروان بزرگ اصحا
ما و مقدم ایشان و از برای او منزلت عظیم بوده جلیل

القدر واحادیثش بسیار وثقه بوده است ابو محمد هرون
بن موسی نقل کرده است که ابو علی محمد بن همام گفت که
نوشت پدرم بخدمت حضرت امام حسن عسکری علیه
السلام که عرض نماید که هرگز از برای او فرزندی در شکم
ما در سالم نمانده والحال حملی دارد وسؤال کرده بود
در ان نوشته که دعا کند از برای او در تصحیح وسالم بودن
ان واینکه نگرداند او را نازا وبخیب وازدوستان ایشان پس
توقیع مبارک بیرون امد ودر سر رقعه بخط مبارک نوشته
بود تکه حق تعالی دعای ترا مستجاب وچنین کرده پسران
حمل صحیح وپسر بود هرون بن موسی گفته است که نمود بمن
ابو علی بن همام از رقعه وخطرا وتردمن محقق بود که خط
مبارک انحضرتست وابو علی بن همام در روز پنجشنبه
شب یازدهم ماه جمادی الاخر از سال سیصد وشش
از هجرت وفات یافت وولادتش در روز دوشنبه ششم
ماه ذی الحجه از سال دویست ونجاه وهشت بوده است
محمد پسر عمر بضم عین پسر عبد العزیز کنی که از مردم کش
بوده کنیه اش ابو عمر وبفتح عین بوده دانا باحادیث ورجال

وخوش اعتقاد وراستکو ومعتمد اصحاب ما است
روایت کرده است از ضعفاء ومصاحبت کرده است
عیاشی را واز او علوم را اخذ کرده وروایت از او
نموده از برای او کتاب رجال است وعلم بسیار در از
هست ولیکن غلطهای بسیار دارد محمد پسر احمد پسر
یحیی واو پسر عمران واو پسر سعد الله واو پسر سعد واو پسر
مالک که از قبیله اشعر واز مردم قم بوده کنیه اش ابو جعفر
راستکو بوده است در حدیث جلیل القدر وروایتش
بسیار است لیکن اصحاب ما گفته اند که او در روایت از
ضعفاء واعتماد بر مراسیل میکند وپروائی ندارد که
از که اخذ نماید وبر او در حدیث طعنی در هیچ چیز نیست
محمد پسر عمر پسر محمد واو پسر سلم بدون میم پیش از سین و
سلم پسر براء واو پسر ستبر واو پسر سیاه براء از قبیله تمیم
وکنیه اش ابو بکر ومعروف بجعابی بجیم وعین مهمله وباء
موحده بعد از الف وحافظ وقاضی وبوده است از
حافظان حدیث وبزرگان اهل علم وناقدان حدیث محمد
پسر عمر زیدی از برای او تصنیفی هست در فرایض که از

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است

محمد پسر حسن و او پسر احمد و او پسر ولید کنیة اش ابو جعفر شیخ قمیین و فقیه و پیشوا و روشناس ایشانست و میگویند که او ذرقم فرود آمده بود و اصلش از مردم قم بوده راستگو و راستکو و معتمد علیه امامیه و معتمد علیه و جلیل القدر و عظیم المنزله و عارف بعلم رجال و اعتماد داشته شده بر او و روایت میکند از ضعفاء و از سعد و روایت میکند از او و للکبری و ذکر کرده است که او را ملاقات نکرده بلکه وارد شده است بر او و اجازه او بر دست صاحبش جعفر بن حسن مؤمن جمیع روایات او

محمد پسر علی و او پسر حسین و او پسر موسی و او پسر بابویه که از مردم قم و کنیة اش ابو جعفر و ساکن در ری بود و ما وفقیه ما و روشناس طایفه حقه در خراسان وارد بغداد کردید در سال سیصد و پنجاه و پنج و شنیده اند از او احادیث را شیوخ طائفه او جوان و کم سن بود و بود جلیل و حافظ احادیث و دانا باحوال رواة و ناقد اخبار در میان قمیین مثل خود نداشت در حفظ و بسیاری

علم از برای او قریب از سیصد تصنیف هست که ذکر کرده ایم اکثر انها را در کتاب بزرك در ری در سال سیصد و هشتاد و نه رحمت ایزدی پیوسته

محمد پسر محمد پسر نعمان و کنیة اش ابو عبد الله و لقبش مفید است و از برای او حکایاتی هست در ایمنی کرچه ملقب بمفید کردید و ما انرا ذکر کرده ایم در کتاب بزرك خود و معروف بوده است باین معلم از بزرکان مشایخ شیعه و در وساء ایشان و استاد ان ایشان بوده و هر که متاخر از او بوده از فضایل او استفاده کرده و فضل او مشهور تر است از انکه وصف توان نمود در فقه و کلام و در روایت معتمد ترین اهل زمان خود و داناتر بر ایشان تو منتهی کردیده است ریاست امامیه در ازمان بسوی او و بسیار خوش خاطر و بزرك و موفق و حاضر جواب بوده و از برای او تردیك بدویست تصنیف بزرك و کوچك هست خدا روح او را مقدس کرداند و وفات یافت در جمعه سیم شهر رمضان المبارك از سال چهار صد و سیزده از هجرت و ولادتش در روز یازدهم ماه ذی القعده است

از سال سیصد و سی و شش و بعضی گفته اند در سال
سیصد و سی و هشت از هجرت و نماز کرد بر او شریف
سید مرتضی ابو القسم علی بن حسین در میدان اشنان و آن
میدان تنگ شد بر مردم با وجود فراخیش و مدفون گردید
در خانه اش در چند سال و اخر نقلش نمودند بمقابر قریش
نزد نیک پاهای حضرت امام محمد تقی علیه السلام بسوی
قبر شیخش صدوق ابو القسم جعفر بن محمد بن قولویه محمد پسر
حسن پسر علی طوسی کنیه اش ابو جعفر بوده خدا مقدس
سازد روح او را شیخ امامیه و رئیس طایفهٔ حقه و
بزرگوار و عظیم المنزله بوده ثقه و معتمد علیه از طایفه
و بسیار داستکو و عارف بوده است باحادیث و علم
رجال و فقه و اصول فقه و کلام و ادب همه فضایلرا
نسبت میدهند بسوی او تصنیف کرده است در همهٔ
فنون اسلام و او اصلاح کتب عقاید است در اصول
و فروع و جمع کتب کمالات نفسانی است در علم و عمل
و شاگرد شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان بوده متولد گردید
در ماه رمضان در سال سیصد و هشتاد و پنج و رفت

بعراق

بعراق در سال چهار صد و هشت و وفات یافت در شب
دوشنبه بیست و دویم ماه محرم در سال چهار صد و
شصت در مشهد مقدس نجف اشرف علی ساکنه السلام
و مدفون گردید در خانه خود حسن بن مهدی سلیقی گفته
است که من و شیخ ابو محمد حسن بن عبد الواحد عین در
و شیخ ابو الحسن لؤلؤی متوجه غسلش گردیدیم در آن
شب و دفنش کردیم و اول مرتبه قایل بوعید بود بعد از
ان رجوع نمود از مذهب و هجرت نمود بسوی دوضهٔ حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام از خوف فتنهائی که در بغداد
بهم رسیده بود و بان سبب سوزانیده بودند کتابهای او
و کرسی را که بر آن می نشست از برای کلام و مناظره محمد
پسر مهاجر پسر عبید که از قبیله ازد بوده ثقه است محمد
پسر حسن فتی و او ابن ولید نیست ولیکن نظیر او است
محمد پسر ابرهیم معروف بغلائی کلینی مرد خوبی بوده است
محمد پسر بصیر بیاع بغدادی صاد مهمله از اهل کش و از ستاکو
و جلیل القدر و کثیر العلم بوده روایت کرده است از او
ابو عمر و کشی محمد پسر سعید که کنیه اش ابو الحسن است

از اهل کنّ وصالح ومستقیم المذهب بود محمّد پسر احمد پسر
ابو عوف از اهل بخارا وباکی ذر او بنوده محمّد پسر یوسف
او پسر یعقوب جعفری دین دار وزاهد واز اصحاب عسکری
بوده محمّد پسر احمد او پسر محمّد او پسر سعید او پسر عقد
کنیه اش ابو نعیم وجلیل القدر وحفظ عظیمی داشته
روایت کرده است از او تلعکبری وشنیده است از
او حدیثرا در حیات پدرش وروایت از جمیل منکر ده
است محمّد پسر حسین بباء بعد از سین پسر سعید او پسر
عبد الله وپسر سعید از مردم طبرستان بوده کنیه اش
ابو جعفر وخواص بوده روایت میکند از او تلعکبری
وگفته است که احادیثرا از او شنیدیم در سال سیصد
وسی وبعد از ان نیز محمّد پسر احمد کنیه اش ابو الحسن
وزاهد واز مردم طوس روایت کرده است از تلعکبری
محسب اجانه محمّد پسر عثمان او پسر سعید عمری بفتح
عین که از قبیله بنی اسد وکنیه اش ابو جعفر وپدرش ابو
عمرو وهر دو وکیل ناحیهٔ مقدّسهٔ حضرت صاحب
الزمان علیه السّلام بوده اند وبرای ایشان منزلت

بزرگی بوده است نزد امامیّه ومحمّد از برای خود قبری
کنده بود وانرا بساج هموار کرده بود از سبب ان پرسیدند
گفت که از برای مردم اسباب چند میباشد بعد از ان از
ان سؤال سبب کردند گفت که مامور کردند ام که کار
خود را وارسم ودو ماه بعد از ان در ماه جمادی الاوّل در
سال سیصد وپنج وبعضی در سال سیصد وچهار گفته
اند وفات یافت نزدیک به پنجاه سال متولّی امر وکالت بود ونزد وفات
گفت که مامور کردند ام که وصیّ خود کردانم ابو القسم
بن روح را ووصیّت بسوی او نمود وابو القسم بن روح
وصیّت نمود بابی الحسن علی بن محمّد سمری رحمة الله وفات در
رسید باو گفتند که کیرا وصیّ خود میکنی گفت که خدا را
امری هست که واقع خواهد شد وغیبت دویم واقع
شد بعد از وفات سمری محمّد پسر موسی پسر متوکل را که
بوده محمّد پسر مسلم پسر ناج کنیه اش ابو جعفر او قصطان
از اد کرده نقیف واعور بوده وروشناس اصحاب ما بوده
است در کوفه فقیه وزاهد ومتقی ومصاحب حضرت
امام محمّد باقر وامام جعفر صادق علیهما السّلام روات

کرده است از ایشان و از جملهٔ معتمدترین مردم بوده و روایات
کرده است شیخ کشی از محمد بن قولویه از سعد بن عبد الله
بن ابی خلف از احمد بن محمد بن عیسی از عبد الله بن محمد نجار
از علاء بن رزین از عبد الله بن ابی یعقوب که گفت عرض
کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که من در هر
ساعت بخدمت تو نمیتوانم رسید و ممکن نیست مرا
ملاقات تو در همه وقت و مردی از اصحاب ما در پیش
من میاید پس از من سوالی نمیکند و نمیتوانم جواب هر چه
سوال کرده است بدهم حضرت فرمود که چه چیز ترا منع
کرده است از محمد بن مسلم زیرا که او شنیده است حدیث را
از پدرم و او در روشناس بود نزد پدرم و مرویست از ابو جعفر
بن قولویه از سعد بن عبد الله از علی بن سلیمان بن داود
رازی از علی بن اسباط از پدرش اسباط بن سالم از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام که بحضرت فرمود ند که
محمد بن مسلم از جملهٔ حواریان حضرت امام محمد باقر و امام
جعفر صادق علیهما السلام بوده و شیخ کشی گفته
که او از جملهٔ جماعتی است که اجماع کرده اند طائفهٔ امامیه

بر تصدیق او و از اصحاب حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السلام و اذعان کرده اند بر ای او بفقاهت
و ما جواب داده ایم روایاتی که منافی مدح او باشد در کتاب
برزك خود محمد پسر قیس اسدی کنیه اش ابو عبد الله و از
کردهٔ بنی نضر و از جملهٔ مخصوصان و ممدوحان و دوستان
بوده محمد پسر قیس اسدی کنیه اش ابو نضر و راستکو و
روشناسی از روشناسان عرب روایت کرده است از
حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
ذکر کرده ایم انرا در سابق و از برای ما محمد بن قیس بجلی
هست و از برای او کتابی هست که مساوی کتاب محمد بن
قیس اسدیست کنیه اش ابو عبد الله است و این محمد قیس
بجلی است و کنیه اش نیز ابو عبد الله و او راستکو و معتمد
علیه طائفهٔ امامیه و از مردم کوفه است روایت کرده
است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما
السلام و از برای ما محمد بن قیس دیگر هست کنیه اش ابو
احمد و ضعیف است و روایت کرده است از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام محمد طیار روایت کرده است

شیخ کشی از محمد بن مسعود از محمد بن نصیر از جعفر بن بشیر از
ابن بکیر از حمزة بن طیار از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام که امام محمد باقر علیه السلام مباهات میکرده
است بطیار و روایت کرده است از ظاهر بن عیسی از جعفر
بن احمد از شجاعی از محمد بن حسین از صفوان بن یحیی از حمزة
بن طیار از پدرش محمد که او قایل بوده است بامامت امام
محمد باقر علیه السلام محمد پسر حکیم روایت کرده است
شیخ کشی که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پسندیده
است کلام او را نزد ذکر اصحاب کلام محمد پسر اسحق
برادر پسر بشر بن منقوطه وعین غیر منقوطه وراء
روایت کرده است شیخ کشی از حمدویه از حسن بن موسی
او گفت که حدیث کرد مرا بزید بن اسحق شعر که برادر پسر
محمد قایل بوده است بانکه حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام زنده است و وفات نکرده پس از برای
او حضرت امام رضا علیه السلام دعا فرموده اند تا
انکه قایل بحق گردید محمد پسر سعید پسر کلثوم که از مردم
مرو بوده است شیخ کشی گفته است که گفته است نصیر بن

صباح که محمد بن سعید بن کلثوم از مردم مرو از بزرگان
متکلمان بوده است در نیشابور وغیر کشی گفته است
که هجوم نمود عبد الله بن طاهر بر محمد بن سعید بسبب
دامادش پس با او معارضه نمود محمد بن سعید پس او را
زد محمد پسر حسن واسطی روایت کرده است شیخ کشی
از علی بن محمد قتیبی که فضل بن شاذان گفته است که محمد
بن الحسن عزیز بود نزد حضرت امام محمد باقر و حضرت
امام موسی کاظم علیهما السلام نفقه برای او در بیشتر
فرستادند او را اکمن نمودند و ماتم او را برپا داشتند
بعد از وفاتش محمد پسر ولید خزاز و معویه بن حکیم و
مضلق بن صدقه و محمد بن سالم بن عبد الحمید شیخ کشی
گفته است که ایشان همگی فطحی مذهب بوده اند و ایشان
از جمله بزرگان علماء و فقهاء و عدول بوده اند و بعضی
از ایشان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رسیده
اند و همه ایشان از مردم کوفه بوده اند و بجاشی گفته
است که محمد بن ولید بجلی خزاز برای او پیش از الف و
بعد ش کنیه اش ابو جعفر و از مردم کوفه و راستگو و معتمد

علیه طایفه امامیه و پاکیزه حدیث بوده است جماعتی
امامیه او را باین وصف ذکر کرده اند و روایت کرده
از یونس بن یعقوب و حماد بن عثمان و در طبقه ایشان
بوده و زمان بودنا انکه دریافت او را محمد بن حسن صفار
و سعد و انچه از برای من ظاهر شده انست که او همان
شخص است که شیخ کشی او را ذکر کرده است محمد
پسر ابرهیم حضینی بجاء مضمومه غیر منقوطه وضاد منقوطه
و نون در میان دو یاء از مردم اهواز است روایت کرده
است شیخ کشی از محمد بن مسعود از حمدان بن احمد قلانسی
از معویة بن حکیم از احمد بن محمد بن ابی نصر از حضینی که
گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه
السلام که برادرم مرده است پس حضرت فرمود که
حق تعالی رحمت کند برادر ترا زیرا که او از جمله مخصوصان
شیعیان ما است و ابن مسعود که بحمدان بن احمد گفت
که ای حمدان محمد بن ابرهیم از جمله مخصوصان بوده او
در جواب گفت که از خواص مخصوصان بوده و بحاشیه
گفته است که محمد بن احمد بن خاقان نهدی کنیه اش ابو

جعفر قلانسی و معروف بحمدان بوده از مردم کوفه و
مضطرب الحال یا مضطرب الروایة بوده پس ما در ابن
روایت از جمله توقف کنندگانیم محمد پسر ابو حمزه ثمالی
و فاضل بوده و شیخ کشی گفته است که سؤال کردم
از ابو الحسن حمدویه بن نصیر از احوال علی بن ابی حمزه و
حسین بن ابی حمزه و محمد بن ابی حمزه پس گفت که همه ثقات
ثقات و فاضل بوده اند محمد پسر احمد و او پسر حماد کنیه
اش ابو علی محمودی و از مردم مرو بوده شیخ کشی از ابن
مسعود نقل کرده است که گفت حدیث کرد مرا ابو علی
محمودی که گفت نوشت بمن حضرت باقر علیه السلام
بعد از وفات پدرم که پدرت متوفی گردید خدا از تو و
او راضی باد و حالت او نزد ما خوشست و هرگز تو از
حالت دور نباشی محمد پسر احمد پسر خاقان بجاء منقوطه
و قاف و نون از قبیله نهد و کنیه اش ابو جعفر قلانسی
و معروف بحمدان بوده شیخ کشی از نضر نقل کرده است
که او کوفی و راستگو و نیکو بوده است و بحاشیه گفته
است که او مضطرب الروایة بوده است و ابن غضائری

کفته است که او از مردم کوفه وضعیف الحال وروا
از ضعفاء میکند ونزد من در روایت او توقف هست از جهة
کفتهٔ این دو شیخ محمّد پسر یزداذ بباء منقطه مخانی وزای
وذال غیر منقطه وذال منقطه ابو عمر وکشی از نضر نقل
کرده است که با پدر او نشست محمّد پسر حفص پسر عمرو
کنیهٔ اش ابو جعفر واو پسر عمری بوده که وکیل ناحیهٔ مقدّسه
بوده وامر وکالت بزرد ست او ذایر بوده محمّد پسر احمد
پسر یغیم شاذانی بشین منقوطه وذال منقوطه ونون
بعد از الف کنیهٔ اش ابو عبد الله روایت کرده است
شیخ کشی از آدم بن محمّد که کفت شنیدم از محمّد بن
شاذان بن یغیم که میکفت جمع کرده بود نزد من مال امام
پس من امام را بخدمت امام علیه السّلام با قدری
از خاصّهٔ مال خود فرستادم پس جواب بمن رسید که رد
بسوی من آنچه که از خاصّهٔ مال خود فرستاده بودی که در
آن چنین وچنین بود خدا قبول نماید از تو محمّد پسر ابی
حلیفه مدح کرده شده است محمّد پسر حسن پسر ابی سارة
کنیهٔ اش ابو جعفر واز اد کرده انصار ومعروف بر واسی

بوده براء وشین غیر منقوطه اصلش از مردم کوفه بود
واو وپدرش ساکن بغداد شدند بودند روایت کرده است
او وپدرش از حضرت امام محمّد باقر وامام جعفر صادق
علیه السّلام وابن عم محمّد بن حسن معاذ بن مسلم بن ابی
سارة است وایشان خانه ایادهٔ فضل وادب بوده اند و
از معاذ ومحمّد یاد کرفت کسائی علم عربیت ومنطق وقراءت
را او وقاریان بغداد از است که در کتابهای خود از او حکایت
میکنند باین لفظ که قال ابو جعفر الرواسی وایشان ثقات
وراستکویانند که کسی از هیچ خبر طعنی بر ایشان نزده
محمّد پسر سماعه پسر موسی پسر رویدبراء مضمومه واو
پسر نشیط بنون وشین منقوطه که از مردم حضرموت
بوده از اد کرده عبد الجبار بن وائل بن حجر بوده است و
کنیهٔ اش ابو عبد الله وفرزندانش حسن وابرهیم وجعفر بند
وجد محمّد بن حسن بوده وراستکو ورو شناس در میان
اصحاب ما بوده محمّد پسر ابو بونس تسنیم بناء منقوطه
فوقانی وشین غیر منقوطه ونون وباء منقوطه تحتانی
واو پسر حسین بن بونس بوده کنیهٔ اش ابو طاهر وذاق وا

مردم حضرموت وساکن ذرکوفه بوده راستکو ومعتمد
علیه اینطائفه وصحیح الحدیث روایت کرده اند ازاو
خاصه وعامه ومکاتبه بخدمت حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام نوشته محمد پسر سلمه که ذراولش نیز
است پسر آرتبیل براء غیر منقوطه وتاء منقوطه فوقانی
وباء موحده وباء منقطه تحتانی کنیه اش ابوجعفر
ازقبیله یشکر بیاء منقوطه تحتانی بزرگواری ازاصحاب
کوفیین ما بوده وعظیم القدر وفقیه وقاری ولغت
دان وبسیار روایت بوده محمد پسر احمد پسر ابوقتاده
که نامش علی بوده واو پسر محمد واو پسر حفص واو پسر عبید
واو پسر حمید بوده کنیه اش ابوجعفر راستکو واز فهیر
وبسیار راستکو وچشم وچراغ طایفه خود ازاد کرده
سایب بن مالک اشعری کشته شد حمید در جنگ مختار
بامختار محمد پسر عیسی پسر عبدالله واو پسر سعد واو پسر
مالک ازقبیله اشعر وکنیه اش ابوعلی بزرگ قمیین و
روشناس اشاعره وصاحب مترلت نزد پادشاه انزمان
وداخل کرده بر حضرت امام رضا علیه السلام واز

الحضرت روایت شنیده واز حضرت امام محمد تقی علیه
السلام نیز روایت کرده محمد پسر عبدالحمید پسر سالم
عطار کنیه اش ابوجعفر وروایت کرده است عبدالحمید
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام وراستکو
واز اصحاب کوفیین ما بوده محمد پسر عبید کاتب دوشنار
کوفیین وراستکو ومعتمد علیه اینطایفه است محمد
پسر عمرو واو پسر عبدالله واو پسر عمر واو پسر مصعب
واو پسر زبیر واو پسر عوام متکلم وحاذق واز اصحاب ما
بوده محمد پسر مفضل واو پسر ابراهیم واو پسر قیس واو پسر
رمانه اشعری عرب وکنیه اش ابوجعفر وراستکو واز
اصحاب کوفیین ما است چنانچه ابوالعباس ذکر کرده
است محمد پسر بندار بباء موحده مضمومه ونون ساکنه
ودال غیر منقوطه وراء بعد از الف وبندار پسر عاصم
ذهلی وکنیه اش ابوجعفر واز مردم قم وراستکو ومعتمد
علیه اینطایفه بوده محمد پسر اسمعیل واو پسر احمد واو
پسر بشیر واز طایفه برامکه ومعروف بصاحب صومعه
کنیه اش ابوعبدالله وساکن قم واصلش قمی نبوده چنانچه

ذکر کرده است انرا ابو العباس بن نوح و اختلاف کرد
اند علمای ما در شانش نجاشی گفته است که او راستگو
و مستقیم المذهب بوده و ابن غضائری گفته است که
او ضعیف است و در جان قول نجاشی نزد من پیشرات
محمّد پسر عباس ساکن در میان قبیلهٔ بنی غاضره و راستگو
بوده روایت کرده است از پدرش و از حسن بن علی بن
ابی حمزه محمّد پسر ابرهیم پسر ابو البلاد بتخفیف لام و برادرش
یحیی اذا دکرده بنی عبد الله بن غطفان و راستگو و کم
حدیث بوده محمّد پسر موسی کنیهٔ اش ابو جعفر و لقبش
خوزا نجاء منقوطهٔ مضمومه و زاء بعد از واو و از مردم
کوفه و راستگو بوده است محمّد پسر علی و او پسر جاك
بجیم و کاف از قبیلهٔ بنی تیم و کنیهٔ اش ابو طاهر و راستگو
و کم حدیث بوده و ذکر کرده است انیرا ابو العبّاس
و از اهل قران و صاحب فضل بوده محمّد پسر خلیل و او
پسر اسد از قبیلهٔ بنی ثقیف و بعضی گفته اند که نخعی
بوده و از مردم کوفه و از اصحاب ما و راستگو و کنیهٔ
اش ابو عبد الله بوده محمّد پسر نافع راستگو و از مردم

کوفه و کم روایت بوده محمّد پسر عبد الله مسیلی بتین غین
منقطه بعد از میم و لام بعد از سین از مردم کوفه است
و مسیله بضم میم قبیله ایست از مذحج و او مسیلة بن عامر
بن عنزة بن عکه بن خالد بن مالک بن أده است راستگو
و کم روایت بوده محمّد پسر خالد اشعری از مردم قم و قریب
الامر بوده محمّد پسر اصبغ همدانی از مردم کوفه و راستگو
بوده است محمّد پسر بشیر و برادرش علی هر دو راستگو
و از اویان حدیث بوده اند در قم وفات یافت و ما
ذکر کرده ایم در قسم ثانی که محمّد بن بشیر ضعیف است
محمّد پسر علی و او پسر ابرهیم و او پسر محمّد همدانی بدال مهمله
روایت کرده است از پدرش از جدش از حضرت امام
رضا علیه السّلام و محمّد و کل ناحیهٔ مقدّسه بوده
و پدرش علی نیز وکیل بوده و جدّش ابرهیم بن محمّد نیز وکیل
بوده و از برای محمّد بن علی فرزندی بوده که او را قاسم
می نامیده اند و او هم وکیل ناحیهٔ مقدّسه بوده است
محمّد پسر اسمعیل و او پسر میمون زعفرانی کنیهٔ اش
ابو عبد الله و راستگو و چشم و چراغ طایفهٔ حقه رواة

کرده اند از او ثقات و او هم از ثقات روایت کرده اند
و ملاقات کرده است اصحاب حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام را محمد پسر بکر و او پسر جناح کنیه اش ابو
عبد الله و از مردم کوفه و عرب غیر خالص و راستگو بود
است محمد پسر احمد و او پسر عبد الله و او پسر مهران و
او پسر خانبه بخاء منقوطه و نون بعد از ان باء موحده
از مردم کرخ و کنیه اش ابو جعفر و از برای پدرش احمد
بن عبد الله مکاتبه بوده است بخدمت حضرت امام رضا
علیه السلام و ایشان از اصحاب ما و بزرگوار و راستگو
و سلیم القلب بوده محمد پسر زکریا و او پسر دینار از اهل
کرده قبیله بنی غلاب بغین معجمه و لام مخففه و باء موحده
کنیه اش ابو عبد الله است و بنو غلاب قبیله اند در بصره
و از بنی نضر بن معویه و بعضی گفته اند که نیست در غیر
بصره از ایشان کسی و این مرد در وثاقت و راستگوئی از
اصحاب ما در بصره بوده است و اخباری بوده و علم
زیادی داشته و تصنیف کرده است کتاب بشیاری
و محمد بن زکریا در سال دویست و نود و هشت

وفات یافته محمد پسر سلیمان و او پسر حسن و او پسر جهم
و او پسر بکیر و او پسر اعین کنیه اش ابو طاهر و منسوب بنزول
خوش طریقه و راستگو و معتمد علیه طائفهٔ امامیه
از برای او بسوی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
که مسائل و جوابهائی بود و محمد بن سلیمان در سال
و یک از هجرت وفات یافت و ولادتش در سال دویست
و نهی و هفت از هجرة بوده محمد پسر علی و او پسر حسن و او
پسر حسن و او پسر عبد الله و او پسر عباس بن علی بن ابی
طالب علیه السلام کنیه اش ابو عبد الله و راستگو
و مقبول الروایة و صحیح الاعتقاد بوده محمد پسر علی و او
پسر محبوب اشعری کوفی از مردم قم بوده کنیه اش ابو
جعفر و از مردم قمیین در زمانش و راستگو و معتمد
علیه اینطائفه و فقیه و صحیح المذهب بوده محمد
پسر عبد الله و او پسر نجیح کنیه اش ابو عبد الله و مشهور
بشجیر بشین منقطه و خاء منقطه مردی از اصحاب ما
و کم روایت بوده است محمد پسر حسن و او پسر علی نخع
اش ابو عبد الله محاربی بحاء مهمله و باء موحده

از ذراء بزرگواری از اصحاب ما و دانا بسنهای باطنی
اصحاب ما بوده محمد پسر یحیی کنیه اش ابو جعفر عطار
قمی بزرگی از اصحاب ما بوده است در زمانش وزاسکو
و معتمد علیه و کثیر الحدیث بوده است محمد پسر
ابو القسم و نام ابو القسم عبد الله بوده بیاء بعد از با
و بعضی عبد الله بسر باء کفته اند و او پسر عمران خبابی
بخاء منقوطه و باء موحده پیش از الف و بعد از ان برنی
و کنیه اش ابو عبد الله و لقبش ماجیلویه بجیم و یاء منقطه
تحتانی پیش از لام و بعد از او نیز و لقب ابو القسم
بعد از است بنون بعد از باء موحده و دال غیر منقوطه
و راء سیدی بوده است از اصحاب قمیین و راست
کو و عالم و فقیه و غارف بعلم ادب و شعر محمد پسر
حسن فروخ بفاء و راء مشدده و خاء منقوطه بعد
از او صفار و او اد کرده عیسی بن موسی بن طلحة بن
عبید الله بن شابب بن مالک عامر اشعری بوده کنیه
اش ابو جعفر و لقبش اعرج و روشناس در میان اصحا
قمیین ما بوده و راستکو و عظیم القدر و راجح المقدا

و سقطش در روایت اندك بوده است خدا رحمت کند
او را در قم در سال دویست و نود از هجرت وفات یافت
محمد پسر عبد الله و او پسر جعفر و او پسر حسین و او پسر
جامع و او پسر مالک که از قبیله حمیر بوده است بجاء
غیر منقوطه کنیه اش ابو جعفر و از مردم قم و راستکو
و روشناس و کاتب حضرت صاحب الامر علیه السلام
و از او حضرت سؤال کرده است مسئلهای چند در ابوا
شریعت و بخاشی کفته است که کفت احمد بن الحسین که
اثنا عشر مسئله بدست من افتاده و چنین بود که مسایل در اصل
نوشته شده بود و توقیعات مبارك در میان سطور
نوشته شده بود و از برای او نه بر اد زبوده جعفر و
حسین و احمد و از برای هر یك مکاتبه مخالفت حضرت
بوده محمد پسر عوام بعین مهمله خلقانی بخاء منقو
و قاف روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام و از مردم کوفه و راستکو و قلیل الحدیث محمد
پسر عبد الله و او پسر رباط بر اء غیر منقطه و باء موحده
و طاء مهمله بعد از الف از قبیله بجیله روایت کرده

است پدرش از حضرت صادق علیه السّلام و او پدرش
راستکو بوده اند محمّد پسر یوسف صنعانی بنون پیش
از عین مهمله و بعد از عین الف روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السّلام راستکو و معتمد بوده
است محمّد پسر مازیار ذال مهمله از قبیله بنی
تمیم و عرب خالص و از مردم کوفه و داماد محمّد بن مسلم
است روایت کرده است از حضرت صادق علیه السّلام
و راستکو و معتمد علیه بوده است محمّد پسر مسعود
طائی از مردم کوفه و عرب خالص و راستکو و روایات
کرده است از حضرت صادق و امام موسی کاظم علیهما
السّلام محمّد پسر یحیی پسر سلیمان بناء بعد از لام
از قبیله خثعم و برادر مغلس از مردم کوفه و راستکو
و روایت کرده است از حضرت صادق علیه السّلم
محمّد پسر یحیی خزّاز بخاء منقطه و زای پیش از الف و
بعدش از مردم کوفه و روایت کرده است از اصحاب
حضرت صادق علیه السّلام و راستکو و معتمد آ
محمّد پسر حمران بذهلی کنیه اش ابو جعفر و کوفی الاصل

نزل

تر نزول کرده است در جرجرایا روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السّلام راستکو بوده محمّد پسر مروان
حنّاط بحاء غیر منقوطه و نون از مردم مداین و راستکو
و قلیل الحدیث بوده محمّد پسر اسحق و او پسر عمّار
و او پسر حیّان بتحتانی بعین منقوطه صرّاف و راستکو
و معتمد بوده است روایت کرده است از حضرت امام
موسی کاظم علیه السّلام چنانچه بخاشی کفته است
و شیخ ابو جعفر بن بابویه کفته است که او واقفی است
پس من در روایت او از جمله توقف کنندکانم محمّد پسر
سنکین بنون غیر منقوطه در اوّل پسر عمّار نخعی جمّال بوده
راستکو و روایت کرده است پدرش از حضرت صادق
علیه السّلام محمّد پسر جمیل و او پسر صالح اسدی
عربی خالص و راستکو بوده محمّد پسر قاسم بن فضیل بأ
بعد از ضاد پسر بشار بذهلی راستکو است او و برادرش
و عمویش علا و جدّش فضیل روایت کرده است از حضرت
امام رضا علیه السّلام محمّد که لقبش ثوابا است بثا
مثلثه و واو و باء موحّده در میان و الف از مردم کوفه

وزاستکو وکم روایت بوده است محمّد پسر حسن واو پسر
زیاد میثمی اسدی از دار کرده بنی اسد بوده وکنیه اش ابو
جعفر زاستکو ومعتمد بوده روایت کرده است از حضرت
امام رضا علیه السّلام محمّد پسر خالد احمسی بجلی از مردم
کوفه وزاستکو بوده است محمّد پسر صباح کوفی وزاستکو
است محمّد پسر مرازم براء پیش از الف وزای بغداز
الف ومرازم پسر خکیم بیاء بغداز کاف واو مردم ساباط
واز قبیله ازد وزاستکو است روایت کرده است پدرش
از حضرت امام جعفر صادق وامام موسی کاظم علیهما
السّلام محمّد پسر منصور واو پسر یونس ملقب ببزرج بیاء
موحده مضمومه وزای مضمومه وراء ساکنه وجیم از مردم
کوفه وزاستکو است محمّد پسر شریح حضرمی کنیه اش ابو
عبد الله وزاستکو وروایت کرده است از حضرت صادق
علیه السّلام محمّد پسر میسّر بسین غیر منقوطه بغداز
یاء منقوطه تحتانی ومیسّر پسر عبد العزیز نخعی بوده است
کرفرشنده جامهای رطی است از مردم کوفه وزاستکو
روایت کرده است پدرش از حضرت امام جعفر صادق

واما امام محمّد باقر علیهما السّلام وروایت کرده است محمّد
از حضرت صادق علیه السّلام محمّد پسر مصبح بشدید
باء واو پسر صباح از مردم کوفه وزاستکو است محمّد پسر
سلیمان کر از مردم اصفهان بوده است زاستکو وروایت
کرده است از حضرت صادق علیه السّلام محمّد پسر عمرو
بفتح عین وعمر و پسر سعید روغن زیت فروش مدایناتی
زاستکو ومعتمد روایت کرده است از حضرت امام
رضا علیه السّلام محمّد پسر حسن واو پسر زیاد عطار
از مردم کوفه وزاستکو روایت کرده است پدرش از
حضرت امام جعفر صادق علیه السّلم محمّد پسر مسلم
بمیم مفتوحه پیش از نیز از مردم کوفه وزاستکو وروایت
کرده است کتاب خود را از طاطری کر نامش علی بن الحسن
است واز غیر او محمّد پسر علی واو پسر عیسی از مردم قم وروشاد
وزالی قم از جانب پادشاه بوده وپدرش کر معروف
بطلحی نیز چنان بوده واز محمّد مسائل چند بوده است که
از حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام پرسیده محمّد
پسر عماد واو پسر زید حازنی کنیه اش ابو عبد الله وزاستکو

روایت کرده است پدرش از حضرت صادق علیه السلام
محمّد پسر مثنّی و او پسر قاسم از مردم کوفه و راستکو بود
محمّد پسر جعفر و او احمد و او پسر بطّه بباء موحّدهٔ مفتوحه
وطاء غیر منقوطه مؤدّب و کنیهٔ اش ابو جعفر و از مردم
قم و منزلت بلندی در قم داشته و ادب و علم و فضل
بسیار داشته و مساهله در حدیث میکرده و سندها را
معلق به اجازتها میداشته و در فهرست آنچه روایت
کرده است غلط بسیاری هست و ابن ولید گفته است که
محمّد بن جعفر بن بطّه ضعیف و مخلط الحدیث است محمّد پسر
جعفر و او پسر محمّد و او پسر عون از قبیلهٔ بنی اسد و کنیه
اش ابو الحسین از مردم کوفه و ساکن در ری و او را محمّد بن
ابی عبد الله نیز میگفته اند و راستکو و صحیح الحدیث
بوده ولیکن از ضعفاء روایت کرده است و پدرش
دوشنبه اش بوده روایت کرده است از او احمد بن محمّد
بن عیسی محمّد پسر احمد و او پسر عبد الله کنیه اش ابو عبد
الله و از مردم مصر بوده و لقبش مفجع است بزرگواری
از دوشنبه اشان از اهل لغت و ادب و احادیث بوده و صحیح

المذهب و اعتقادش نیکو بوده و از برای او شعر بسیاری
هست در شان اهل بیت علیهم السلام که ذکر
میکند در آن اسماء ائمّه علیهم السلام را و غم و فجع میخورد
است بر ایشان از آنکه او را مفجع نامیدند محمّد پسر احمد
و او پسر ابرهیم و او پسر سلیمان کنیه اش ابو الفضل و از
قبیلهٔ جعفی و از مردم کوفه و معروف بصابونی و ساکن
مصر و زیدی بوده است پس عود کرد بسوی ما و از برای
او منزلتی در مصر بوده است محمّد پسر جریر بجیم پیش از را
و جریر پسر رستم بتاء منقوطه فوقانی بعد از سین غیر
منقوطه طبری و املی و کنیه اش ابو جعفر بزرگیست از
اصحاب علم بسیار داشته و خوشکلام و راستکو در حدیث
بوده محمّد پسر قاسم و او پسر زکریّا از قبیلهٔ بنی محارب
و کنیه ابو عبد الله و از مردم کوفه و معروف بسودانی
بسین مهمله و نون بعد از الف راستکو و معمّر بوده
است محمّد پسر عبد المؤمن مؤدّب از مردم قم و راستکو
و از برای او تصنیفی بوده محمّد پسر عبّاس و او پسر علی
و او پسر مروان و او پسر ماهیار بباء بعد از هاء و راء و ذ

اخر کنیة اش ابو عبد الله و برادر ابراهیم پیش از الف و بعد
ازان و معروف بابن حجّام بجیم مضمومه و خاء مهمله بعد
ازان راستکو بوده در میان اصحاب ما و معتمد
و نیکو و کثیر الحدیث و از برای او تصنیفی بوده که در
انجا ذکر کرده است انچه ذاکر نازل شده است در قرآن
در شان اهل بیت علیهم السلام و جماعتی از اصحاب ما
کفته اند که از کابیست که مثل او تصنیف نشده و بعضی
کفته اند که تصنیفش هزار و ورق است محمّد پسر محمد شعث
بناء مثلثه بعد از عین مهمله کنیة اش ابو علی و از مردم
کوفه و راستکوی از اصحاب ما و ساکن در مصر بوده
محمّد پسر عبد الله و او پسر مُلک بمیم بعد از میم و بعد از
ان لام و کاف ساکن در اصفهان و اصلش از مردم
جرجان بوده و کنیة اش ابو عبد الله و بزرکوار در میان
اصحاب ما و عظیم القدر و المنزلة و معتزلی بوده و بر دست عبد
الرحمن بن احمد بن جبرویه از مذهب معتزله رجوع نمود
خدا او را رحمت کند محمّد پسر خلف کنیة اش ابو بکر و
از مردم ری متکلّم و بزرکی از اصحاب ما بوده و از برای

او تصنیفی هست در امامت محمّد پسر احمد و او پسر محمد
و او پسر عبد الله و او پسر اسمعیل کاتب کنیة اش ابو بکر
و معروف بابن ابو ثلج و ابن ابو ثلج عبد الله بن اسمعیل بوده
راستکو و معتمد و کثیر الحدیث بوده محمّد پسر بشر بر
بعد از شین معجمه حمدونی و کنیة اش ابو الحسین سوسنجردی
بسین غیر منقوطه پیش از واو و بعد از واو و نون و جیم و
زای و دال غیر منقوطه خدا او را رحمت کند بوده است
از معتمدان اصحاب ما و صالحان ایشان و متکلّم و خوش
کلام و صحیح الاعتقاد و قایل بوده است بوعید و پنجاه
حج پیاده کرده است خدا او را رحمت کند محمّد پسر احمد
و او پسر محمد و او پسر حارث خطبه خوان ساقی کنیة اش
ابو الحسن و معروف بحارثی بوده روشنائی از اصحاب
ما و راستکو بوده محمّد پسر حسن و او پسر علی کنیة اش ابو
المثنّی از مردم کوفه و راستکو و منزلت عظیمی در میان
اصحاب ما داشته محمّد پسر علی و او پسر عبد الله بکاف
بعد از ذال غیر منقوطه کنیة اش ابو جعفر و از مردم
جرجان و جلیل القدر و از جملهٔ اصحاب ما و راستکو

ومتکلم بوده است محمد پسر ابرهیم و او پسر جعفر کنیة
ابوعبدالله کاتب وفقیهی و معروف بابن زینب بزرگ
از اصحاب ما و عظیم القدر و بزرگ منزلت و صحیح العقیدة
و کثیر الحدیث بوده رفته بود ببغداد و از انجا بشام رفته
بود و در انجا وفات یافته محمد پسر احمد و او پسر داود
و او پسر علی کنیة اش ابوالحسن بزرگ طائفهٔ امامیه و
عالم ان و بزرگ قمیین در زمان خود و فقیه ایشان بوده حکایت
کرده است ابوعبدالله حسین بن عبدالله که کسی نیافت
نشده است که حفظ کتب ترو فقیه تر و عارف تر
از او در حدیث باشد و مادرش مادر خواهر سلامة بن
محمد ازدی براء متقدم بر زای و نون پیش از باء و الف
ببغداد شده و در انجا اقامت کرده است و ابوالحسن
بن داود وفات یافت در سال سیصد و شصت و هشت
و مدفون در مقابر قریش گردید محمد پسر علی و او پسر
فضل و او پسر سکین بشین معجمه مهمله و کاف و نون بعد الف
یاء منقوطهٔ تحتانی و سکین پسر بندار بنون ساکنه
بعد از باء موحدهٔ مضمومه و ذال غیر منقوطه و ذال منقوطه

بعد از الف و بندار پسر داذمهر بدال غیر منقوطه پیش
از الف و ذال منقوطه بعد از ان و راء در آخر و بنداذ
پسر فرخ زاد بفاء پیش از زاء و خاء معجمه منقطه و زای
و ذال منقطه و او پسر میاذن بباء منقطهٔ تحتانی و ذال
منقوطه و راء و او پسر شهریار بشین منقطه و راء بعد
از هاء و بعد از الف و یاء منقوطه تحتانی پیش از الف
و لقبش اصغر و راستگو و معتمد و صحیح الاعتقاد و
خوش تصنیف و لقبش سکین بوده بسبب انکه او را
تعظیم نموده اند محمد پسر حسین و او پسر سفرجلة و کنیة
اش ابوالحسن خزاز بخاء معجمه و زای قبل از الف و بعد
از ان و از مردم کوفه و راستگو و معتمد و واضح الروایة
و بزرگی از اصحاب ما بوده محمد پسر محمد و او پسر احمد
و او پسر اسحق و او پسر رباط کوفی که از قبیلهٔ یحیله و ساکن
در بغداد بوده و در انجا منزلت عظیمی داشته و راستگو
راستگو و صحیح العقیدة بوده محمد پسر بندار و او پسر
عمران کنیة اش ابوجعفر و از مردم زیّ و ساکن در کوفه
و مجاور انجا بوده است در بقیهٔ عمرش اعتماد بر روا

او هست وخوذش معتمد علیه است **محمّد** پسر جعفر
او و پسر محمّد کنیهٔ اش ابو الفتح و از قبیلهٔ بنی همذان بذال
معجمه و واو و عین و معروف بمزاعنی بوده است دوشنبه
در نحو و لغت در بغداد و خوش حافظه و صحیح الروایة
بوده است در انچه ما میدانیم و درش علم کلام میداد
است و ابو الحسن هیثمی یکی از غلامان او بوده **محمّد**
پسر جعفر او و پسر محمّد او و پسر عبد الله نحوی و کنیهٔ اش
ابو بکر مؤدب و خوشعلم بعربیّت و شناخت در حدیث
بوده و از برای او تصنیفی هست مسمّی بکتاب موازنه از
از برای کسی که بینا باشد در امامت اثنی عشر **محمّد**
پسر احمد یعنی بضمّ نون و فتح عین غیر منقوطه پیش از تاء
کنیهٔ اش ابو المظفر بوده و مردی از اصحاب ما و اخبار
و آثار شنیده است حدیث و اخبار را **محمّد** پسر مظفر کنیهٔ اش
ابو دلف و از قبیلهٔ ازد شنیده بود حدیث را بسیار
و بعد از ان عقلش مضطرب گردید **محمّد** پسر حسن و او
پسر عبد الله و کنیهٔ اش ابو عبد الله و از مردم جوان و
ساکن در آمل و طبرستان و فقیه بوده شنیده است

حدیث را **محمّد** پسر وهبان بباء موحّده کنیهٔ اش ابو عبد
الله و از مردم دُبَیل بضمّ دال مهمله و باء موحّده و باء منقوطه
تحتانی و ساکن در بصره بوده است راستگو است
از اصحاب ما و روایتش واضح و فساد در روایتش اندک
محمّد پسر محمّد او و پسر نصر او و پسر منصور کنیهٔ اش ابو
عمرو سکونی و معروف بابن حرقه بوده مردیست از اصحاب
ما از اهل بصره و بزرگ طائفهٔ امامیه بوده است در
وقت خود فقیه و راستگو بوده است **محمّد** پسر ابو عمران
و نام ابو عمران موسی و او پسر علی و او پسر عبدویه فرج
قزوینی کاتب بوده است راستگو و صحیح الروایة و او
الطریقة بوده است **محمّد** پسر احمد و او پسر محمّد و کنیهٔ
اش ابو جعفر جریری بجیم و راء پیش از تاء منقّطه تحتانی
و بعد از ان معروف بابن بصری بباء موحّده و مردی
از اصحاب ما بوده **محمّد** پسر عبد الله و او پسر احمد و او
پسر محمّد و او پسر ابو غالب و شیخ ما بوده است **محمّد**
پسر حسین لقبش رضی و از سادات موسوی و نقیب سادات
علویین در بغداد و برادر سیّد مرتضی بوده شاعر فاضل

در علوم و فاضل و عالم و زاهد و عظیم الشان و رفیع
المترلت بوده از برای او حکایتی هست در شرف نقش
که ما انرا ذکر کرده ایم در کتاب بزرگ خود و ولادتش
در سال سیصد و پنجاه و نه و وفاتش در ششم محرم از سال
چهار صد و شش هجری بوده محمّد پسر علی و او پسر یعقوب
و او پسر اسحق و او پسر ابو قرّه بقاف مضموم و راء فتاحی
بقاف مضموم و نون پیش از الف کاتب و راستکو و
بسیار تحدیث شنیده و مکاتبه زیاد دارد محمّد پسر عبد
الملک و او پسر محمد بتان بتاء منقطه فوقانی و باء موحّد
و نون بعد از الف کنیه اش ابو عبد الله و معتزلی مذهب
بوده و بعد از ان اظهار کرد انتقال از ان مذهب را
و ساکن بنوده و در بیست و هفتم ماه ذی القعده از
سال چهار صد و ده از هجرت وفات یافته محمّد پسر
حسن و او پسر حمزه جعفر کنیه اش ابو یعلی و خلیفه شیخ
مفید رحمه الله و قایم مقام او و متکلم و فقیه و قایم بامر
دوامر مزبور بوده خدا او را رحمت کند روز شنبه
ماه مبارک رمضان از سال چهار صد و شصت و سه

از هجرت وفات یافت و در خانه خود مدفون گردید
پسر هیثم عجلی و راستکو است محمّد پسر قولویه از نیکان
اصحاب سعد بوده محمّد پسر عطیه راستکو است محمّد
پسر شوذب راستکو است محمّد پسر عبد الله پسر عمّ خنیس
بن ابو العلاء روایت کرده است ابن عقده از حسن بن
علی بن بزیع از عبد الله بن محمّد مرخوف کنیه اش ابو محمد بوده
است و گفته است که حدیث کرد مرا محمّد بن عبد الله پسر
عموی حسین بن ابی العلاء و نیکو بوده است محمّد پسر
عبد الرحمن و او پسر لیلی انصاری قاضی کوفی روایت
کرده است ابن عقده از عبد الله بن ابراهیم بن قتیبه از
ابن نمیر و از او سؤال کردند از حال ابن لیلی گفت که بسیار
راستکو و امین بوده و لیکن بسیار کم حافظه بوده و از
روایت و انچه از است نزد من از جمله مرجحات است اما
نه بحدی که موجب تعدیل او باشد محمّد پسر عبد الرحمن
سهمی بصری ابن عقده نقل کرده است از محمّد بن احمد بن
عبد الله بن زیاد نیشابوری فروش و او گفت که حدیث کرد مرا
محمّد بن عبد الرحمن سهمی بصری و او از جمله ثقات و راستکو

بوده واین روایت نیز از مرجانست **محمد** پسر عبد
العزیز زهری ابن عقده روایت کرده است از عبد
بن یوسف از محمد بن اسمعیل بخاری که او گفت که محمد بن
عبد العزیز زهری منکر الحدیث بوده **محمد** پسر عثمان
برادر حماد بن عقده روایت کرده است که علی بن الحسن
گفته است که او از استکوا ست **محمد** پسر احمد واو پسر
مطهر از مردم بغداد ومنسوب بیونس بوده است **باب**
دویم در بیان احوال موسی وبان نام هفت نفر موسوم
موسی پسر قاسم واو پسر معاویه واو پسر وهب از قبیله
بجیله وکنیه اش ابو عبد الله ولقبش بجلی از اصحاب
حضرت امام رضا علیه السلام از مردم کوفه وراستکو
است وبزرگوار وواضح الحدیث وخوش طریقه **موسی**
پسر عمر بضم عین واو پسر بزیع بباء موحده وزای وبا
منقطه تحتانی وغین غیر منقوطه از ادکرده منصور
واز اصحاب حضرت امام محمد تقی علیه السلام وراستکو
واز مردم کوفه بوده است **موسی** پسر طلحه تمی قریب الامر
بوده ذکر کرده است ابن زبالا ابو العباس **موسی** پسر حسن

واو پسر عامر واو پسر عمران واو پسر عبد الله واو پسر سعد
اشعری قمی کنیه اش ابو الحسن راستکو ومعتمد وبزرگوار
است **موسی** پسر محمد اشعری قمی ساکن شیراز پسر دختر
بن عبد الله راستکوئی از اصحاب ما بوده **موسی** پسر حسن
واو پسر محمد واو پسر عباس واو پسر اسمعیل واو پسر ابو شمل
واو پسر نوبخت کنیه اش ابو الحسین ومعروف بابن کبر باء
منقطه تحتانی بعد از کاف وبعد از راء معرفتش بنجوم
نیکو بوده واز برای او در علم نجوم کلام بسیاری است و
زبان آور وعالم بوده وبا این حالت خوش اعتقاد بوده **موسی**
پسر اکیل بباء منقطه تحتانی بعد از کاف پیش از لام که
از قبیله بنی تمیز واز مردم کوفه وراستکو وروایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام **باب سیم**
در بیان احوال معویه است وبان نام سه نفر موسومند
معویه پسر عمار واو پسر ابو معویه ونام ابو معویه خباب
واو پسر عبد الله دهنی بضم دال غیر منقوطه وسکون ها
وفتح ان ونون پیش از یاء واز مردم کوفه واز ادکرده بنی
دهن بوده ودهن قبیله ایست از بجیله واز دهن بن معویه

بن اسلم بن احمس بن العوث بن انمار است و در شناس بوده
است در زمان اصحاب ما و متقدم و بزرگ قدر و عظیم
المحل و راستگو بوده است و پدرش عمار در زمان عامه
در شناس و راستگو بوده و کنیهٔ عمار ابو معویه است
روایت کرده است معویه از حضرت صادق و امام موسی
کاظم علیهما السلام و در سال صد و هفتاد و پنج وفات
یافت شیخ کشی گفته است که او از جامهای سابری را
فروخته و صد و هفتاد و پنج سال عمر کرده و علی بن
احمد عقیقی گفته است که معاویه بن عمار نزد اصحاب
ما مستقیم بنود و ضعیف العقل و مأمون الحدیث بود
معویه پسر وهب بجلی کنیهٔ اش ابو الحسن و عرب خالص
و راستگو و صحیح الحدیث و نیکو طریقه روایت کرده
است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم
علیهما السلام معویه پسر حکیم و او پسر معویه و او پسر
عمار که از قبیله بنی دهن است راستگو و بزرگ و از
اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام چنانچه نجاشی
گفته است و شیخ کشی گفته است که او فطحی مذهب

و عادل و عالم بوده است **باب چهارم** در بیان
احوال مفضل است و بیان نام دو نفر موسوم مفضل
پسر قیس و او پسر رمانه بضم راء و تشدید میم و بعد از الف
نون شیخ کشی گفته است که حمدویه روایت کرده
است از محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از مفضل بن قیس
و گفته است که مفضل نیکو بوده مفضل پسر مزید بن میم
پیش از زراره برادر شعیب کاتب بوده است روایت کرده
است کشی حدیثی را که دلالت میکند بر آنکه او از تبعهٔ
شعیب یا منسوبان باو بوده است **باب پنجم** در
بیان احوال منصور است و بیان نام دو نفر موسوم منصور
پسر محمد و او پسر عبد الله خزاعی روایت کرده است از
حضرت صادق علیه السلام و او همان کس است که
چون وصف برادرش سلمة بن محمد نمایند میگویند که
سلمة بن محمد اخو منصور هر دو برادر راستگو بوده اند
روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام منصور
پسر حازم بجاء غیر منقوطه و زای بعد از الف کنیهٔ اش
ابو ایوب بجلی و از مردم کوفه و راستگو و معتمد و بنیاد

راستکو از جملهٔ بزرگان اصحاب ما و فقیه ایشان بود
روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق و امام
موسی کاظم علیهما السّلام **باب ششم** در بیان
احوال مُعلّی است و بآن نام دو نفر موسومند **مُعلّی** پسر
عثمان کنیه اش ابو عثمان و بعضی گفته اند که پسر زیاد
اخول بوده است و از مردم کوفه و راستکو و معتمد و ثقات
کرده است از حضرت صادق علیه السّلام **مُعلّی** پسر
موسی کندی از مردم کوفه و راستکو و معتمد و او جد حسن
بن محمد سماعه است و برادرش ابرهیم است روایت کرد
است معلّی از حضرت صادق علیه السّلام **باب**
هفتم در بیان مُثنّی است و بآن نام دو نفر موسومند
مُثنّی پسر عبد السّلم شیخ کشی گفته است که ابو نضر
محمد بن مسعود گفته است که علی بن الحسین گفته است
که او از مردم کوفه و کنلم فروش یا خوط فروش بوده و باکی
نداشته **مُثنّی** پسر ولی شیخ کشی گفته است که ابو
نضر محمد بن مسعود گفته است که علی بن الحسن گفته است
که او از مردم کوفه و خنطه فروش یا خوط فروش بوده و باکی نداشته

باب هشتم در بیان احوال مختار است و بآن نام
دو نفر موسومند **مختار** پسر زیاد عبدی از مردم بصره
و از اصحاب امام محمد نبی علیه السّلام و راستکو است
مختار پسر ابو عبید روایت کرده است شیخ کشی از حمدویه
از یعقوب از ابن ابی عمیر از هشام بن مثنّی از سدیر از حضرت
امام محمد باقر علیه السّلام که الحضرت فرمودند که دشنام
مدهید مختار را زیرا که او کشنده است کشندگان ما را و
طلب خون ما کرده است و زن داده است بنی اعمام ما را
و قسمت کرده است در میان ما مال را در حالت پریشانی
و باین طریق حسن است و روایت کرده است ابن عقده که
حضرت صادق علیه السّلام طلب مرحمت نمود برای مختار
و ذکر کرده است شیخ کشی احادیثی که منافات با این
مدح دارد و ما انها را در کتاب بزرگ خود ایراد کرده ایم
باب نهم در بیان احوال مالک است و بآن نام دو
نفر موسومند **مالک** اشتر خدا پاکیزه گرداند روح او را
و خشنود گرداند از او جلیل القدر و عظیم المنزلة و اختصاص
او بجناب حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام ظاهر تر بود

از اینکه بزرگی مخفی باشد و انحضرت بعد از موت مالک
ناسف زیاد خوردند و فرمودند که او نسبت بمن چنان بود
که من نسبت بحضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
بودم **مالک** پسر عطیهٔ اسمش کنیهٔ اش ابو الحسن و از
قبیلهٔ بجیله و از مردم کوفه و راستکو و روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام **باب دهم**
در بیان اخوال معمر است و بانام دو نفر موسوم مذکور
بشش دیم که پسر خلاد بجاء منقطه بوده است و او پسر
ابو خلاد و کنیهٔ معمر ابو خلاد بوده از مردم بغداد و راستکو
و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است **معمر**
پسر یحیی و او پسر مسافر عجلی از مردم کوفه و عرب خالص
و راستکو و متقدم روایت کرده است از حضرت امام
محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام **باب**
یازدهم در بیان اسماء متفرقه است و در انجا هشت
و شش نفر مذکور میکردند **مقداد** پسر اسود و نام پدر
عمرو طهرانی بوده و اسود بن عبد یغوث او را بفرزندی
داشته بود پس او را منسوب باو دادند و کنیهٔ اش ابو

معبد و از اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلام و از
ارکان اربعه و عظیم المقدار و شریف المنزله و بزرگوار
از خواص حضرت امیر المومنین علیه السلام **مستور**
بنین مهمله و واء بعد از واو و رسول حضرت امیر المومنین
علیه السلام بوده است بسوی معویه **مسیب** پسر
حزن کنیهٔ اش ابو سعید و حضرت امیر المومنین علیه السلام
را وصی خود گردانید **مهدی** از ادکردهٔ عثمان از اصحاب
امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام بوده و با
انحضرت بیعت نموده و محمد بن ابی بکر نشسته بود و گفت
که با تو بیعت میکنم که امر خلافت از تو باشد و بیزاری
میجویم از فلان و فلان پس با انحضرت بیعت کرد و پسندیده
بود **مسکین** پسر حکم راستکو است **معتب** بضم میم
و فتح عین غیر منقوطه و تشدید تاء منقطه فوقانی مکسور
و بعد از ان باء موحده از ادکردهٔ حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام و راستکو است **مزاحم** بضم میم و واء
پیش از الف و زای بعد ش پسر حکیم از دیی مدایینی عرب
غیر خالص و راستکو بوده برادر انش محمد بن حکیم و حذیفه

حکیم بوده است وکنیهٔ مزاحم ابو محمد و روایت کرده
است از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم
علیهما السلام و در زمان حضرت امام رضا علیه
السلام وفات یافت **معن** بنون بعد از عین پسر خالد
واز اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام واز براء
او کاتبی بوده و راستگو بوده **مظفر** پسر محمد خزاعی
کنیهٔ اش ابو الجیش متکلم واز برای او تصانیف چند هست
در امامت وعارف بوده است باحادیث واز غلامان
ابو سهل نوبختی بوده وامرش مشهور است بسیار حدیث
شنیده ودر سال سیصد وشصت وهفت وفات یافته
معروف پسر خربوذ بجاء منقوطهٔ مفتوحه وراء مشدده
وباء موحده وذال منقوطه بعد از واو از مردم مکه روایت
کرده است شیخ کشی در او ومدح وقدح هر دو در طریق آن
روایت ضعیفی هست وما ذکر کرده ایم او را در کتاب
بزرگ خود **میسر** بعضی گفته اند که آن بفتح میم وسکون
یاء منقطهٔ تحتانی وبعضی گفته اند بضم میم وفتح یاء وراء
بعد از سین غیر منقوطه پسر عبد العزیز بوده ذکر کرده

است شیخ کشی روایاتی بسیار که دلالت میکند بر مدح
او وعلی بن الحسن گفته است که میسر بن عبد العزیز از مردم
کوفه وراستگو بوده وحضرت امام محمد باقر علیه السلام
در شان او گفته است که ای میسر آگاه باش که اجل تو مکرر
رسیده بود وحق تعالی از باب خیر میان انداخت بسبب آنکه
صلهٔ رحم مینمودی وعقیقی گفته است که او را مدح کرده
اند آل محمد علیهم السلام واو از جملهٔ جماعتی است که جماعتی
خواهد کرد در درجت **معاذ** پسر مسلم نحوی از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که بمن فرمودند
که بمن رسیده است که تو مینشینی در مسجد جامع وبمردم
فتوی میدهی معاذ گفت که عرض کردم بلی واراده دارم
که از تو در آن باب سؤال کنم پیش از آنکه از خدمت تو
مرخص شوم بدرستی که می نشینم من در مسجد پیش شخصی نزد
من میاید واز چیزی سؤال میکند وهرگاه که به بینم که آن
شخص مخالف شما است او را بمذهب ایشان خبر میدهم
وگاهی دیگر نزد من میاید که میشناسم او را که دوست شما
است پس او را خبر میدهم بمذهب حق چنانچه از جانب شما

دستید وکسی دیگر نزد من مجی ایدکه او را نمی شناسم پس
با و میگویم که از فلان چنین روایت شده و از فلان چنین
پس داخل میکنم قول شما را در آن میان معاذ کوید که پدر
المخضرت بمن فرمودند که چنین بکن که من هرگز چنین نمیکنم
مسمع پسر مالک و بعضی گفته اند که پسر عبد الملک
بوده کنیه اش ابو سیار و بسین غیر منقوطه و بعد از آن یاء
منقطه تحتانی و راء بعد از الف و لقبش کردین بوده
براء بعد از کاف مکسور و دال غیر منقطه مکسور بعد
از آن و یاء منقطه تحتانی پیش از نون بزرك و در و شناسر
قبیله بکر بن وایل بوده است در بصره و در سیل مسامعه
بوده روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام روایت اندك و روایت کرده است بسیار از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و از جمله مخصوصان
المخضرت بوده است و حضرت صادق علیه السلام
باو فرمودند که من ترا مهیا کرده ام از برای امر عظیمی ای
ابو سیار نور روایت کرده است از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام و میکویند که حضرت صادق علیه

السلام اول مرتبه که او را دیدند باو فرمودند که نام تو
چه چیز است کفت مسمع پس فرمودند که پسر کیستی عرض کرد
که پسر مالک حضرت فرمودند که بلکه تو مسمع بن عبد
الملکی **مغیره** پسر توبه مخزومی روایت کرده است شیخ
کشی از جعفر بن احمد از محمد بن ابی عمیر از حماد بن عثمان
از مغیره بن توبه مخزومی که کفت عرض کردم بخدمت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام که با پسر جوان یعنی حضرت
امام رضا علیه السلام کارهای خود را کذاشتی حضرت
فرمودند که من او را وصی خود کردانیدم در آنچه بدم مرا
وصی خود کردانید **منذر** بنون بعد از میم و ذال منقوطه
پسر محمد و او پسر سعید و او پسر ابو الجهم قابوسی بوده
است بقاف و باء موحده بعد از الف و سین مهمله
بعد از واو و بشیار نقل میکرده است بسوی کوفه و از کوفه
از اصحاب ما و از خانواده بزرکی بوده است شیخ کشی
کفته است که محمد بن مسعود کفته است که حدیث کرد ما
را عبد الله بن محمد بن خالد و او کفت که حدیث کرد ما را
منذر بن قابوس و او استکو بوده است و این سند منکر

قابوسی منسوب بقابوس
بن نعمان بن منذر

مزهزبار بفتح میم وسکون زاء وفتح زای وباء پیش از الف
ونون وزاخر پسر عمران وازمردم قم بوده روایت کرد
است شیخ کشی از ابراهیم بن محمد بن عباس خثعمی واو گفت
که حدیث کرد مرا احمد واو گفت که حدیث کرد مرا حسین
بن احمد بن یحیی بن عمران واو گفت که حدیث کرد مرا محمد
بن عیسی از حسین بن علی از مزربان بن عمران قمی اشعری که
گفت من بخدمت معصوم علیه السلام عرض کردم که
نام من در میان شیعیان شما مکنونیت فرمود که بلی
مزولت بفتح میم وسکون زاء وواو واو وکاف پسر عبید
پسر سالم واو پسر ابوحفصه ازاذکرده بنی عجل بوده است
وبعضی از اصحاب ما گفته اند که او ازاد کرده عمار بن
مبارک عجلی است واسم مزولت صالح ونام ابوحفصه
زیاد بوده است وشیخ کشی از محمد بن مسعود نقل کرد
است که سؤال کردم از علی بن الحسن از احوال مزولت
بن عبید بن سالم بن ابوحفصه پس گفت راستگو وبزرگوار
وبسیار راستگو بوده است مسعده پسر زیاد ربعی
راستگو ومعتمد بوده روایت کرده از حضرت صادق علیه

السلام مزعفر پسر موسی ازمردم کوفه وراستگو بوده
شمعل بشین منقوطه وعین غیر منقوطه پسر سعد اشعری
ناشری بنون وشین منقوطه بعد از الف پیش از زاء وراستگو
واز اصحاب ما است روایت نکرده است از او مگر محمد
بن هشام روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام ودر روایت کرده است از ابوبصیر مضبح پسر
هلقام بقاف پسر علوان عجلی کنیه اش ابومحمد وقریب
الامر بوده منبّه بنون پیش از باء موحده پسر عبید
الله واو پسر جوزا بوده بجیم وزای بعد از واو از قبیله
تیم وصحیح الحدیث بوده مطّلب پسر زیاد ذهری قرشی
مدنی راستگو وروایت کرده است از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام نسخهٔ محفوظ پسر هلال ابی از مردم
کوفه وراستگو بوده است میثمی مدح کرده شده است
چنانچه شیخ کشی گفته است وروایت کرده است عیصمی
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بسیار او را ستایش
میداشت واو مؤمن وشاکر بوده است در حالت خوشی
وصبر کننده بوده است در بلاء مصدّق پسر صدقه

شیخ کشی کفته است که مُصدق بن صدقه ومعویة بن حکیم
ومحمد بن ولید خزاز ومحمد بن سالم بن عبد الحمید همه ایشان
فطحی مذهب بوده وایشان از جملهٔ علماء وفقهاء وعدول
بوده اند وبعضی از ایشان دریافته اند حضرت امام
رضا علیه السلام را وهمهٔ ایشان از مردم کوفه بوده اند
وروایت کرده است ابن عقده از علی بن حسن که کفت
حسن بن صدقهٔ مذاینی را کمان میکنم که از قبیلهٔ ازد بوده
است وبرادرش مصدق بوده است وهردو روایت
کرده اند از حضرت امام جعفر صادق وامام موسی کاظم
علیهما السّلام وهردو راستکو بوده اند **فصل**
بیست وپنجم در اسامی جماعتیست که در اول
نام ایشان نون است ودر ان پنج باب است **باب اوّل**
در بیان احوال نعمان است وبان نام دو نفر موسومند
نعمان پسر صهبان از رجال حضرت امیر المؤمنین
علیه السّلام است والحضرت در حق جمل فرمودند
که هر که داخل خانهٔ او شود ایمن خواهد بود **نعمان** پیر
عجلان از قبیلهٔ بنی زریق براء مضمومه وزای مفتوحه

عامل حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام بوده است
بر بحرین وعمان **باب دویّم** در بیان احوال نضر
بن سوید مجهه است وبان نام دو نفر موسومند **نضر** پسر
سوید صیرفی از اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه
السّلام واز مردم کوفه وراستکو وصحیح الحدیث منقل
کردید ببغداد واز براي او تصنیفی هست **نضر** پسر
محمد همدانی راستکو واز اصحاب حضرت امام علی نقی
علیه السّلام بوده است **باب سیّم** در بیان
احوال نوح است وبان نام چهار نفر موسومند **نوح**
پسر شعیب از مردم بغداد واز اصحاب حضرت امام محمد
تقی علیه السّلام است ذکر کرده است فضل بن شاذان
که او فقیه بوده است **نوح** پسر صالح بغدادي نقل
کرده است شیخ کشی از ابو عبد الله شاذانی از ابو محمد
فضل بن شاذان انچه را که شاهد است بانکه او از جملهٔ
شیعیان اهل بیت علیهم السّلام بوده است **نوح** پسر
دراج از جملهٔ شیعیان وقاضی کوفه بوده است واز
او سوال کردند که چرا متوجه اعمال مخالفان کردیدی در

تنبیه بیان تعدد اشخاص که در این باب مذکور است که در هیچ
یکی از تراجم رجال شیخ و نجاشی و فهرست شیخ ذکر نشده است
و اکثر اشخاص که در این باب مذکور است که در هیچ
یکی از تراجم رجال شیخ و نجاشی و فهرست شیخ ذکر نشده است

جواب گفت که قبول قضا نکردم تا انکه اخوال ما با پنجا
رسیدند که روزی از برادرم جمیل پرسیدم که چرا در مسجد
حاضر نمیشوی گفت از پنجهه که زیر جامهٔ ندارم و مرا در
این بوده که جهه ضرورت مرتکب این امر گردیدم **نوح**
پسر حکم کنیهٔ اش ابو الیقظان و از مردم کوفهٔ بوده و در اسکون
است روایت کرده است از حضرت صادق علیه السّلام

باب چهارم در بیان احوال بضع و بیان نام نه
نفر موسومند **بضع** پسر قابوس بقاف و باء موحده و
سین مهمله از بنی لخم و روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق و امام موسی کاظم و امام رضا علیهم
السّلام و نزد ایشان منزلت بزرگ داشته و شیخ طوسی
در کتاب غیبت گفته است که او وکیل حضرت صادق
علیه السّلام بوده است بیست سال و معلوم من
نیست که او وکیل بوده است و لیکن نیکو و فاضل بوده
است **بضر** پسر مزاحم منقری عطار کنیهٔ اش ابو الفضل
و از مردم کوفه و مستقیم الطریقه و صالح بوده الا انکه
روایت میکند از ضعفاء و لقبش حسّان بوده **بضر**

پسر عامر و او پسر وهب کنیهٔ اش ابو الحسن و از مردم
سنبخار و از جملهٔ راستکویان اصحاب ما بوده **باب**
پنجم در بیان اسماء متفرقه است و در اینجا پنج
نفر موسومند **ناجیة** پسر عمّار صیداوی گفته است
حمدویه بن نصیر که صیداء بطنی است از بنی اسد گفته
است که او مردی از اصحاب ما بود که او را پنجهٔ قوّاس
می نامند و او معروف نیست محمّد بن مسعود گفته است
که سؤال کردم از علی بن حسن بن فضّال از احوال نجیه پسر
گفت که نجیه نام ناجیة بن عمار صیداوی است گفته
است که خبر داد مرا بعضی از فرزندان او که حضرت امام
جعفر صادق علیه السّلام با او میفرمود ندا نجیه پسر
او بان نام نامیده شد **نجیّة** پسر حارث حمدویه از محمّد
از محمّد بن عیسی نقل کرده است که نجیة بن حارث بزرگوار
و راستکو و از مردم کوفه و مصاحب علی بن یقطین بوده
است **نشط** پسر صالح و او پسر لفاف بکسر لام و بفاء
بعد از الف و پیش از الف از اد کردهٔ بنی عجل روایت کرده
است از حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام و خدمت

انحضرت میکرده است وراستکو بوده است ناصح
بقال از مردم کوفه وراستکو وغریب غیر خالص ولیکن روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام مجمر پیر
اغین روایت کرده است عقیقی از پدرش از عمران بن
ابان از عبد الله بن بکیر از حضرت صادق علیه السلام
که او جها دخواهد رجعت باکاقران فصل بیست
و پنجم در بیان نامهائی است که در اول انها واوست
و در انجا دو باب است باب اول در بیان احوال
وهب است و بان نام نه نفر موسومند وهب پیر جمیع
از اد کرده اسحق بن عمار شیخ کشی گفته است که محمد بن
مسعود گفت که حدیث کرد ما را علی بن حسن واز
او سؤال کرده بودم از احوال وهب بن جمیع پس گفت
که نشنیده ام در بان او مگر خیر وهب پیر عبد ربه
گفته است ابو عمرو کشی که شهاب وعبد الرحیم وعبد
الخالق و وهب که همه فرزندان عبد ربه واز صلحاء اند
کرده شده اند واز حمدویه بن نضیر منقول است که گفت
شنیدم از بعض مشایخ که میگفت واز او سؤال کرده بود

از اول

از احوال وهب وشهاب وعبد الرحمن فرزندان عبد
ربه واسمعیل بن عبد الخالق بن عبد ربه پس گفت که همه
ایشان نیکو و فاضل واز مردم کوفه بوده اند و بجانبی
گفته است که وهب بن عبد ربه بن ابی میمونة بن یساز
بیاء منقوطه تحتانی وسین غیر منقوطه وزاء از قبیلهٔ
بنی اسد واز اد کرده بنی نضر بن قعین وبراد زشهاب بن
عبد ربه وعبد الخالق است راستکو و روایت کرده
است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام وهب پیر محمد بزاز بزای پیش از الف
وبعد از ان کنیة اش ابو نضر بنون وزاء بعد از صاد
غیر منقوطه از مردم قم وراستکو ومعتمد بوده است
باب دویم در بیان اسماء متفرقه است و در اینجا
چهار نفر مذکورند وهیب پیر خالد از مردم بصره و
راستکو و روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام ولید پیر صبیح کنیة اش ابو العباس واز مردم
کوفه وراستکو و روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام وهزداد براء بعد از واو و پیش از دال غیر

منقوطه کنیة اش ابو خالد و از مردم کابل و نامش وردان
ولقبش فنکر بوده است **واصل** شیخ کشی از محمد بن
مسعود نقل کرده است که گفت حدیث کرد مرا ابو علی محمود
واو گفت که حدیث کرد مرا واصل کرمونی گفت بدم حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام مرا پیش مسدود ساختم را
ابرا که بجاه میرفت وجمع کردم از اب و ان بنون و موحده
که از بلخ میاورد حضرت ریخته بود و همه را اشامیدم
و این دلالت میکند بر علو اعتقادش و سند این حدیث
صحیح است زیرا که ابو علی محمودی جلالت و بزرگی و منزلت
و علو قدرش ظاهر است **فصل بیست و ششم** در بیان
اسامی است که در اوایل انها الف است و در انجا پنج
باب است **باب اول** در بیان احوال هشام و بیان
نام سه نفر موسوم مند **هشام** بن حکم کنیة اش ابو محمد
از اد کرده قبیلهٔ کندی و فرود می اید بر بنی شیبان در کوفه
واخر نقل کرد ببغداد در سال صد و نود و نه از هجرت
و میگویند که در همان سال وفات یافت و محل و لادتش
در کوفه بوده است و نشو و نمایش در واسط و تجارتش

ببغداد پس نقل کرد در اخر عمرش ببغداد و فرود امد در
قصر وضاح و روایت کرده است از حضرت امام جعفر
صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام و از انکو
در روایات و حقیقتش بامر امامت نیکو بوده است
و مدح بسیار از دو امام مذکور از برای او وارد شده
است و از جمله کسانی بوده است که شکافته است
کلام را در امامت و پاکیزه ساخته است مذهب امامت را
بنظر و استدلال و بسیار حاذق بوده است بعلم کلام
و حاضر جواب بوده است و شیخ کشی گفته است که او
از اد کرده بنی کنده بوده است و در سال صد و هفتاد
و نه از هجرت وفات یافت در کوفه در زمان رشید
از خلفای بنی العباس و طلب مرحمت بر او نموده حضرت
صادق علیه السلام و روایت کرده است شیخ کشی
از عیاشی محمد بن مسعود و او از عمر کی و او از حسین
بن ابی و او از داود بن هاشم جعفری که گفت عرض کردم
بمحضر حضرت امام محمد باقر علیه السلام که چه
میفرمائی در باب هشام بن حکم فرمود که حق تعالی رحمت

کند او را چه بسیار دفع کننده بود از این ناخیه و زیاد
دیگر در مدح او وارد شده است و در مذمتش احادیث
دیگر وارد شده است که ما انها را در کتاب برزک خود
ایراد نموده ایم و جواب از انها گفته ایم و این مرد نزد من
عظیم الشان و رفیع المنزلة است **هشام** پسر سالم
جوالیقی از اد کرده بشر بن مروان کنیة اش ابو الحسن
و از اسیر جوزجان بوده است روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلم
و راستگو و راستگو بوده است **هشام** پسر محمد و او
پسر سایب کنیة اش ابو المنذر بوده نسب دان و عالم
و مشهور بفضل و علم و عارف بایام و مخصوص بمذهب
ما بوده است نقل کرده است که مرض شدیدی بهم
رسانیدم و فراموش کردم علم خود را پس نشستم بحضرت
حضرت امام محمد باقر علیه السلم پس بنوشانید بمن علم
را در کاسه پس عود کرد بسوی من علم من و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام او را نزد یک خود مینشاند
و با او ببشر و طلاقت و انبساط سخن میفرمود **باب**

دویم در بیان اخوال هاشم است و بان نام دو نفر
موسومند **هاشم** پسر عتبه بغین مضمومه غیر منقوطه
و باء منقطه فوقانی پسر ابو وقاص که لقبش مرقال بود
از اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلام و او را
مرقال نامیدند از این جهة که در جنگ میدوید
هاشم پسر مثنی از مردم کوفه و راستگو و روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام **باب سیم**
در بیان اخوال هیثم است و بان نام شه نفر موسومند
هیثم بتقدیم یاء منقطه تحتانی پسر محمد تمالی از مردم
کوفه و راستگو بوده است **هیثم** پسر عروه از قبیلهٔ
تمیم و از مردم کوفه و راستگو است و روایت کرده است
از حضرت صادق علیه السلام **هیثم** پسر ابو مسروق
و نام ابو مسروق ابو عبد الله همدانیست قریب الامر بوده است
شیخ کشی از حمدویه از بعضی از اصحاب ما نقل کرده است
که او فاضل بوده است و باز شیخ کشی گفته است که
گفت کرا از برای ابو مسروق پسری هست که او را هیثم
میگفتند شنیدم از اصحاب که هر دو را ذکر میکنند

وهر دو فاضل بوده اند **باب چهارم** در بیان
اخوال هروست وبان نام چهار نفر موسومند

هروی پسر موسی واو پسر احمد واو پسر سعید ازقبیلهٔ
بنی شیبان واز مردم تلعکبر بوده است کنیهٔ اش ابو محمد
وبزدگوار وعظیم المنزلة وکثیر الروایه وعدیم النظیر
وراستگو ورو شناس اصحاب ما ومعتمد بوده است
کشی طاعنی بر او نرده است در هیچ چیز در رسال سنه صد
وهشتاد وپنج وفات یافت خدا او را رحمت کند **هروی**
پسر خارجه بخاء منقطه در اول وجیم بعد از راء از مردم
کوفه وراستگو بوده است **هروی** پسر حمزهٔ غنوی
بغین منقطه ونون صراف واز مردم کوفه وراستگو
ومعتمد بوده است روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام **هروی** پسر جهم واو پسر ثویر واو پسر
ابو فاخته که نام ابو فاخته سعید بن جهمان بوده است
هارون از او روایت کرده است ام هانی دختر ابو طالب بوده است
وابو الجهم روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام واز مردم کوفه وراستگو بوده است

هروی پسر مسلم واو پسر سعدان کاتب سکاپش در شهر رمز
رای بوده واصلش از انبار وکنیهٔ اش ابو القسم وراستگو
ورو شناس واز برای او مذهبی در جبر وتشبیه بوده است
بخدمت حضرت امام علی نقی وامام حسن عسکری علیهما
السلام رسیده **هروی** پسر حسن واو پسر محبوب واو پسر
وهب واو پسر جعفر واو پسر وهب از قبیلهٔ بجیله واز او
کرده حارث بن عبد الله است راستگو وبسیار راست
وروایت کرده است از پدرش از رجال ذکر **هروی**
پسر عبد العزیز کنیهٔ اش ابو علی از اجنی کاتب واز مردم
مضر ورو شناسی بوده است در زمانش مدح کرده است
او را متنبی واز برای او پسری هست که نامش علی است
ومخصوص بوده است بمذهب ما **باب پنجم**
در بیان نامهای متفرقه است ودر اینجا شانزده نفر موسومند
هند پسر حجاج روایت کرده است شیخ کشی حدیثی را
که در طریق او تاملی هست وما انرا ذکر کرده ایم در
کتاب بزرگ خود واز روایت شهادت میدهد بانکه از
برای او در خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

اختصاصی بوده است **هلال** پسر ابراهیم کنیة اش ابو
الفتح ملقب فرزش وراق مروزی بوده است که نامی در او
نبوده است وشنیده است حدیث را و راستگو بوده
است **همامة** پسر عبد الرحمن و او پسر عبد الله میمون
بصری را راستگو بوده است **فصل بیست و هفتم**
در اسماء جماعتی است که در اول انها یاء است و در ان
پنج باب است **باب اول** در بیان احوال یحیی است و
در ان نام هفتاد نفر موسومند **یحیی** پسر وثاب بیاء
مثلثه بعد از واو و مشدده و در اخر باء موحده قراءت را
نزد عبید بن یعلی خوانده است و هر دو نزد او بلیت
ایه میخوانده است تا انکه در چهل و هفت سال ختم قرآن
نمود و اعمش ذکر کرده است که یحیی بن وثاب مستقیم
الامر بوده است **یحیی** پسر خزار از اد کردهٔ قبیلهٔ بجله
و از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده است
و او همانکس است که روایت کرده است که عثمان لغیز
کشت دختر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
را و روایت کرده است از او اعمش و غیرش و مستقیم

المذهب بوده است **یحیی** پسر عمران همدانی از منسوبان
یوذن بوده است **یحیی** علوی کنیة اش ابو محمد بوده
است از قبیله بنی ذبان بضم ذای و بعد از ان باء موحده
و بعد از الف ذاء مهمله از اهل نیشابور و جلیل القدر
و عظیم الریاسة و متکلم و حاذق و زاهد و پرهیزکار
از برای او تصنیفات بسیار بوده است در امامت
غیرش **یحیی** پسر ام طویل روایت کرده است شیخ کشی
که او از جملهٔ حواریان و یاوران حضرت امام زین العابدین
علیه السلام بوده است و فضل بن شاذان گفته است
که بود در اول امامت بحضرت مکرر پنج نفر و از جملهٔ
ایشان یحیی بن ام طویل را ذکر کرده است **یحیی**
پسر علیم بضم عین غیر منقوطه و لام و بعد از ان یاء منقطه
تحتانی از بنی کلب و از منسوبان علیم بوده است
شیخ نجاشی گفته است که او راستگو و معتمد و روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام و ابن
غضائری گفته است که او روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام و لیکن ضعیف است و نزد من در

قبول کردن روایتش تاملی هست ومحمد زاجر
قبول نمودن روایت او است یحیی پسر حسن او پسر
جعفر او پسر حسین او پسر علی بن الحسین بن علی بن ابی
طالب علیه السلام کنیه اش ابو الحسین وعالم و
فاضل وبسیار راستگو وروایت کرده است از حضرت
امام رضا علیه السلام یحیی پسر زکریا او پسر شیبان
کنیه اش ابو عبد الله واز قبیله کندی وعارف وبزرگوار
وراستگو وبسیار راستگو بوده است وکنی طغنی
بزاوی نزده است یحیی پسر محمد او پسر احمد او پسر محمد
او پسر عبد الله او پسر حسن او پسر علی او پسر علی
بن الحسین بن علی بن ابی طالب کنیه اش ابو محمد وفقیه
وعالم ومتکلم وساکن ذرینشابور بوده است یحیی
پسر خلف او پسر بناء موحده وشین منقطه از مردم
همدان وساکن ذرکوفه وراستگو بوده است یحیی
پسر علا از قبیله بجیله واز مردم دیر کنیه اش ابو جعفر
وراستگو واصلش از مردم کوفه بوده است یحیی پسر
عمران او پسر علی او پسر ابو شعیبه از مردم خلب وزرود

کرده است از حضرت امام جعفر صادق وامام موسی
کاظم علیهما السلام وراستگو وصحیح الحدیث بوده است
یحیی پسر عبد الرحمن ازرق از مردم کوفه وراستگو و
روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق وامام
موسی کاظم علیهما السلام یحیی لحام مجاء غیر منقوطه
از مردم کوفه وروایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام وراستگو بوده است یحیی پسر حجاج کوهی
بغدادی راستگو بوده است وبرادرش خالد روایت
کرده است از حضرت صادق علیه السلام یحیی پسر
هاشم از مردم کوفه وحدیث کم روایت کرده وراستگو
بوده است یحیی پسر ابرهیم او پسر ابو البلاد ونام
ابو البلاد یحیی بوده است از ادرکه عبد الله بن غطفان
وراستگو بوده است او وپدرش یکی از فاریان ومتعبد
بوده است بامر امامت **باب دویم** در بیان احوال
بزیدیه است وبان نام چهار نفر موسومند **یزید** پسر نوزه
بنون مضمومه وواو وبناء منقطه محتانی وبعد از ان
از اصحاب حضرت امیر المومنین علیه السلام وکشته

محله ایست در بغداد منسوب بنام
نام پسر کنیه است در بغداد منسوب بنام موضع جدی

شد در جنگ قهران و حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله باو فرمودند که هر که جنگ کند تا انکه بکند
از این تل پس داخل بهشت خواهد شد پس او بخدمت حضرت
عرض کرد که پس نخواهد بود در میان من و بهشت مگر
انکه از تل بگذرم حضرت فرمود که بلی پس شمشیر میزد تا
انکه از تل گذشت پس پیر عموی او بخدمت حضرت
عرض کرد که اگر من هم از تل بگذرم خواهد بود از برای
من انچه از برای پیر عموی من فرمودی حضرت فرمودند
که بلی پس او هم جنگ میکرد تا انکه از تل گذشت
پس در سر یک کشته کرهرذ و او را کشته بودند با هم
مخاصمه میکردند پس حضرت با ایشان فرمود که بشارت
میدهم شما را که هر دو مستوجب بهشت گردیده اید
یزید پسر حماد انباری بغلی کنیه اش ابو یعقوب کاتب
و راستگو بوده است **یزید** پسر اسحق شعر یشین منقطه
و عین غیر منقوطه و راء روایت کرده است شیخ کشی
از حمدویه از حسن بن موسی از یزید بن اسحق که او پیش از
همه کس دفع شبهها از مذهب امامیه میکرده است و

و برادرش محمد قابل بوده است با انکه حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام زنده است پس حضرت امام رضا علیه
السلام از برای او دعا فرمودند تا انکه بمذهب حق امامیه
برگشت **یزید** که کنیه اش ابو خالد قماط بوده است
حمدویه گفته است که نام ابو خالد قماط یزید بوده است
و او را زاده کرده بنی عجلان بن لجیم و از مردم کوفه و راستگو
بوده است روایت کرده است از حضرت صادق علیه
السلام و مناظره کرده است با زیدی مذهبی و برا و غالب
امد پس تعجب نمود حضرت صادق علیه السلام از مناظره
او **باب سیم** در بیان احوال یوسف و بیان
نام نه نفر موسومند **یوسف** پسر عقیل که از قبیله
بجیله و از مردم کوفه و راستگو و کم روایت کرده است
و قمیون گفته اند که از برای او کتابی هست و ظاهر
انست که ان کتاب از محمد بن قیس است **یوسف** پسر ثابت
بتاء مثلثه و او پسر ابو سعده کنیه اش ابو امیه و از مردم
کوفه و راستگو و روایت کرده است از حضرت صادق
علیه السلام **یوسف** پسر عمار و او پسر حیان راستگو

باب چهارم در بیان احوال یونس

وبان نام چهار نفر موسومند یونس بن عبد الرحمن از کرده علی بن یقطین وکنیه اش ابو محمد وروشناس بوده است در میان اصحاب ما ومتقدم وعظیم المنزلة روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم وامام رضا علیهما السلام در علم وفتوی نام او در امد کور میباشد ومیباشد با ومیدادند که بمذهب واقفیه قایل شود از مال را انکرف وبر مذهب حق ثابت ماند روایت کرده است شیخ مفید از ابو القسم جعفر بن محمد بن قولویه از علی بن حسین بن بابویه از عبد الله بن جعفر بن حمیری رحمهم الله که بما گفت ابو هاشم داود بن قاسم جعفری رحمهم الله که عرض کردم بر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام کتابی که یونس تصنیف کرده بود در اعمال روز وشب پس حضرت فرمودند که این تصنیف کیست عرض کرد که تصنیف یونس از ادکرده ال یقطین است پس حضرت فرمودند که عطا نماید حق تعالی با وهر خیری از این کتاب نوری در روز قیامت ویونس بن عبد الرحمن در سال

دویست وهشت از هجرت وفات یافت حق تعالی او را رحمت کند ورو حشرا مقدس ساز در روایت کرده است شیخ کشی حدیث صحیحی از علی بن محمد قتیبی که گفت حدیث کرد مرا فضل بن شاذان واو گفت که حدیث کرد مرا عبد العزیز بن مهتدی واو مرد نیکو واز مردم قم بوده ومن او را دیده بودم و وکیل حضرت امام رضا علیه السلام بود در خدمت حضرت عرض کردم که من در همه وقت مجلس شما نمیتوانم رسید مسائل دین خود را از که اخذ نمایم فرمود که از یونس بن عبد الرحمن اخذ کن ودر حدیث صحیحی از علی بن محمد قتیبی روایت کرده است واو از فضل بن شاذان واو از محمد بن حسن واسطی واز جعفر بن عیسی ومحمد بن یونس که حضرت امام رضا علیه السلام سه مرتبه از برای یونس بهشت را ضامن کردند وروایت کرده است کشی روایتی که منافات بامدح او دارد ومانرا در کتاب بزرگ خود ذکر کرده ایم وجواب از آن گفته ایم یونس پسر یعقوب واو پسر قیس کنیه اش ابو علی جلاب واز قبیله بجیله وبنی ذهن بوده است اختلاف کرده اند

شیخ کشی بنابر آنکه است که در تعلیقه گذشته است و حدیث دوم دلالت دارد بر آنکه است که بعضی از اصحاب ما را الهام الهی است که بعضی از تصنیف بعضی از ایشان مطلع گردانیده است و ذلک لا یبعد من قدرة الله تعالی

علماء ما در بارهٔ او پس شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که او راستکو و عرب غیر خالص و قلیل او گرده است
در چند موضع و بجائی گفته است که او از جملهٔ مخصوصان
حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما
السلام بوده است و وکیل حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام بوده است در مدینه نزدیک بزمان حضرت امام رضا
علیه السلام وفات یافت پس حضرت متولی غسل
و دفن او کردیدند و نزد ائمهٔ صاحب منزلت و راستکو
بوده است و قایل بوده بامامت عبد الله و بعد از ان
حق بر گشت و ابو جعفر بن بابویه گفته است که او فطحی
مذهب بوده اند و شیخ کشی گفته است که حدیث کرد
مرا حمدویه از بعض اصحابش که یونس بن یعقوب فطحی
مذهب از مردم کوفه بوده است و در مدینه وفات
یافت و کفن کرد او را حضرت امام رضا علیه السلام
و روایت کرده است شیخ کشی احادیثی که همه طریق
حسن است و دلالت دارند بر صحت عقیدهٔ این مرد و
انچه معتمد منست انست که قبول الروایة باشد **یونس**

پسر علی قطان کنیه اش ابو عبد الله و در کوفه فرود مجی
امد در طاق جنان و او نبطار حیان و قریب الامر
بوده **یونس** پسر رباط بباء موحده بعد از زاء و طاء
غیر منقوطه در اخر از اد کرده شدکان بجمله و از
مردم کوفه و راستکو و روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلام **باب پنجم** در بیان
احوال یعقوبست و بان نام هشت نفر موسومند
یعقوب پسر یزید و او پسر حماد از مردم ابناء و از قبیلهٔ
بنی شلم و کنیه اش ابو یوسف کاتب کرا از نویسندکان
منتصر بوده است نقل کرده است شیخ کشی از ابن مسعود
از حسن بن علی بن فضال کرا و کاتب ابو ذلف قاسم
بوده است و یعقوب از اصحاب حضرت امام رضا
علیه السلام بوده است و روایت کرده است **یعقوب**
از حضرت امام محمد تقی علیه السلام و نقل کرد بسوی
بغداد و راستکو و بسیار راستکو بوده و چنین بوده
است پدرش **یعقوب** پسر یقطین از اصحاب حضرت امام
رضا علیه السلام بوده است **یعقوب** پسر سالم احمر

برادر اسباط بن سالم راستکو و از اصحاب حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بوده است **یعقوب**
پسر الیاس راستکو بوده است **یعقوب** پسر نعیم و او پسر
قرقان بقاف و راء بعد از راء نیز قاف و بعد از ان
الف و بعد از ان راء نویسند و کنیه اش ابو یوسف
بوده بزرگوار بوده در میان اصحاب ما و راستکو
بوده است در حدیث و روایت کرده است از حضرت
امام رضا علیه السلام **یعقوب** پسر اسحق سکیت بسین
مهمله و کاف و یاء منقطه تحتانی و تاء منقطه فوقانی
کنیه اش ابو یوسف و متقدم بوده است نزد حضرت
امام حسن عسکری و امام علی نقی علیهما السلام
و از جمله مخصوصان ایشان بوده است و از برای او
حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت و مسائل
چند هست که او را متوکل بعلت تشیع شهید کرد
امر او مشهور است و عالم بتصریف و لغت بوده و راستکو
و تصدیق کرده شده است و کسی طعنی بر او نزده است
یعقوب پسر شعیب و او پسر میثم و او پسر یحیی حزمان فرزوش

از ادکرده بنی اسد و کنیه اش ابو محمد و راستکو بوده
است روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام
یعقوب پسر سراج از مردم کوفه و راستکو است چنانچه
نجاشی گفته است و ابن غضائری گفته است که او
از مردم کوفه و ضعیف بوده است و اقرب نزد من قبول
کردن روایت اوست **فصل بیست و هشتم** در بیان
کنیهاست **ابو الصباح** بحلی از اصحاب حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و اول کسی بوده است که در حلب صفین
شهید شد **ابو الخیر** بیاء منقوطه مضمومه و خاء معجمه
مهمله و راء پسر عمر و از اصحاب حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و از انصار است و ذکر کرده است شیخ
از برای او قصه نیکوئی **ابو زید** از ذکر کرده عمرو
پسر حریث و از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و با او در جنگها حاضر بوده **ابو المحتمل** بحاء غیر منقوطه
و تاء منقوطه فوقانی از اصحاب حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام و از مردم کوفه و راستکو بوده است **ابو**
شعیب محاملی بحاء غیر منقطه از مردم کوفه و راستکو

واز اصحاب حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام بود
ابو مصعب زیدی از اصحاب حضرت امام موسی کاظم
علیه السّلام و راستکو بوده ابو ذکریا یحیی اعور راستکو
و روایت کرده است از او علی بن رباط و از اصحاب حضرت
امام موسی کاظم علیه السّلام بوده ابو الحصین پسر حصین
حصینی از اصحاب حضرت امام محمّد تقی علیه السّلام
و راستکو بوده است فرهاد امده بود در اهواز و از
حضرت امام علی نقی علیه السّلام نیز بوده است ابو
طاهر پسر حمزه و او پسر سبیع اشعری از مردم قم و راستکو
و از اصحاب امام علی نقی علیه السّلام بوده ابو الحسین
پسر هلال از اصحاب حضرت امام علی نقی علیه السّلام
و راستکو بوده ابو علی علوی و برادرش ابو الحسین
و نامش محمّد بن محمّد بن یحیی بوده از بنی ذبان و معروف و
بزرگوار و از اهل نیشابور بوده اند ابو نصر پسر یحیی نهاوندی
از اهل سمرقند و راستکو و نیکو و فاضل بوده فتوی
میداده است سنیان را بفتوای ایشان و حنوبه را بفتوای
ایشان و شیعه را بفتوای ابو منصور صرام براء بعد

از صاد غیر منقوطه از جملهٔ متکلمان و از اهل نیشابور
و رئیس و مقدم بوده ابو عمرو بفتح عین پسر برادر شکوی
بصری بناء موحده از برای او تصنیفات زیاده هست
و فقیه بوده است ابو الاخوص مصری از جملهٔ متکلمان
امامیه و ملاقات کرده است با او حسن بن موسی نوبختی
و اخذ علم از او کرده و با او نشسته در حایر علی ساکنه السّلام
و از برای زیارت در انجا رفته بود ابو الطیّب رازی
از جملهٔ متکلمان و از برای او تصنیفهای بسیار هست
در امامت و فقه و غیر انها از جمله بنکان و استاد
ابو محمّد علوی بوده و او از جمله مرجئه و صرام از جملهٔ
وعیدیه بوده و شیخ طوسی گفته است که دیدم پسر او
ابو القسم او فقیه بوده و نواده او را دیدم و کنیه اش
ابو الحسن و از اهل علم بوده ابن عبدلک بکاف بعد
از دال از اهل خرجان و کنیه اش ابو محمّد و نامش محمّد بن
علی عبدکی بوده از جملهٔ بزرگان متکلمان در امامت
بوده و از برای او تصانیف بسیار بوده است و قایل
بوعید بوده است و همچنین ابو منصور صرام بر مذهب

بغداد بین ابن مملک بیمن بغداز میم وکاف بغداز لا
از مردم اصفهان وکنیه اش ابو عبدالله از جمله متکلمان امامیه
واز برای او با ابو علی جبائی مجلسی بوده است که ذکر بحث
مناظره میکرده اند در امر امامت بحضور ابو القسم
بن محمد ابو ایوب انصاری ستوده شمائل ونامش خالد
بوده است ابو سعید خلدی بضم خاء وسکون لام
از جمله سابقانی بوده است که رجوع بحضرت امیر
المؤمنین علیه السلام کردند ابو الهیثم پیر تهان
بتاء منقطه فوقانی وبغداز آن باء منقطه تحتانی
ونون بغداز الف از جمله سابقانی بوده است که
رجوع نمودند بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
ابو طالب قمی نامش عبد الله بن صلت حضرت امام
محمد باقر علیه السلام در شان او در وقتی که مدح پدر
بزرگوارش نموده واز حضرت اذن طلبیده در آنکه
او را مدح نماید فرمودند که نیکو مدح کردی پس خدا ترا
جزای خیر دهد وشیخ طوسی گفته است که او روایت
کرده است از حضرت امام محمد تقی علیه السلام در

آخر عمرش که حضرت فرمودند که خدا جزا دهد صفوان
بن یحیی ومحمد بن سنان وذکریا بن آدم وسعد بن سعد را
من جزای خیر پس بتحقیق که بمن وفا نمودند ابو مسروق وبشر
هیثم حلوبه گفته است که شنیدم از اصحاب خود که در
ذکر میکردند که هر دو فاضل بوده اند ابو بکر بزاء
بغداز کاف از مردم حضرموت وجاری شد از برای او
مباحثه بنکوئی با زید ابو الفضل خراسانی روایت کرده
است شیخ کشی از محمد بن مسعود از حمدان بن احمد قلانسی
از معویة بن حکیم بضم حاء از ابو الفضل خراسانی که نبوده
است از برای او امدوشدی بسوی حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام ومخلوط بوده است با قراء بن
انقطاع بخدمت حضرت ابو جعفر علیه السلام وحمدان
ضعیف است واین روایت از جمله مرجحات است ابو
جریر قمی روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن قولویه
از سعد از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن حمزة بن الیسع
از زکریا بن آدم که حضرت امام رضا علیه السلام طلب
مرحمت نمود از برای او ومحمد بن حمزه را نمیشناسم ابو

دنبالهٔ متن گفته است که زکریا یحیی
تا آخر مسئله مستبعد است

شیخ شهید ثانی گفته است
که ابو جریر قمی مشترک است
در میان دو نفر یکی ذکریا بن
آدم قمی واو روشن بود
و دیگری ذکریا بن عبد الله
واو ثقه بوده

هرثمة بن اعين كوفي بوده است از اصحاب امام محمد باقر
عليه السلام و روايت كرده است شيخ كشي از جعفر
بن محمد و از علي بن حسن بن فضال و او از عبد الرحمن بن
ابي نجران و او از ابو هرون كه او منقطع بوده است بوي
حضرت امام محمد باقر عليه السلام ابو جعفر بصري
روايت كرده است شيخ كشي از علي بن محمد قتيبي كه گفت
حديث كرد مرا فضل بن شاذان و او گفت كه حديث كرد
مرا ابو جعفر بصري و او را ستكو و فاضل و صالح بوده
ابو علي پسر او راشد و وكيل و قايم مقام حسين بن عبد ربه
بوده و ثنا و مدح دارد ابو عبد الله جرجاني در اول اخبار حج
بوده و بعد از ان رجوع نموده بمذهب تشيع بعد از انكه
بيعت نموده بود كه خروج كند و جهاد نمايد ابو نيزد
عاصمي دعا كرد از براي هرثمه و حضرت امام موسي كاظم
عليه السلام و نام عاصمي عيسي بن جعفر بن عاصم بوده
است ابو خالد سجستاني در موت حضرت امام موسي
كاظم عليه السلام توقف نموده بود و بعد از ان قايل
شده بود بموت انحضرت چونكه ملاحظه نجوم نموده بود

و مخالفت با اصحاب خود كرد و اين حكايت را ذكر كرده
است كشي از حمدويه و ابراهيم پسران نصير از محمد بن عيسي
راذي بلالي و محمودي و دهقان و عمري بفتح عين شيخ كشي گفته
است كه بعضي از ثقات حكايت كرد از براي من در پيشاور
و ذكر نمود توقيع طويلي را كه متضمن عتاب بود بر اسحق بن
اسمعيل و در انجا ملامت نموده بود ند طريقه او را در ايام
امام گذشته و در ايام خود قايم مقام خود نموده بود ند ابراهيم
بن عبده را و او را براي او دعا كرده بود ند و امر نموده بود ند
عبده را كه بار كند حقوق او را و نزد او را زي ببرد و در كتاب
چنين مكتوب بود كه اي ابو اسحق بخوان نوشته ما را بر بلا
خدا از او خشنود باد زيرا كه او ثقه و امين و عارف است با انچه
واجبست بر او و بخوان ان نوشته را بر محمودي خدا او را
عافيت دهد پس چه پسنديده است او نزد ما از جهت
انكه فرمان بر داري ما مي نمايد و چون وارد بغداد كردي
بخوان ان نوشته را بر دهقان كه او وكيل ما و ثقه ما و انكسي
است كه مال ما را از شيعيان ما و از خود قبض مينمايد پس
البته از شهر بيرون نروي تا انكه ملاقات نمائي عمر را

خدا از او خشنود باد چنانچه من از او خشنودم و سلام
بر او بکنی و او را بشناسی و او ترا بشناسد زیرا که او طاهر
و امین و عفیف و نزدیک از ما و بسوی ما است **ابو شا**
شار و ابو عمیر بزای و بعد از ان ها یی از انصار بود
روایت کرده است شیخ کشی از محمد بن اسمعیل و او گفت
که حدیث کرد مرا فضل بن شاذان از ابن ابی عمیر از ابو هیثم
بن عبد الحمید از بصیر که گفت عرض کردم بخدمت حضرت
صادق علیه السلام که چنین است این حدیث که مرتد کردند
مردم بعد از فوت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله مگر سه نفر که ایشان ابو ذر و مقداد و سلمان اند
حضرت فرمودند که در انوقت ابو شاسان و ابو عمیر
انصاری کجا بودند **ابو یحیی** جرجانی شیخ کشی کفته است
که او از جمله بزرگان اصحاب حدیث بوده و روزی کرده بود
او را حق تعالی و تصنیف کرده است در رد بر حشویه که
بسیار **ابو عبد الله** کبیر هارون و کل ناحیه مقدسه بود
ابو الشداخ بخاء معجمه بعد از الف و شین منقوطه پیش
از دال مهمله بخاشی کفته است که در کر کرده است اسمعیل

حسین بن عبد الله غضائری رحمه الله کرسیده باو کتابی
در امامت که توقیعی بر او بود بخط کتاب ابو الشداخ در
امامت که نزد یک به پنجاه ورق بود و ان کتاب را بدر ش
نموده بود پس نشناخته بود ابو الشداخ را و این دلالت
نمیکند نه بر جرح و نه بر تعدیل او **ابو جریر** قمی روشن
و روایت از حضرت امام رضا علیه السلام میکرده است
و نامش زکریا بن ادریس بن عبد الله است **ابو عامر** پسر
جناح راستکو بوده است **ابو شعبة** حلبی راستکو
بوده است **امراة سود** دختر اعین عارف بوده چنانچه
علی بن احمد عقیقی کفته است و او اغماض نموده بود در ان
را **ابو هریرة** بزاز عقیقی کفته است که طلب مرحمت نمود
از برای او حضرت صادق علیه السلام و بعضی عرض
کردند که او نبیذ میخورده است پس حضرت فرمود که اما خدا
عاجز است که بیامرزد کناه محمد بن علی را که نبیذ
و شراب میخورده است **ابو حیان** و **ابو الحجاف** ابن عقدة
کفته است که هر دو راستکو بوده اند **ابو لیلی** از
اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و از جمله

اصفیاء است چنانچه برقی ذکر کرده است و هیثم نیز
نقل کرده است که او روایت کرده است از سُتیر بتیر
غیر منقوطه و باء منقطهٔ فوقانی و یاء منقطهٔ تحتانی
و راء و از ابو سُنان و از ابو عمر و از ابو سعید خُدری
و از ابو برزه بزای بعد از راء و از جابر بن عبد الله و از
براء بن عازب و از عرفه ازدی و از جملهٔ اولیاء و دوستان
انحضرت جماعتی بوده اند که بعضی از ایشان را در بابهای
گذشته ذکر کرده ایم و باقی ایشان اینجا عند
اعلم ازدی و ابو عبد الله جدلی بفتح جیم و دال و ابو
یحیی حکیم پسر سعد حنفی و از جملهٔ شرطة الخمیس بوده
و ابو الرضا عبد الله پسر یحیی حضرمی و سلیم ابن قیس
هلالی و عبیدهٔ سلمانی عربی بوده و از جمله خواص
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از قبیلهٔ مضر یمیم
بن خزیم بوده بخاء منقطه و زای و باء پیش از میم و ناجیه
بنون و جیم و ذرجنکها با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
حاضر بوده و قنبر ازاد کرده حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و ابو فاخته ازاد کرده بنی هاشم و عبد الله

پسر ابو رافع نویسندهٔ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بوده و فاذان بزای و ذال منقطه کر کنیهٔ اش ابو عمر
و فارسی بوده و سعد ازاد کردهٔ حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و میمون پسر مهران و سلمه پسر کهیل
و عامر پسر وائلهٔ کاتب و عبد الله پسر شداد بن هاد لیثی
و ابرهیم پسر عبد الله قاری و عباية پسر ربعی اسدی و
سبیع پسر نباته بضم نون ذر اول کر از قبیلهٔ بنی تمیم و بنی حنظله
بوده و ابو جحیفه بضم جیم و وهب پسر عبد الله سوائی
بسین غیر منقوطه و عاصم بن ضمره سلولی و سالم و عبد
و زیاد فرزندان جعد اشجعی و ربعی و مسعود فرزندان
خراش بخاء منقطه و راء و شین منقطه کر از قبیلهٔ عبسی
بوده اند بعین غیر منقطه و باء موحده و شبیر بضم شین
منقطه و باء موحده و یاء منقطه تحتانی و راء در آخر
او پسر شکل عبسی بوده است بباء موحده و ابو عبد
الرحمن و عبد الله بن حبیب بر فی کفته است که بعضی
از راویان طعن زده اند بر عبد الله میرزده اند و ابو عبد الله
جدلی و از جملهٔ اصحاب حضرت امیر المؤمنین از قبیلهٔ

ربیعه و زید و صعصعه پسر صوحان بوده اند و جویریه
پسر مسهر عبدی که با الحضرت در جنگها حاضر بوده و
صیفی پسر فسیل بفاء وسین غیر منقطه وباء منقطه تحتانی
وخادم الحضرت وجد عبد الملک بن هرون بن عنتره
بوده است و ابو سعید کرنامش عقیصان بوده است
بفتح عین غیر منقطه وقاف وباء منقطهٔ تحتانی وصاد
غیر منقطه ونون بعد از الف از بنی تیم الله بن ثعلبه بود
است و عبد الله پسر مجل و عبد الله ورباح پسران حارث
بن بکر بن وائل و از جمله اصحاب حضرت امیر المؤمنین ع
ازیمن عاید پسر رفاعه بکسر راء وفاء وعین غیر منقوطه
بعد از الف بوده است و ابن رافع پسر جزنمه بجیم که
از انصار بوده و عبد الرحمن پسر ابو لیلی انصاری کرنا
الحضرت در جنگها حاضر بوده و ابو بکر پسر حزم انصاری
و حجر پسر عدی کندی و اصبغ پسر نباته و کمیل پسر زیاد
نخعی و مالک پسر حارث اشتر نخعی و جبة بجاء غیر منقوطه
وباء موحده و ابن جون بضم جیم وواو وباء منقطه تحتانی
ونون و عرنی بضم عین وراء مفتوحه و ابو عبد الله بجلی

ابو ارا که بجیلی بجاء غیر منقوطه وباء منقطه تحتانی
و طارق بطاء منقطه پسر شهاب احمسی و مخنف پسر سلیم ازدی
و ابو ظبیان بظاء منقطه وباء موحده وباء منقطهٔ تحتانی
جنبی بجیم ونون وباء موحده و زید پسر وهب جهنی و
ابو صادق کلیب حزمی بجاء غیر منقطه وراء ومیم و
ربیعهٔ ناجد بنون وجیم وذال منقطه کرا ز قبیلهٔ ازد بود
است و ابو البختری بباء موحده وخاء منقطه وتاء منقطه
فوقانی وراء و سعید پسر فیروز بفاء وباء منقطهٔ تحتانی
وزاء ذراخر و هبیر پسر یثیم بضم باء موحده وراء وباء منقطه
تحتانی کرا ز قبیلهٔ حمیر بوده و عبد خیر خیرانی بخاء منقطه
وباء منقطهٔ تحتانی وراء ونون بعد از الف و جعد
بضم جیم وباء بعد از عین غیر منقطه و همدان و عمرو بن
مرهمدانی وغیلهٔ همدانی و ثابت بن هانی پسر هانی همدانی پسر
برق کفته است کرا ز جمله مجهولان از اصحاب حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام ابو جمیله عنبسه بوده است
بعین غیر منقطه ونون پسر جبیر بجیم مضمومه کرروایت
کرده است از او عبد الاعلی وابو ماویه بواو وباء

کتابخانه مجلس شورای ملی

تحتانی پسر وهب و او پسر اجدع بجیم و دال غیر منقطه
و او پسر اشد و ابو سخیله بضم سین و خاء منقطه و عاصم
پسر طریف بفتح طاء غیر منقطه و میسره بسین غیر منقطه
بعد از یاء منقطه تحتانی و ربیعه پسر علی و ابو اسحق
روایت میکند از او پس این اخبری که بود از اذه داشتم
که از برقی نقل کنم و بآن تمام میشود قسم اول از این
کتاب و ذر عقب آن میاید بحمد الله و منه قسم دویم
در بیان احوال انها که جرح انها نموده اند و در بیان
احوال انها که توقف در حدیث ایشان دارم و الحمد لله
رب العالمین و این آخر کلام مصنف بود رضی الله عنه
و ارضاه و جعل الجنة مثواه و الحمد لله اولا و آخرا و
صلی الله علی محمد و آله الطیبین

تم
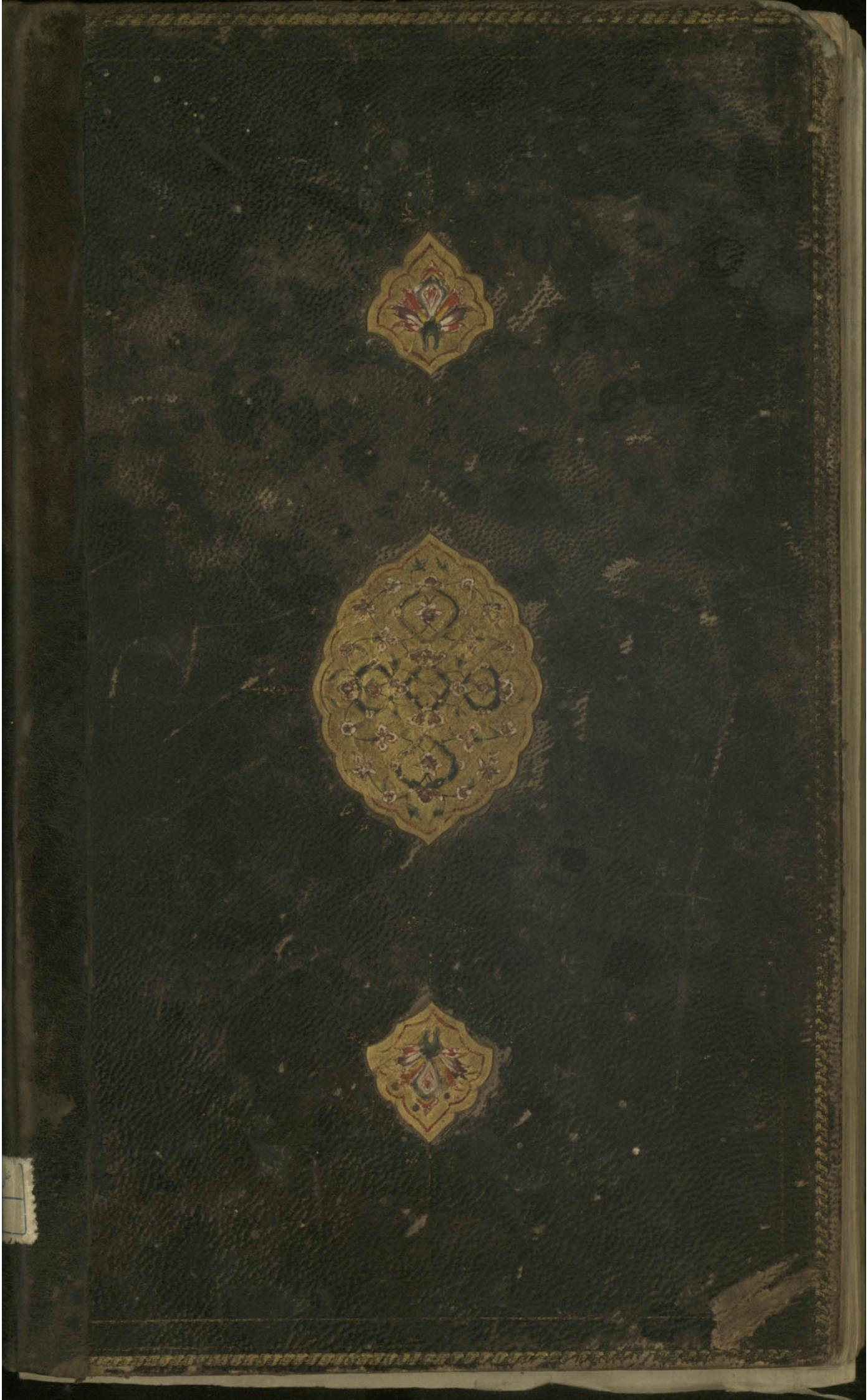
نسخ بخط و قلم بهاء الدین